

آموزش فا در کنفرانس (۱۱)

لی هنجگی

فهرست

۲	آموزش فا ارائه شده در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۰
۳۵	مریدان دافا باید فا را مطالعه کنند
۵۱	مرید دافا چیست
۶۴	آموزش فای بیستمین سالروز

آموزش فائده‌ها شده در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۰

لی هنگ‌جی

۵ سپتامبر ۲۰۱۰ ~ منهن

عصر بخیر! (تمامی مریدان دافا، "عصر بخیر استاد!" تشویق پرشور.) شما واقعاً سخت کار کرده‌اید! (مریدان پاسخ می‌دهند، "استاد سخت کار کرده‌اند!") یک گردهمایی در چنین مقیاسی نادر است، و این دفعه تعداد زیادی از شاگردان آمده‌اند. شنیدم که دو سالن کنفرانس پر شده است. در یک چشم به هم زدن ده سال سپری شده است. هر آزار و اذیتی که مرتکب شده باشند، صرفاً در خدمت آبدیده کردن مریدان دافای ما تا مرحله بلوغ بوده است. مریدان دافا دست‌خوش به اصطلاح "آزمایشی" شدند که هم شیطانی و هم شدید بود، و از آن با موفقیت گذر کرده‌اند. به‌طور پیوسته تلاش کرده‌اید بدون توجه به اینکه این آزار و شکنجه چقدر شیطانی بوده، حقیقت را روشن کنید، موجودات ذی‌شعور را نجات دهید و به فا اعتبار بخشید، درحالی که ذهن‌تان درباره این که درحال انجام چه کاری هستید بی‌نهایت روشن است. مریدان دافای ما هرگز درگیر امور سیاسی مردم عادی نشده‌اند، و هیچ علاقه‌ای به قدرت سیاسی ندارند. ما فقط یک گروه تزکیه‌کننده هستیم. از سوی دیگر، عاملان آزار و شکنجه، برای این که فالون‌گونگ را و آن افرادی که جن، شن، رن را تزکیه می‌کنند مورد آزار و اذیت قرار دهند، هیچ تردید و دودلی نداشته‌اند تا اخلاقیات بشری را نابود کنند و دروغ، شرارت، خشونت و چیزهای شهوت‌انگیز -- بدترین چیزهای شناخته شده توسط انسان -- را انتشار دهند تا درمقابل ما بایستند. به عبارت دیگر، حتی با این که ما هیچ برنامه سیاسی نداریم؛ مایل نیستیم قدرت سیاسی هیچ کسی را تصاحب کنیم؛ و صرفاً به محیطی نیاز داریم که بگذارد به تزکیه‌مان پردازیم و آزاد باشیم به دافا عقیده داشته باشیم -- این کفایت می‌کرد -- اما این طور نیست که عاملان آزار و شکنجه مطلقاً نمی‌دانند که در آزار و اذیت ما، درحال انجام چه کاری هستند. کاملاً آگاهند که این افراد مشتاق هستند که افراد خوبی باشند. رژیم ح‌ک‌چ شرور، نهادی نیست که مردم را به خوب بودن تشویق کند. درست از روزی که قدرت سیاسی را به دست گرفت، دسته تبه‌کارانی بوده‌اند که خودشان را تقویت کرده‌اند، و از آن زمان تاکنون، از فریب و دروغ استفاده کرده تا مردم را گول بزنند، و از خشونت استفاده کرده تا حکومت استبدادی خود را تأسیس کند. این‌ها ویژگی‌هایی هستند که در بنیان این رژیم نهفته است. در تمام این مدت بر دروغ‌های بی‌رحمانه و سرکوب‌خشن تکیه کرده تا باقی بماند، و تقریباً هر وقت که تبلیغاتی را منتشر کرده و در ادامه آن، از سرکوب‌خشن استفاده کرده، این‌ها برپایه دروغ‌هایی بوده‌اند. دستاوردهای سیاسی آن جعلی هستند، قهرمانانی که ستایش کرده جعلی هستند، تبه‌کارانی که شکست داده جعلی هستند، "نیروهای دشمن" که آن را بزرگ‌نمایی می‌کند جعلی هستند، شخصیت‌هایی که به‌عنوان الگو بنا نهاده جعلی هستند، و ظاهر بلندمرتبه آن جعلی است. اما مردم در همه جا، و مخصوصاً در چین، به تدریج درحال دیدن چهره واقعی آن هستند.

بنابراین، چیزی که این به ما می‌گوید این است که، درحالی که به آزار و اذیت فالون‌گونگ می‌پردازد، برای این که این گروه از افراد را مورد آزار و اذیت قرار دهد و فالون‌گونگ را پایین بکشد، چشم خود را بر این چیزهای شیطانی و رفتارهای مخرب بسته است به طوری که به مقابله با ارزش‌های جن، شن، رن پردازد و اجتماع را با آن چیزهای بد غرق کند، تا مرحله‌ای که خارج از کنترل شوند. اما برعکس، حالا که این چیزهای بد به اندازه کافی قدرت جمع‌آوری کرده‌اند تا نیرویی در سمت خودشان شوند، به خطری برای قدرت رژیم منجر شده‌اند، و در این مرحله حتی اگر رژیم سعی هم می‌کرد قادر نمی‌بود افسار آن‌ها را بکشد. بنابراین شعله آزار و اذیت فالون‌گونگ به سمت رژیم برگشته است، و ما حالا درحال مشاهده پایان این روندی هستیم که درحال اجرا است. در ابتدا چیزی گفتم، این که، پایان‌نگینی که برای این حزب شرور در ذخیره است در دست مردم نخواهد بود، بلکه، زوال آن موردی از کیفر [اعمال] شیطانی آن است -- از درو کردن آنچه کاشت. آن‌گاه به‌عنوان مریدان دافای

ما، باید درخصوص تمامی این چیزها بی‌نهایت آگاه باقی بمانید و درباره آنچه که درحال انجام آن هستید بی‌نهایت روشن باشید. در هیچ مرحله‌ای از این سفر، هرگز اصولی که برای شما به‌عنوان تکیه‌کننده قرار داده شده را تغییر ندهام، بنابراین آن افرادی در بین ما که ذهن‌شان مبهم است واقعاً نباید این‌طور باشند، و نباید بگذارید وابستگی‌های بشری، شما را تحریک کند تا خیال‌پردازی کنید.

کل شکل‌گیری سه‌قلمرو و خلق زمین برای این امر پایانی امروز بود. آنچه که بین انسان‌ها نشان داده می‌شود گروهی از افراد خوب هستند که مردم دنیا را نجات می‌دهند و اجتماع را برای تغییر به سمت بهتر شدن راهنمایی می‌کنند، دنیا و بشریت را رهایی می‌بخشند. اما همان‌طور که از کیهان دیده می‌شود، این اصلاح‌فا است که درحال وقوع است، و این شامل موجودات ذی‌شعور بی‌شمار و بی‌اندازه، دنیاها بسیار عظیم، و بدن‌های کیهانی بی‌شمار می‌شود. بنابراین آن چیزهای ناچیزی که این‌جا در بین انسان‌ها برای بدست آوردن وجود دارد، یا قدرت سیاسی، به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. اما وقتی یک مرید دافا این‌جا در بین انسان‌ها برای این امر قرار دارد، اگر می‌خواهد درست را از اشتباه تشخیص دهد باید بر دافا تکیه کند. یک شخص به‌محض پیوستن به دنیای فناپذیرها، وارد توهم می‌شود، و بنابراین هیچ کسی نمی‌تواند حقیقت چیزها را بسیار روشن ببیند. درخصوص این که چگونه رفتار کنید، فقط از این‌فا می‌توانید راهنمایی بگیرید. بنابراین، تجربه واقعی این سال‌ها نشان داده است که با خوب مطالعه کردن‌فا، یک مرید دافا می‌تواند در تغییرات پیاپی باشند، اگر واقعاً از عهده این برآید که تکیه خود را با‌فا تنظیم می‌تواند پیچیده باشد، یا مسائل چقدر می‌توانند در تغییرات پیاپی باشند، و بدون توجه به این که این جامعه چقدر و هم‌تراز کند، او می‌تواند توسط ظواهر دروغین این‌جا به گمراهی نرود-- همین‌طور توسط محدوده‌ای از وابستگی‌ها، افکار و وسوسه‌های بشری و چیزهایی که می‌تواند وابستگی‌ها را تحریک کند و نیز انواع و اقسام چیزهای سطحی، که برای مداخله با تکیه‌اش طرح‌ریزی می‌کنند.

مریدان دافایم، سعی کنید به‌طور واقعی به مسیری که این سال‌ها پیمودید نگاه منطقی و آرامی بیندازید. درحالی که خیلی از چیزها ممکن است به‌نظر برسند که هیچ توضیح منطقی نداشته باشند، اما همگی، ترتیب و نظمی داشتند و برای سود رساندن به شما، باعث شدند این فصل پایانی تاریخ که برای اصلاح‌فا است ذره ذره به درازا کشیده شود. قبل از این که آزار و اذیت مریدان دافا شروع شود را به‌خاطر می‌آورم، کنفرانس‌های بزرگی این‌جا برگزار شد. در آن زمان، بسیاری از شاگردان شرکت کردند، و حالا، آیا همگی شما دوباره این‌جا برنگشتید؟ مردم این دنیا به‌طور فزاینده‌ای درحال دیدن ماهیت شیطان هستند. و به‌طور مشابه، مردم همه‌جا به‌طور فزاینده‌ای درحال درک این هستند که دقیقاً چه چیزی مریدان دافا و فالون‌گونگ را چیزی که هستند ساخته است. چه کسی درست است و چه کسی شورو؛ چه کسی خوب است و چه کسی شیطانی؛ ادعاهای بی‌اساس؛ و تهمت و افترا-- مردم دنیا به‌زودی تمامی این چیزها را کاملاً خواهند دید. آن رژیم شیطانی تبه‌کاران، هر کسی را که می‌خواسته پایین بکشد همیشه به او تهمت‌های دروغین زده است، و مدت‌ها این رویکردش بوده است. اما چنین چیزهایی حالا یکی یکی افشا می‌شوند. در مبارزات گوناگون ح‌ک‌چ، آن همیشه از طرفندهای مشابه و آن‌هایی که مانند [طرفندهای] تبه‌کاران هستند استفاده کرده است. یعنی، با ساختن شایعه درباره گروهی که می‌خواهد مورد آزار و اذیت قرار دهد شروع می‌کند، و کاری می‌کند که رسانه‌هایش به‌طور دسته‌جمعی هجوم بیاورند تا آن گروه را مورد نکوهش قرار دهند و احساسات عموم را نسبت به آن تحریک می‌کند، مردم را طوری فریب می‌دهد که بخشی از امور خودش شوند. سپس پیش می‌رود تا هر کسی را که هدف قرار داده پایین بکشد. بنابراین معنی واقعی اصطلاح "مبارزه همگانی" این است. این بار این مؤثر نخواهد بود. مطمئناً، در اصلاح‌فا کیهان، تمامی خدایان کیهان با دقت درحال مشاهده هستند و انبوهی از بوداها، دائوها و خدایان درحال مشارکت هستند. آیا یک دسته افراد شیطانی هنوز هم می‌توانند این بار روش خود را داشته باشند؟ [آن‌چه که در این دنیا درحال روی دادن است] صرفاً نمونه‌ای است از این که این حزب شیطانی متکبر وحشی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مریدان دافا را مورد استفاده قرار دهد و در مواجهه با مرگ، وابستگی‌های مریدان دافا را از بین ببرد، و بدین شکل به سمت کمال‌های‌شان ببرد و در عین حال آن افرادی که درخور این نیستند که مرید دافا باشند را غربال کند. تمام این‌ها صرفاً چنین روندی به حساب می‌آیند. فقط توسط بودن در بین توهم و گذر از این روند است که شخص می‌تواند بچشد که معنی واقعی "سختی" چیست. چیزی که الان گفتم

برای این بود که به شما بگویم میدان دافا برجسته هستند، و شما از آزار و اذیت با موفقیت گذر کرده‌اید. اما، برخی از افراد واقعاً نباید به شکلی که انجام دادند جهت‌شان را گم کنند. باید دربارهٔ این که برای چه این‌جا هستید روشن باشید.

چیز دیگری است که مایلیم دربارهٔ آن صحبت کنم. این که، در تمام این سال‌های طولانی که میدان دافای ما مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، تلاش‌های ما برای پیوسته افشا کردن آزار و اذیت و توجه مردم به این که آن‌چه گفته شد فقط دروغ‌های متهم‌کننده و اتهامات دروغین هستند، در واقع برای نجات مردم دنیا بوده است. این بدین دلیل است که افرادی که واقعاً مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند میدان دافا نیستند، بلکه مردم دنیا هستند. پیش‌تر گفتم که میدان دافا، در بین تمام این فشارهای عظیم، و در بین آزمایش‌های واقعی مرگ و زندگی، فقط در حال گذر از روند پیش‌رفتن به سوی کمال هستند. آیا تمام آزار و اذیت گذشتهٔ عقاید راستین در حال انجام چنین کاری نبودند؟ قبلاً گفتم که بشریت بارها و بارها نتوانسته درس‌های مثبت بگیرد؛ مردم همیشه نتوانسته‌اند درس‌های منفی را به یاد بسپارند. هر چقدر هم امور سخت شوند، میدان دافا در حال نجات مردم دنیا هستند، و در هر یک از ابتکاراتی که به‌عهده می‌گیرید، در حال انجام آن‌چه که توصیف کردم هستید. میدان دافا ابتکارات بسیاری را برای روشن‌گری حقیقت و نجات مردم آغاز کرده‌اند، با این هدف که قادر باشند به‌طور مؤثری موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و آزار و اذیت شیطان را افشا کنند. برخی مقداری بزرگ‌تر هستند، و برخی مقداری کوچک‌تر؛ برخی نهادهای رسانه‌ای هستند؛ دیگران در جستجوی این هستند که مسدود شدن اینترنت را برطرف کنند؛ و بعد تلاش‌هایی در تمامی زمینه‌ها و در هر سطحی از اجتماع وجود دارد که شکل‌های گوناگون زیادی را اختیار می‌کنند برای این که به فا اعتبار ببخشند و مردم را نجات دهند. تمامی آن‌چه که انجام داده‌اید خارق‌العاده هستند. تمامی این چیزها توسط خود شما آغاز شده و توسط میدان دافا سازمان‌دهی شدند به این امید که تأثیر بزرگ‌تری داشته باشند؛ آن‌ها تلاش‌هایی هستند که در نجات مردم مؤثر بوده‌اند. در این خصوص، استاد شما را تأیید می‌کند. تا وقتی استاد نگفته است که به‌طور ضعیفی عمل کردید یا آن‌چه که انجام می‌دهید ضروری نیست، بروید و آن کار را انجام دهید، و آن را به‌خوبی انجام دهید. تا وقتی آن‌چه که در حال انجام آن هستید بتواند مردم را نجات دهد، آن‌گاه آن را انجام دهید. شما نیاز ندارید استاد هر یک از کارهایی را که انجام می‌دهید تأیید کند.

در روزگاران قدیم، همان‌طور که می‌دانید، تزکیه‌کنندگان کمال شخصی خود را هدف اصلی در نظر می‌گرفتند. آیا چیزی به اهمیت تاریخی اشاعهٔ گستردهٔ دافا می‌تواند جزئی باشد؟ وقتی این فای کیهان است که به مردم ارائه و منتقل می‌شود، آیا شخصی که آن را تزکیه می‌کند می‌تواند صرفاً یک موجود بشری معمولی باشد؟ آن‌چه که شاکيامونی در گذشته زمانی که در قید حیات بود منتقل کرد فای آرہات بود. بودیسم ماهایانا چیزی بود که پس از این‌که شاکيامونی این دنیا را ترک کرده بود جمع‌آوری شده بود، و دقیق‌تر بگویم، آن اشتقاقی از چیز اصلی است؛ یعنی آن دیگر توانایی این را نداشت که تزکیهٔ افراد را در مقایسه با چیز اصلی به ورای سطح آرہات ببرد. در مقابل، میدان دافا پادشاهانی هستند که از آسمان‌های بالا آمدند تا به استاد کمک کنند فا را اصلاح کند، و اساساً به خاطر این حقیقت که اصلاح فای کیهان قرار بود اتفاق بیفتد است که میدان دافا، بهره‌مند شده از چنین بنیان معنوی شگرفی، پدیدار شدند. و موجودات ذی‌شعور این‌جا در این دنیا که قرار است نجات یابند نیز به‌سادگی آن‌چه ممکن است به‌نظر برسند نیستند؛ یک موجود معمولی ارزش این را ندارد که توسط دافای کیهان یا یک مرید دافا نجات یابد. اکثریت مردم در این دنیا امروز حیات‌هایی هستند که از آسمان‌ها به این‌جا پایین آمدند، موجود بشری شدند، و گروه‌های عظیمی از حیات‌ها پشت آن‌ها قرار دارند و به آن‌ها پیوند خورده‌اند. بنابراین، با اموری که این‌اندازه مهم هستند، [کارهایی که در حال انجام آن‌ها هستید] اموری نیستند که یک تزکیه‌کنندهٔ عادی می‌توانست انجام دهد، و مرتبهٔ آسمانی [که به آن نائل خواهید شد] نیز مرتبه‌ای نیست که یک تزکیه‌کنندهٔ عادی می‌توانست به آن نائل شود. حالا امور اصلاً به سادگی آن‌چه که مردم در روزگاران گذشته آن‌ها را درک می‌کردند نیستند.

همان‌طور که گفته‌ام، تمرین‌های مذهبی، بسیاری از عقاید، و روش‌های تزکیهٔ مختلف گذشته صرفاً در حال بنا نهادن فرهنگی در این قلمروی بشری بودند که شامل تزکیه و آگاهی از موجودات خدایی می‌شد. اگر آن افراد و آن موجودات روشن‌بین نیامده بودند تا این فرهنگ را بنیان گذارند، مردم امروزه درک نمی‌کردند که منظور از "تزکیه" چیست، یا آن موجودات خدایی که در آسمان‌ها مقیم هستند، و آن‌ها شبیه چه هستند. بوداها، موجودات خدایی دائئوئیستی، خدایانی که برای انسان شناخته

شده‌اند مانند مسیح و یهوه و البته بسیاری از موجودات خدایی بیش‌تری از همه نوع وجود دارند. آن‌ها آگاهی از موجودات خدایی را که فرهنگ انسان در خود دارد به‌وجود آوردند، و به مردم اجازه دادند تا در طول تاریخ دانشی غنی دربارهٔ مشخصات موجودات خدایی و چگونگی پرداختن به امور داشته باشند، همین‌طور دربارهٔ این‌که تزکیه چیست، شکل‌های مختلف آن و چه چیزهایی برای انجام تزکیه مورد نیاز است. از آنجا که چنین چیزهایی در فرهنگ بشری بنیان گذاشته شد، برای من بسیار آسان‌تر است که امروز فا را معرفی کنم. نیازی ندارم بیش‌تر به شما آموزش دهم که موجودات خدایی چه هستند، تزکیه چیست، و رسیدن به قلمروهای خدایی شامل چه چیزهایی می‌شود. بنابراین نیازی نیست که خیلی از چیزهای بسیار سطحی را تشریح کنم، که در غیر این‌صورت مجبور می‌بودم این کار را انجام دهم. به‌عبارت دیگر، حالا مردم درک می‌کنند، و می‌دانند چراکه این قسمت از فرهنگ بشری بنیان گذاشته شده است. و این دلیل واقعی این بود که چرا آن موجودات روشن‌بین به این دنیا آمدند. امروز ماجرای متفاوتی است. امروز، مریدان دافا هم‌زمان با اصلاح فای کیهان این‌جا هستند، و دقیقاً/این مرحله‌ای که در آن وارد شده‌ایم بود که به مردم [دربارهٔ آن] گفته شد، که پیش‌گویی‌ها توصیف کردند؛ و تا حدودی توسط افرادی با توانایی‌های فوق‌طبیعی شناخته شد یا درک کرده شد. و این مرحله— امور نهایی و پایانی— دقیقاً چیزی است که مریدان دافا درحال اجرای آن هستند.

هر مرید دافایی قابل توجه است. سطوحی که از آن‌جا پایین آمده‌اند به‌هیچ وجه عادی نیستند، و آن‌ها در طول پیشرفت تاریخ بشری فرهنگ انسان را پایه‌گذاری کردند. بسیاری از شخصیت‌های تاریخی شناخته‌شده، در بین مریدان دافای ما هستند، و بدون توجه به این‌که ظاهر یک موجود روشن‌بین را به خود گرفت یا شاید ظاهر یک چهرهٔ مشهور فرهنگی، یک ژنرال مشهور، یا پادشاه یک کشور؛ هر شخصی که نامش برای آیندگان به‌جای مانده خارق‌العاده است. و چیزهای بسیار باشکوه بیش‌تری وجود دارند که در گذشته انجام شدند و به‌نظر خارق‌العاده می‌رسیدند اما ثبت نشدند و هیچ اثری به‌جای نگذاشتند. این بدین دلیل بود که خدایان مایل نبودند آن چیزها به‌جای گذاشته شوند. شخصی عادی ارزش این را ندارد که نامش برای آیندگان ثبت شود، چراکه تاریخ بشری ماهیتاً برای خدمت به اصلاح فا و اعتباربخشی به فا شکل گرفت. این‌که چه قسمتی از فرهنگ انسان، یا میراث فکری اجازه می‌یابد باقی بماند چیزی جزئی نیست. و دلیل بودن بشریت و تاریخ واقعی آن نیز ساده نیست. تزکیه‌ای که مریدان دافا انجام می‌دهند، و نجات مردم [توسط] آن‌ها، به‌طور ذاتی به اصلاح فای کیهان گره خورده است.

همان‌طور که می‌دانید، از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ تا امروز شاهد این بوده‌ایم که اجتماع و نیز قلب مردم ذره ذره درحال تغییر بوده است، درست همان‌طور که شاهد تغییرات در درک مردم از مریدان دافا و ح‌کچ شرور و رویکردشان نسبت به این‌ها بوده‌ایم. اگر در مواجهه با آن شرایط شیطانی اقدامی نمی‌کردید، هیچ‌کسی به نیابت از طرف شما اقدامی نمی‌کرد، چراکه مردم همگی منتظر بوده‌اند تا شما آن‌ها را نجات دهید. قربانی واقعی آزار و اذیت، مردم دنیا هستند، نه شما. درحالی‌که مردم دیده‌اند که فالون‌گونگ درحال آزار و اذیت شدن است، و مریدان دافا درحال مقاومت در برابر آن هستند، اقدامات ما در برابر آزار و اذیت صرفاً نمودی ظاهری هستند. واقعیت این است که شما درحال نجات مردم هستید و برای نجات مردم است که شیطان را افشا می‌کنید. ح‌کچ شرور به مردم اجازه نمی‌دهد تا به الهیات باور داشته باشند، چراکه حزب متضاد الهیات است. خود الحاد گناه بسیار بدی است. وقتی یک شخص به‌صورت خدایی خلق می‌شود اما برمی‌گردد و دقیقاً هستی خدایی بودن را نفی می‌کند، هیچ راه دیگری برای او نیست جز این‌که توسط الهیات از بین برود. واقعاً برای من امیدوار کننده هست وقتی می‌بینم مریدان دافا چنین مقدار انرژی عظیمی را روی تمامی پروژه‌هایشان می‌گذارند، سعی می‌کنند تأثیر بزرگ‌تری در نجات مردم داشته باشند. آن‌گاه این بدین معنی است که درحالی‌که تحت آزار و شکنجه قرار دارید، درحال بنیان گذاشتن تقوای عظیم موجودات روشن‌بین هستید. آزار و اذیت کنندگان صرفاً تجلی شیطان هستند، همان‌طور که مریدان دافا روند رسیدن به کمال را طی می‌کنند. افرادی که واقعاً درحال آزار و اذیت شدن هستند مردم دنیا هستند.

به چه شکلی مردم دنیا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند؟ هرچه باشد، وقتی ارزش‌های اخلاقی اجتماع غرق شده باشد، به‌نظر می‌رسد مردم کمی راحت، آزاد و با محدودیت کمتر زندگی را می‌گذرانند. اما همان‌طور که می‌دانید، اکثریت مردم روی این زمین از آسمان‌ها به این‌جا آمدند، به‌طوری‌که بسیاری از آن‌ها درواقع به‌عنوان نمایندگان آن بدن کیهانی که از آن‌جا پایین آمدند به

پایین فرستاده شدند، [به عنوان نمایندگان] موجودات ذی شعور آن دنیا، به طوری که هدف از آمدن شان این بود که نهایتاً نجات یابند. این که نجات یابند یا خیر به این بستگی دارد که درحالی که [شخص] در این دنیا است، وقتی دافا معرفی می شود این شخص چگونه پاسخ می دهد. این بدین خاطر است که، در جریان اصلاح فای اعمال یک شخص این جا حالت موجودات ذی شعور بدن کیهانی که او نماینده آن است و پشت او قرار گرفته است را منعکس می کند. یک موجود بشری همان ظاهر یک موجود خدایی را ندارد. پس از آمدن به این قلمرو بشری و پایین تر شدن سطحش، فقط می تواند ظاهر یک موجود بشری را بگیرد. در این روز، همان طور که استاد فای را ارائه می کند، استاد نمی تواند شبیه یک موجود خدایی باشد. او صرفاً می تواند از زبان بشری برای آموزش دادن، و یک ظاهر بشری برای بودن در این جا با شما، استفاده کند. بسیاری از افراد نمی توانند این را متوجه شوند. مردم فکر می کنند که این فالون گونگ است که درحال آزار و اذیت شدن است، در صورتی که درواقع این مردم دنیا هستند که قربانی هستند. این را می گویم زیرا آن ها دروغ هایی که در جریان این آزار و اذیت گفته شد را باور کرده اند و از فالون گونگ متنفر شده اند. اما "فالون گونگ" نامی است که قانون بزرگ کیهان این جا در این دنیا به خود گرفته است. آن چه که مریدان دافا این جا درحال انجام آن هستند اعتباربخشی به فای است و آن ها مریدان فای هستند که درحال نجات موجودات ذی شعور می باشند، و مأموریت های عظیمی دارند. به بیانی دیگر، آنان فرستادگان آسمان و ملکوت هستند. اگر ذهن یک شخص زمینی مملو از افکار منفی درباره دافا یا مریدان دافا باشد، یا اگر این شخص درخصوص حقیقت بنیادین فای که جن، شن، رن است بدگویی کرده باشد یا با آن هم دل نباشد، آن گاه این شخص در نظر گرفته می شود که توسط نیروهای خدایی از بین برود، پاک سازی شود. و این مخصوصاً برای آن هایی که مستقیماً در آزار و اذیت مریدان دافا درگیر بوده اند، حرف های بد علیه دافا گفتند، یا علیه آن کارهای بدی انجام داده اند صحت دارد. بنابراین، وقتی در نظر بگیرید که مریدان دافا هر اندازه سخت مورد آزار و اذیت قرار بگیرند هنوز درحال پیمودن مسیر خدایی شدن هستند، و این که خواه زودتر یا دیر راهی شوند هنوز مطمئناً به کمال می رسند و برمی گردند، آیا درواقع این طور نیست که این موجودات بشری هستند که قربانیان واقعی آزار و اذیت می باشند؟

این کیهان موجودات ذی شعور بی شمار و بی اندازه ای دارد، همین طور خدایان بی شماری از انواع مختلف. کیهان پهناور به طور غیر قابل ملاحظه ای مقدس است، به طوری که تعداد خدایان در آسمان ها که سطح شان مشابه سطح شاکيامونی است آن قدر زیاد است که غیر قابل شمارش می باشد. شاکيامونی از عبارت "به اندازه شن های رود گنگ، غیر قابل شمارش" استفاده کرد تا بزرگی این مقدار را توصیف کند، اما درواقع، اگر مجموع تمامی شن های این زمین را اضافه کنید، هنوز هم به عنوان یک استعاره برای تعداد موجودات خدایی در آن سطح کافی نیست. و آن چه درحال گفتگو درباره آن هستیم صرفاً استعاره ای برای تعداد موجودات خدایی در فقط آن یک سطح است. پس به طور مقایسه بیان کنیم، یک موجود بشری به چه حساب می آید؟ به سختی ارزش این را دارد که نامی از او برده شود. به هر حال، گرچه سطح وجودش ممکن است پایین باشد، اما پشت او، متصل به او، حیات هایی در سطوح بالاتر هستند. بسیاری از مردم در این دنیا درواقع نمایندگان گروهی از چنین حیات هایی هستند. اما تحت جادوی توهم، مردم از این چیزها نا آگاه باقی می ماندند، و چه رسد به این که بدانند خودشان واقعاً چه کسانی هستند. اما پشت بسیاری از مردم دنیا، به نمایندگی آن ها، درواقع حیات های سطوح بالاتر بی شمار و بی اندازه ای وجود دارد. پس، از این نقطه نظر، آیا چنین فای بزرگ یا چنین مریدان دافای خارق العاده ای می آمدند تا صرفاً یک موجود بشری عادی معمولی را نجات دهند؟ آیا این می توانست روی دهد؟ در حال حاضر، برای اکثریت مردم در این دنیا، دلایل عمیق تری برای بودن شان در این جا وجود دارد. اگر یک شخص واقعاً نماینده سیستم کیهانی عظیمی باشد که به زمین فرستاده شده است، آن گاه آن چه او نماینده آن است یک دنیا است، لایه ای از این کیهان، یا لایه ای از یک بدن کیهانی است. از آن جا که یک بدن کیهانی یک موجودیت گردشی است، آن گاه هر سیستم کیهانی، بدون توجه به اندازه آن، یک سیستم خودش را دارد، به طوری که یک سیستمی در سطوح بالا و حتی بالاتری نیز وجود دارد، که متعلق به آن است. و هر چه سطح بالاتر باشد، آن بزرگ تر است؛ تعداد غیر قابل شمارشی از موجودات ذی شعور بزرگ تر هستند؛ و خدایان هم عظیم تر هستند، به طوری که تعداد موجودات ذی شعور، کمتر تخمین پذیر هستند. به طور کلی، عالم تا گستره فوق العاده ای عظیم است. وقتی یک مرید دافا یک شخص را نجات می دهد، به هیچ وجه صرفاً یک موجود بشری که ما می شناسیم نیست؛ در نتیجه آن، بدن عظیمی از حیات ها نجات خواهند یافت. به بیانی دیگر، این که شخص چگونه به دافا و مریدان دافا واکنش نشان می دهد صرفاً رفتار یک بشر نیست. و البته، اگر لایه سطحی

خیلی آگاه و بیدار نباشد، مانعی برای نجات یافتن آن شخص و موجودات ذی‌شعوری که نمایندهٔ آنها است به‌وجود خواهد آورد، بنابراین به این دلیل است که باید حقیقت را روشن کنیم.

آن‌چه که الان توضیح دادم چیزی بسیار بزرگ بود. افراد بسیاری امروز این‌جا هستند که به فا گوش می‌دهند. گوش دادن به فا برای مریدان دافا مشکلی نخواهد بود، اما شاید این‌جا برخی شاگردان جدیدتر یا حمایت‌کنندگان فالون گونگ یا اعضای خانواده باشند که در درک آن مشکل داشته باشند. اما از آن‌جا که هر چه باشد این یک کنفرانس فا است، من در حال آموزش فا هستم که برای مریدان دافا است که داشته باشند، و راه دیگری وجود ندارد جز این‌که این‌گونه آموزش دهیم. بنابراین، [موارد بالا] دلیل آن بود که چرا قانون بزرگ کیهان در دنیای بشری در حال اشاعه است. فقط موجوداتی شبیه [آن‌چه توصیف کردم] ارزش این را دارند که توسط مریدان دافا نجات یابند، و فقط چنین موجوداتی ارزش این را دارند که قانون بزرگ کیهان این‌جا در این دنیا پخش شود-- این قدر تاریخی و عظیم است. بنابراین، گرچه موجودی بشری این‌جا [که] روی سطحی پایین‌تر [قرار دارد]، بدن عظیمی از حیات‌ها را پشت خود دارد، اما درحالی که او این‌جا روی زمین قرار دارد، قرار است یک شخص عادی این قلمرو، این سطح، باشد. این‌گونه است. گرچه شخص در پایین‌ترین سطح قرار دارد، اگر علیه فای کیهان مرتکب گناهی شود، یا اگر نتواند با این فا که کیهان و موجودات ذی‌شعور بی‌شماری را خلق کرده هم‌دل باشد، آن‌گاه پس از مخالفت با چنین چیزهایی کجا قرار است برود؟ مرگ، همان‌طور که مردم درکی از آن دارند، شامل رفتن به مکان خاصی می‌شود. اما چنین شخصی کجا خواهد رفت؟ حتی آن ماده‌ای که در این عالم در نتیجهٔ مرگ نهایی چیزی می‌باشد توسط این فا خلق می‌شود، بنابراین اگر این شخص مخالف فا باشد، کجا باید برود؟ به‌عنوان مثال، در کتاب مقدس، یهوه و مسیح هر دو اشاره کردند که حیات آن‌هایی که حواریون را آزار و شکنجه می‌کنند چگونه برای همیشه با عذاب و دوزخ ابدی مواجه می‌شود. این حتی تا وقتی که کیهان جدید خلق می‌شود صحت خواهد داشت، و در طول سال‌های طولانی تاریخ، گناه‌کار به‌طور بی‌وقفه جزای کارمای گناه خود را می‌پردازد. عجب، چقدر وحشتناک است! این رنج و عذاب، پایانی نخواهد داشت، چراکه وقتی کسی علیه قانون بزرگ کیهان مرتکب گناه شده باشد، کارمای گناه این اندازه بزرگ است. گرچه یک موجود بشری فقط یک بشر است، اما در واقع او یک نمایندهٔ سطوح بالاتر است. بنابراین، وقتی یک موجود بشری علیه دافا مرتکب گناه می‌شود، بدن حیات‌های پشت او که او نمایندهٔ آن‌ها است، از بالا تا پایین، تمامی خدایان بی‌شمار و هر گونه موجودات آن را کاملاً منهدم‌شده خواهد دید، چراکه این اصلاح فای کیهان است. رحمت قبل از این‌که فاجعهٔ بزرگ وارد شود تقدیم می‌شود، اما اصلاح فا به‌طور سخت و شدیدی جدی است.

فای من به مردم عادی آموزش داده نمی‌شود، بلکه به مریدان دافا آموزش داده می‌شود. مریدان دافا همگی درک می‌کنند این چیست. این بدین معنی است که افرادی که واقعاً مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند موجودات بشری هستند، و آن‌هایی که در صف از بین برده شدن قرار گرفته‌اند موجودات بشری هستند. در واقع هدف آزار و اذیت این بود که از یک سو مریدان دافا را مورد آزمایش قرار دهد، و از سوی دیگر، حیات‌های کهن در کیهان را پاک‌سازی کند، که انسان یکی از آن‌ها است. نیروهای کهن تصمیم قاطع گرفته بودند که انسان نجات پیدا نکند، چراکه نیروهای کهن کیهان بر این باور بودند که دیگر نه کیهان و نه موجودات ذی‌شعور آن خوب هستند، و بنابراین همگی باید از بین بروند. در عین حال، تزکیه‌کنندگان دچار آزمون‌های سخت و دشواری می‌شدند، به‌طوری که هر کدام از مریدان دافا که نمی‌توانستند به‌خوبی تزکیه کنند از بین می‌رفتند. مردم دنیا و دیگر موجودات ذی‌شعور نگه داشته نمی‌شدند. احتمالاً پیش‌گویی‌های زیادی بدین مضمون را دیده‌اید، که برخی میزان مردمی که به‌جای می‌مانند را یک در ده‌هزار، یک در هزار، یا فقط یک نفر در ده خانوار عنوان کرده‌اند. به هر شکل، آن‌ها می‌خواستند موجودات ذی‌شعور را در مقیاسی وسیع نابود کنند. اما، هدف اصلی اشاعهٔ گستردهٔ دافا در این دنیا، و نجات موجودات ذی‌شعور این است که هر چیزی را جبران کند و رهایی ببخشد-- تمامی موجودات ذی‌شعوری که قابلیت نجات یافتن دارند را نجات دهد. و این دلیل آن است که چرا تا حدی که می‌توانیم، انجام داده‌ایم، بهترین سعی خود را کرده‌ایم تا بیش‌تر نجات دهیم.

شرکت نیروهای کهن این کیهان در این امر اصلاح فا ذاتاً به‌عنوان یک شیطان برای دافا و اصلاح فا عمل می‌کند. همان‌طور که آگاه هستید، این‌جا در بین انسان ایجاد متقابل و بازدارندهٔ متقابل مشغول کار است، یک مثبت در مقابل یک منفی.

اجتماع بشری این گونه است. مردم ذاتاً در محیطی زندگی می کنند که شرارت به همراه خوبی وجود دارد، و جوهر مادی انسان این دو جنبه خوبی و شرارت را دارا می باشد. بنابراین، وقتی یک شخص کنترل خود را از دست می دهد و عصبانی می شود، غیر منطقی، بی رحم، نفرت انگیز می شود، یا سخت تحت تأثیر لذت قرار می گیرد، این سرشت اهریمنی است که مشغول کار است؛ درحالی که وقتی او منطقی، رحیم یا مهربان باشد، این سرشت بودایی، یا سرشت خوب او است که مشغول کار می باشد. و در این دنیا افراد خوب وجود دارند، افراد بد وجود دارند، آن هایی که مهربان هستند، آن هایی که شرور هستند، درست همان طور که در آسمان ها بوداها وجود دارند-- که پادشاهان فاهستند-- همین طور پادشاهان اهریمن. البته تمامی این ها باهم جور در می آیند و این سازگاری و توافق تمام مسیر تا سطوح بسیار بالا می رود، با یک منفی در برابر یک مثبت. داشتن یک منفی برای یک مثبت، هر چیزی را در کیهان کهن در تعادل نگه می دارد. وقتی نیروهای کهن کیهان دیدند که این دافا که درحال اشاعه بود کاملاً مثبت بود، بلافاصله بسیاری از اهریمنان و سختی ها را به وجود آوردند. دقیقاً بدین شیوه چیزی را شکل دادند که برای این اصلاح فا و برای دافای کیهان یک اهریمن بود. مسائل این گونه روی دادند.

پس چیزی که می توانیم بگوییم این است که، تمام کارهایی که مریدان دافا این سال ها انجام داده اند به منظور نجات مردم و روشن گری حقیقت بوده است. حتی گرچه بسیاری از مریدان دافا تا درجه شدیدی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند، تمامی آن ها در مسیر خدایی شدن به وقوع پیوستند؛ خواه شخص زود یا دیر راهی شود، هر یک باید به کمال برسند. درحالی که برعکس، مردم عادی چنین فرصتی ندارند. پس چه چیزی زندگی یک مرید دافا را این قدر خاص می سازد؟ بنیان آن از ابتدایی ترین زمان در تاریخ درحال پایه گذاری بود، و بدین شیوه بود که مریدان دافا تا حال حاضر با موفقیت گذر کرده اند. در میان مرتبه های مریدان دافا، مریدان مسیح و نیز مریدان شاکيامونی، و البته موجودات خدایی دیگر که شما آن ها و مریدان شان را نمی شناسید نیز وجود دارند. البته شما واقعاً مریدان آن ها نیستید. شما مریدان دافا هستید، و صرفاً به انتظار این روز بوده اید. به عبارت دیگر، شما در ساختن فرهنگی برای بشریت به همراه آن چهره های مقدس بوده اید، و امروز، آن فرهنگ دوباره مورد استفاده قرار می گیرد تا مردم را نجات دهد.

پس از کنفرانس فای اخیرمان در واشنگتن دی سی در پایتخت ایالات متحده، بسیاری از شاگردان شنیدند که استاد به جلسه هر پروژه می رود و با آن ها دیدار می کند، و بدین شکل، ناگهان هزاران نفر امروز آمدند. (خنده) تمامی پروژه ها تعداد زیادی دعوت نامه برای من فرستادند، و هر یک، بزرگ یا کوچک، خواستند استاد با آن ها جلسه ای بگذارد. (خنده) استاد قادر نمی بود از عهده همگی آن ها برآید. چیزی که الان گفتم در واقع برای این بود که به شما بگویم که همگی بسیار خوب عمل کرده اید، و نیازی ندارید که استاد هر یک از کارهایی را که انجام می دهید یا هر یک از شما را تأیید کند. با انجام آن تا امروز، و با شرکت در نجات موجودات ذی شعور، درحال روشن کردن مسیری برای خودتان، بنیان گذاشتن تقوای عظیم خودتان، و به انجام رساندن مأموریت تاریخی خود هستید. بسیاری از این چیزها توسط توهم پنهان می شوند، و حتی اگر استاد چیزی را به شما آموزش دهد، آن را با جزئیات تمام به شما نمی گوید. (استاد می خندند) بنابراین می خواستم با شما در میان بگذارم که نمی توانستم از عهده این برآیم که [در تمامی جلسات شما] شرکت کنم، حتی با این که مرا دعوت کردید. (همه می خندند) اما حالا که آمده ام نمی خواهم ناامیدتان هم کنم. می دانم که همیشه می خواهید چیزهایی را با استاد در میان بگذارید. (مریدان تشویق می کنند) اما این جا افراد بسیار زیادی هستند، پس بگذارید برگه های پرسش ها را بالا بفرستید و من برای شما پاسخ خواهم داد. اما اگر پرسش های شما از نوع شخصی است، یا مرتبط با نجات موجودات ذی شعور یا کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند نیست، آن گاه آن ها را بالا نفرستید. اگر برگه ها بسیار زیاد باشد، و هر کسی یکی بنویسد، حتی تا فردا این ساعت هم تمام نخواهیم کرد. (همه می خندند) آن هایی که در سالن فرعی هستند نیز می توانند برگه های پرسش را بفرستند. بسیار خوب، آن ها را بیاورید-- شروع کنید و آن ها را بیاورید.

مرید: در هنگ بین جلد دوم، منظور از "چهار عنصر بزرگ" [باگذر زمان/ از بین رفته اند] چیست؟

استاد: می‌توانم این را توضیح دهم، اما فکر می‌کنم این پرسش زیاد ارتباطی با کارهای مان که در حال حاضر باید برای نجات موجودات ذی‌شعور انجام دهیم ندارد. منظور شاکيامونی از "چهار عنصر بزرگ"، خاک، آب، آتش و باد بود -- عامل بنیادین ایجاد عالم در قلمرو خاصی درون یک بدن کیهانی. دقیقاً روشن ساختم که در یک قلمرو خاص بود که چهار عنصر بزرگ عامل بنیادین پشت خلق آن عالم بود. اما هنوز هم آن، [عامل] نهایی نبود، عامل بنیادین واقعی. درحالی که بدن کیهانی در طول زمانی طولانی در حال گذر از مراحل ایجاد، ایستایی و تباهی بوده و به مرحله تباهی رسیده، چنین به نظر می‌رسد که در روند از بین رفتن [درگذر زمان] باشد.

مرید: مریدان دافای اهل کره در سرزمین چین دلتنگ استاد هستند.

استاد: از همگی شما تشکر می‌کنم. نیازی نیست این چیزها را در برگه‌های پرسش بنویسید. می‌دانم که همگی شما دلتنگ استاد هستید و استاد دلتنگ شما! (همگی مریدان بلند تشویق می‌کنند)

مرید: مریدان دافای پکن هر چه انتها نزدیک‌تر می‌شود بیش‌تر دلتنگ استاد می‌شوند.

استاد: از خواندن این‌گونه برگه‌ها با صدای بلند رد می‌شوم. فقط برگه‌هایی را برای خواندن انتخاب می‌کنم که پرسش داشته باشند.

مرید: مریدان دافا از دانشگاه کشاورزی پکن، دانشگاه زمین‌شناسی پکن، دانشگاه بی‌هانگ، دانشگاه جنگل‌داری پکن و ... به استاد درود می‌فرستند.

استاد: اجازه دهید درودهای بیش‌تری بالا نفرستید، چراکه خواندن آن‌ها زمان می‌برد. از همگی شما تشکر می‌کنم. (مریدان تشویق می‌کنند)

مرید: کل بدنۀ مریدان دافا در نان‌چانگ، گوانگ‌دونگ، هونان و شی‌نینگ درودشان را به استاد باشکوه می‌رسانند.

استاد: از خواندن درودها رد می‌شوم، و به پاسخ پرسش‌ها می‌پردازم. می‌خواهم با پرسش‌ها شروع کنم -- پاسخ پرسش‌ها.

مرید: کل بدنۀ شاگردان تایلند درودشان را به استاد می‌رسانند.

استاد: درودی دیگر. از همگی شما تشکر می‌کنم.

مرید: ذی‌یانگ، استان سی‌چوآن، چنگ‌دو ... (همگی می‌خندند)

استاد: یکی دیگر.

مرید: چگونه می‌توانیم افکار و عقاید و وابستگی‌هایی که توسط زندگی در میان مردم عادی شکل گرفته‌اند را در سریع‌ترین زمان ممکن از بین ببریم؟

استاد: (خنده) در بین چالش‌ها، یا وقتی مسائل نمی‌توانند حل و فصل شوند، مردم همیشه سعی می‌کنند به برخی از تاکتیک‌ها برای استفاده فکر کنند. اما در واقع هیچ میان‌بری وجود ندارد: شما مجبورید به‌طور واقعی تزکیه را به عمل بگذارید و هم‌سو با قانون بزرگ تزکیه کنید. اگر یک شخص بخواهد به‌سوی خدا شدن حرکت کند، و هنوز فکر کند، "بگذار ببینم آیا

می‌توانیم نوع خاصی میان بر پیدا کنیم" (خنده)، آیا او واقعاً می‌تواند توسط انجام تزکیه واقعی و استوار در حال رشد باشد؟ این عملی نیست. اگر می‌خواهید بالاتر بروید مجبورید به‌طور واقعی و استوار تزکیه کنید.

مرید: پس از این که استاد دفعه پیش در کنفرانس فای واشنگتن دی‌سی فا را آموزش داد، بسیاری از مریدان در سرزمین چین پی بردند که آن‌ها نیز باید بدون قید و شرط با هماهنگ‌کنندگان همکاری کنند. تا آن‌جا پیش رفتند که دنبال دستیاران و هماهنگ‌کنندگان پیشین محل [تمرین] رفتند تا از آن‌ها بخواهند حالا به‌عنوان هماهنگ‌کنندگان کلی باشند، علی‌رغم این حقیقت که این دستیاران و هماهنگ‌کنندگان پیشین محل [تمرین] در بسیاری از موارد هرگز به‌طور واقعی قدم پیش نگذاشته‌اند.

استاد: قبلاً، در سرزمین چین، آن مریدان دافایی که در موقعیت‌های مسئولیتی در محل‌های تمرین کار می‌کردند به خاطر این که به‌خوبی تزکیه کرده بودند در آن موقعیت‌ها نبودند، بلکه، به‌خاطر این بود که آن‌ها توانایی به انجام رساندن چنین کاری را داشتند و میل انجام چنین کاری را داشتند. این باید تزکیه‌کنندگان باشند که امور تزکیه‌کنندگان را اداره می‌کنند. فقط کافی نیست که در نظر داشت شخص در اداره امور چقدر خوب است؛ این که آیا او قادر است تزکیه کند نیز باید در نظر گرفته شود. این چیزی است که هرگز نمی‌تواند تغییر کند.

وقتی دفعه پیش فا را آموزش دادم، صراحتاً یک سطر در این باره اضافه کردم که، "این مربوط به مریدان دافای خارج از سرزمین چین می‌باشد." شرایط در سرزمین چین متفاوت است، بنابراین به افراد آن‌جا اشاره نمی‌کردم.

مرید: شاگردانی در سرزمین چین که کوشا هستند مشغول روشن‌گری حقیقت و نجات مردم هستند، و زمان کافی برای مطالعه فا یا انجام تمرین‌ها را ندارند، که منجر به این می‌شود که مورد آزار و اذیت قرار بگیرند. از سوی دیگر، برخی از شاگردان مقدار زیادی از وقت خود را صرف مطالعه فا و تمرین‌ها می‌کنند و به‌ندرت حقیقت را روشن می‌کنند. بسیاری شبیه این هستند. در این وضعیت، چه مقدار طول خواهد کشید قبل از این که بتوانیم مردم را به میزان کافی نجات دهیم؟

استاد: اصولاً این را می‌گویید که برخی فقط روشن‌گری حقیقت می‌کنند اما فا را مطالعه نمی‌کنند در حالی که دیگران فقط فا را مطالعه می‌کنند اما حقیقت را روشن نمی‌کنند. (خنده حضار) این دقیقاً عذر و بهانه‌ای است که نیروهای کهن استفاده می‌کنند تا مریدان دافا را مورد آزار و اذیت قرار دهند. [این چیزی است که روی می‌دهد] اگر نتوانید به‌طور واقعی این دو چیز را متعادل کنید، چراکه نجات مردم توسط دافا چیزی نیست که یک شخص عادی بتواند به انجام برساند. باید یک تزکیه‌کننده باشد. بنابراین، باید فا را مطالعه کنید، تزکیه کنید و یک تزکیه‌کننده باشید. وقتی یک فرد عادی آن را انجام می‌دهد به حساب نمی‌آید و او آن مقدار تقوای عظیم را به‌دست نمی‌آورد. پس اگر شما، به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، نتوانید این کار را به انجام برسانید و فقط فا را مطالعه کنید، آیا این‌طور نیست که هدف از مطالعه فا را در نظر نگرفته‌اید؟ این برای موفقیت خود شما و نیز نجات موجودات ذی‌شعور است. توسط مطالعه فا خودتان فا را به‌دست می‌آورید، اما آیا فقط می‌خواهید به‌دست بیاورید—مزایایی از دافا به‌دست بیاورید؟ به‌عبارت دیگر، اگر درحالی که مریدان دافا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و دافا مورد تهمت و افترا قرار می‌گیرد، شما برنخیزید و برای حمایت چیزی نگوئید، آیا ارزش به‌دست آوردن فا را دارید؟ موضوع این است.

مرید: برخی از شاگردان غربی در اروپای شمالی درخواست کرده‌اند که افراد رویکرد مبتنی بر تقویم برای مطالعه جوآن فالون داشته باشند، و ...

استاد: نباید چنین چیزی باشد. بهترین چیز برای شما این است که زمان مقرر برای مطالعه فا داشته باشید. مطالعه فا با همدیگر شکلی است که به شما داده‌ام. اما باید درخصوص مطالعه فا کوشا باشید و مرتباً مطالعه کنید، و فقط آن‌گاه می‌توانید جهت‌ها را گم نکنید، می‌توانید مسیرتان را به‌درستی ببیماید، و آن‌چه را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید. روش مطالعه فا را تغییر ندهید. بسادگی آن را از اول تا آخر بخوانید. نروید که چیزی متفاوت را شروع کنید که سعی کنید جدید باشید. فکر

می‌کنم این تفکری بشری است که مردم را به این سمت می‌برد که انتخاب کنند که کدام قسمت از فا را مطالعه کنند یا برای مطالعه فا به رویکردی جدید دست پیدا کنند.

مرید: در منطقه ما یک هماهنگ‌کننده تبلیغ شن یون وجود دارد که به دلایل گوناگونی دیگر بیرون نمی‌آید و نسبتاً افسرده است. ممکن است استاد چند کلمه بیان کنند؟

استاد: ترجیح می‌دهم حکم صادر نکنم. (خنده حضار) تا وقتی که این امر به پایان نرسیده است، مریدان دفا هنوز در میان تزکیه کردن خودشان و گذر از آزمایش‌ها هستند و این که شخص الزامات را داشته باشد یا خیر در حال مشاهده شدن است. نمی‌خواهم مسیر او را مسدود کنم. هر شخصی در حال رسیدن به بینش‌های خودش است، و هر یک در حال تزکیه می‌باشند. درحالی که آن چه شما می‌بینید این است که او امروز بیرون نمی‌آید، باید بدانید که او در حال گذر از زمان‌های سخت و در میان یک آزمایش است. همه در طول آزمایش‌هایشان از میان آن خواهند گذشت. چیز حیاتی این است که شخص چگونه خود را اداره می‌کند.

مرید: یک هم‌تزکیه‌کننده گفت که عدم اعتماد به بالاترین شخص مسئول معادل عدم اعتماد به استاد است. آیا این درست است؟

استاد: مایلم دوباره درباره این با همگی شما صحبت کنم. آن چه که درباره‌اش صحبت کردم شخص اصلی مسئول هر پروژه یا شخص اصلی مسئول انجمن دفا یک منطقه است. این خیلی مهم است. درخصوص افراد مسئول در سطوح زیرین، یا مسئول ناحیه خاص یا دپارتمان‌های خاصی درون یک پروژه خاص، این آن قدر حیاتی نیست. به هر حال، به عنوان مریدان دفا، ما از آن جا که استاد از شما درخواست کرد که وضعیت‌تان را تغییر دهید، آن گاه باید همان طور که توصیف کردم عمل کنید و به مدیرتان گوش کنید، و از دستورات آن‌ها پیروی کنید، چراکه هر چه باشد این که هر دپارتمان امور را چگونه انجام می‌دهد نهایتاً از دستورات شخص اصلی مسئول می‌آید. بگذارید یک بار دیگر تکرار کنم چگونه است: من به اشخاص اصلی مسئول — اشخاص مسئول پروژه‌ها و ابتکارات مهم، و بالاترین شخص در هر انجمن دفا — اشاره کردم، نه دپارتمان‌های گوناگون زیر آن‌ها، یا هماهنگ‌کنندگان مطالعه فا و محل‌های تمرین مختلف تحت انجمن یک منطقه خاص. این‌ها افرادی نیستند که به آن‌ها اشاره کردم. آن‌ها عهده‌دار مسئولیت کل پروژه نیستند. اما با این که این را گفتم، هنوز هم باید در به انجام رساندن آن چه که اشخاص مسئول ناحیه‌های مختلف و دپارتمان‌ها یا بخش‌های گوناگون درون یک پروژه می‌گویند پیروی کنید و خوب عمل کنید، چراکه از خیلی از آن‌ها توسط بالاترین شخص مسئول خواسته شده که آن رویکردی که انتخاب می‌کنند را انتخاب کنند. به هر حال اگر مشکلاتی جدی وجود داشته باشد همیشه می‌توانید مطابق معمول آن‌ها را گزارش کنید. اما، در طول این سال‌ها، عادت‌ها را شکل داده‌اید که درخصوص برخی از افراد به طور بدی فکر می‌کنید، و نتوانسته‌اید به آن وابستگی خاتمه دهید چراکه به نگاه کردن به بیرون عادت کرده‌اید. می‌خواهم این وضعیت را برگردانم، و آن ماده را برای شما از بین ببرم. نمی‌توانید به این صورت ادامه دهید. وقت برای آن گذشته است.

پس چرا قبلاً چیزی نگفتم؟ بسیار خوب، در نظر بگیرید اگر آن چه را که [الان] از شما درخواست می‌کنم درست از روز اول انجام داده بودید، وضعیت‌تان چگونه می‌شد. اگر فقط هر چه شخص مسئول می‌گفت انجام می‌دادید، مسیر خودتان را نمی‌رفتید. بیش‌تر این که، اگر شخص مسئول شما را به خارج از مسیر راهنمایی می‌کرد، متوجه آن نمی‌شدید. و اگر شخص مسئول خودش هیچ سختی نمی‌داشت که از آن عبور کند، او نمی‌توانست تزکیه کند. آیا منظور مرا متوجه می‌شوید؟ این دلیل آن است که چرا در طول سال‌های قبل این گونه آموزش دادم، و این موضوع را مطرح نکردم. اما حالا افراد مسئول از میان ده سال سختی و آزمون و آن روند تزکیه گذر کرده‌اند، و از آزمون‌های زیادی عبور کردند و مسیر خودشان را پیمودند. اکثریت زیادی می‌دانند چگونه امور را اداره کنند. حالا نیاز داریم که آن وضعیت‌تان را تغییر دهیم. و با این کار، این وابستگی شما که از روی عادت به بیرون نگاه می‌کنید، در بیرون جستجو می‌کنید و هر زمان که مشکلاتی بروز می‌کند به شخص مسئول نگاه می‌کنید را از بین

ببریم. قبلاً عادت داشتید که به بیرون نگاه کنید و همیشه با فرد مسئول مخالفت کنید، و حتی تا امروز، هنوز هم با او موافقت نمی‌کنید. (خنده حضار) این خوب نیست. باید او را بپذیرید. حالا، درخصوص افراد مسئول، برخی واقعاً ضعیف عمل کرده‌اند. درحالی که برخی ضعیف عمل کرده‌اند، اکثریت خوب عمل کرده‌اند. بنابراین استاد هنوز با دقت مراقب امور است.

مرید: برخی از هم‌تذکیه‌کنندگان اشاره کرده‌اند که درحالی که مشغول کار برای یکی از رسانه‌هایمان هستیم، همچنین موافقت کنیم که برنامه‌هایی را برای هم‌تذکیه‌کنندگان در رسانه‌های دیگر انجام دهیم. آیا این بدین معنی است که برانجام یک کار به‌خوبی متمرکز نیستیم؟

استاد: مریدان دافای ما هم‌زمان درحال به دوش کشیدن بسیاری از کارها هستند. اگر بتوانید یک کار را به‌خوبی انجام دهید، درحالی که از عهده این برآید تا هم‌زمان کار دیگری را به‌خوبی انجام دهید، آن‌گاه به آن بپردازید. اما اگر نمی‌توانید یک کار را کامل کنید و با این حال کاری دیگری را به عهده می‌گیرید، آن‌گاه هیچ یک را به‌خوبی انجام نخواهید داد. بنابراین باید پی ببرید که چگونه این چیزها را متعادل کنید. در شمال شرق چین عبارتی است که، "یک خرس کور بلال می‌چیند." (خنده حضار) منظور شمال شرقی‌ها از "خرس کور" یک خرس است، بنابراین، یک خرس چگونه بلال می‌چیند؟ یک بلال می‌کند و زیر بغلش می‌گذارد، سپس سعی می‌کند یکی دیگر زیر همان بغلش بگذارد، سپس دیگری را برمی‌دارد و سعی می‌کند این را هم دوباره زیر همان بغلش جای دهد، اما در آخر فقط یک بلال برایش می‌ماند (خنده حضار)

مرید: اخیراً در سرزمین چین، یک تذکیه‌کننده عالی که در محل خاصی یک هماهنگ‌کننده بود ناگهان چیزی که شکل کارمای بیماری به خود گرفته بود را تجربه کرد و درگذشت و بسیاری را متأثر کرد. تذکیه‌کنندگانی که نزدیک وی بودند به این فکر می‌کنند که چه قسمتی مربوط به آن‌ها بوده یا آیا دلایل دیگری وجود دارد؟

استاد: پس از گذر از این مقدار آزار و اذیت و پیمودن این اندازه از مسیرتان، باید همگی آگاه باشید که این مسائل چگونه پدید می‌آیند. می‌توانید از هم‌تذکیه‌کنندگان تان پرسید و در خصوص مسائل روشن شوید.

بسیاری از نظم و ترتیب‌هایی شبیه این توسط نیروهای کهن ساخته شد. البته، وقتی نظم و ترتیب‌ها درحال ساخته شدن بودند، شاگردان از این آگاه نبودند که این نیروهای کهن هستند که درحال انجام چنین کاری هستند. در آن زمان، استاد هنوز آن‌ها را به‌عنوان نیروهای کهن مشخص نکرده بود. بنابراین شاگردان با این نظم و ترتیب‌ها موافقت کردند، و به این شکل چسبانیده شدند. در آن زمان، برخی بر این باور بودند که این همان طوری است که امور باید انجام شوند، و بنابراین چیزهای خاصی را امضاء کردند. و وقتی زمان مقرر فرا رسید، نیروهای کهن دستاویزی داشتند، می‌توان گفت، برای این که به آن بچسبند و او را آزار و اذیت کنند. سناریوهای دیگری نیز بوده است. برای مثال، بسیاری از افراد تذکیه‌شان را از طریق مشاهده دیگران و صرفاً پیروی از دیگران انجام داده‌اند به‌جای این که مسیر خودشان را بپیمایند. بنابراین نیروهای کهن کاری می‌کنند که این شخص زودتر ترک کند، و از این موقعیت استفاده می‌کنند تا ببینند افراد چگونه واکنش نشان می‌دهند و ببینند آیا می‌توانند به تذکیه ادامه دهند. از آن‌جا که تذکیه چیزی است که باید از روی اراده و خواست خودتان و به‌صورت فعال و کنش‌گرایانه‌ای انجام دهید، وقتی با نفع و سود مورد وسوسه قرار می‌گیرید، یا وقتی در ارتباط با شهرت و احساسات‌تان از درد شدیدی زجر می‌کشید، باید واقعاً قادر باشید به‌آسانی از آن چیزها دست بکشید، و فقط آن‌گاه چیزها برای شما کامل خواهند شد. بنابراین، وقتی بعد از این که می‌بینید شخصی دیگر خوب عمل می‌کند، همگی خوب عمل می‌کنید، یا بعد از این که می‌بینید او خوب عمل نمی‌کند خوب عمل نمی‌کنید، و همگی این‌گونه هستید، آن‌گاه مثل این است که آن شخص را به سمت خطر هل می‌دهید. در این حالت، وابستگی بشری شما، رفتن این شخص را تسریع بخشیده است. از این رو، نیروهای کهن از این سوء استفاده می‌کنند و نمی‌گذارند وی زنده بماند، چراکه نظر آن‌ها این است که او افراد بسیاری را که به او نگاه می‌کردند و واقعاً تذکیه نمی‌کردند تحت تأثیر قرار داده است. آیا واقعاً آن افراد درحال گذر از سختی و آزمایش‌ها بودند؟ آیا واقعاً می‌توانستند تذکیه کنند؟ آیا تذکیه‌شان واقعی بود یا خیر؟ فقط وقتی یک شخص تذکیه خودش را انجام دهد به حساب می‌آید. بنابراین، آن‌ها از این دستاویز

استفاده می‌کنند و برای استاد سخت است که کاری در این باره انجام دهد. این بدین خاطر است که آن‌ها از یک اصل سوء استفاده می‌کنند و می‌گویند، "به همگی آن افراد نگاه کن -- چه کسی در بین آن‌ها واقعاً در حال تزکیه کردن است؟ ما باید این شخص را از سر راه برداریم." این دلیل آن است که چرا این واجب و ضروری است که شما در تزکیه مسیر خودتان را ببیماید. قطعاً باید خودتان را تزکیه کنید.

البته بیش‌تر از این دو سناریو وجود دارد. برخی از افراد برای مدتی طولانی وابستگی به بیماری را در خود پرورانده‌اند، که این هم خطرناک است. این بدین دلیل است که برخی از افراد فکر می‌کنند که بیماری‌هایشان توسط تمرین دافا از بین خواهد رفت، و این که یک سپر دفاعی روی آن‌ها خواهد بود -- "تا وقتی به ردهٔ مریدان دافا ملحق شوم بیماری نخواهم داشت، و چیزی برای ترسیدن نخواهم داشت." چه وابستگی بشری قدرتمندی! اما آیا آن‌گاه این شخص تزکیهٔ واقعی را به انجام رسانده است؟ یا این که با دافا به‌عنوان یک سپر دفاعی برخورد کرده است؟ حتی اگر این چیزی نباشد که شخص در ابتدا این‌گونه فکر می‌کرد، اما هنوز هم آن یک وابستگی است.

اما آیا نباید ما رها از تمام کوتاهی‌ها باشیم اگر قرار است تا مرحلهٔ کمال تزکیه کنیم؟ نمی‌توانیم درخصوص وابستگی‌های بشری هیچ کوتاهی داشته باشیم. هر وابستگی بشری یک مشکل است. همگی باید بروند. هر یک از آن‌ها می‌توانند به این منجر شوند که یک شاگرد با چیزهای ناخوشایندی مواجه شود. مطمئن هستم که بسیاری از شاگردان، درحالی که از میان این همه سختی‌هایی که دارند گذر کرده‌اند، از این به‌خوبی آگاه هستند. نیازی نیست بیش‌تر توضیح دهیم. این مسائل همگی چیزهایی هستند که در مسیرتان بر آن‌ها غلبه کرده‌اید.

مرید: برخی از مریدان دافا در چین پس از این که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند قدم پیش نمی‌گذارند، اما داشتن مریدانی که عقب افتاده‌اند باعث به تعویق افتادن روند اصلاح فای می‌شود. ممکن است استاد در این خصوص ما را روشن کند؟

استاد: آن‌ها آن را به تأخیر نمی‌اندازند، چراکه هرچه باشد زمان منتظر کسی نمی‌ماند. فقط این طور است که استاد در حال ادامه دادن به ارائهٔ فرصت‌هایی است، و ما می‌توانیم در طول این روند در این بین منتظر شما باشیم. به هر حال، لحظهٔ پایانی عظیم واقعی نمی‌تواند به تأخیر بیفتد.

مرید: در این مرحله در اصلاح فای، مریدان دافا در سرزمین چین چگونه می‌توانند بهتر عمل کنند؟ آن‌ها از من می‌خواهند از طرف آن‌ها درودشان را به استاد محترم برسانم.

استاد: موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، حقیقت را روشن کنید، آن‌چه را که مریدان دافا قرار است انجام دهند انجام دهید، و خودتان را به‌خوبی تزکیه کنید. نروید به دنبال برخی رویکردهای عجیب باشید. با آن شیوه‌های درجه پایین و نامرغوب وقت‌تان را تلف نکنید. فقط با اطمینان و وقار سه کار را انجام دهید. برای درود از شما تشکر می‌کنم. (تشویق)

مرید: ممکن است لطفاً استاد اصول فای دربارهٔ جمع نکردن پول را صراحتاً دوباره آموزش دهند. برای مثال، برخی از پروژه‌های خارج از چین به سرمایه نیاز دارند، و برخی از شاگردان پول ارائه می‌کنند و برخی با نیروی کار کمک می‌کنند. آیا این جمع کردن پول به حساب می‌آید؟

استاد: وقتی دربارهٔ جمع کردن پول صحبت می‌کنم، درواقع عمدتاً به وضعیت در سرزمین چین اشاره می‌کنم. خارج از چین مشکلات نادر هستند، گرچه در تایوان چندین مورد استثناء وجود داشته است که افراد از شکاف‌های مریدان دافا سوء استفاده کرده‌اند. اما در سرزمین چین، افراد کلاهبردار مانند آن بسیار هستند، و بنابراین عمدتاً به وضعیت امور در سرزمین چین اشاره می‌کردم. بنابراین در مناطق دیگر، چنین مشکلاتی زیاد رایج نیستند. برخی از مریدان دافا دور هم جمع شدند و سرمایه ارائه کردند تا پروژهٔ خاصی را شروع کنند، اما آن به‌منزلهٔ جمع‌آوری پول نیست؛ آن‌ها از افراد دیگر درخواست پول نکرده‌اند. بنابراین

این به حساب نمی‌آید. البته برخی از مریدان دافا که صاحب کسب‌وکار هستند و برخی که از نظر مالی خیلی باثبات هستند، مقداری از پول‌شان را برای حمایت از پروژه‌های دافا داده‌اند و این هم دوباره متفاوت از جمع‌آوری پول است. در این موارد شخص قلباً و به‌صورت خودجوش این کار را انجام می‌دهد و این کار چیزی را متأثر نمی‌کند چراکه وضعیت مالی او باثبات است. بنابراین به‌منزله یک مشکل به حساب نمی‌آید. عضویت را شروع نکنید و نروید که از شاگردان مان درخواست کمک مالی کنید. هر کسی این کار را انجام دهد درحال انجام کاری اشتباه است.

مرید: اخیراً در برخی از مناطق شاگردان تقریباً دچار کارمای شدیدی شده‌اند. برخی از شاگردان این ایده را مطرح کرده‌اند که همه افکار درست بفرستند و با موجوداتی که عامل کارمای بیماری هستند به راه‌حل نیک‌خواهانه‌ای برسند. آیا این درک "راه‌حل نیک‌خواهانه" و این رویکرد نسبت به آن صحیح است؟

استاد: مریدان دافا بخشنده هستند و بدن‌های قانون استاد به‌طور نیک‌خواهانه‌ای درحال حل و فصل کردن بسیاری از پیوندهای کارمایی مثبت و منفی شما هستند. این نوع از تفکر اشتباه نیست، اما شخص باید در نظر بگیرد که آیا این وضعیت واقعاً طوری است که می‌بینید، یا این که به‌خاطر این که انتخاب بهتری ندارید و با افکار درست ناکافی درحال انجام این هستید.

برخی از افراد که قبلاً بیماری داشتند به‌محض این که تزکیه دافا را شروع کردند بهبود یافتند و واقعاً معالجه شدند. اما نیروهای کهن برای این که وابستگی‌های شما را بردارند و آزمایش کنند که آیا الزامات را دارا هستید یا خیر، باعث شدند که هر جایی که نقطه اصلی بیماری پیشین‌تان بود درد داشته باشد، یا بیماری دوباره برگردد، به‌طوری که علائم دقیقاً مشابه باشند، همگی برای این که ببینند آیا شما به دافا ایمان دارید. وقتی این اتفاق بیفتد چگونه قرار است خود را اداره کنید؟ بشری یا خدایی -- تفاوت فقط در یک فکر نهفته است. اگر آن چه بروز کند یک فکر درست باشد، و شما این حالت را بگیرید که تمامی این‌ها دروغین هستند، که این نیروهای کهن هستند که مداخله می‌کنند، و به خودتان یادآوری کنید که چه مدت است که دافا را تزکیه کرده‌اید و این که چنین چیزی ممکن نیست، اگر این فکر واقعاً از درون بیاید، بلافاصله مشکل ناپدید می‌شود. اما این صرفاً چیزی نیست که شما بگویید و بعد قادر باشید به آن برسید. آن نوع فکر درست استوار از درون شما می‌آید و این چیزی سطحی یا این که فقط به زبان بگویید نیست. فرض کنید برخی از افراد فکر کنند، "اوه، استاد به ما گفت چه بگوییم، پس این چیزی است که خواهیم گفت"، اما قلب شما ناپایدار باشد، یا فقط این کار را انجام دهید برای این که استاد ببیند، و هنوز به آن قلمرو نرسیده باشید. در این حالت، وقتی این فکر شما بیرون بیاید، قادر نیست آن‌ها را تکان دهد و این قدرت را ندارد که چیزهای نیروهای کهن را شکست دهد. بنابراین مؤثر نخواهد بود. فقط با یک فکر درست ایجادشده توسط تزکیه، آن به موفقیت می‌رسد.

دقیقاً به‌خاطر این که بتوانید این چیزها را به‌خوبی اداره کنید، هرگز گفتن این به شما که صادقانه فا را مطالعه کنید و تزکیه واقعی انجام دهید را متوقف نکرده‌ام، چراکه وقتی افکار درست قوی باشند، واقعاً قدرت خدایی‌گونه خواهید داشت به‌طوری که یک کوه را به دو نیم کند -- فقط با یک فکر آن را به دو نیم کنید. فقط ببینید که آیا نیروهای کهن آن‌وقت جرأت می‌کنند مداخله کنند. وقتی افکار درست شما ظاهر شود، هیچ چیز نمی‌تواند مسیرتان را مسدود کند. بنابراین شاگردانی که بیش‌تر مورد تداخل قرار گرفته‌اند و بدتر از همه مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، عمدتاً شاگردانی هستند که خیلی کوشا نبوده‌اند، که فا را پیایی مطالعه نمی‌کنند، یا هنگام مطالعه فا ذهن‌شان جای دیگری است. همیشه این‌گونه است. به‌هر حال، مریدان دافایی که به‌خوبی تزکیه کرده‌اند، واقعاً نمی‌توانند مورد مداخله -- حتی کمترین مداخله‌ای -- قرار بگیرند. بیش‌تر این که افکار درست آن‌ها قوی است و هم‌زمان درحال کمک به دیگران هستند. آن‌ها به‌طور واقعی درحال کمک به استاد هستند فا را اصلاح کند.

مرید: بسیاری از شاگردان در سرزمین چین چیز [زیورات] محافظی که "فالون دافا هائو" روی آن‌ها مزین شده است را به‌عنوان مطالب اساسی برای روشن‌گری حقیقت درنظر می‌گیرند و اولین کاری که پس از دیدن شخصی انجام می‌دهند این است که این‌ها را به او می‌دهند. اما حقیقت را به‌طور عمیق روشن نمی‌کنند.

استاد: مسلم است که انجام این کار درست نیست. شما در حال توزیع این چیزها هستید درحالی که نمی‌دانید این شخص درصدد انجام چه کاری است -- "این‌جا می‌روی، یکی بگیر!" (خنده حضار) شاید آن شخصی که آن را به او دادید یک دقیقه قبل در اردوگاه کار مشغول آزار و اذیت مریدان دافا بوده، پس چرا به او یکی بدهید؟ برای چه او را محافظت می‌کنید؟ برای این که او را ایمن نگه دارید به طوری که بتواند آزار و اذیت مریدان دافا را به انجام برساند؟ آن چه که نیاز دارید انجام دهید این است که حقیقت را برای او روشن کنید، کاری کنید که او درک کند، و انجام کارهای بد را متوقف کند. وقتی او را به طور واقعی نجات داده‌اید آن گاه به او یک چیز [زیورآلات محافظ] بدهید. این باید عمیق و به طور جدی انجام شود. نجات مردم معادل توزیع کردن فلاپرها نیست، درحالی که هر فلاپری که بیرون داده‌اید به حساب می‌آید.

مرید: وقتی شاگردان در سرزمین چین فردی از دوستان یا خانواده را می‌بینند که دچار بیماری وخیمی شده است، به آن شخص می‌گویند که "فالون دفا هائو" را تکرار کند و به او اطمینان می‌دهند که معالجه خواهد شد.

استاد: درخصوص شرایط حال حاضر در سرزمین چین صحبت کنیم، اگر شخصی که [به او گفته می‌شود] واقعاً جرأت این را دارد که در آن موقعیت شیطانی آن را تکرار کند -- و حتی آن را بلند تکرار کند -- آن گاه آن شخص معالجه خواهد شد. (تشویق حضار) اما هیچ تضمینی نیست که اگر یک شخص آن را در موقعیتی که کم‌تر سخت باشد تکرار کند مؤثر باشد. دلیل این است که وقتی کسی این شجاعت را دارد که بیرون بیاید و در [موقعیتی] که فشار از طرف شیطان وجود دارد درباره دافا خوب بگوید، متفاوت از این است که در امریکا صرفاً بگردد و همان چیز را بگوید. اگر این‌جا بیرون بروید و فریاد بزنید، "فالون دافا هائو!"، حتی پلیس هم ممکن است با آن همراه شود و دستی هم به نشانه حمایت از شما، تکان دهد (خنده حضار) چراکه هیچ فشاری موجود نیست. اما با این وجود نیز، اگر وقتی شخص می‌گوید "دافا هائو"، آن از قلب او بیرون بیاید، آن گاه تأثیری خواهد داشت. بنابراین، چه نوع نتیجه‌ای داشته باشد، بستگی به نیت شخص و آن چه که فکر می‌کند و نیز محیط پیرامون دارد. اگر شرایط خوب باشد، مسائل راحت و آرام باشد و فشاری نباشد، آن گاه آن به وضعیت بستگی دارد. این جایی است که قلب شخص عامل تعیین‌کننده‌ای است.

مرید: برخی از چینی‌های سرزمین چین که هرگز فالون گونگ را تمرین نکرده‌اند به امید به دست آوردن اقامت، چین را ترک می‌کنند. آن‌ها به محل‌های تمرین ما می‌آیند تا تمرین‌ها را یاد بگیرند و در تمام فعالیت‌ها عکس می‌گیرند. وقتی برای پناهندگی اقدام می‌کنند به حکومت دروغ می‌گویند. همچنین برخی از مریدان دافای ما برای اعضای خانواده‌شان توصیه‌نامه تهیه کردند [تا برای پناهندگی اقدام کنند]. آیا انجام چنین کاری مطابق الزامات فاست؟

استاد: وقتی آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد مریدان دافا درخصوص این مسائل بحث و گفتگوهای زیادی کردند. من آن‌را این‌گونه می‌بینم. [پی بردن به این که] آیا شخص، واقعی است امور مربوط به حکومت است و ما به عنوان مریدان دافا در این خصوص هیچ قدرت اجرایی نداریم. اگر شخص بخواهد یاد بگیرد، و بخواهد که تمرین‌ها را انجام دهد، آیا از آموزش دادن به وی امتناع می‌ورزید؟ هنوز هم باید به او آموزش دهید. نکته کلیدی این است که در طول این راه، حقیقت را برای او روشن می‌کنید. کمک به وی برای این که درخصوص مسائل روشن شود نکته کلیدی است.

به طور کلی، مریدان دافا مهربان هستند، بنابراین، اگر آن شخص بخواهد عکس بگیرد، بگذارید بگیرد و همین‌طور اگر می‌خواهد یاد بگیرد. واقعاً، گرچه اگر در این حالت از فالون گونگ استفاده کند تا پناهندگی سیاسی بگیرد، پس از آن به فالون گونگ مدیون می‌شود، و از آن روز به بعد نباید هیچ کاری بدی نسبت به فالون گونگ انجام دهد. اگر انجام دهد، بلافاصله کیفر و مجازات می‌گیرد. مجبور خواهد بود تا قرض را بپردازد، و به اندازه مساوی بپردازد. او توانست توسط استفاده از فالون گونگ از چین بیرون بیاید و به ایالات متحده بیاید و بنابراین مجبور خواهد بود عیناً همان اندازه بپردازد. شاید برخی قوانین را نقض کند و به کشورش برگردانده شود، یا به اندازه برابر مجازات دریافت کند. در حال حاضر، برخی از وکلا کلاس‌هایی برای یادگیری فالون گونگ برگزار می‌کنند و حتی به مردم می‌گویند که جوآن فالون را مطالعه کنند تا شانس‌شان برای دریافت پناهندگی را بیش‌تر

کنند. انگیزه این وکیل هر چه باشد، او بدهی سنگینی نسبت به فالون گونگ پیدا می‌کند. اما با نگاه از زاویه دیگر، این که مردم را به یادگیری دافا کشاند کار بدی نیست. گرچه این [جویندگان پناهندگی] چین را ترک کردند تا پول به‌دست بیاورند و یک زندگی سر و سامان دهند، و سود بردن اولویت اول آن‌ها است، حتی آن‌گاه نیز، در طول [انجام این کارهای فریبنده] مطمئناً به درکی از فالون گونگ می‌رسند و برای این دلیل اصولاً زیاد نگران نیستیم. هرچه باشد این نقش حکومت است که نگران چنین چیزهایی باشد نه ما. بنابراین، بهترین سعی‌تان را بکنید تا درگیر [کار] این افراد نشوید و پیوندهای کارمایی منفی با این افراد شکل ندهید.

مرید: استاد، مایلم بپرسم، وقتی درباره تبلیغ شن یون تبادل تجربه می‌کنیم، آیا باید موضوع رشد شین‌شینگ را مطرح کنیم به‌جای این که فقط درباره کار بحث و گفتگو کنیم؟

استاد: درست است. درخصوص هر کاری که ممکن است باشد، اگر مریدان دافا از عهده این برآیند تا افکار درست قوی‌تری داشته باشند، امور بهتر پیش خواهد رفت. البته این بدین معنی نیست که این درست باشد که کار فوری را رها کرده فقط بر مطالعه فاکتور تمرکز کرد. اگر این کار را انجام می‌دادید یک مشکل می‌بود و وقتی مطالعه را تمام می‌کردید، شخصی که نیاز داشتید با او صحبت کنید رفته بود و کاری که در دست بود نمی‌توانست انجام شود. نباید درباره هر چیز بیش از حد متعصب باشید. فاکتور چیزی است که قطعاً باید مطالعه کنید، در موقعیت مناسب و زمان مناسب، و این چیزی است که باید به‌طور مناسب به آن بپردازید.

مرید: آیا افکار و شخصیتی که در طول زمان در ما شکل گرفت، نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن هستند؟ اگر آن مداخله قابل‌ملاحظه‌ای برای مطالعه فای شخص ایجاد کند، چگونه شخص باید به‌طور کامل از آن رها شود؟

استاد: افکار و ایده‌ها، یا عقاید و تصورات گوناگون که در مغز شما شکل می‌گیرند، همگی در طول بازپیدایی‌های شما و مواجه شدن‌تان [با چیزها] در دنیا شکل گرفتند. و هر چه شخص مسن‌تر باشد، بیش‌تر گردآوری کرده است. در سرزمین چین، پدیده‌های بد بیش‌تر و بیش‌تری وجود دارند و به‌طور فزاینده‌ای ظاهر می‌شوند. مردم متوجه شده‌اند که بچه‌های چینی سرزمین چین به‌طور تکان‌دهنده‌ای از بچه‌های خارج متفاوت هستند. بچه‌هایی که از چین هستند درباره همه چیز می‌دانند و بسیار حيله‌گر هستند. واقعاً چیزهای بد از هر نوعی در آن اجتماع درحال ظاهر شدن هستند و هیچ خط مرزی برای هیچ چیزی وجود ندارد— خواه روزنامه‌ها باشد، رسانه، رفتار مردم، یا چیزهایی که مردم می‌گویند. سر بچه‌های کوچک با چیزهای نادرست پر می‌شود، بیش‌تر از بچه‌هایی که خارج از چین زندگی می‌کنند، و از این‌رو از این نظر بیش‌تر شبیه بزرگسالان هستند.

هرچه که وارد ذهن یک شخص می‌شود آن‌جا می‌ماند. موجودات بشری حافظه دارند. درحالی که آن را "حافظه" می‌نامیم، و به‌نظر می‌رسد چیزی مفهومی باشد، اما این‌طور است که درواقع حقیقتاً و به‌طور واقعی چیزی مادی است. وقتی مردم چیزهایی می‌گویند، یا وقتی کسی چیزی را برای شما توضیح می‌دهد، یا سعی می‌کند شما را نسبت به چیزی متقاعد کند، "فلان، فلان، فلان"— جریان مداومی [از چیزها] به داخل سر شما می‌ریزد. مواد واقعی واقعاً به‌سمت شما پرتاب می‌شوند. وقتی برخی افراد واقعاً برآشفته می‌شوند و به مشاجره ادامه می‌دهند، درواقع درحال پس زدن تمامی آن چیزها هستند. البته آن‌چه که مریدان دافا انجام می‌دهند برای مردم، خوب است و سخنان ما از افکار درست نشأت می‌گیرد، بنابراین وقتی ما صحبت می‌کنیم آن‌چه که از دهان ما بیرون می‌آید گل‌های نیلوفر آبی هستند. برعکس، هیچ‌یک از چیزهایی که درون مردم عادی دربین اجتماع شکل می‌گیرند به‌طور کلی خوب نیستند، و پس از این که آن چیزها وارد بدن شخص می‌شوند درواقع بر او تسلط پیدا می‌کنند. ممکن است مردم بگویند که مهم نیست چه چیزی با چشمان خود می‌بینند، و اگر دیگر نخواهند چیزی را ببینند صرفاً می‌توانند نگاه کردن به آن‌را متوقف کنند. اما این صحت ندارد. وقتی بینایی شما با چیزی تماس پیدا کرد، آن چیز وارد شده است. این بدین دلیل است که هر چیزی می‌تواند خودش را در بعدهای دیگر تکثیر کند، بنابراین هر چه به چیزی طولانی‌تر نگاه کنید، بیش‌تر وارد می‌شود. بدون توجه به این که چه چیزی است، خواه در تلویزیون باشد یا روی کامپیوتر، به‌محض این که به آن نگاه کنید

وارد می‌شود. همان‌طور که این چیزهای بد در مغز و بدن‌تان بیش‌تر انبار می‌شوند، درنهایت بر اعمال شما مسلط می‌شوند. گفتار شما، طرز تفکر شما، چشم‌انداز شما از چیزها—همگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

مردم محصول محیط‌شان هستند. این بدون استثناء درست است. و این چیزی نیست که فقط تزکیه‌کنندگان درک می‌کنند، چراکه نسل‌های قدیمی‌تر مردم عادی نیز در زمانی این‌را متوجه شدند. در تزکیهٔ شخص، چیزهای انباشته شده به‌تدریج از بین می‌روند. اما اگر می‌خواهید پس از شروع تزکیه همگی آن‌ها را یک‌دفعه از بین ببرید، به‌طور کلی بگوییم، امکان‌پذیر نیست. دلیل این است که بیش‌تر از یک شب سرد طول می‌کشد تا قطعه یخی به‌ضخامت یک متر شکل بگیرد: سخت است چیزهایی که شکل گرفتند در یک مرتبه از بین بروند، چراکه حرارت کافی را ندارند و به مرحله‌ای نرسیده‌اید که قادر باشید آن را ذوب کنید. بنابراین قبل از این‌که بتوانید آن را ذوب کنید و از بین ببرید باید کوشش زیادی صرف کنید. اگر امروز به‌خوبی تزکیه کنید، این اندازه [از یخ] ذوب می‌شود؛ فردا خوب تزکیه کنید، و آن اندازه بیش‌تر ذوب خواهد شد؛ روز بعد خوب تزکیه کنید، و آن اندازه بیش‌تر ذوب خواهد شد. و ذره ذره ادامه می‌یابد تا مرحله‌ای که افکار درست شما به‌طور واقعی کافی باشد. در آن مرحله مقدار حرارتی که تولید می‌کنید افزایش خواهد یافت، و قادر خواهید بود تا به‌طور کامل آن را ذوب کرده و از بین ببرید.

پس چگونه است که پس از این‌که شخص ظاهراً تمام این چیزها را از بین برد به‌نظر می‌رسد افکار بد دوباره در او ظاهر می‌شود. و بیش‌تر این‌که، هر روز افکار درست می‌فرستد تا آن چیزها را پاک‌سازی کند، اما به‌ظاهر شدن ادامه می‌دهند—چرا هرگز از بین نمی‌روند؟ حقیقتاً، آن چیزها صرفاً در یک روز وارد نشده‌اند (استاد می‌خندند)، و در یک لحظه نیز شکل نگرفته‌اند. این دلیل آن است. برخی افراد ممکن است به ذهن‌شان برسند که در این حالت، شاید اگر برای کمک از استاد درخواست کنند، استاد تمام آن‌ها را برای‌شان از بین می‌برد. اما آیا آن‌گاه درحال کمک خواستن از استاد نیستید که به‌جای شما تزکیه کند؟ در انتها، به‌عنوان تزکیهٔ شما به حساب نمی‌آید. و هرچه که به‌عنوان تزکیهٔ شما به حساب نیاید به‌معنی این است که شما آن‌را تزکیه نکردید، بنابراین کوتاهی‌هایی در تزکیهٔ شما خواهد بود. بنابراین پس از بازگشت شما به آسمان‌ها، شمار عظیمی از خدایان پس از مشاهدهٔ تزکیهٔ شما چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند؟ در بسیاری از موارد، اگر چیزی را از طریق تزکیهٔ خودتان اداره نکنید، اگر آن تقوای عظیم را به‌دست نیاورید، و اگر سختی‌هایی را [که همراه با تزکیه است] تحمل نکنید، به‌طوری که استاد در هر قدم از مسیر چیزها را برای شما پاک‌سازی کند، آن‌گاه آسمان‌ها پذیرای شما نخواهند بود. اگر هنوز هم بدهی‌های پرداخت نشده داشته باشید قابل قبول نخواهد بود. آن‌چه که بده‌کاری است باید پرداخت شود—این قانون این‌کیهان است. استاد می‌تواند بخشی را برای شما بپردازد، و می‌تواند آن‌چه را که باید پاک‌سازی شود از ذهن‌تان پاک‌سازی کند، اما خود شما باید آن قسمتی که در روند تزکیه برای شما در نظر گرفته شده را تزکیه کنید و آن قسمت کمی را که قرار است تحمل کنید، تحمل کنید. آن خطری برای شما فراهم نمی‌کند، اما باید درک کنید که تزکیه چیست و چگونه به آن بپردازید. فقط وقتی به بینش‌های جدید برسید و رشد کنید است که تزکیه به حساب می‌آید.

مرید: ممکن از استاد بخواهم لطفاً در مورد اهمیت نمایش هنر حقیقت، نیک‌خواهی، بردباری صحبت کنند؟

استاد: اهمیت نمایش مشابه اهمیت پروژه‌های دیگر است، چراکه همگی تلاش‌هایی هستند که توسط مریدان دافا برای روشن کردن حقیقت و نجات مردم انجام می‌شوند. به همین خاطر، شبیه پروژه‌های دیگر است.

مرید: استاد محترم، من مرید شما، کار رسانه انجام می‌دهم. پرسش من دربارهٔ جزئیات طرح‌ریزی‌هایمان است. برای مثال، وقتی طراحی برنامه‌های تلویزیونی را انجام می‌دهیم، بسیاری از چیزها به روش سنتی انجام نمی‌شوند و خیلی تجاری به‌نظر می‌رسند. آن‌ها چیزی نیستند که در زمان‌های گذشته وجود داشتند. چگونه باید نیاز به پیمودن مسیر مریدان دافا و نیاز به حرفه‌ای بودن را درکنار هم قرار دهیم؟

استاد: درخصوص کارهای عادی فقط به انجام آن‌ها اهمیت بدهید. روشی که کارها درحال حاضر در اجتماع انجام می‌شوند مسلماً بازتابی از زمانهٔ ما است. اما اگر تصمیم بگیرید که چیزهایی را بسازید که کاملاً بر طبق [چیزهای] قدیمی باشند

بدلیل این که در گذشته هیچ چیز مدرنی در اجتماع وجود نداشته، آن گاه پی خواهید برد که هیچ کسی چیزهای شما را نمی‌خرد. (خنده حضار) هرچه باشد شرایط برای آن را ندارید. امروز جامعه این گونه که هست می‌باشد. فقط به روشی معمول به امور پردازید و این تقصیر شما به حساب نمی‌آید. نیازی نیست که میدان دافا به طور فعالی [چیزهای قدیمی] را تبلیغ کنند. برای شما این کافی است که فقط نقش مثبتی ایفا کنید. می‌توانید در هر موقعیتی تزکیه کنید، به خاطر داشته باشید، و چیزی که تزکیه می‌کنید خودتان است. وقتی توسط سود و منفعت مورد وسوسه قرار می‌گیرید، وقتی با انتخاب بین خوبی و شرارت مواجه می‌شوید، یا انتخاب درست و اشتباه، و وقتی با تصمیم‌گیری بین آن چه باید و نباید انجام دهید مواجه می‌شوید، همیشه این موضوعی است از این که خودتان را کجا قرار می‌دهید. فقط خود را درگیر انجام تمرین و تزکیه کنید. درحالی که کتاب را می‌خوانید و فا را مطالعه می‌کنید، و درحالی که به تزکیه و مطالعه فا بدون کند شدن می‌پردازید، حالا فقط موضوع این است که آیا می‌توانید خودتان را بیرون در جامعه خوب اداره کنید.

آن چه که در مدارس امروزه مطالعه می‌شود چنین چیزهایی هستند، و این‌ها همان چیزهایی هستند که شخص در موقعیت محل کارش انجام می‌دهد. بنابراین این موضوعی نیست. این اجتماع چیزی می‌باشد که هست، بنابراین تمام کاری که می‌توانید انجام دهید این است که به بهترین شکل ممکن به امور پردازید. وگرنه، اگر کار نکنید و از خانواده خود حمایت نکنید، آن وقت چه؟ اگر صرفاً امرار معاش یک موضوعی شود چه؟ تصور کنید اگر به همگی شما گفته بودم که حالا بروید و لباس‌های قدیمی بپوشید و به روش‌های باستانی کارها را انجام دهید. (خنده حضار) این چیزی نیست که از شما خواستم انجام دهید. زمانه این گونه است. در آینده به آن چیزی که سنتی بود باز خواهد گشت، مطمئناً، به طور قطع. اما حالا این عملی نخواهد بود. و این مخصوصاً وقتی مردم را نجات می‌دهید صحت دارد. باید مطابق اجتماع باشید برای این که مردم را نجات دهید، یا این که در این کار موفق نمی‌شوید. اگر برخی رویکردهای عجیب و غریب را برگزینید، مردم فکر می‌کنند شما عجیب هستید و اگر هیچ کسی درک نکند چه می‌گویید، چگونه مردم را نجات خواهید داد؟

میرید: برای این که شن یون را در طبقات بالاتر جامعه مشهور سازیم و نتایج بهتری بگیریم باید چه کار کنیم؟

استاد: خودتان باید سعی کنید و ببینید همان طور که کارهای واقعی را انجام می‌دهید چه چیزهایی مؤثر هستند. وضعیت هر منطقه متفاوت است، و هر قومیتی متفاوت است. برخی کشورهایی هستند که قبلاً کمونیست بودند، برخی همیشه جوامعی عادی داشته‌اند، برخی مناطقی با اقتصاد موفق هستند، و برخی وضعیت اقتصادی ضعیفی دارند. همچنین، هر گروهی از مردم درحالی که در اجتماع زندگی می‌کنند عقاید و تصورات شرطی شده فرهنگی متفاوتی را شکل می‌دهند. بنابراین، میدان دافا در هر منطقه باید خودشان امور را اداره کنند. آوردن شن یون برای اجرا چیزی نیست که برای شما اجباری ساخته باشم، چرا که این نیز فقط یک پروژه برای نجات مردم است. منابع میدان دافا محدود است، و بنابراین اگر این کاری است که می‌خواهید انجام دهید، قطعاً باید آن را به خوبی انجام دهید-- در غیر این صورت آن را انجام ندهید. من درخواست نمی‌کنم که هر شهر دنیا شن یون را برگزار کند. چیزی که می‌گویم این است که، اگر این کاری است که واقعاً می‌خواهید انجام دهید، آن گاه باید آن را خوب انجام دهید. در غیر این صورت آن را انجام ندهید.

برخی از افراد فکر می‌کنند امسال درخصوص شن یون نسبتاً خوب عمل کردیم چرا که پول از دست ندادیم. آن‌ها واقعاً درخصوص آن خوشحال هستند، اما شن یون در نهایت پول از دست داد. آیا می‌دانید میلیون‌ها دلاری که لازم است تا شن یون هر سال برگزار شود از کجا می‌آید؟ میدان دافا همگی می‌دانند که آوردن شن یون می‌تواند مردم را نجات دهد، که می‌تواند به این برسد، اما اگر نسبت به شن یون مسئولانه عمل نکنید، آن گاه این یک مشکل است. شن یون در هر منطقه‌ای که می‌رود برای میدان دافا تغییراتی در شرایط به وجود می‌آورد، و در عامل نجات مردم پیشرفت ایجاد می‌کند، اما شما هم در عوض باید شرایطی را که نیاز دارد فراهم کنید. اگر تصمیم می‌گیرید که شن یون را بیاورید، آن گاه واقعاً مطمئن شوید که آن را به خوبی انجام می‌دهید. و از آن جا که این استاد است که شخصاً شن یون را هدایت می‌کند، اگر منطقه‌تان آن را به خوبی انجام ندهد، آن به سرعت به من بر خواهد گشت.

مرید: در حال حاضر، فرزندان بسیاری از مریدان دفا درگیر امور عادی می‌شوند. چه کاری باید انجام دهیم؟

استاد: حقیقتاً، اجتماع بشری یک خم رنگ‌رزی بزرگ است. اجتماع بر سر مردم با مریدان دفا در حال رقابت است. و این حتی برای فرزندان مریدان دفا که در این موقعیت زندگی می‌کنند نیز صحت دارد؛ چیزهای بد سعی می‌کنند آن‌ها را پایین بکشند. اگر فرزند تزکیه نکند، یا محیط خوبی نداشته باشد، آن‌گاه واقعاً قادر نخواهد بود آن چیزها را از خود دور کند. اما مسئولیت‌های یک مرید دفا عظیم هستند و بنابراین باید نه تنها مردم دنیا را نجات دهیم بلکه آن افرادی که نزدیک ما هستند را نیز نجات دهیم.

مرید: آیا ممکن است لطفاً استاد در مورد ارتباط "صدای امید" با دیگر رسانه‌ها صحبت کنند؟

استاد: چیز خاصی درخصوص این ارتباط وجود ندارد، چراکه در هر مورد موضوعی از این است که مریدان دفا پروژه‌ای را راه‌اندازی می‌کنند و کار می‌کنند تا به هدف مشترکی برسند— تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. آن را از صمیم قلب انجام دهید. اگر آن را می‌خواهید انجام دهید، به خوبی انجام دهید. در غیر این صورت آن را انجام ندهید. اگر آن را ضعیف انجام دهید، شیطان به شما می‌خندد، به نیک‌نامی مریدان دفا صدمه می‌خورد، و عواقب نامطلوبی خواهد داشت. بنابراین، هر کاری باشد که انجام می‌دهید، واقعاً باید آن را با تمام جدیت انجام دهید.

تمام مسیرهایی که در طول اعتباربخشی به فاطمی می‌کنید، هر یک کار و همه آن‌ها در کتاب تاریخ ثبت می‌شود. کارهایی که به انجام می‌رسانید توسط خدایان و بدن‌های قانون استاد مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرند. و خالص‌ترین چیزها بین آن‌ها، دقیقاً چیزی است که مسیر شما را بنیان می‌نهد، و آن‌ها تقوای عظیم شما هستند، آن‌چه که استفاده کرده‌اید تا بهشت خود را بنیان گذارید. آن‌چه که شاکيامونی از طریق کاوش و بررسی به آن روشن‌بین شد، "احکام، تمرکز، خرد" بود. همان‌طور که می‌دانید، آن روش تزکیه وی بود، و آن دربرگیرنده چیزی است که در طول اشاعه دارماید خودش برای چهل و نه سال به آن رسید. هر خدا چیزهای خودش را که توسط کاوش و بررسی به آن روشن‌بین شده، که از قانون بزرگ کیهان به آن‌ها رسیده، دارد و از طریق آن‌ها است که خودش را کامل می‌سازد و بهشت خود را ایجاد می‌کند. تمام کارهایی که هر یک از مریدان دفا انجام می‌دهند توسط خدایان مورد توجه قرار می‌گیرند و هر یک خدایانی دارند که ارزیابی نهایی را ارائه می‌دهند.

مرید: افراد فروش تبلیغات در دفتر مرکزی ان‌تی‌دی‌تی‌وی لازم دارند که گزارش‌گران برای شرکت‌های خاصی برنامه‌های خبری تجاری و صنعتی رایگان تهیه کنند.

استاد: [پس این درخصوص] تهیه برنامه‌های خبری خاص به صورت رایگان است. اگر می‌خواهید رابطه خوبی ایجاد کنید، یا اگر نوعی معامله تجاری وجود دارد که برای دو طرف سودمند است، آن‌گاه اشکال ندارد که آن را انجام دهید. اما اگر این‌طور نیست، آن‌گاه ارزش ندارد که به‌طور رایگان آن را انجام داد. اگر در طول انجام این برنامه خبری خاص [به‌طور رایگان] مردم نجات پیدا کنند، آن‌گاه مخالفتی ندارم. در غیر این صورت اگر نمی‌تواند به این هدف برسد، چرا انجام بدهید؟ از آن‌جا که این برگه پرسش این‌گونه نوشته شده باید به همراه این سطرها پاسخ دهم.

مرید: مرید شما نمی‌تواند این را درک کند. آیا این چهره حرفه‌ای ان‌تی‌دی‌تی‌وی را مخدوش نمی‌کند یا گزارش‌گران باید با این وجود نیز صرفاً به بهترین وجه همکاری کنند و به تیم فروش کمک کنند تا این رویکرد را برای جذب مشتریان بالقوه استفاده کنند؟ آیا تیم فروش باید سعی کنند در سریع‌ترین زمان ممکن استناد دارد حرفه‌ای خودشان را بالا ببرند به طوری که بتوانند در فروش تبلیغات مستقل باشند؟

استاد: واقعاً چیزهای زیادی وجود دارند که ان‌تی‌دی‌تی‌وی باید درخصوص آن‌ها بهتر عمل کند. نگاه کنید امور در شن یون چگونه اداره می‌شوند، و می‌توانید ببینید که افراد نمی‌توانند صرفاً هر کاری را که می‌خواهند، انجام دهند. این یک مشکل

است اگر جلسات شما نمی‌تواند موضوعات واقعی را حل و فصل کند. اما واقعاً ترجیح می‌دهم هیچ کاری درخصوص این نوع موضوعات خاص انجام ندهم، چراکه این‌ها چیزهایی در مسیر تزکیه شما هستند که باید آن‌ها را به خوبی اداره کنید. به هر حال، اگر آن‌ها را به خوبی اداره نکنید، واقعاً تأثیر بزرگ منفی بر نجات موجودات ذی‌شعور مریدان دافا خواهد داشت.

مرید: پروژه‌ای که تیم من روی آن کار می‌کند هرگز از استاد نظرخواهی نکرده است. پروژه ما درحال حاضر در موقعیت بحرانی قرار دارد اما هماهنگ‌کنندگان نمی‌توانند به توافق برسند و تضادها شدید هستند، باعث می‌شوند پروژه متوقف شود.

استاد: پس فقط کارها را بر طبق خواست بالاترین فرد مسئول انجام دهید. قبلاً این مشکل را بارها دیده‌ام، به طوری که به این شیوه می‌لغزید و یکی پس از دیگری می‌افتید. اما امید دارم که پس از این که افتادید، چیز خوبی از آن یاد بگیرید. همیشه از تجربیات‌تان چیزهای بد را بردارید. وقتی چیزهای بد یاد بگیرید، درواقع از تفکر بشری استفاده می‌کنید تا مسائل را درنظر بگیرید، و زیرک‌تر و مکارتر می‌شوید که بدین معنی است که درحال بدتر شدن هستید. قبلاً درباره این که یک شخص بد چیست با شما صحبت کرده‌ام: او کسی است که مکار است. درحالی که کسی که خوش‌قلب باشد و تفکر او آن قدر پیچیده نباشد شخص خوبی است. باید درباره مسائل به شکلی سازنده فکر کنید، و وقتی می‌لغزید مانند یک تزکیه‌کننده به دنبال دلیل باشید، پرسید، "کجا اشتباه کردم؟" فقط با ارزیابی مسائل با فاست که قادر خواهید بود از تجربه‌تان چیزهای خوبی یاد بگیرید. اگر واقعاً بتوانید از عهده این برآیید که این کار را انجام دهید، مسائل قطعاً خوب پیش خواهند رفت. و اگر همگی شما بتوانید این کار را انجام دهید، باور ندارم پروژه‌تان بتواند خراب شود. فقط این طور است که به درون نگاه نکرده‌اید یا چیزهای خوب یاد نگرفته‌اید. یا به عبارت دیگر، درباره امور به شیوه‌ای که مریدان دافا باید صحبت کنند، صحبت نکرده‌اید.

مرید: هنگام انتخاب پروژه‌های دافا، آیا این اشتباه است که این را درنظر بگیریم که کدام یک اجازه می‌دهد شخص آن چه را که خوب یاد گرفته مورد استفاده قرار دهد یا کدام یک برای پیشرفت شخص مفیدترین خواهند بود، برعکس این که توسط سرپرست آن پروژه متقاعد شود [که به پروژه بپیوندد]؟ این را می‌پرسم زیرا آن‌ها می‌خواهند مریدان مستعد را پیدا کنند تا به طور تماموقت کار کنند، درحالی که عقیده من این است که بهترین راه برای تعامل با جریان اصلی اجتماع و افراد عادی پرنفوذ آن این است که شغلی عادی داشت. آیا ممکن است لطفاً استاد کمک کنند در این خصوص توضیح دهند؟

استاد: با نگاه از زاویه کار عینی نجات مردم، این اشتباه نیست که "این را درنظر داشت که کدام یک اجازه می‌دهد شخص چیزهایی که خوب یاد گرفته را مورد استفاده قرار دهد... در انتخاب پروژه‌های دافا." فرض کنید تخصص شما کامپیوتر است، و بیرون می‌روید تا تبلیغات [برای رسانه‌مان] جمع‌آوری کنید. البته اگر بدانید که این نیز چیزی است که در انجام آن توانا هستید، آن گاه خوب است. به عبارت دیگر، هر چیزی که یاد گرفته‌ایم و مورد استفاده قرار می‌دهیم که می‌تواند نقش قابل‌توجهی در نجات مردم ایفا کند قطعاً بسیار خوب است. اما اگر نتیجه بگیرید که درحالی که در شغلی عادی هستید می‌توانید تأثیر بزرگ‌تری در نجات مردم داشته باشید، آن گاه قطعاً با این شکل فکر کردن چیز اشتباهی وجود ندارد. درواقع این چیزها ساده هستند. هر چه که تصمیم می‌گیرید انجام دهید، آن را به خوبی انجام دهید. اشخاص مسئول برخی از پروژه‌ها واقعاً بیرون می‌روند تا نیروی کار بگیرند چراکه کمبود شدید نیروی انسانی دارند. "چه اهمیتی دارد در چه چیزی خوب هستید، تا وقتی که بتوانید قرارداد ببینید و کار کنید عالی است!" (خنده حضار) مسیرتان برای شما است که ببینید. حتی وقتی می‌لغزید از صحبت کردن خودداری می‌کنم. وقتی به طور واقعی خود شما می‌دانید چه کار کنید عالی خواهد بود.

مرید: به خاطر کمبود نیروی انسانی، پروژه‌های مختلف بر سر تعداد محدود کارکنان رقابت و دعوا می‌کنند، به جای این که همکاری بین آن‌ها را بهبود بخشند.

استاد: وقتی به طور شدیدی نیاز دارید تا فرد مناسبی را پیدا کنید، اما نمی‌توانید، گرایش دارید که عجله کنید و کسی را بگیرید تا کار را شروع کند. متوجه هستیم که این چالشی هست که هم‌اکنون با آن مواجه هستید. درحال مشاهده این تضادها هستیم.

مرید: ممکن است از استاد محترم‌مان بپرسم که با توجه به رژیم سیاسی فعلی ویتنام، آیا [افرادی که آن‌جا زندگی می‌کنند] باید هنوز هم روی روشن‌گری حقیقت برای سرزمین چین کار کنند؟

استاد: وقتی مریدان دافا تحت شرایط سیاسی استثنایی زندگی می‌کنند، برای آن‌ها کافی است که درخصوص امور محلی خوب عمل کنند. وقتی شرایط و موقعیت‌های مناسب وجود ندارد، امور را به زور انجام ندهید. البته، گفته‌ام که بسیاری از مردم در سرزمین چین قابل توجه هستند، چراکه پادشاهان ملیت‌های گوناگون از دوره‌های مختلف گذشته، به همراه حیات‌هایی از سطوح بالا که برای شکل دادن پیوندهای تقدیری آمدند، آن‌جا بازپیدا شده‌اند. علی‌رغم این که مردم چینی امروزه به‌طور غیرقابل تشخیصی تباه شده‌اند— به‌طوری که رفتار، تفکر و روش آن‌ها برای انجام کارها همگی به‌طور وحشتناکی زشت و زنده شده است— اما اصل و مبدأ آن‌ها به‌هیچ وجه پست و حقیر نیست و بسیار محتمل است که پادشاه هر قومیتی دربین شما درحال زندگی در آن‌جا باشد. و مریدان دافا در سرزمین چین درحال استفاده از تمام قدرت خود هستند تا روی این مسائل کار کنند. اگر فکر می‌کنید که شرایط مورد نیاز برای کار کردن روی آن‌ها را نیز دارید، آن‌گاه این اشکالی ندارد. اگر ندارید، پس نگران نباشید. تمام مریدان دافای دنیا، شامل مریدان دافا در هر منطقه در سراسر چین، درحال کار کردن روی آن‌ها هستند.

مرید: چه پروژه‌ای برای نجات موجودات ذی‌شعور در افریقا مناسب‌ترین است؟ شن یون؟ تلویزیون سلسله تانگ جدید؟ یا اپک تایمز؟

استاد: (خنده) هر کدام که به‌بلوغ رسیده است را استفاده کنید. اگر احساس می‌کنید که آن‌تی‌دی‌تی‌وی به‌بلوغ رسیده است، پس آن رویکرد را استفاده کنید. اما اگر شرایط مناسب را ندارید، آن‌گاه آن به انجام نخواهد رسید. اگر این اپک تایمز باشد که به‌بلوغ رسیده است، پس اپک تایمز را آن‌جا راه بیندازید. موضوع این نیست که کدام پروژه بهتر مناسب است. بلکه باید اول درنظر بگیرید که آیا شرایط مناسب برای آن وجود دارد یا خیر، و دوم این‌که، به‌عنوان مریدان دافا باید برای خاطر موجودات ذی‌شعور، به‌روشی عملی درباره مسائل به‌طور کامل فکر کنید.

مرید: منابع دافا با ارزش هستند، چه‌کاری باید انجام دهیم که کل بدنه مریدان دافا قدر منابع دافا را بدانند؟

استاد: حقیقتاً شاگردان زیادی هستند که در به‌دست آوردن پول ناتوان هستند، اما در خرج کردن آن اصلاً مشکلی ندارند. (خنده حضار) هرچه قدر زیاد هم باشد، هیچ دودلی برای خرج کردن آن ندارند، و کل آن را به‌سرعت مصرف می‌کنند، به‌طوری که درباره این فکر نمی‌کنند که این کار چه نتایجی خواهد داشت، درباره این‌که از کجا آمده است، یا پس از این‌که [پول خرج شد] شرایط ما چگونه خواهد بود. آنان هیچ حس مسئولیتی ندارند. خدایان همگی با نگاه خشم‌آلودی درحال مشاهده افرادی که این‌گونه عمل می‌کنند هستند. تلف کردن منابع دافا معادل مداخله با دافا و آسیب رساندن به آن است. شما منابع محدودی که داریم را هدر داده‌اید، برای وقتی که زمانی می‌رسد که واقعاً مردم را نجات داد چیزی باقی نگذاشته‌اید.

مرید: اصلاح فاهم‌اکنون به انتها رسیده است، اما کشورها در جنوب شرق آسیا هنوز از عهده این برنیا آمده‌اند تا میزبان اجرای شن یون باشند. در این باره بسیار نگران هستیم. مایلم از استاد درخواست کنم لطفاً ما را نیرو بخشند به‌طوری که امیدوار بمانیم.

استاد: درواقع، شن یون مجبور نیست که ضرورتاً به آن‌جا برود. اگر رسانه‌های ما مانند اپک تایمز و آن‌تی‌دی‌تی‌وی [آن‌جا] به‌خوبی عمل می‌کنند، تأثیر روشن‌گری حقیقت آن‌ها مشابه خواهد بود. و این‌که، پروژه‌های دیگر نیز می‌توانند عالی

باشند. تمام مریدان دافا باید قادر باشند نقشی را که برای آن‌ها در نظر گرفته شده ایفا کنند، چراکه فکر می‌کنم این با خوب انجام دادن کارها توسط شما ارتباط دارد. این طور نیست که اگر فقط شن یون بیاید می‌توانید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. شن یون فقط یکی از ابتکارات است. فقط این طور است که من در حال اداره آن هستم چراکه الزامات حرفه‌ای بالا است و اگر یک شرکت بین‌المللی اجرای هنرها شبیه این نمی‌توانست به استاندارد هنری در سطح جهانی دست یابد عملی نمی‌بود.

مرید: در سرزمین چین، مردم از طبقه پایین‌تر و بالاتر درک خوبی از فالون گونگ دارند، اما طبقه متوسط اغلب از آن اجتناب می‌کنند و به آن توجهی نمی‌کنند. چگونه باید به این افراد دسترسی داشته باشیم؟

استاد: آن چه که در حال حاضر در سرزمین چین به عنوان "طبقه متوسط" تصور می‌شود به هیچ شکلی جریان اصلی جامعه نیست؛ بلکه یک طبقه دارای امتیاز است. در گذشته قبل از این که آزار و اذیت فالون گونگ شروع شود، بیش از نیمی از طبقه متوسط به بالای واقعی جریان اصلی جامعه چین فالون گونگ را پذیرفته بودند. حزب سرور پس از آن، این افراد، جریان اصلی، را به سمت دیگر راند و از آن هنگام طبقه فاسدی را ایجاد کرده که به عنوان هسته اصلی جامعه عمل می‌کنند. و از این رو این گونه است که اجتماع چینی تا حد غیرقابل اصلاحی فاسد شده است. البته، آن افرادی که به آن طبقه تعلق دارند شخصاً هنوز هم می‌توانند نجات یابند. آن چه که حیاتی می‌باشد این است که آن‌ها مایل باشند به حقیقت گوش کنند.

مرید: آیا وضعیت جاری امور در تایوان چیزی است که وابستگی‌های مریدان دافا به بار آورده یا آن نظم و ترتیب نیروی کهن است؟

استاد: من این گونه بیان می‌کنم. نیروهای کهن واقعاً نظم و ترتیب‌های خود را آن جا عمل کرده‌اند، اما اگر مریدان دافا نتوانند به خوبی عمل کنند، آن گاه برای شما به عنوان افراد، آن مسئله‌ای از ترکیه می‌شود. و اگر مریدان دافای یک منطقه نتوانند به خوبی عمل کنند، آن گاه آن منطقه مشکلاتی را تجربه خواهد کرد که توسط وابستگی‌های بشری به بار آمده است— مشکلات زاده شده از وابستگی‌هایی که بین شاگردان مان یافت می‌شوند. بنابراین، اگر در خصوص موضوع خاصی هنوز هم بیش‌تر مریدان دافای تایوانی به خوبی عمل نکرده باشند، آن گاه آن واقعاً بر وضعیت امور آن منطقه اثر خواهد گذاشت. البته، نمی‌گوییم که مریدان دافای تایوانی خوب عمل نکرده‌اند؛ برخی چیزها مداخله نیروی کهن هستند. برای مثال، اگر مریدان دافای ما قبلاً وابستگی‌های بشری‌ای که باعث شد همراه با خطوط حزب سیاسی آبی-سبز به طور تفرقه‌افکنانه‌ای فکر کنند را نمی‌داشتند، وضعیت امروز بهتر می‌بود. من این را از هم زمان شروع مکرراً مطرح کردم، چراکه می‌دیدم که نتایج چه خواهد بود. اما، برخی از شاگردان به رابطه‌های سیاسی بیش‌تر از ترکیه بها دادند. واقعاً سخت است که وابستگی‌های بشری را از بین برد.

مرید: مایلم از استاد درخواست کنم که در خصوص مورد زیر کمک کنند روشن شویم: اخیراً بسیاری از فعالیت‌های دافا در مالزی با انواع و اقسام مزاحمت‌ها مواجه شده است. آیا این به خاطر وجود کوتاهی‌هایی در ترکیه ما است، به خاطر این که خوب همکاری نکرده‌ایم، یا به خاطر موضوعات دیگر است؟

استاد: دلایل بیرونی وجود دارد، یعنی، مزاحمت از طرف دسته ح کچ، می‌توانید مطمئن باشید. اما در خصوص امریکای شمالی، دیگر نمی‌تواند برای اجراهای شن یون مزاحمت ایجاد کند، چراکه تئاترها یکدیگر را از مسائل آگاه می‌کنند. وقتی سعی می‌کند مزاحمت ایجاد کند، شاگردان مان می‌روند به آن‌ها کمک کنند نسبت به مسائل روشن شوند. و خود تئاتر به تئاتر قبلی [تور ما] زنگ می‌زند و می‌پرسد که اجراها آن جا چگونه بودند، و برنامه چگونه بود. سپس تئاتر قبلی به آن‌ها می‌گوید که این‌ها فوق‌العاده بودند، و برنامه را برای آن‌ها توصیف می‌کند. آن‌ها می‌پرسند که چگونه یک مقام رسمی از کنسول‌گری چین به آن‌ها زنگ زده و سعی کرده دخالت کند. و می‌خواهند بدانند چرا ایمیل‌های جعلی با این یا آن اسم دریافت کردند و تلفن‌های ناشناس به همراه نامه‌ها، انواع و اقسام چیزهای منفی می‌گویند. سپس پی می‌برند که تئاتر قبلی همین چیزها را دریافت کرده است. به این شکل، تئاتر قبلی و نیز تئاتر فعلی همگی درباره‌ی مأموران مخفی ح کچ و کارهای کنسول‌گری چین آگاهی پیدا می‌کنند.

اما درخصوص مناطق دیگر [غیر از امریکای شمالی]، باید پرسیم که آیا آنجا مریدان دافای ما که میزبان شن یون هستند واقعاً سعی و کوشش زیادی برای آن صرف کرده‌اند؟ و این مخصوصاً برای اروپا صحت دارد. هر سال زمانه‌ی سختی دارید که حتی سود و مخارج را برابر کنید، و حالا درحال فکر کردن درباره‌ی این هستیم که آیا شرکت باید به آنجا برود. نمی‌توانید به این شکل ادامه دهید. باید این وضعیت را به‌طور جدی اداره کنید. منابع انسانی، مادی و مالی عظیمی مصرف می‌شود، بنابراین چرا آن را خوب انجام نمی‌دهید؟ اگر نتوانید آن را خوب انجام دهید، شاید باید متوقف کنید و به‌جای آن، پروژه‌های دیگر را انجام دهید، که این قدر پرمسئولیت نخواهند بود.

مرید: پس از اجراهای شن یون، تعداد افراد عادی که مایل هستند فالون گونگ را یاد بگیرند زیاد می‌شوند. آیا باید برای اشاعه‌ی جلسات تمرین بیرون بیشتر و فعالیت‌های بیشتر را سازمان‌دهی کنیم؟

استاد: اگر مردم درحال آمدن هستند تا آن را یاد بگیرند، آن‌گاه آن فعالیت‌ها را سازمان‌دهی کنید. آیا همه‌ی کارهایی که مریدان دافا درحال انجام آن‌ها هستند برای نجات مردم نیست؟

مرید: در محل ما، یک‌بار پس از این که یک فیلم روشن‌گری حقیقت پخش شد، یکی از هماهنگ‌کنندگان یک صندوق جمع‌آوری را چرخاند و شاگردان را یکی یکی ترغیب کرد تا کمک مالی ارائه دهند.

استاد: آن شخصی که به آن اشاره می‌کردید هر کسی که بود، هر کسی که جمع‌آوری را به عهده گرفت و افراد را یکی یکی ترغیب کرد تا کمک کنند، باید آن پول را برگرداند.

مرید: برخی از شاگردان احساس کردند که این رویکرد آموزش‌های فای استاد درباره‌ی جمع‌آوری پول را نقض می‌کرد، و از بخشش امتناع ورزیدند. اما، شاگردانی بودند که مشارکت کردند و ظاهراً بلافاصله بیش از چهار هزار دلار جمع‌آوری کردند. اما حتی پس از این، شاگردان هنوز در حال بحث و گفتگو در این خصوص هستند و نمی‌توانند به یک جمع‌بندی برسند. صادقانه از استاد درخواست می‌کنم این موضوع را روشن کنند.

استاد: پاسخ من برای شما این است: هر کسی که آن را جمع‌آوری کرده باید برگرداند.

مرید: برای تبلیغ شن یون، انجمن دافای سیدنی در یکی از جلسات مطالعه‌ی گروهی آنلاین که کل استرالیا را دربرمی‌گیرد، از همه درخواست کرد که پول ببخشند تا کمک کند هزینه‌های شاگردان تایوان که به استرالیا می‌آمدند تا آموزش برگزار کنند را جبران کند. آیا این درست بود؟

استاد: اگر استاد چنین کارهایی را انجام نمی‌دهد، شما هم نباید [انجام دهید]. چیزهای زیادی هستند که واقعاً باید درنگ کنید و درباره‌ی آن بیندیشید.

مرید: برخی از قضات خارج از چین هم‌سو با عدالت رای می‌دهند، اما پس از آن توسط شیطان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، که منجر به نتیجه‌ای منفی شد. آیا این به وابستگی‌های خاصی که بین مریدان یافت می‌شود ارتباط دارد؟ چگونه می‌توانیم بهتر عمل کنیم؟

استاد: مریدان دافا آن‌چه را که قرار بوده، انجام دادند. نیروهای کهن دیدند که تأثیر آن درحال افزایش بود، و تأثیری که روی شیطان داشت طوری بود که به نفع شما می‌شد، بنابراین اقدام کردند تا مشکل درست کنند. اما بسیاری از چیزها این‌قدر ساده نیستند. وقتی مریدان دافا پر از افکار درست باشند، یا درحال انجام کاری باشیم که واقعاً برای انجام آن فراخوانده شده باشیم، آن‌گاه خدایان مشارکت خواهند کرد و کمک ارائه خواهند کرد. هر دو سناریو وجود دارند.

مرید: چگونه بین هم‌تذکیه‌کنندگان دسته‌بندی به‌وجود می‌آید؟ و چه کاری باید انجام دهیم تا آن‌ها را از بین ببریم؟

استاد: وقتی وابستگی‌های بشری به‌هم برخورد کنند، و افراد از نگاه کردن به درون امتناع ورزند، به‌طوری که هر یک چیزها را با تفکر بشری نگاه کنند و دیگران را حقیر بشمرند، درطول زمان دسته‌بندی‌هایی شکل خواهد گرفت. و شبیه مردم عادی، از موافقت با یکدیگر دست می‌کشند. به‌جای آن، به مسائل با افکار مثبت نگاه کنید، و اگر هر دو طرف بتوانند از عهده این برآیند تا به‌دنبال کوتاهی‌های خودشان باشند، و هر دو طرف به‌طور واقعی بهتر عمل کنند، آن‌گاه خواهید دید که طرف دیگر تغییر می‌کند و آن شخص به‌دنبال کوتاهی‌های خودش خواهد بود. اگر بتوانید این کار را انجام دهید، هیچ‌گونه دسته‌بندی به‌وجود نخواهد آمد. از بین بردن دسته‌بندی‌ها تفاوتی ندارد. شما هر دو یک‌فایه را تذکیه می‌کنید، و هر دو یک تقدیر را دارید. بنابراین اگر چیزی وجود دارد که صرفاً نمی‌توانید بر آن فایق آیید، آن‌گاه با شخص دیگر گفتگویی رو در رو داشته باشید و واقعاً مایل باشید هر کوتاهی از طرف خودتان که او ممکن است اشاره کند را بپذیرید. آن‌گاه آیا مشکل حل نخواهد شد؟

مرید: مایلم از استاد بی‌رسم: بین تبلیغ رسانه‌ها مانند ان‌تی‌دی‌تی‌وی و اپک تایمز، و روشن‌گری حقیقت درباره فالون گونگ، چگونه باید بهترین تعادل را بین این دو برقرار کنیم؟

استاد: خود تبلیغ اپک تایمز و ان‌تی‌دی‌تی‌وی به‌عنوان روشن‌گری حقیقت عمل می‌کند و افرادی که هنگام تبلیغ این رسانه‌ها با آن‌ها برخورد می‌کنید دقیقاً افرادی هستند که برای آن‌ها حقیقت را روشن کنید. یعنی، در تعامل با افراد می‌توانید حقیقت را برای آن‌ها روشن کنید. درخصوص این که این چیزها را در شرایط خاص چگونه اداره کنید، درطول کارتان تجربه به‌دست خواهید آورد. فقط با شخص صحبت کنید و برطبق هر چیزی که فکر می‌کنید مناسب آن شخص است رویکردتان را تعدیل کنید.

مرید: در منطقه ما فقط دو یا سه تمرین‌کننده وجود دارد. درحالی که بحث می‌کردیم که آیا میزبان شن یون باشیم، به این نتیجه رسیدیم که نیروی انسانی بسیار کمی داریم، و بنابراین نگرانی‌هایی داشتیم. مایلم بی‌رسم که آیا این موردی از این است که افکار درست کافی نداریم؟

استاد: اگر فقط دو یا سه تمرین‌کننده دارید، آن‌گاه مسلم است که نیروی انسانی کافی ندارید؛ گرچه افراد می‌توانند باعث شوند چیزهایی اتفاق بیفتند. این که فکر کنید افراد خیلی کمی دارید مشکلی از افکار درست نیست. اما در برخی از مناطق فقط دو تمرین‌کننده بودند، اما دو اجرا در تئاتری برگزار کردند که بیش از دو هزار صدلی داشت، و تمام صدلی‌ها پر شدند. و در این سال‌ها تعداد قابل‌توجهی از این موارد شبیه این واقعاً وجود داشته است. در برخی موقعیت‌ها تماماً به این بستگی دارد که چگونه به امور می‌پردازید. اگر واقعاً قصد دارید آن را انجام دهید، و می‌خواهید آن را انجام دهید، آن‌گاه با کمال خلوص انجام دهید. در برخی از موارد دیگر، افراد احساس کردند که تعداد کافی ندارند، و بنابراین در جستجوی کمک از طرف مردم عادی بودند یا شرکتی عادی پیدا کردند تا به‌عنوان نماینده آن‌ها عمل کند. این یک مشکل است. آن‌هایی که این کار را کردند، با آن رویکرد، عدم موفقیت را تجربه کردند، و دچار ضررهای مالی شدند. دلیل این است که اعتباربخشی به فا و روشن‌گری حقیقت کارهایی هستند که مریدان دافا قرار است انجام دهند، و کار مردم عادی نیست. آن‌ها چنین تقوای عظیمی ندارند، و هر چه‌قدر هم آن شرکت بزرگ باشد، اهمیتی ندارد. اگر مطمئن نیستید که چگونه کارها را انجام دهید، می‌توانید از این شرکت‌ها درخواست کنید که مشورت‌های حرفه‌ای به شما ارائه دهند یا مقداری تبلیغات انجام دهند. این اشکالی ندارد. مسائل فقط وقتی به انجام می‌رسند که شما افرادی باشید که نقش اصلی را ایفا می‌کنید.

مرید: هنگام تعامل با هم‌تذکیه‌کنندگانی که گرایش دارند افکار درست کمتری بفرستند یا از میان سخنی‌هایی گذر می‌کنند، بدنم احساس ناخوشایندی دارد، و گاهی اوقات حالت‌م زیاد خوب نیست.

استاد: برخی از احساس‌ها در واقع ممکن است واقعی نباشد. برای مثال، یک مرید دافا ممکن است بسیار عالی تزکیه کرده باشد، اما بدون توجه به این که چگونه به خوبی تزکیه می‌کند، هنوز هم یک موجودی بشری است که تزکیه می‌کند، و تا وقتی که به کمال نرسیده باشد، ترکیبی از هر چه که یک بدن بشری را در تمام سطوح می‌سازد خواهد بود، و کارما در بدنش وجود خواهد داشت. اگر هنگامی که در روند صعود یا ریختن کارما، یا ریختن این چیزها قرار دارد با او برخورد کنید، ممکن است فکر کنید، "اوه، بدن او مملو از چی سرد است" یا "چی سیاه" و این که "او واقعاً به طور ضعیفی تزکیه کرده است." اما این طور نیست. وقتی یک تزکیه‌کننده کارما می‌ریزد، آن در حال تبدیل می‌باشد، و تمام چیزی که یک ناظر می‌تواند حس کند میدان [این کارما] است. اما هیچ تأثیر زیان‌باری بر دیگران ندارد. شخصی که در حال ریختن کارما است در روند صعود قرار دارد، و بیش‌تر این‌که، این روی می‌دهد دقیقاً به خاطر این که او خوب تزکیه است.

در حال حاضر تمام چیزهایی که برخی از افراد می‌توانند ببینند چیزهایی از سطوح بی‌نهایت پایین هستند. هیچ‌کسی نمی‌تواند تصویر واقعی چیزها را ببیند، یا ببیند که یک شخص چه قدر خوب تزکیه کرده است. تمام چیزی که می‌تواند مشاهده شود جنبه‌ای است که به طور کامل از اصلاح فا گذر نکرده است یا تزکیه را کامل نکرده است. شبیه چیزی است که یک لحظه پیش گفتم. آن چه که شاکيامونی درک کرد که بالاترین شکل کیهان است چهار عنصر بزرگ بود-- یعنی خاک، آب، آتش و باد. اما چه چیزی این چهار عنصر بزرگ از شکل می‌دهد؟ و بنیاد نهایی خاک، آب، آتش و باد چیست؟ عالم در هیچ زمینه‌ای دیگر خوب نبود و شروع کرده بود تا منحنی و فرسوده شود. آن چه که دیده شد در واقع چیزی نبود که برای کیهان بزرگ‌تر بنیادی باشد، بلکه فقط چیزی بود که برای سیستم کیهانی کوچک منفردی در سطح کوچک خاصی بود. اما کیهان این قدر بزرگ است که غیرقابل مقایسه می‌باشد، و سیستم‌های بی‌شماری شبیه این وجود دارد. چه کسی می‌توانست بداند که سرنوشت بزرگ‌ترین کیهان چه می‌بود؟ چه کسی می‌تواند بداند که نتیجه تمام کارهایی که مریدان دافا در حال انجام آن هستند چه خواهد بود؟ چه کسی می‌تواند از وضعیت‌های حقیقی اما مهر و موم شده مریدان دافا که خوب تزکیه کرده‌اند آگاه باشد. حتی وقتی استاد کارما را برای موجودات ذی‌شعور از بین می‌برد زجر می‌کشد، و بدنش همه نوع [حالات] را خواهد داشت. پس آیا آن افرادی که سطح‌شان بسیار محدود است، و افرادی که نمی‌توانند تصویر واقعی چیزها را مشاهده کنند نیز می‌خواهند فکر کنند که استاد مشکلاتی دارد؟ و در آن اوقات من برای موجودات ذی‌شعور در حال تحمل کارمای گناه هستم، که در بین آن‌ها افرادی هستند که نمی‌توانند تصویر واقعی چیزها را مشاهده کنند، گرچه این توانایی را دارند که ببینند.

چشم سوم برخی از افراد باز است، اما در واقع این مسئله تزکیه آن‌ها را سخت‌تر ساخته است. وقتی چشم سوم‌شان باز باشد نیروهای کهن سختی‌ها و آزمایش‌هایی را برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. و این برای آن‌هایی که به خود اجازه دادند توسط مسیرهای کوچک‌تر مورد مداخله قرار گیرند و فکر می‌کنند که چیزی خاص هستند مخصوصاً صحت دارد. اما هیچ هم‌چو چیزی نیست. آن‌ها کاملاً فریب خورده و در آن فرو افتادند، غیرمنطقی و عجیب و غریب رفتار می‌کنند. اما وضعیت واقعی امور چیزی است که تزکیه‌کنندگان مطلقاً از دیدن آن‌ها ممنوع شدند. و به‌ویژه این برای افرادی که در وضعیت قفل‌نشده و باز تزکیه می‌کنند این چنین است. به آن‌ها فقط اجازه داده شده چیزهایی که برای‌شان در نظر گرفته شده و چیزهایی که برای خاطر آن‌ها نظم و ترتیب داده شده را ببینند؛ اجازه ندارند چیزهایی که برای چشم‌هایشان در نظر گرفته نشده را ببینند، چراکه هنوز در حال تزکیه هستند. اگر تزکیه‌کننده واقعاً تزکیه کردن را متوقف کند، آن‌گاه کاملاً سناریوی متفاوتی است.

بارها و بارها شرح دادم که هیچ‌کسی نمی‌تواند وضعیت واقعی چیزها را ببیند، چراکه آن شبیه چیزی نیست که این‌جا در این کیهان کهن متجلی می‌شود در حالی که هنوز در میان روند تاریخ قرار دارد. هیچ یک از آن‌ها دیگر وجود ندارند. همان‌طور که می‌دانید، در گذشته هر جهانی که بد می‌شد-- بدون توجه به سطحی که در آن بود-- تا وقتی که دیگر خوب نبود، از بین می‌رفت، به طوری که فاجعه‌های بزرگ و کوچکی برای آن اتفاق می‌افتاد. اما تمام چنین اتفاقاتی بخشی از کیهان کهن بود، چراکه در زمان خلق این کیهان، چیزها از آغاز تا پایان در یک زمان و هم‌زمان بنا نهاده شدند، به طوری که همگی به‌طور هم‌زمان به وجود آمدند، گذاشتند موجودات ذی‌شعور، درون آن محدوده، آن را زندگی کنند. یک زندگی قرار است یک مسیر را بیماید، مسیری که پیشاپیش به وجود آمده بود، از آغاز تا پایان. دقیقاً مانند متن یک نمایش، تمام آن را دارد، به طوری که مردم

از ابتدا تا پایان فقط سهم خود را اجرا می‌کنند. فقط این‌طور است که در کیهان عظیم زمان‌ها و بعدهای مختلفی وجود دارد. وقتی شخصی که بدنش در یک بعد آهسته قرار دارد قادر است زندگی و دوره زندگی موجودی در بعد سریع را ببیند، تمام زمانی که طول می‌کشد کسری از ثانیه است-- و حتی کل دوره آن هستی جهان [بعد سریع] ممکن است دیده شود، چراکه آن به‌طور هم‌زمان در آن فضا وجود دارد. تمام این‌ها در همان زمان وجود دارد. این، زمان است که آن را به زمان-مکان‌ها و زمان-محیط‌های مختلف تقسیم کرده است. اما درحال حاضر، دیگر چیزها این‌طور نیستند. این بدین دلیل است که کیهان درحال گذر از اصلاح فا است. هیچ چیزی به‌هیچ وجه دیگر به‌اندازه کافی خوب نیست، تمام این‌ها کارشان تمام است. آن‌چه که در گذشته خوب بود هماهنگ و دوباره ساخته شده است، درحالی که آن‌چه که بد بود برداشته شده است. درخصوص کیهان کهن و حیات‌های آن، هر چیزی که کاملاً جدید است مطلقاً هیچ ارتباط و پیوستگی با آن‌ها ندارد. حیات‌هایی در کیهان کهن که حیات‌هایی در کیهان جدید نخواهند شد هرگز نخواهند دانست کیهان جدید شبیه چیست. به‌عبارت دیگر، تا وقتی که در کیهان کهن هستید، هرگز نمی‌دانید کیهان جدید چه شکلی است. بدون توجه به این که سطح یک خد در دنیای امروز چه قدر بالا است، تا وقتی که از میان اصلاح فا گذر نکرده باشد، از [کیهان جدید] آگاه نخواهد بود. هیچ کسی ارزش آگاهی از آن را ندارد، به‌جز کسی که آن را اصلاح می‌کند، چراکه حتی بالاترین خدایان در کیهان درحال مواجه شدن با اصلاح فا هستند و درحال آزمایش هستند که آیا می‌توانند موفق شوند و بمانند. پس، از این منظر، آن‌هایی که در سطوح پایین درحال تزکیه هستند اما چشم سوم‌شان باز است واقعاً چیزی نیستند. یک‌بار که وابستگی‌های بشری فعال شود، باعث می‌شود افراد غیرمنطقی رفتار کنند و فراموش کنند چه کسی هستند.

مرید: ممکن است بپرسم که آیا گروه موسیقی سرزمین خدایی در اروپا مهم است؟

استاد: تا وقتی که برای نجات مردم مورد نیاز می‌باشد، آن‌گاه مهم است. وقتی مورد نیاز نباشد، آن با اهمیت نیست. گروه موسیقی سرزمین خدایی وقتی برای اجرای نقش در روند نجات مردم مورد نیاز است مهم می‌باشد. با این‌حال، در تفکرتان به افراط و تفریط نروید. اگر حالا که شنیدید استاد گفت که این گروه برای نجات مردم مهم است بروید و هر روز تمام وقت ترومپت تمرین کنید، پس این خوب نیست. مریدان دافای من، وقتی چیزهایی مورد نیاز هستند، بروید و آن‌ها را انجام دهید. وقتی مورد نیاز نیستند، و پروژه‌های دیگر نیازمند هستند، آن‌گاه بروید و روی آن پروژه‌های دیگر کار کنید. من این‌گونه به آن می‌نگرم.

مرید: آیا می‌توانیم قبل از یک اجرای شن یون گروه موسیقی سرزمین خدایی را به یک شهر ببریم، به‌طوری که مردم آن‌جا همگی درباره فالون گونگ مطلع شوند؟

استاد: در اجتماع غربی نباید این کار را انجام دهید. من درحال معرفی شن یون به‌صورت یک شرکت اجرای هنری مستقل و در سطح جهانی هستم، بنابراین مطلقاً نباید بروید و آن را به چیزی شبیه محصولات ارزان که مردم در بازار جار می‌زنند تبدیل کنید. من نیازی ندارم که قبل از نمایش به خطوط مقدم پیش بروید، چراکه خودم مسائل در بعدهای دیگر را اداره خواهم کرد. (تشویق)

البته در این که می‌خواهید در آن منطقه آگاهی درباره فالون گونگ را بالا ببرید چیز اشتباهی وجود ندارد، اما نمی‌توانید آن‌چه را که توصیف کردید انجام دهید. نیازی ندارید که اصرار داشته باشید به مردم بگویید که شن یون با فالون گونگ ارتباط دارد و برای آن هیاهویی برپا کنید. من این ارتباط را پنهان نمی‌کنم، اما عمداً هم به‌دنبال این نیستم. می‌دانید، با نگاه به سه یا پنج دهه گذشته، هشتاد درصد مردم دنیا یا بیش از آن، اعتقادات مذهبی داشتند، به‌طوری که تقریباً تمام اعضای برخی از شرکت‌های نمایشی اشخاصی با اعتقادات کاتولیک یا مسیحی بودند. اما هرگز نمی‌شنیدید که قبل از اجراهای‌شان اعلام کنند، "ما مسیحیانی هستیم که آمده‌ایم تا اجرا داشته باشیم" یا "ما کاتولیک‌هایی هستیم که آمده‌ایم تا اجرا داشته باشیم." آیا هیچ کسی چنین چیزهایی می‌گفت؟ حتی گروه‌های اجرا که از جانب رژیم حزب شیطان‌ی اهریمنی اداره می‌شوند، که تمام دنیا

می‌دانند که در حال انجام این کار هستند، قبل از نمایش وابستگی خود به حزب را افشا نمی‌کنند. پس چرا ما باید این قدر خودمان را برای انجام این کار مجبور کنیم؟ آیا این تحمیل استاندار مضاعف [بر خودمان] نیست؟ بله، مشکل تحت آزار و اذیت بودن فالون گونگ وجود دارد. اما درحالی که از این موضوع اجتناب نمی‌کنم، در عین حال به صورت فعالانه‌ای نیز درباره آن صحبت نمی‌کنم. به خودتان اجازه ندهید توسط افرادی که نیروهای کهن کنترل‌شان می‌کنند نوسان پیدا کنید. روشی که من امور را اداره می‌کنم شبیه طوری که شما اداره می‌کنید نیست، که به راحتی نوسان پیدا کنم.

مرید: دقیقاً چگونه باید رابطه بین سه رسانه عمده مان و انجمن دافا را اداره کنیم؟ و همان طور که به کارمان می‌پردازیم چگونه باید این را به طور درستی اداره کنیم؟

استاد: اگر شما در یکی از سه رسانه عمده یا در پروژه دیگری هستید، تا وقتی که شاگردی در انجمن دافای آن محل هستید، باید رابطه همکاری خوبی با انجمن داشته باشید. اگر انجمن یک برنامه، یک گروه بزرگ مطالعه، یا هر چه که ممکن است باشد را ترتیب دهد، و از شما درخواست کند که بخشی از آن باشید، پس تا وقتی که گرفتار نباشید باید بروید و شرکت کنید. اگر فکر می‌کنید که واقعاً خیلی گرفتار هستید، پس البته قابل درک است و مشکلی نیست. اما به عنوان شاگردی از دافا، هر چه باشد شاگردی از آن منطقه هستید. رسانه‌های ما با ابتکارات خود شاگردان ما برپا شدند، و حتی من نمی‌توانم بگویم که آن‌ها باید تحت حوزه آن انجمن باشند، چرا که انجمن فقط مراقب تزکیه است. حالا در خصوص شما به صورت انفرادی، یک تزکیه‌کننده هستید، و بنابراین ضرورتاً تحت تصدی هماهنگی انجمن دافا در محل خودتان هستید. این شبیه رابطه من با شما است: آیا می‌توان گفت چون هر مرید دافا پروژه‌ای دارد که به آن گره خورده است، که متعلق به آن پروژه است، و نیازی نیست که من، استادش، دیگر مراقب او باشم؟ خیر، این گونه نیست. هنوز در حال تزکیه کردن هستید و بنابراین استاد هنوز هم باید مراقب شما باشد. این چیزها این گونه به هم ربط دارند.

مرید: شاگردان دافا در تایوان مطالعه گروهی فا را یک "مجلس خواندن" می‌نامند. آیا این مناسب است؟

استاد: خیر، زیاد مناسب نیست. باید با جدیت کامل با تزکیه دافا برخورد کنید. سعی نکنید متفاوت باشید و اصطلاحات جدیدی مانند آن درست کنید. اصطلاحاتی که توسط من استفاده نشده را در فا مخلوط نکنید، مخصوصاً چیزهایی از مذاهب گذشته یا افراد عادی دیگر. همچنین نباید از روی بی‌فکری چیزهای کسب شده از دیگر شکل‌های تزکیه را به دافا بیاورید. برخی از چیزها هنوز پیام‌هایی را حمل می‌کنند و این‌ها می‌توانند به آسانی توسط چیزهای بد مورد استفاده قرار گیرند.

مرید: پس از این که استاد درباره همکاری با هماهنگ‌کنندگان صحبت کردند، برخی از شاگردان این معنی را گرفتند که آن‌ها باید فقط بر طبق طرح‌های هماهنگ‌کننده عمل کنند و فکر می‌کنند که اگر فقط منتظر بمانند تا هماهنگ‌کننده امور را سازمان‌دهی کند همه چیز خوب است. و وقتی برای آن‌ها کاری سازمان‌دهی نشده که انجام دهند، به طور فعالانه‌ای به دنبال کارهایی که می‌توانند انجام دهند نمی‌روند و در خصوص نجات موجودات ذی‌شعور فعالانه عمل نمی‌کنند.

استاد: هماهنگ‌کنندگان فقط کارها را بر طبق نیاز برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها نمی‌توانند تک تک روزها برای شما طرح‌ریزی کنند. البته وقتی هیچ فعالیت‌های گروهی ترتیب داده شده وجود ندارد باید به طور فعال و داوطلبانه کارهایی که مریدان دافا انجام می‌دهند تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند انجام دهید. آن‌ها چیزهایی نیستند که بتوانید منتظر یک هماهنگ‌کننده بمانید تا نظم و ترتیب دهد. فقط در مورد رابطه بین هماهنگ‌کننده و شاگردان مان در حال صحبت هستیم.

مرید: من شاگردی هستم که حقیقت را در محله چینی‌های شیکاگو روشن می‌کنم. ما یلم از استاد محترم بپرسم که آیا درست است که در مکان‌هایی که حقیقت را روشن می‌کنیم روزنامه آپک تایمز را توزیع کنیم و مردم را برای خروج از حزب ترغیب کنیم؟

استاد: برخی از رسانه‌ها [ی ما] به کاری که در حال انجام آن هستند هیچ فکر نمی‌کنند و همیشه فالون گونگ را در جلو قرار می‌دهند، "اپک تایمز فالون گونگ"، "ان تی دی تی وی فالون گونگ" این چیز فالون گونگ، آن چیز فالون گونگ. برخی از شاگردان فقط بر انجام این کار اصرار می‌ورزند، در صورتی که در واقع نیازی نیست این کار را انجام دهند. و در واقع، حتی اگر این را نمی‌گفتید، هنوز هم مردم می‌دانستند. بسیاری از افراد می‌دانند که اپک تایمز توسط شاگردان فالون گونگ اداره می‌شود. اما آیا متوجه می‌شوید که تمام آن گفته‌ها دربارهٔ این که افراد فرضاً بگویند که اگر فالون گونگ را پیش نکشید این یا آن مسئله را خواهید داشت، در واقع چیزی بود که توسط مأموران مخفی حزب شرور مطرح شد؟ با این حال چرا همیشه این کلمات را بیان می‌کنید؟ آیا تابه‌حال دربارهٔ آن نیندیشیده‌اید؟ با نگاه به چندین دهه پیش، بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای، از شخص در رأس گرفته تا پرسنل، همگی از افراد مسیحی تشکیل شده بودند. اما هیچ کسی به آن‌ها نمی‌گفت که همیشه با مطرح کردن این جمله شروع کنند که "ما مسیحی هستیم" این چیز و آن چیز، "ما کاتولیک هستیم" و چنین و چنان روزنامه‌ای هستیم. (خندهٔ حضار) آیا هرگز چنین کاری می‌کردند؟ آیا این عجیب نمی‌بود؟ چرا این را عجیب نمی‌یابید؟

البته، دربارهٔ این شاگرد که این پرسش را مطرح کرد صحبت نمی‌کنم. چیزی که می‌گویم این است که، در حال حاضر نیروی انسانی ما محدود است، بنابراین وقتی می‌خواهید به این شخص یک روزنامه بدهید به همراه [مجموعه‌ای از مطالب دیگر]، و در عین حال مردم را به خروج از حزب ترغیب کنید، و حقیقت را روشن کنید، این مشکلی را به وجود می‌آورد. نمی‌توانم بگویم که این درست است که این کار را انجام دهید یا خیر، اما می‌توانم شما را ترغیب کنم که سعی کنید این را به خوبی اداره کنید. معمولاً مناسب‌تر است که روزنامه را در یک سوپرمارکت بگذارید، و سپس فقط مطالب روشن‌گری حقیقت را به خود ببرید. وقتی می‌خواهید بروید تا بیرون آمدن از حزب را ترویج دهید. شاگردانی که این رسانه‌ها را اداره می‌کنند باید دربارهٔ این فکر کنند که چگونه موقعیت رسانه‌های اداره شده توسط مریدان دافا به عنوان بخشی از اجتماع و رسانهٔ عادی در اجتماع عادی شدن را به خوبی به هم پیوند دهند. اگر رسانه‌هایی که مریدان دافای ما اداره می‌کنند از دید مردم بسیار معتبر شود، قدرت بسیار بیشتری در روشن‌گری حقیقت خواهند داشت. اما اگر همیشه رویکردهای نامناسب را استفاده کنید، ممکن است در مردم این برداشت را ایجاد کنید که غیر حرفه‌ای هستید. روزنامه به دلیل ماهیت خود رویکرد دیگری را برای روشن‌گری حقیقت برمی‌گزیند، و مانند روشن‌گری حقیقت به‌طور مستقیم نیست. بنابراین، باید این را به خوبی اداره کنید.

مرید: دوستان عادی به من گفتند که از وقتی که به ایالات متحده آمدند، با مریدان دافا برخورد کرده‌اند که در خیابان سعی می‌کنند حقیقت را برای آن‌ها روشن کنند و یک‌راست به آن‌ها می‌گویند که "آسمان می‌خواهد ح کچ را از بین ببرد" و چیزهایی شبیه این. نه تنها پذیرش این برای آن‌ها سخت است، بلکه حسی منفی در آن‌ها برمی‌انگیزد. پس از آن، وقتی حقیقت به آن‌ها معرفی می‌شود این برای آن‌ها مانعی می‌شود. نمی‌دانم آیا افراد ما می‌توانند رویکردشان را تغییر دهند، و کارها را پله پله‌ای انجام دهند، به جای این که کارها را بدون این که دربارهٔ آن‌ها فکر کنند انجام دهند؟

استاد: درست می‌گویید. مریدان دافا باید مواظب رویکردی که هنگام روشن‌گری حقیقت برمی‌گزینند باشند، چرا که افراد همه نوع قالب ذهنی را دارند. و این مخصوصاً در خصوص افراد چینی مهم است، که سرشان با طرز تفکر، واژه‌ها و رفتار فرهنگ حزب شیطانی پر شده است و در حصارهای فرهنگ حزب شرور به دام افتاده‌اند. حتی وقتی برخی از افراد چینی به حزب شرور دشنام می‌دهند، در بافت و فحوای خود [حزب] این کار را می‌کنند، بدون این که هرگز ماهیت حزب شرور را درک کنند. بنابراین می‌گویم که نیاز دارید به‌طور منطقی به امور پردازید، و فقط کارها را سطحی انجام ندهید. اگر می‌خواهید مردم را نجات دهید، آن‌گاه باید بیشتر برای آن صرف کنید و فقط کارها را سطحی انجام ندهید.

گفتن این که، "آسمان می‌خواهد ح کچ را از بین ببرد"، نتیجهٔ نهایی‌ای است که تزکیه‌کنندگان به درکی از آن رسیده‌اند. وقتی حقیقت را روشن می‌کنید این را جملهٔ آغازین خود نسازید. اما اگر واقعاً مسائل را برای مردم توضیح داده‌اید و پس از آن به این پردازید که این حزب چه قدر شیطانی است و آسمان می‌خواهد آن را از بین ببرد، آن‌گاه این اشکالی ندارد. اما وقتی هنوز

حقیقت را برای آن شخص روشن نکرده‌اید و به این می‌پردازید که "آسمان می‌خواهد ح‌ک‌چ را از بین ببرد"، و این شخص واقعاً به درکی از مسائل نرسیده است، آن‌گاه آن‌ها فکر می‌کنند که شما درحال "سیاسی شدن" هستید.

مرید: آکادمی هنرهای فی تیان درحال تأسیس یک شعبه در تایوان است. برخی از شاگردان عقیده دارند که فرزندان مریدان دافا باید افرادی باشند که در عضوگیری هدف قرار می‌دهیم. مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که هدف از تأسیس یک شعبه از آکادمی هنرهای فی تیان در تایوان چیست؟

استاد: داشتن یک مدرسه در ایالات متحده به این معنی است که برای مریدان دافا به میزان کافی است؛ نیازی نیست که مدرسه‌های بیش‌تری داشته باشیم که برای مریدان دافا باشند. درواقع نیازی ندارید که اسم "فی تیان" را استفاده کنید. از آن‌جا که کاملاً مریدان هستند که درحال انجام این کار هستند، چرا اجتماع عادی را هدف قرار ندهیم، پسران و دختران مردم عادی را بپذیرید و حقیقت را برای آن‌ها روشن کنید، و آن‌ها را نجات دهید، کانال‌های بیش‌تری را باز کنید [تا مردم حقیقت را دریافت کنند]. به این شکل، منابع دافا را مصرف نمی‌کند. بنابراین، امیدوارم هر منطقه که یک مدرسه تأسیس می‌کند آن را به شکل درست و مناسبی در اجتماع عادی تأسیس کند، بدین صورت که تعامل بیش‌تری با اجتماع عادی ایجاد کند و اجازه دهد مردم بیش‌تری را نجات دهیم. بیایید مدارس برای مریدان دافا را شروع نکنیم.

مرید: در منطقه ما ناسازگاری‌های بی‌پایانی بین شاگردان دربارهٔ چگونگی متعادل کردن نیاز برای تبلیغ حرفه‌ای‌تر شن یون و نیاز برای داشتن افکار درست وجود دارد. آیا ممکن است از استاد درخواست کنم مجدداً روشن کنند که چگونه این دو موضوع باید هریک نسبت به دیگری در نظر گرفته شود.

استاد: بین این دو تضادی وجود ندارد. این دربارهٔ این است که تزکیه‌کنندگان نیاز دارند که حرفه‌ای‌تر شوند، و دربارهٔ این نیست که مردم عادی کار مریدان دافا را برای آن‌ها انجام دهند. نکتهٔ کلیدی نگرشی است که هنگام انجام کارها دارید— چیزی که شما را هدایت می‌کند تا آن‌ها را انجام دهید. هر کسی که وقتی دربارهٔ کارها بحث و گفتگو می‌کنید همواره دربارهٔ این چیز و آن چیز ایراد می‌گیرد، درحال به تأخیر انداختن کارتان است و مشکلاتی دارد. و فقط منظورم تبلیغات شن یون نیست. دربارهٔ چیزهای دیگر هم این‌طور است. چه چیزی برای ایراد گرفتن وجود دارد؟ فقط بروید و آن را انجام دهید— واقعاً و حقیقتاً به‌طور کامل به انجام کارها بپردازید. به‌عنوان یک مرید دافا، اگر روی چیزی که خوب انجام نشده است انگشت می‌گذارید، پس درخصوص بهتر ساختن چیزها پیش‌قدم باشید. وقتی در جلسات دربارهٔ مسائل صحبت می‌کنید، هر کسی که همیشه با دیگران وارد مشاجره می‌شود، درستی ایده‌های دیگران را مورد بررسی و پرسش قرار می‌دهد، یا به تصویر کلی نگاه نمی‌کند، که پس از آن باعث می‌شود کل پروژه به بی‌ثمری ختم شود— آن شخص مشکل دارد. نیازی نیست همه چیز تا نقطهٔ کمال مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. گاهی اوقات فقط نیاز دارید که اقدام کنید، و در روند [انجام کارها] کارها را خوب انجام دهید. حتی اگر فکر کنید که ایدهٔ شما عالی است، و می‌تواند صد نفر را نجات دهد، اگر آن را به انجام نرسانید بی‌فایده است. در عین حال، اگر چیزی بتواند فقط یک شخص را نجات دهد، پس هر کسی که آن را انجام دهد به آن اندازه تقوای عظیم برای آن به‌دست می‌آورد.

مرید: مایلم از استاد بپرسم، درحال حاضر، وقتی رسانه‌های ما نیاز به پول دارند، آیا می‌توانیم به مقدار کمی از مردم عادی کمک درخواست کنیم تا فعالیت‌های تجاری‌مان را حمایت کنند؟

استاد: مشکلی در درخواست کمک برای یک شرکت رسانه‌ای نیست، چراکه این یک مرید دافا یا انجمن دافا نیست که درخواست کمک می‌کند، و آن برای امور تزکیه نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همان‌طور که می‌دانید، تزکیه متضمن هیچ هزینه‌ای نمی‌شود. اما نهاد رسانه‌ای یک شرکتی است که ذاتاً در اجتماع عادی بشری تأسیس می‌شود. شرکت‌های رسانه‌ای که شما اداره می‌کنید رسانه‌هایی نیستند که توسط دافا برپا شدند. این چیزی است که مدت‌ها قبل به شما گفتم. آن‌ها رسانه‌هایی هستند که توسط مریدان دافا بنیان گذاشته شدند و به این هدف که در اجتماع عادی ریشه کنند. دافا هیچ رسانه‌ای ندارد؛ دافا

صرفاً تزکیه است. از آنجا که اینها رسانه‌های اجتماع عادی هستند، و شکلی که می‌گیرند مانند شرکت‌های عادی است، آن‌گاه [در کمک خواستن] چه مشکلی است؟ هیچ [مشکلی] نیست، و می‌توانید در این خصوص بهترین سعی‌تان را بکنید. دقیقاً مانند کسب و کارهای عادی که ممکن است کمک نیاز داشته باشند، می‌توانید به همین شکل درخواست حمایت کنید. در انجام این کار چیز اشتباهی وجود ندارد. اما نمی‌توانید در بین شاگردان ما درخواست حمایت کنید.

مرید: شن یون در سه شهر در منطقه خلیج سان فرانسیسکو اجرا داشت، و فقط در سان فرانسیسکو بود که نتیجه مالی زیاد خوب نبود. دفعه بعد هنگامی که تور به سان فرانسیسکو می‌آید، و فشار مالی نسبتاً بیش‌تر شود درک ما این است که باید موفقیت این اجراها را در سان فرانسیسکو در اولویت قرار دهیم و به‌طور موقت کارهای مان در شهرهای مجاور را کنار بگذاریم. مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که آیا این درک درست است؟

استاد: چیزهای خاص مانند این‌ها برای شماست که درباره آن‌ها بیندیشید. استاد مخالف داشتن اجرا در هیچ منطقه خاصی نیست، تا جایی که هیچ ضرر مالی نباشد. برخی از افراد می‌گویند، "از آنجا که حالا طبقه بالای اجتماع را هدف قرار می‌دهیم، بیایید بیش‌تر برای تبلیغات خرج کنیم." وقتی قیمت بلیت‌ها بالا می‌رود، ضرورتاً به این معنی نیست که هزینه‌های تبلیغات شما باید به همان نسبت بالا برود. این‌طور نیست. نباید برای این که درصد خاصی از ارزش بلیت یا درآمد کل را تطبیق دهید به‌طور افراطی خرج کنید. صرفاً مانند گذشته عمل کنید و این باید خوب باشد. رویکرد مبتنی بر درصد، که مردم عادی به‌کار می‌برند برای ما کار نمی‌کند. کاری که ما درحال انجام آن هستیم نجات مردم است و خدایان درحال مشارکت هستند، بنابراین حالت‌های تزکیه مریدان دافا خیلی مهم است. به انجام رساندن اجراهای [شن یون] نیز تزکیه است، و باید با همدیگر به‌خوبی همکاری کنید. باید حقیقت را برای مردمی که با آن‌ها در تعامل هستید روشن کنید، چراکه تمام موجودات ذی‌شعور درحال انتظار برای نجات یافتن هستند.

مرید: درحال حاضر، گروه موسیقی سرزمین خدایی در نیویورک درحال مطالعه مقدار زیادی تئوری موسیقی هستند، به‌طوری که حتی افراد امتحان می‌گیرند. آیا این اتلاف وقت نیست؟

استاد: شما این را می‌گویید که مقدار زیادی تئوری موسیقی وجود دارد که از آن‌ها خواسته می‌شود مطالعه کنند؟ آیا واقعاً این‌طور است؟ درحال حاضر این امکان‌پذیر نیست که سعی کنید افراد حرفه‌ای شوید. کارهای زیادی وجود دارند که نیاز است برای اعتباربخشی به‌فا انجام شوند. تا وقتی که روشن هستید [که چگونه موسیقی اجرا کنید]، به اندازه کافی خوب است؛ نیازی ندارید که عضوی در حد حرفه‌ای در گروه موسیقی سرزمین خدایی شوید. مریدان دافا هم‌زمان درحال به‌دوش گرفتن مأموریت‌های بسیار زیادی هستند. این قابل درک است که همگی می‌خواهید هر یک از کارهایی که درحال انجام آن‌ها هستید را بهتر انجام دهید، اما واقعاً باید اولویت‌های‌تان را به‌دقت سبک و سنگین کنید.

مرید: کنفرانس‌های فا و جلسات کوچک قرار نیست که ضبط شوند، اما شاگردانی از سیدنی که روی شن یون کار می‌کردند ضبط می‌کردند، و به‌طور مکرر آن‌ها را به تمرین‌کنندگان دیگر دادند.

استاد: از هیچ کسی خواسته نشد که در جلسات ملاقاتی که من داشتم ضبط انجام دهد. هر کسی که چنین ضبط‌هایی تهیه کرده درحال انجام کاری بوده که به‌فا آسیب می‌رساند. چگونه می‌توانید چنین کاری انجام دهید؟ آیا به این چیزها مدت‌ها پیش اشاره نشد؟ هر کسی که این کار را انجام داده باید ضبط (ها) را به انجمن دافای محلی برگرداند.

مرید: مریدان دافا در اندونزی با همدیگر خوب همکاری نکرده‌اند. مایلم از استاد درخواست کنم ما را راهنمایی کنند.

استاد: فکر می‌کنم که در واقع بسیاری از کارها خوب انجام شده است. گرچه ممکن است همکاری در برخی از موارد خوب نبوده باشد، اما ایمان دارم که در طول تزکیه به تدریج به همکاری خوبی می‌رسید.

مرید: مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که، همان‌طور که اخبار عادی را پوشش می‌دهیم و روزانه با آن آلوده می‌شویم، آیا برای ما ضروری است که سعی کنیم هر روز با افکارمان آن آلودگی را پس بزنیم؟ آیا این کار آلودگی را به حداقل می‌رساند؟

استاد: خیر، نیازی ندارید که این کار را انجام دهید. به هر چیزی که نظر بیندازید آلوده کننده است. فقط نیاز دارید که مطالعه فای خود را افزایش دهید و این خوب خواهد بود. و همراه با این، باید هر روز با مدت‌زمان معمول، تمرین‌ها را انجام دهید و وقتی فا را مطالعه می‌کنید، نیاز دارید که مطمئن شوید که ذهن‌تان متمرکز است. اگر تزکیه‌تان را واقعاً خوب به انجام برسانید هر مشکلی می‌تواند حل و فصل شود.

مرید: وقتی برخی از مردم به مریدان دافا می‌گویند که با بیرون آمدن از حزب و سازمان‌های آن موافق هستند، این‌طور است که همین‌طوری و بدون فکر چیزی گفته می‌شود، به‌خاطر این‌که بد به‌نظر نرسند، و از این‌که واقعاً ماهیت حزب شرور را ببینند نمی‌آید. در این موارد آیا این شخص واقعاً نجات یافته است؟

استاد: وقتی فکر شخص از درون بیاید، آن‌گاه او می‌تواند نجات یابد. وقتی مردم همین‌طوری چیزی می‌گویند فقط برای این‌که بد به‌نظر نرسند، آن‌گاه بستگی به شرایط دارد. با داشتن شجاعت این‌که بگویند [بیرون می‌آیند]، حداقل بدین معنی است که درباره دافا فکرهای بدی را در سر نمی‌پروراند و با داشتن شجاعت برای بیرون آمدن، حداقل بدین معنی است که نسبت به حزب شرور حس خوبی ندارند. البته اگر درحال گفتن یک چیز باشند درحالی که دروناً افکار خصمانه‌ای داشته باشند، کاملاً ماجرای دیگری است. خدایان می‌توانند چنین چیزی را ببینند. اما به‌عنوان مریدان دافا، یک چیز این است که، باید کارها را محکم‌تر انجام دهید. صرفاً کارها را سطحی انجام ندهید. نباید سعی کنید مردم را از این طریق که [اگر بیرون نیابند] احساس شرمندگی کنند، مجبور به موافقت کنید. اما می‌دانم که در اکثریت وسیعی از موارد که مردم بیرون آمده‌اند، این‌طور نیست که فقط برای حفظ آبرو این کار را کردند. و بیش‌تر این‌که، با نگاه به وضعیت اصلاح فا و تغییرات در بحال حاضر، [می‌توان گفت که] دگرگونی‌های عمده رخ داده‌اند. تغییرات در مردم در سرزمین چین بیش‌تر از تغییرات در چینی‌های خارج از سرزمین چین بوده است، چراکه آن‌هایی که خارج هستند در واقع از کنسول‌گری‌ها می‌ترسند و واقعاً مرعوب آن مأموران ویژه ناچیز شده‌اند. مردم در سرزمین چین نمایش بزرگی از ناسزا گفتن به ح‌کچ شرور را نشان می‌دهند و از انجام این کار ترسی ندارند. یک‌وقت شما در سرزمین چین زندگی می‌کنید و حزب شرور شما کنترل می‌کند و از آن می‌ترسید، اما وقتی خارج زندگی می‌کنید، خارج از کنترل آن، اگر هنوز هم بترسید... آیا هیچ دل و جرأتی ندارید؟ آیا این ذهنیت این افراد کمی عجیب نیست؟

مرید: اخیراً استاد مکرراً از همه درخواست کرده‌اند که از تمرین‌های مدیریتی مردم عادی یاد بگیرند و از تجربیات‌شان استفاده کنند و شرکت‌ها را اداره کنند. درحال حاضر مدیریت این‌ها را در نظر می‌گیرد که آیا رویکردهای مدیریتی خاصی را به‌کار ببرند، اما برخی از هم‌تزکیه‌کنندگان هنوز در این خصوص بی‌میل هستند و اظهار می‌دارند که، "اداره کردن از طریق انجام هیچ کار، بالاترین قلمرو است." (خنده حضار)

استاد: هیچ عذر و بهانه‌ای نیست که برخی از افراد به آن نیندیشند. (خنده حضار) چه شرکتی "توسط انجام هیچ کار اداره می‌کند؟" اگر می‌گویید شرکت‌های اداره شده توسط مریدان دافا متفاوت هستند و می‌توانند "از طریق انجام هیچ کار اداره کنند،" آن‌گاه حرف‌تان را باور ندارم. اگر هیچ وابستگی بشری نداشته باشید، آن‌گاه یک خدا هستید. اما آیا هنوز یک موجود بشری نیستید که تزکیه می‌کند. پس درحالی که این هنوز موجودات بشری هستند که تزکیه می‌کنند، آیا بخش بشری شما که هنوز تزکیه را کامل نکرده شبیه یک موجود بشری عادی نیست؟ شما هنوز وابستگی‌هایی دارید که برداشته نشده‌اند، فقط شما، به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، شخص خوبی هستید و سطح شما بالاتر است. اگر با مدیر تضادهایی نمی‌داشتید، وابستگی‌هایی که

باعث می‌شوند برای نقش اول با آن‌ها مبارزه کنید یا نمونه‌هایی از همکاری بد [نمی‌داشتید]، و همگی به‌طور واقعی از عهده این برآید که به درون نگاه کنید، و درون خودتان را جستجو کنید، آن‌گاه حقیقتاً رویکردی به مدیریت خواهید داشت که بهتر از [رویکرد] رسانه‌های عادی است، و بهره‌وری شما برجسته خواهد بود. اما قادر نیستید هم‌اکنون به آن برسید، و این دقیقاً توسط همان وابستگی‌های بشری خودتان سبب می‌شود. در عوض، بهره‌وری شما نشان می‌دهد که پایین است.

مرید: مریدان دافا در سرزمین چین، مریدان دافا در هر یک از مناطق خارج از چین، و مریدان دافا در هر یک از پروژه‌های بسیار زیاد روشن‌گری حقیقت در خارج از چین همگی مایلند از این فرصت در این کنفرانس استفاده کرده تا درودشان را به استاد بخشنده، باشکوه و محترم‌مان برسانند.

استاد: از همگی تشکر می‌کنم. (تشویق) بسیاری از برگه‌هایی که درود به استاد می‌رسانند را نخواندم و تعداد بیش‌تری نیز بودند که توسط برگزارکنندگان کنفرانس برداشته شدند و به من داده نشدند. اما در هر مورد، استاد از قلب شما آگاه است، و بسیار دلتنگ مریدان دافا در سرزمین چین است، همین‌طور آن‌هایی که در هر منطقه از دنیا قرار دارند. (مریدان تشویق می‌کنند) اصلاح فاجعه‌مندی خواهد شد. این هم‌اکنون یک واقعیت مسلم است. (مریدان تشویق می‌کنند) وقتی در ابتدا این تعهد را آغاز کردم، آن خدایان به من گفتند، "در آینده بشریت قادر خواهد بود تمام کارهایی که انجام می‌داده‌ای را ببیند." پرسیدم چگونه پاسخ دادند که مردم متلاشی شدن ستاره‌ها و تغییرات در بدن‌های آسمانی را می‌بینند و مردم می‌بینند که این چیزها به تو مرتبط بودند. این تغییرات، ذره ذره، بسیار نزدیک‌تر می‌شوند. بدن‌های آسمانی هرگز چنین تغییرات چشم‌گیری را قبلاً نشان نداده‌اند. اما حالا به سمت این مکان پیش می‌آیند و حتی یک نفر می‌تواند با یک تلسکوپ عادی تغییراتی که بدن‌های آسمانی دستخوش آن‌ها هستند را درک کند. و وضعیت بشریت نیز در حال تغییر می‌باشد. درک مردم از دافا نیز در حال تغییر است، تقریباً انگار ذهن مردم به تدریج روشن‌تر می‌شود. این تغییر مانند یخی است که آب می‌شود. در آینده نزدیک، مردم واقعاً فالون گونگ و مریدان دافا را با نگرشی کاملاً جدید می‌بینند و حقیقت امور، درست در مقابل دیدگان انسان‌ها قرار خواهد گرفت. در آن زمان مردم متوجه خواهند شد که مریدان دافا یگانه امید آنان برای نجات هستند. بنابراین، مریدان دافا باید خوب عمل کنند. واقعاً مأموریتی بر دوش شما است، و واقعاً چنین مسئولیت تاریخی را به‌عهده دارید. و به این دلیل است که می‌گویم باید خوب عمل کنید.

همان‌طور که می‌دانید، همیشه این پرسش بوده است که چرا از وقتی که آزار و اذیت شروع شد چنین تعداد کمی مریدان دافای جدید وجود داشته‌اند. دقیقاً به‌خاطر این است که نیروهای کهن ورود را مسدود کردند و بنابراین هیچ‌کسی نمی‌توانست وارد شود به‌جز آن‌هایی که شرایطی استثنایی داشتند یا من مشخصاً به آن‌ها نیاز داشتم. این بدین دلیل است که برطبق منطق نیروهای کهن، آزمایش هم‌اکنون به انتهای خود رسیده است و سخت‌ترین دوره سپری شده است؛ و درحالی که مراحل پایانی آزار و اذیت وارد شده است، شیطانی‌ترین و خیانت‌آمیزترین محیط ایجاد شده توسط این آزمایش سپری شده است، و بسیاری از افراد شیطانی که در جایی قرار داده شده بودند مرده‌اند. در حالی که دیگر آن نوع از محیط شیطانی وجود ندارد، آن‌هایی که اخیراً وارد دافا شده‌اند زمان سختی برای بنیان گذاشتن تقوای عظیمی که یک مرید دافا قرار است داشته باشد دارند، و بنابراین [نیروهای کهن] نهایت کوشش خود را برای کنترل [افراد] که وارد می‌شوند] صرف می‌کنند. می‌دانید، در مرحله قبل، وقتی آزار و شکنجه انجام می‌شد، افراد به دلیل داشتن ترس یا درک اشتباهی درباره دافا نمی‌توانستند وارد شوند. بنابراین حالا که آزار و اذیت به‌طور گسترده‌ای افشاء شده است و حقیقت کاملاً مشخص شده است و حال و هوا کمتر سخت و شدید است، چرا هنوز هم برای مردم سخت است که وارد شوند؟ حالا می‌دانید چرا.

کار نجات موجودات ذی‌شعور باید توسط شما انجام شود. و نه تنها باید انجام شود، بلکه باید خوب انجام شود. اما این برای استاد انجام نمی‌شود. گرچه این را "نجات موجودات ذی‌شعور" می‌نامیم، اما این کاملاً برای آن‌ها نیز انجام نمی‌شود. این نیز برای خاطر خودتان انجام می‌شود. این بدین دلیل است که موجودات ذی‌شعوری که نجات می‌دهید، که شامل افرادی که حقیقت را برای آن‌ها روشن می‌کنید می‌شود، به احتمال زیاد یک روز بخشی از موجودات ذی‌شعور در کیهان پهناورتان خواهند

بود. شما درحال تکمیل کردن و کامل ساختن خودتان هستید، از طریق موفقیت‌تان درحال نائل شدن به آنچه که باید شوید هستید و بدون این‌ها نمی‌توانستید آن‌جا به‌عنوان پادشاه باشید و نه می‌توانستید مأموریت‌تان را کامل کنید و تقوای عظیم باشکوه مورد نیاز را بنیان گذارید. امور این‌گونه هستند و از این‌رو قطعاً باید در این خصوص خوب عمل کنید. به خودتان اجازه ندهید در وضعیتی گیر کنید که مدام به‌طور بی‌پایانی جر و بحث می‌کنید، بلکه درعوض، بیش‌تر شبیه مرید دافا باشید و با جدیت، متواضعانه و به‌طور استوار تلاش کنید تا آنچه را که قرار است انجام دهید، به انجام برسانید. هر پروژه یا هر کار را، اگر تصمیم می‌گیرید که انجام ندهید، پس آن را انجام ندهید؛ و اگر تصمیم می‌گیرید که آن را انجام دهید، آن‌گاه قطعاً مجبورید آن را به‌خوبی انجام دهید و آن را تا انتها به انجام برسانید. اگر غیر این‌صورت عمل کنید، چگونه می‌تواند وقت و زمانی که تلف کردید در کتابچه تاریخ ثبت شود؟ هر چیزی که به سرانجام رسانده نشود به‌منزله شکست است. اما این‌طور نیست که بگوییم یک کار به‌خصوص باید برطبق ایده‌های شما انجام شود و فقط اگر آن موفق شد، شما تقوای عظیم بنیان خواهید گذاشت. بلکه، این عمل همکاری شما و افکاری که همراهی می‌کنند و چگونگی پرداختن شما به امور در روند همکاری است که روند تزکیه به‌حساب می‌آید. اگر در کارتان افکار شما بتواند درست باشد و در ذهن‌تان باشد که تزکیه‌کننده هستید، هرگز مأموریت و مسئولیت خود را فراموش نکنید، و آن بخشی از کارها که شما قرار است اداره کنید را به سرانجام برسانید، آن‌گاه درحال بنیان گذاشتن تقوای عظیم خود هستید، که روند تزکیه شما است، و آن روند به انجام رساندن مأموریت تاریخی‌تان به‌عنوان یک مرید دافا است. بسیاری از کارها توسط مریدان دافا درحالی که با همدیگر خوب همکاری می‌کنند به سرانجام رسیده‌اند، و بسیاری از کارها توسط مریدان دافا درحالی که مستقلاً کار کرده‌اند به سرانجام رسیده‌اند. هیچ یک از چیزهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوید تصادفی نیستند، و به احتمال زیاد تک تک کارها نظم و ترتیب داده شدند چراکه در تاریخ هستند. بنابراین، هر کاری که انجام می‌دهید یا هر چیزی که روی آن کار می‌کنید را دست کم نگیرید. هر چیزی ممکن است کاملاً عادی باشد، و به‌نظر نرسد که اهمیت خاصی داشته باشد، اما، در بعدهای دیگر تغییرات عظیمی را سبب می‌شود.

اما، دقیقاً به‌خاطر این‌که در این مکان توهم هستید، و نه حقیقت چیزها را می‌توانید ببینید و نه مقدس بودن تمام کارهایی که انجام داده‌اید، و از آن‌جا که هر یک از شما یک جنبه بشری دارد، سخت است که چنین افکار درستی بنیان گذاشته شود و از این‌رو حسی از هیجان را تجربه نمی‌کنید، و باید از عهده این برآیید که در حین زمان‌های سخت به‌خوبی عمل کنید. فقط با گذر کردن تحت این شرایط است که خارق‌العاده به‌حساب می‌آید. اگر مردم می‌توانستند از این شکوه یا از خارق‌العاده بودن آنچه که درحال انجام آن هستید آگاه شوند، هیچ کسی هیچ دودلی نمی‌داشت که این کارها را انجام دهد. اگر هر کسی می‌توانست موجودی خدایی را در مقابل خود ببیند، با ظاهری کاملاً واضح، آن‌گاه هیچ چیز دیگری مهم نمی‌بود و همه چیز را مهیا می‌کرد تا از هر چه که آن موجود خدایی می‌گوید پیروی کند. همه همین کار را می‌کردند، و هیچ تقوای عظیمی برای دراختیار داشتن نمی‌بود، چراکه آن تزکیه نمی‌بود. این جادوی توهم شکسته می‌شد و بنابراین هیچ چیزی به‌حساب نمی‌آمد. اما، دقیقاً به‌خاطر این‌که شخص در میان موقعیت توهم است، نمی‌تواند حقیقت چیزها را درک کند، و بنابراین می‌تواند دیده شود که آیا می‌توانید از عهده این برآیید تا تزکیه کنید، آیا می‌توانید از عهده این برآیید تا به آخر با موفقیت به انجام برسانید، و آیا می‌توانید در تزکیه موفق شوید. بی‌اندازه سخت است که یک موجود بشری روی این زمین یک خدا شود، و برای او بسیار سخت است که به آسمان‌ها صعود کند.

گرچه بسیاری از افراد در تاریخ تزکیه کرده‌اند، درواقع هیچ یک در تمرین‌شان موفق نشده‌اند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده‌ام، همیشه روح کمکی بود [که موفق می‌شد]، درحالی که روح اصلی واقعی شخص در قلمرو بشری ادامه می‌داد و باز پیدا می‌شد. و این برای بدن بشری شاکيامونی، لائو‌زی و مسیح نیز صحت دارد، که همه آن‌ها حالا دربین مریدان دافا هستند. تقوای عظیمی که جمع‌آوری کردند برای به‌کمال رسیدن آن‌ها کافی بود، و این برای مریدان دافا نیز صحت دارد-- به اندازه کافی زیاد هست که به کمال برسند-- و از این‌رو است که گفته‌ام کمال شما موضوعی نیست. موضوع، [به انجام رساندن] مأموریت عظیم نجات موجودات ذی‌شعور است. فقط این موضوع که از عهده این برآیید تا این مأموریت را به انجام برسانید است

که چیزی حیاتی به حساب می‌آید. به کمال رسیدن خودتان هدف نیست. تاکنون این اندازه تقوای عظیم در گذشته بنیان گذاشتید، و به خاطر این چیزها است که ارزش یک مرید دافا بودن را دارید.

استاد مایل نیست که بیش‌تر بگوید. متوجه هستیم که درحالی که برخی از مشکلات را ذکر می‌کردم لحن من کمی شدید بود، اما در این موارد همیشه این‌طور است که مایلیم آن‌ها را متوجه شوید. گرچه لحن کمی سنگین بود، اما می‌دانم که هر چه باشد دافا را چند لحظه پیش شروع نکردید و بنیانی قوی‌تر از این چیزها دارید، بنابراین، کمی محکم‌تر صحبت کردن ممکن است درخصوص برخی از چالش‌های خاصی که با آن‌ها مواجه هستید به شما کمک کند. البته، ممکن است پرسش‌های بسیار دیگری وجود داشته باشند که مطرح نشدند. با این همه افراد، فقط مقدار به‌خصوصی از برگه‌های پرسش می‌تواند فرستاده شود. اگر موقعیت پیش‌آید، بعداً بیش‌تر صحبت خواهیم کرد. برای امروز همه‌اش همین است. (تمام مریدان به گرمی تشویق می‌کنند)

زمینه‌های زیادی را امروز مطرح کردم، مطمئن نیستیم که چه‌قدر خوب جذب کرده‌اید. و چیزهای زیادی بودند که خیلی کامل به آن‌ها نپرداختیم. بسیاری از افرادی که در این کنفرانس تبادل تجربه شرکت کردند واقعاً به‌خوبی تزکیه کرده‌اند، و همگی به‌خوبی سعی خواهید کرد که نگاه کنید و متمرکز شوید بر این که دیگران چگونه خوب تزکیه کرده‌اند، شکاف بین شما و آن‌ها در کجا قرار دارد، و چگونه می‌توانید از این کنفرانس باشکوه استفاده کنید تا خودتان را به رشد ترغیب کنید و آن را به یک نیروی انگیزشی تبدیل کنید. کنفرانس‌های فای ما نباید بیهوده برگزار شوند. همان‌طور که می‌دانید هزینه پرواز بالغ بر ۱۰ میلیون دلار می‌شود وقتی این همه مرید دافا از سراسر دنیا به این شکل این‌جا جمع می‌شوند. ما این همه پول نداریم همین‌طوری و بدون فکر به‌هدر دهیم، بنابراین ضروری است که این کنفرانس فا برای ما مفید باشد. باید به‌طور واقعی و حقیقی برای تزکیه تلاش کنید، و به حالت فقط انجام دادن آن به‌طور سطحی، نلغزیم؛ نباید وابستگی‌های بشری بسیار زیادی داشته باشید. همان‌طور که استاد می‌بیند، هر یک از افکار شما و هر یک عمل شما این که قلب‌تان چگونه است را برای من آشکار می‌کند. آن‌چه که کم‌تر از همه دوست دارم افرادی هستند که تماماً صحبت می‌کنند و هیچ عملی انجام نمی‌دهند. و آن‌هایی که حيله‌گری می‌کنند را نیز دوست ندارم. چیزی که دوست دارم افرادی هستند که صادق و ساده، بی‌ریا و کارکن هستند. همچنین امیدوارم که همگی بتوانید پس از این همه سال تزکیه کردن به‌طور مثبتی در خرد رشد کنید و نه رشد بسیار زیادی درخصوص آگاهی از این که چگونه به موضوعات دنیایی پرداخت یا چگونه به‌عنوان یک موجود بشری که به زندگی دنیایی می‌پردازد رفتار کنید.

از همگی تشکر می‌کنم. برای امروز همه‌اش همین بود. (تمامی مریدان به گرمی تشویق می‌کنند)

مریدان دافا باید فا را مطالعه کنند - آموزش فای ارائه شده در کنفرانس فای منطقه شهری واشنگتن دی سی ۲۰۱۱

۱۶ ژوئیه ۲۰۱۱

لی هنگجی

(تشویق گرم)

روز بخیر! (مریدان: روز بخیر، استاد!) همه شما سخت کار کرده‌اید! (مریدان: استاد سخت کار کرده‌اند!) از دیدن شما خوشحالم. کنفرانس‌های فای چندان زیادی در سال‌های اخیر نداشته‌ایم، به‌خصوص کنفرانس‌های بزرگ فا. یعنی فرصت‌های کمتری بوده که شما را شخصاً ببینم. اما به هر جهت، مسلماً می‌دانم که خیلی از مریدان، کار روشن‌گری حقیقت، نجات مردم، و مقابله با شکنجه و آزار را عالی و فعالانه انجام داده‌اند، و این واقعاً تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. بنابراین در این خصوص، می‌توان گفت که شما مسئولیت‌های یک مرید دافا را به‌انجام رسانده‌اید. اما، با تغییرات بزرگ‌تری که در وضعیت در حال نمایان شدن است، همان‌طور که آگاه هستید، عوامل شیطان دارند کمتر و کمتر می‌شوند، نیروی وسیع اصلاح فا در حال پیشروی است و در حال برداشتن و باریک‌تر کردن لایه‌لایه عواملی است که آن را از دنیای بشری جدا می‌کنند. به این ترتیب، به دنیای بشری پیوسته نزدیک‌تر می‌شود، و شیطان لایه‌های بعدی گوناگون در مقیاس عظیمی در حال نابود شدن است، سطحی پس از سطح دیگر. بنابراین حضور چنان چیزهای شیطانی در دنیای بشری به‌طور فزاینده‌ای کمتر است و ضعیف‌تر، و احتمال دارد وضع امور دستخوش تغییر عظیمی شود. اما در مورد شما، مریدان دافا، شما نمی‌توانید در آنچه که لازم است انجام دهید—یعنی سه کار—کند شوید. به هیچ وجه نباید [کند شوید]. چیزهایی که به آنها پیوند خورده است چیزی نیست مگر تقوای عظیمتان، تزکیه‌تان، و تمام چیزهایی که بر دوشتان است.

برای یک مرید دافا، تزکیه اولین اولویت است. زیرا اگر نتوانید خوب تزکیه کنید، نخواهید توانست آنچه را که باید انجام دهید به انجام برسانید؛ و اگر نتوانید خوب تزکیه کنید، قدرتتان در نجات موجودات ذی‌شعور چندان عظیم نخواهد بود. و اگر کمی بدتر تزکیه کنید، آنگاه مسائل را به‌شيوه‌ای می‌بینید و در نظر می‌گیرید که افراد عادی در نظر می‌گیرند، که باز هم بدتر است. پس مطلقاً نباید سستی کنید یا شل بگیرید. این فرصت تقدیری ده‌ها میلیون ساله، یا حتی [یک‌بار-در-طول] اعصار، و انتظار طولانی‌ای که همه ما کشیده‌ایم، به‌همراه تمام چیزهایی که در طول تاریخ تحمل کرده‌ایم—تمامش برای امروز بود. اگر در این زمان بحرانی نتوانید آنچه را که باید انجام دهید خوب انجام دهید، بعد از آنکه امور در آینده روشن شدند، برای شما و برای موجودات‌تان صرفاً به‌طور تحمل‌ناپذیری دردآور و غم‌انگیز خواهد بود. پس مطلقاً نباید حفاظ خود را پایین بیاورید. این موضوع مخصوصاً در مورد مطالعه فا صدق می‌کند: واقعاً لازم است که فا را با جدیت تمام مطالعه کنید. آیا می‌دانید در خیلی از جاها مطالعه فا به چه وضعی در آمده است؟ در بعضی نواحی به یک تشریفات تنزل پیدا کرده است. وقتی بعضی افراد جوآن فالون را می‌خوانند تمرکز ندارند، و در عوض، در حال فکر کردن درباره چیزهای دیگرند، و قادر نیستند که توجه خود را روی تزکیه متمرکز کنند. به این ترتیب آن معادل وقت تلف کردن می‌شود. و نه فقط اتلاف وقت—به‌جای اینکه این زمانی باشد که باید ترفیع پیدا کنند، دارند از ذهن‌شان برای تفکر در مورد موضوعات و چیزهایی استفاده می‌کنند که نباید خود را نگران آنها کنند، و بنابراین، نه فقط در حال ترفیع یافتن نیستند، بلکه برعکس، اغلب از نظر سطح در حال سقوط‌اند. اگر فا را خوب مطالعه نکنید، خیلی چیزها هستند که قادر نخواهید بود به‌خوبی انجام دهید.

همان‌طور که متوجه هستید، در رابطه با پروژه‌های بسیاری که مریدان دافا به منظور مقابله با شکنجه و آزار، روشن‌گری حقیقت، و نجات موجودات ذی‌شعور شروع کرده‌اند، آنچه از همه مهم‌تر است این است که مریدان دافا با هم خوب همکاری کنند، و اینکه فقط وقتی افراد با هم خوب همکاری می‌کنند امور خوب پیش خواهد رفت. پیش‌تر گفته‌ام که مریدان دافا همگی پادشاهانی در تاریخ بوده‌اند، یا پادشاهانی در آسمان‌ها، و از این رو هر یک فکر خود و نیز قابلیت به‌انجام رساندن امور به‌طور مستقل را دارد، اما وقتی به کار کردن با هم [و دست‌به‌دست هم دادن] می‌رسد سخت می‌شود. سختی [کار] در این نهفته است که هر یک از اشخاص دیدگاه‌های خود را دارند، هر یک ایده‌هایی عالی دارند، و در این حالت اگر هر شخص بر ایده‌های خود پافشاری کند، هم‌دستی و کار-با-هم خیلی خوب پیش نخواهد رفت. ولی هر چه باشد شما تزکیه‌کننده و مرید دافا هستید، پس نهایتاً وقتی وظایفی که لازم است به‌انجام برسند پیش روی شما قرار می‌گیرند، این باید افکار درست یک تزکیه‌کننده باشد که شما را راهنمایی می‌کند. چیزی که به نظرم کلیدی است، در واقع، این است که تا وقتی از مطالعه فایتان، از تزکیه‌تان، عقب نمانید، تمام این موضوعات همکاری در اصل می‌توانند حل و فصل شوند. مدتی می‌شود که مناطق، یا افرادی، وجود داشته‌اند که در آن [جاها] مطالعه فا عقب افتاده است؛ که روش‌های بشری اغلب اتخاذ می‌شوند؛ که وقتی هم‌دستی و کار-با-هم خوب پیش نمی‌رود افراد حتی [حالتی] منفی پیدا می‌کنند، و سرخود امور را انجام می‌دهند، یا افراد حتی با حيله‌گری‌ای که مردم عادی شاید به‌کار بگیرند به امور می‌پردازند. در چنین حالت‌هایی، آن موردی از این می‌شود که افراد عادی کارهای دافا را انجام می‌دهند، که نباید این‌طور باشد. این در برخی نواحی، و برخی اشخاص، بسیار به‌چشم می‌آید. در حالی که ممکن است فکر کنید که، "اما، به هر صورت هم که باشد، دارم کارهای دافا را انجام می‌دهم!"، در واقع این‌طور نیست. شما در اصل فقط در حال به اجرا درآوردن شکل و فرم آن هستید، و موفق نمی‌شوید آن افرادی را که باید در حال نجاتشان باشید نجات دهید، و اموری که لازم می‌داند همه‌تان همکاری کنید نیز تأثیری را که باید، ندارند. ابدأ این‌طور نباشید. قطعاً باید خود را خوب تزکیه کنید؛ واقعاً مثل یک مرید دافا باشید؛ امور را با پرداختن به آنها به‌صورتی که یک مرید دافا می‌پردازد اداره کنید؛ و با هم کار کنید. فقط این موقع امور به موفقیت خواهند انجامید.

مورد دیگر این است که، به سبب اینکه منابع مریدان دافا در حال حاضر محدود است، و به‌خصوص، بسیاری از مریدان خارج از چین درگیر پروژه‌های گوناگونی هستند، آنها به‌ندرت در جلسات مطالعه فای گروهی‌ای که انجمن‌های دافای محلی سازماندهی می‌کنند شرکت می‌کنند. و علاوه بر این، این شاگردان پیشقدمانه برای خود نیز فا را مطالعه نمی‌کنند، که برخی حتی مدتی طولانی را بدون مطالعه کردن گذرانده‌اند. اما در نظر بگیرید که چه گفته‌ام: اگر هر آنچه که در حال انجامش هستید پایه‌اش بر فا نباشد، اگر قدرت فا را نداشته باشد، و اگر خوب تزکیه نکرده باشید، آن امور را خوب انجام نخواهید داد. گرچه شاید آن کار را، هر آنچه که باشد، انجام داده باشید، اما به هیچ تأثیری دست پیدا نکرده است و صرفاً نمی‌تواند مردم را نجات دهد، چراکه شما در منحل کردن عوامل شیطانی بی‌تأثیر هستید. برای همین است که مطالعه فا هنوز مهم‌ترین و مهم‌ترین چیز است—تضمین بنیادی تمام کارهایی است که باید انجام دهید. اگر نتوانید در مطالعه فا استمرار داشته باشید، امیدی نیست.

وقتی که گاهی اوقات در مطالعه فایتان استمرار ندارید، وابستگی‌های بشری عادی بسیاری خواهید داشت، و همه‌نوع افکار بشری نیز ممکن است حتی ظاهر شوند. اگر برای پرداختن به آنچه که با آن روبروید یا انجام دادن آن، هر چه که باشد—شامل حتی چیزهای بسیار پراهمیت—از تفکر بشری استفاده کنید، به مرور زمان، موفقیت در زمینه پروژه‌هایی که در حال انجامشان هستید سخت خواهد بود. اگر فا را مطالعه نکنید، تعداد وابستگی‌های بشری عادی‌ای که دارید زیادتر خواهد شد، و به‌طور فزاینده‌ای به چشم خواهند آمد، درست همان‌طور که شما بیشتر و بیشتر به یک فرد عادی شبیه خواهید شد. و تأثیری که دیگران از شما می‌گیرند تأثیر یک تزکیه‌کننده نخواهد بود. هر قدر هم که سرتان شلوغ شود، باز هم باید فا را مطالعه کنید. برای همین است که دارم توصیه می‌کنم مریدان دافایی که در پروژه‌های گوناگون مان غرق هستند، وقت و زمانی پیدا کنند که در مطالعه فای محلی شرکت کنند. دلیلش این است که سابقاً بارها شد که پروژه‌ای از من می‌پرسید آیا اشکالی ندارد وقت و زمانی پیدا کنند که برای خودشان فا را مطالعه کنند، و بنابراین من در حال مشاهده و نظاره این بوده‌ام که ببینم آیا آنها می‌توانند در حالی که در مطالعه‌های فای گروهی بزرگ شرکت نمی‌کنند کنترل خوبی روی تزکیه خودشان داشته باشند و به استاندارد برسند.

نتیجه‌ای که دیدم این بود که نتوانستند. و نه تنها به آن استاندارد نرسیدند، بلکه متوجه شدم که در حال درجا زدن بودند؛ خیلی چیزها را به طرز بسیار بدی اداره می‌کردند؛ و خیلی افراد برای در نظر گرفتن، مشاهده، و اداره امور از تفکر بشری استفاده می‌کردند، و در تزکیه عقب افتاده بودند. جدیت این مسئله را دیده‌ام، و این دلیلش است که چرا دارم به شما می‌گویم بهتر از همه این است که هنوز در مطالعه‌ی فای محلی شرکت کنید. هر حالتی هم که باشد، نباید در مطالعه‌ی فایتان سستی کنید، چراکه این بزرگ‌ترین مسئله است، موضوعی بنیادی است.

می‌دانید، وقتی فردی نمی‌تواند در تزکیه استمرار داشته باشد، تفکر بشری ظاهر خواهد شد، و همه این راه، که در اعمالش انعکاس می‌یابد، خواهند دید. و همه ایده‌ها [و نظرات] بشری، و همین‌طور منشأهای گوناگونی که آن ایده‌ها از آنجا ناشی می‌شود، که به آن تفکر بشری پیوند خورده‌اند، در نقش مداخله با فرد عمل خواهند کرد. هر نوع شکل حیاتی که تفکران با آن هم‌سو باشد، آن شکل حیات بلافاصله تأثیری روی شما خواهد داشت. زیرا این کیهان به‌حدی پیچیده است که غیرممکن است با زبان بشری توصیف شود، بسیار زیاد پیچیده است. حتی بر روی فقط یک سطح از هستی، بعدهایی بسیار زیاد وجود دارد، هم عمودی و هم افقی، که از همه‌نوع عناصر گوناگون تشکیل می‌شوند. و درون این بعدها کیهان که از ذرات مختلف شکل گرفته‌اند، محدوده‌ی وسیعی از بعدهایی که از انواع بسیار زیاد از عناصر شکل گرفته‌اند وجود دارد؛ و این ذرات که خود، خصوصیتی منحصر به‌فرد دارند و از نظر نوع و همین‌طور اندازه متفاوت‌اند نیز موجوداتی با اندازه و شکل‌های بی‌شمار می‌سازند—آنها صرفاً سنجش‌ناپذیرند. به محض اینکه تفکران با نوع به‌خصوصی از موجود هم‌سو شود، همان‌وقت قادر خواهد بود که روی شما تأثیر اعمال کند. با این حال آگاه نخواهید بود که افکاران دارند از کجا سرچشمه می‌گیرند، و هنوز فکر خواهید کرد که اراده و خواست خودتان است. ولی در اصل، دقیقاً وابستگی‌هایتان بود که منجر به این شد که آن چیزها روی شما تأثیری داشته باشند، و به این انجامید که آنها وابستگی‌هایتان را تقویت کنند.

بنابراین، در رابطه با منشأ افکار فرد، خیلی از افراد، یا دانشمندان، هستند که در حال تحقیق در این موضوع‌اند و سعی می‌کنند که پی ببرند توانایی‌ها و افکار مغز چگونه تولید می‌شوند. همان‌طور که در گذشته اشاره کرده‌ام، مغز در اصل یک کارخانه‌ی پردازش برای ساخت افکار و ابراز چیزها، اینجا در این سطح بشریت، است. این عملکردی است که بر عهده دارد، خواه در خصوص هر حالت یا حرکت فیزیکی‌تان باشد، چیزی که مایل باشید با کلمات ابراز کنید، یا اینکه چگونه جمله‌ای را که به‌زبان می‌آورید می‌سازید—[مغز] آن را به چنان نحوی پردازش می‌کند تا به آن فرم و شکل بدهد. بعضی افکار از پنداشته‌هایی سرچشمه می‌گیرند که در این طول زندگی و به هنگام [بودن] در این دنیا شکل گرفتند، در حالی که برخی از آنها از وابستگی‌هایی سرچشمه می‌گیرند که به چیزهایی که به آنها تمایل دارید مربوط می‌شوند. اما افکار مربوط به چیزهای بااهمیت‌تر از کجا می‌آیند؟ سرچشمه آنها چیست؟ آنها از این بعد سرچشمه نمی‌گیرند. به‌طور دقیق بگوییم، در لحظات حیاتی، "خود" فرد در سطح بنیادی است که مشغول کار است. اما به‌طور عادی، در وضعیت‌های معمولی، افکاری که در عوض، در نقش قوی کردن پنداشته‌ها و تمایلات عمل می‌کنند از انواع بعدها سرچشمه می‌گیرند. همچنین، این به سطح اخلاقیات فرد مربوط می‌شود. افکار بعضی‌ها از قلمروهایی سرچشمه می‌گیرد که تاحدی بالاترند، در حالی که افکار دیگران از سطوحی سرچشمه می‌گیرد که کاملاً پایین‌اند. بنابراین با تفاوت در سطح اخلاقی، در استاندارد که فرد توسط آن امور را انجام می‌دهد و درباره‌ی موضوعات فکر می‌کند اختلاف به‌دنبال می‌آید. پیچیدگی بعدها بسیار عظیم است، به‌طوری که در هر یک از سطح‌ها، از پایین تا بالا، بعدها بسیار زیادی موجود است، و به‌تعدادی حتی بیشتر از آنها بعد افقی وجود دارد، تعدادی که برای بعدها عمودی هم به همان صورت است. تراکم و [انبوهی] تمامی گونه‌های مختلف حیات‌ها بسیار زیاد است، و همه آنها می‌توانند با یک شخص مداخله کنند—شامل تزکیه‌کننده‌ای که پایه تفکرش بر فا نیست.

شکل و ساختاری که بدن بشری در این کیهان به خود می‌گیرد، به‌طور نسبی بگوییم، بزرگ است. همان‌طور که می‌دانید، هر قدر ذره‌ای ریزکیهانی‌تر باشد، انرژی‌اش بیشتر است—آیا علم نوین بر این عقیده نیست که پرتوزایی آن بیشتر است؟ موجودی که از ذراتی اتمی تشکیل شده است، از این رو که ذراتش کوچک هستند، مطمئناً کوچک است. البته، در مورد حیات‌های بزرگ‌تری که در سراسر سطح ریزکیهان وجود دارند، از آنها نیز انواع مختلفی موجود است، چراکه آنها از ذرات ریزکیهانی سطوح

مختلف تشکیل شده‌اند. اما، به مقایسه بگوییم، برای چنین حیاتی که از همان تعداد ذراتی ساخته شده باشد که یک بدن بشری را می‌سازند، اگر برای چند لحظه اندازه ذرات را در نظر نگیریم بلکه فقط کمیت و تعداد ذرات را در نظر بگیریم، یک حیات که از همان تعداد ذره تشکیل شده باشد کوچک‌تر خواهد بود. بدن‌های فردی [موجود] در عمق بیشتر در ریزکیهان، حتی کوچک‌تر هستند، همان‌طور که ریزکیهانی‌تر می‌شوند کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شوند، هرچند که متقابلاً خرد چنین موجوداتی عظیم‌تر می‌شود، چراکه سطح، بالاتر است. بودایان و خدایان ریز بسیاری در بعدهایی که بی‌نهایت ریزکیهانی هستند وجود دارد، هرچند که اگر چنان بودایی متجلی می‌شد عظیم می‌بود. بعدهای تشکیل شده از ذرات با اندازه‌های مختلف، همگی در خود بودایانی دارند، که بسیار محتمل است که برخی از آنها از بعدهای کوچک‌تر آمده باشند، حتی کوچک‌تر از آنکه نام نامحسوس بر آن گذاشت. البته، هیچ دو بعدی هم‌اندازه نیستند، و در بعدهای با اندازه‌های مختلف، بودایان، داووها، و خدایان متشکل از ذرات با اندازه‌های مختلف موجود است. این چیزی است که سعی دارم توضیح دهم. موجودات آن بعدهای ریزکیهانی، به بودایان، داووها، و خدایان محدود نمی‌شوند. به‌طوری که می‌دانید، موجوداتی از همه نوع، همه قسم، و همه شکلی وجود دارد، که پیچیدگی‌شان بسیار عظیم است. حتی در دنیای بشری مردمی از نژادهای مختلف، و محدوده‌ای متنوع از قومیت‌ها وجود دارد. بعدهای دیگر از این هم باز پیچیده‌تر هستند، که تاریخشان حتی به عقب‌تر از آن می‌رسد. بنابراین، هر آن کس که شما با آن هم‌سو باشید، آن موجود روی شما تأثیر خواهد گذاشت. این یک موضوع.

موضوعی دیگر به ساختار بدن بشری ارتباط پیدا می‌کند. تمام ذرات مادی‌ای که در سه‌قلمرو یافت می‌شوند آن عواملی‌اند که تمام اشیای [موجود] در سه‌قلمرو را شکل می‌دهند، و این برای تمام ذراتی که بدن بشری را می‌سازند نیز صادق است. بنابراین آنها از نظر تعداد، زیاد هستند. مولکول‌ها، اتم‌ها، کوارک‌ها، نوترینوها، و پروتون‌هایی که مردم از آنها صحبت می‌کنند همگی فقط ذرات داخل سه‌قلمرواند، و اینها آن ذراتی هستند که این بعد سطحی را، که انسان‌ها در آن وجود دارند، در سه‌قلمرو تشکیل می‌دهند. ذراتی که چیزهای درون سه‌قلمرو را تشکیل می‌دهند، همچنین از نظر ساختار، با ذرات خارج سه‌قلمرو تفاوت دارند، با این حال [حتی همین‌جا داخل سه‌قلمرو] ذرات، بیش از اندازه متنوع و زیاد هستند. از آنجا که بدن شما از مولکول‌ها تشکیل شده است، و مولکول‌ها سلول‌ها را می‌سازند، که آنها نیز شما را می‌سازند، این سوال مطرح می‌شود که چه چیزی [در سطح] پایین‌تر از مولکول‌هایتان است. همان‌طور که اطلاع دارید، اتم‌ها هستند که [لایه مولکولی را] تشکیل می‌دهند، و اینکه پایین سطح اتم‌ها هسته‌های اتم، پروتون‌ها، و نوترینوها موجودند، که به پایین به سمت آنچه که برای بشر کشفی جدید خواهد بود ادامه می‌یابد. اما هر قدر هم که بشر ممکن است بیشتر توسعه پیدا کند، هرگز موفق به کشف آن [چه] که نهایتاً ذرات بدن بشری را می‌سازد—یعنی، بالاترین سطح ذرات در سه‌قلمرو—نخواهد شد. ولی در کیهان، آن ذرات فقط یکی از پایین‌ترین پایین‌ترین سطوح از ذرات موجود هستند.

آنچه در حال گفتنش بودم به‌منظور این بود که به شما بگویم سرچشمه‌های افکار فرد در واقع بینهایت پیچیده است. در این دنیا یک فرد صرفاً به لذت بردن از جریان زندگی می‌پردازد. در گذشته گفته‌ام که مردم رقت‌انگیز هستند، چراکه تمام آنچه یک فرد در این دنیا انجام می‌دهد صرفاً لذت بردن از احساسات و حس‌هایی است که توسط گذراندن جریان زندگی‌اش برای او به‌همراه آورده می‌شود. اینکه این را به این صورت بیان می‌کنم کاملاً دقیق است. و چرا این‌طور می‌گوییم؟ گرچه افراد فکر می‌کنند که مسئول [و صاحب‌اختیار] خودشان هستند و تصمیم می‌گیرند که می‌خواهند چه کاری انجام دهند، اما حقیقت امر این است که آنها در نتیجه عادت‌ها و وابستگی‌های شکل‌داده‌شده پس از تولد که از [علاقه‌مندی‌ها و] تمایلات‌شان ناشی می‌شود صرفاً در حال طلب کردن بعضی احساسات هستند. و همه‌اش همین است. در صورتی که آنچه واقعاً دست‌اندرکار است، که آن فرد را به این می‌کشاند که بخواهد کاری را انجام دهد، عوامل پشت‌صحنه هستند، که در حال استفاده بردن از عادت‌ها، وابستگی‌ها، پنداشت‌ها، امیال، و چنان چیزهایی هستند. این است وضعیت واقعی بدن بشری، که فرد صرفاً در حال لذت‌بردن از آن احساسات و حس‌هایی است که در نتیجه روند زندگی پدید می‌آید؛ وقتی به شما چیز شیرینی داده می‌شود، شما شیرینی را تجربه می‌کنید؛ چیز تلخی داده شود، تلخی را حس می‌کنید؛ چیز تندی داده شود، طعم تندی را می‌چشید؛ وقتی که رنج برای شما اتفاق افتد احساس بدی پیدا می‌کنید؛ و وقتی خوشحالی به شما ارزانی شود با لذت آشنا می‌شوید.

خود حقیقی مریدان دافا از سطوح بالا می‌آید. من صرفاً در حال صحبت دربارهٔ انسان‌ها و ساختار بدن بشری بودم. فقط در حال صحبت در مورد سرچشمهٔ افکار بشری بودم. چیزی هست که در مدت اصلاح‌ها مشاهده کرده‌ام: در بعدهایی که اصلاح‌ها هنوز باید به آنها برسد، گاهی اوقات هنگامی که افکار یک مرید دافا کاملاً درست هستند، خدایی صالح یا عناصر صالحی هستند که حضور دارند، که در نقش قوی‌تر کردن افکار درست او عمل می‌کنند. بعد در وقت‌هایی دیگر، وقتی مریدان دافا خوب همکاری نمی‌کنند، یا عصبانی می‌شوند و از جا در می‌روند، می‌توانم ببینم که موجودات فاسد معینی، که برخی‌شان نسبتاً بزرگ هستند، حضور دارند، که آن را بیشتر می‌کنند؛ و نیز چیزهایی که دست‌اندرکار هستند آن لایه‌لایهٔ موجودات بد سطوح پایین مختلفی هستند که [افکار تمرین‌کنندگان] با آنها هم‌سو شده است. آیا آموزش نداده‌ام که مردم هم یک جنبهٔ خوب و هم یک جنبهٔ بدی دارند؟ پس درباره‌اش فکر کنید، وقتی افکار کسی نمایان می‌شود، عواملی که دست‌اندرکار هستند فوق‌العاده پیچیده‌اند. اما، به عنوان مریدان دافا، همگی یک خود حقیقی دارید، و خواه هدف از پایین آمدنش به این دنیا کسب کردن‌ها بوده باشد، کمک کردن به استاد که‌ها را اصلاح کند بوده باشد، یا نجات دادن موجودات آن بهشتی که سابقاً در آنجا ساکن بودید، هر فکری هم که شما را به اینجا آورد، آن شمای واقعی محافظت شده است، و آن شمای واقعی در آغاز به‌هنگام شروع در نقش نیروی به‌حرکت‌آورنده عمل می‌کرد. اما، به‌طوری که می‌دانید، هر کس که وارد سه‌قلمرو شود معادل این است که در خاک دفن شده باشد، و رفته‌رفته، آن [خود حقیقی] دیگر نمی‌تواند نقش اصلی را بر عهده داشته باشد—یا اصلاً حتی هیچ نقشی ایفا کند. آیا خدا نگفت که او "انسان را از خاک خلق کرد"؟ و آیا چینی‌ها اعتقاد ندارند که "نو" از خاک برای آفرینش مردم چین استفاده کرد؟ به‌طوری که از [قلمروهای] پادشاهی آسمانی دیده می‌شود، همهٔ مولکول‌های روی زمین، و حتی اتم‌ها—تمام ذرات درون سه‌قلمرو، تمام آنچه که این دنیا را تشکیل می‌دهند—به‌نظر موجودات خدایی، کثیف می‌آیند، مثل خاک یا گل. ذرات در قلمروهای الهی ریزترند، و خالص‌تر، با انرژی‌ای عظیم‌تر. بنابراین طوری که آنها می‌بینند، این مکان بشری واقعاً چیزی غیر از خاک یا گل نیست. به‌این ترتیب بدن بشری متشکل و شکل‌گرفته از چیزی بجز این ذرات سه‌قلمرو که خدایان آنها را به‌عنوان خاک یا گل می‌بینند نیست. این است که خدایان گفته‌اند که از خاک، یا گل، برای خلق انسان‌ها استفاده کردند. منظور این است. البته، وقتی یک موجود خدایی یک شخص را خلق می‌کند، اعمال او را نمی‌توان به‌صورت چیزی شبیه آن‌طور که یک انسان به انجام کاری می‌پردازد تصور کرد. فقط با یک فکر، آن کار کامل شده است، بی‌نیاز به عمل [و کاری] فیزیکی. اما در خصوص بدن‌های بشری پایین‌مرتب و ناتوان، هرآنچه که افکار فرد با آن هم‌سو باشد بر شخص تسلط پیدا خواهد کرد. به بیان دیگر، وقتی موجودات سطوح مختلف متوجه می‌شوند که شما چیزی می‌خواهید، یا به چیزی وابسته هستید، و اینکه آن دقیقاً با آنها هم‌راستاست، آنها تأثیر می‌گذارند و حتی شما را هدایت [و جهت‌دهی] می‌کنند. وقتی فردی معقول نیست، یا در حال خالی کردن عصبانیتش است، عناصر منفی در حال تأثیرگذاری هستند. همه‌چیز زنده است، و آن چیزها شامل پلیدی، امیال، و تنفر و غیره نیز می‌شود. بنابراین در چنین وضعیت‌هایی آنها بالطبع تأثیر می‌گذارند.

این مخصوصاً در دورهٔ اصلاح‌ها صادق می‌کند، که در آن تمام موجودات کیهان، هم مثبت و هم منفی، می‌خواهند نجات یابند. و این شامل حتی خدایان بالاترین سطوح که به‌طور خارج از تصویری عظیم‌اند می‌شود، و همچنین، مخصوصاً موجودات دنیاهايشان. به همین خاطر است که توانسته‌اند در این دنیای بشری، و در این سه‌قلمرو، حضور یابند. آیا می‌توانستند از این فرصت نجات یافتن که در طول اعصار یک‌بار دست می‌دهد بگذرند؟ "تو باید مرا نجات دهی"—آنها همه‌شان این را بیان می‌کنند، و درخواست می‌کنند که نجات یابند. اما طوری که این قضیه روی می‌دهد، چیزی که فرد با استفاده از آن نوع منطق و درکی که در دنیای بشری یافت می‌شود انتظارش را دارد نیست، مثل آن طوری که باید هنگام درخواست کمک، مودب و متواضع باشید—"چون اینجایی تا مرا نجات دهی، اول باید قدردانی‌ام را نسبت به تو ابراز کنم، و من کاری را که از دستم بر بیاید برای آسان‌تر کردن آن انجام خواهم داد"—اصلاً شبیه این نیست. از نگاه آنها، "اگر تو باید مرا نجات دهی، اول باید به سطح من برسی، و باید قبل از اینکه بتوانی مرا نجات دهی این مقدار از تقوای عظیم را داشته باشی. بی‌چنین تقوای عظیمی، بدون رسیدن به مقام من، چطور می‌توانی نجاتم دهی؟" بنابراین کاری می‌کنند که بلغزید و زمین بیفتید، رنج بکشید، و وابستگی‌هایتان را از بین ببرید، بعد از این، با تقوای عظیم‌تان که بنا گذاشته شده است، شما تا آن سطح تزکیه کرده‌اید و قادرید آنها را نجات دهید. این آن طوری است که می‌خواهند باشد.

از این جهت، قبلاً گفته‌ام که مریدان دافا، که تزکیه‌کننده هستند، باید به مسائل به روش عکس طوری که انسان‌ها می‌نگرند نگاه کنند. بعضی افراد وقتی با چیزهای ناخوشایند برخورد می‌کنند ناراحت می‌شوند. آن وقت آیا موجود بشری نیستید؟ چه فرقی دارید؟ وقتی که با چیزهای ناخوشایند روبرو می‌شوید، دقیقاً وقت تزکیه خودتان است، [وقت] تزکیه ذهن‌تان. آیا مذاهب آموزش نمی‌دادند که باید به درون تزکیه کرد، بر روی ذهن کار کرد؟ توجه نکنید که مردم امروزی ممکن است چطور آن را تفسیر کنند—آنها ضرورتاً معنی واقعی را نمی‌دانند. بروید و خودتان را واقعاً تزکیه کنید—وقتی در تضادی می‌افتید یا به مشکلی برمی‌خورید باید به خودتان نگاه کنید و ببینید که چه چیزی اشتباه است، و از خود پرسید که چطور باید آن را اداره کنید، از فایده برای ارزیابی امور استفاده کنید. آیا نمی‌گویید که این تزکیه است؟ خواه در حال تزکیه بوده و قادر باشید که آن را خارج از جهان دنیوی انجام دهید و خواه در اجتماع معمولی، از خود پرسید، آیا فردی عادی می‌تواند موفق شود که آن کار را انجام دهد؟ نمی‌تواند. پس، آیا شما کسی نیستید که در حال تزکیه خود هستید؟ وقتی چیزی که شما را به هم می‌ریزد اتفاق می‌افتد، چیزی که عصبانیتان می‌کند پیش می‌آید، یا نفع شخصی‌ای در خطر می‌افتد، یا منیتان ضربه می‌خورد، آیا قادر هستید که به درون نگاه کنید و خودتان را تزکیه کنید، دنبال کاستی خود بگردید، و حتی وقتی که خود را در چنین وضعی می‌یابید و شما مقصر نیستید، آیا قادر هستید که این رویکرد را داشته باشید که، "اوه، درک می‌کنم—باید در زمینه‌ای خوب عمل نکرده باشم. یا اگر واقعاً کار اشتباهی نکرده‌ام، شاید این‌طور است که در حال صاف کردن کارمایی هستم که بدهکارم. قصد دارم که این را خوب اداره کنم و آنچه را که لازم است، تسویه کنم." و همین‌طور که پیوسته با چنان چیزهایی روبرو می‌شوید، پیوسته خود را باید تزکیه کنید. پس، اگر تزکیه‌کننده‌ای بتواند امور را به این صورت اداره کند، از اصول حقیقی برای تزکیه خودش استفاده کند، آنگاه آیا چیزهای ناخوشایندی که در دنیای عادی تجربه می‌کنید خوب نیستند؟ اگر می‌خواهید تزکیه کنید، اگر می‌خواهید از سه‌قلمرو آزاد شوید، اگر می‌خواهید به مکان اصلی‌تان برگردید، و موجودات ذی‌شعور متعلق به بهشت‌تان را نجات دهید، اگر واقعاً می‌خواهید به استاد کمک کنید که فایده را اصلاح کند، آن وقت آیا [آن چیزهای ناگوار] در حال تسهیل تمامی اینها برای شما نیستند، در حال قادر کردن شما به اینکه واقعاً خودتان را تزکیه کنید؟ آیا روبرو شدن‌تان با چنان چیزهای ناگواری در اصل هموار کردن راه برای شما نیست؟ پس چرا ناراحتید؟

در واقع چنین چیزهایی را در *جوآن فالون* گفته‌ام، و در سال‌هایی که در ادامه آمد به‌طور بی‌پایان درباره آنها صحبت کرده‌ام. بعضی افراد، وقتی به مشکلات واقعی برمی‌خورند، علاقه‌ای به غلبه کردن به آنها ندارند، چراکه فقط می‌خواهند شاد و خوش باشند؛ وقتی بین آنها و دیگران مسائلی هست، درون خود را جستجو نمی‌کنند، و حتی وقتی مقصر هم هستند هیچ خطایی را قبول نخواهند کرد. اگر خودتان را تزکیه نکنید، چطور قرار است به من کمک کنید فایده را اصلاح کنم؟ چطور قرار است از شما استفاده کنم؟ اگر تمام چیزی که می‌خواهید روزهای لبریز از چیزهای شاد و خوش است، آن وقت به گمانم به عنوان بخشی از اینکه بگذاریم که به استاد کمک کنید فایده را اصلاح کند، باید چیزهای خوشی برایتان نظم و ترتیب دهم که انجام دهید، و بگذارم که شما تصمیم‌ها را بگیرید، و به منظور اینکه کاری کرد که آن را انجام دهید شما را مرکز امور قرار دهم. اما چنین چیزی نیست. دیده‌اید که مردم دنیا این روزها به چه صورت هستند. دیروز به شوخی به افراد درباره این گفتم که چگونه امروزه بازیگران، خواه فیلم باشد یا تئاتر، لازم ندارند برای اجرای نقش آدم بد، نقش بازی کنند. (خنده) با بودن در این سن و سال، می‌دانم، همان‌طور که آنهایی که سن‌شان بالاتر از من است می‌دانند، که زمانی مردم بسیار خوب و مهربان بودند—از رفتار بیرونی‌شان گرفته تا حرف‌هایی که می‌زدند. بنابراین، با وجود طوری که رفتار می‌کردند و جایی که استانداردها بود، اگر آنها می‌خواستند نقش آدم بد را بازی کنند، مجبور بودند که واقعاً درباره چگونگی انجامش به فکر بنشینند، نقش را مورد مطالعه قرار دهند، و قبل از اینکه بتوانند به قدر کافی بد به نظر برسند آن را تمرین کنند. چگونه فقط [گذر] چند دهه توانست چنین تفاوتی به بار آورد؟ در مورد مردم امروز، اگر بخواهند نقش یک فرد خوب را بازی کنند مجبورند روی آن به فکر بنشینند، و آن را وانمود کنند، و با این حال هنوز هم قانع‌کننده نیست. به بیان دیگر، مردم دنیا این قدر شدید به پایین لغزیده‌اند، و با این حال شما هنوز می‌خواهید که در مسرت و خوشی به تزکیه بپردازید؟ سمت بشری مریدان دافا در وسط واقعیت‌های انسان‌ها تزکیه می‌کند، و وابستگی‌های بشری دارد، و فقط به این ترتیب می‌تواند تزکیه کند. و به این نحو، زمان‌هایی خواهد بود که افراد با هم خوب کار نمی‌کنند، و زمان‌هایی وجود خواهد داشت که طرز رفتارهای بشری مداخله می‌کنند—این در مورد هر کدام از شما صدق

می‌کند. اما از سوی دیگر، آیا این واقعیت که مردم دنیا تا این حد پایین لغزیده‌اند، و سختی وحشتناکی که آن برایتان به همراه می‌آورد، دارد برایتان دقیقاً فرصت‌های تزکیه‌کردن مهیا نمی‌کند؟ این دقیقاً آن چیزی است که نیروهای کهن قصد آن را دارند، و در ذهن دارند—آنها از عمد در حال بدتر کردن مردم هستند تا اینکه برای مریدان دافا شرایط تزکیه‌کردن فراهم آورند. اما آنها دارند دنیا و مردمش را نابود می‌کنند. با این حال، مردم امروز، به طوری که می‌دانیم، آن قدرها ساده نیستند. گفته‌ام که کل این امر بسیار عظیم اصلاح‌فای کیهان، مدت‌های مدید پیش از این نظم و ترتیب داده شد، بنابراین زمانی که کسی می‌تواند به اینجا بیاید و طی این زمان، طی اصلاح‌فای کیهان، یک انسان باشد، آیا این موضوع ساده‌ای است؟ و چرا مردم امروزه به حفاظت محیط‌زیست این قدر تأکید دارند؟ چند سال پیش، حتی قبل از آنکه محیط طبیعی آن‌قدرها بد تحت تأثیر قرار گرفته باشد، افرادی بودند که طرفدار حفاظت از محیط‌زیست و همین‌طور حفاظت حیوانات بودند. هیچ‌چیز تصادفی اتفاق نمی‌افتد. بسیاری از موجودات از سطوح بالاتر در پی پایین آمدن و بازپیدایی بوده‌اند، به این امید که یک پیوند کارمایی با دافا شکل دهند. در ضمن، انسان‌ها در چرخه بازپیدایی در حال بازپیدا شدن بوده‌اند. اما فقط این تعداد انسان و پوست بشری وجود دارد. اگر بیشتر وجود داشت، زمین قادر نمی‌بود تمام آنها را نگه دارد. بنابراین، حیات‌های سطوح بالاتر به‌عنوان حیوانات و حتی گیاهان بازپیدا شده‌اند. بسیاری از حیات‌های اینجا در این مکان بشری، ساده نیستند، آنها موجوداتی عادی نیستند. این را هم باید گفت که دنیا هر طور هم به نظر برسد که باشد، همه‌اش در دست خدایان است، و برای هر چیزی نظمی وجود دارد. هر آشفستگی‌ای که وجود داشته باشد، در واقع توسط خدایان به آن صورت در آمده است، و در بین بی‌نظمی، نظمی وجود دارد. اگر تردید دارید، آن وقت تمام این را با دقت مشاهده کنید و ببینید. اما اینجا، این مریدان دافا هستند که قرار است نقش اصلی را ایفا کنند. تمام موجودات منتظر شماستند که نجاتشان دهید. دارند شرایطی برایتان مهیا می‌کنند که در آن تزکیه کنید، و در عین حال منتظران هستند که نجاتشان دهید.

فرض کنیم که خوب تزکیه نمی‌کنید، و وقتی به چیزهای ناخوشایند برمی‌خورید به هم می‌ریزید، حتی تا حدی که از انجام کارهای دافا دست می‌کشید، و وقتی کسی یک‌سری چیزهایی گفت که دوست ندارید بشنوید فکر می‌کنید: "حالا که این‌طور است، نجات نمی‌دهم". (خنده) اما آیا متوجه هستید، برای فا بود که همه آنها به اینجا آمدند، فقط اینکه آنها—در دستان نیروهای کهن، عوامل بد، و نیز اژدهای سرخی که در این دنیا شکل ح‌ک‌چ (حزب کمونیست چین) شیطانی را به خود می‌گیرد، موجودات فاسد، شیطان، و اهریمن‌ها—بد شده‌اند و لبریز از چیزهایی‌اند که فرهنگ سنتی واقعی بشر را بی‌اعتبار جلوه می‌دهند، و لبریز از فرهنگ شیطانی الحادند که مردم را به "کشمکش علیه" انسان‌های هم‌نوع، زمین، و آسمان هدایت می‌کند، و عمداً در حال آسیب زدن به فرهنگ سنتی چین است—چیزی که توسط ملکوت خلق شده است. حزب پلید و فلسفه "کشمکش" آن در مردم شرارت می‌دمد، با کیهان در مغایرت است، و حتی اهریمن‌ها هم آرزو می‌کنند که می‌توانستند آن را ساقط کنند. اگر برای اصلاح فای نبود، اهریمن‌ها آن را از بین می‌بردند، چراکه چیزی است منحرف و چیزی است که اساساً هرگز نباید در کیهان وجود داشته باشد. به خاطر اصلاح فای، نیروهای کهن در حال حفاظت از آن و به کار بردن آن برای آزمون مریدان دافا هستند. دلیل اینکه که با نیروهای کهن مخالفت می‌کنم صرفاً بر این اساس است که من با این رویکردشان موافق نیستم؛ من رویکرد خودم را دارم. اما هر طور هم باشد، امروز دنیا چیزی که هست شده است. به عنوان مریدان دافا، نباید در تزکیه خود کند شوید. لازم است که از فرصت برای تزکیه خودتان استفاده کنید. هر چه امور پر هرج و مرج‌تر باشند، بیشتر به آن شکل می‌توانید خودتان را در بین هرج و مرج تزکیه کنید؛ هر چه بیشتر با دشواری‌ها، یا چیزهای ناخوشایند روبرو شوید، بیشتر فرصتی است برای شما که به مسائل به‌طرز متفاوت نگاه کنید و با خود فکر کنید، "تمام اینها پله‌های صعودی است که به وسیله آنها تزکیه کرد و بهتر شد". آیا به این نحو نیست؟ (مریدان پاسخ می‌دهند، "بله"، و تشویق می‌کنند)

همه‌تان دوست دارید که بشنوید استاد فا را آموزش می‌دهد و این چیزها را تشریح می‌کند، درست است؟ (مریدان پاسخ می‌دهند، "بله"). می‌توانم به شما بگویم که موجود بنیادی‌تان چیزها را حتی واضح‌تر از طوری که من در حال بیان آنها هستم درک می‌کند. دلیلش این است که استاد اکنون در حال استفاده از زبان انسان‌ها برای صحبت کردن است، در صورتی که خود حقیقی شما بسیار بسیار آگاه است، فقط این‌طور است که عوامل پس‌از تولدِ سه‌قلمرو و همین‌طور آن چیزهای بد، در شما پنداشت‌ها،

تجارب، و انباشته‌هایی از چیزها را به‌بار آورده‌اند، که همانند خاک شما را مدفون کرده‌اند، و مانع از این می‌شوند که افکار حقیقی‌تان به سطح برگردند. بنابراین باید تزکیه کنید. باید به‌بیرون صعود کنید، آن چیزهای آلوده‌کننده را محو کنید، و خودتان را تمیز سازید. این دقیقاً همان کاری است که در روند تزکیه انجام می‌دهید، و هم‌زمان، در حالی که وسط سختی‌ها هستید، باید مردم را نجات دهید. فراموش نکنید که نیروهای کهن مردم دنیای امروز، مخصوصاً مردم چین، را خراب کرده‌اند و گرچه اظهار می‌کنند که این کار برای فراهم کردن یک محیط تزکیه انجام می‌شود، اما بعد از اینکه موفق می‌شدید تزکیه‌تان را کامل کنید آن کیهان، دیگر وجود نمی‌داشت—هر جایی هم که بودید مثل فرمانده کلی می‌بودید که ارتشی ندارد. پس باید مردم را نجات دهید، حتی وسط دشواری‌هایی که با آنها روبروید، چراکه این تقوای عظیم میدان دافا است، و چیزی است که هیچ فرد عادی—یا هیچ کسی در تمام تاریخ—هرگز نمی‌توانست به انجام برساند! در حالی که خیلی‌ها سر و صدا راه انداخته‌اند که "نجات موجودات ذی‌شعور" چنین است و چنان، هیچ کدام در واقع این کار را انجام نداده‌اند. اما شما دارید این کار را انجام می‌دهید! (تشویق)

با وجودی که این را بیان کردم، گفته‌ام که اصلاح فاحتمناً موفق می‌شود، نگفته‌ام؟ (استاد می‌خندد) با رسیدن به این نقطه که امروز هستیم، پایان و نتیجه‌گیری نزدیک می‌شود. به هر صورت، چرا می‌گویم که "اصلاح فاحتمناً موفق می‌شود"؟ دلیلش این است که فایده دیگر کامل شده است، از آغاز تا پایان، و صرفاً نجات موجودات ذی‌شعور مانده است که به انجام درآید. وقتی الان درباره ساختار کیهان صحبت کردم، هدف این بود که درباره منشأ مداخله با ذهن‌تان که از سوی انواع و اقسام موجودات سطوح گوناگون می‌آید به شما بگویم. می‌توانم به شما بگویم که اگرچه خود حقیقی شما صاحب‌اختیار شماست، اما به‌اندازه کافی قوی نیست، یا حتی قدرتی ندارد چراکه نیروهای کهن کیهان، فوق‌العاده بزرگ‌تر هستند، و بعلاوه، شما در اصول معکوس سه‌قلمرو دفن شده‌اید، بنابراین استاد باید از شما مراقبت کند، کمکتان کند، و در رأس همه چیز بماند. و این همه‌اش نیست. در سطحی از همه بنیادی‌تر، من در حال کنترل همه چیز هستم، با دربرگرفتن همه چیز، تمام راه از هیچی تا چیزی بودن. این چیزی نیست که بتوان از طریق مثال‌ها که در زبان بشری یافت می‌شود توضیح داد. نمی‌توان آن را واضح توضیح داد، هر روشی هم که استفاده شود. آن قدرت، عظیم‌ترین است، تمام موجودات را حمایت کرده و حمل می‌کند، همه چیز را، از ریزکیهان تا وسیع‌ترین بزرگ‌کیهان‌ها، و تمام آنچه که موجود است در کنترل آن هستند—شامل حتی خدایان بالاترین ارتفاع‌ها. هر وضعی که آرزو شود که نمایان گردد، یا هرآنچه که اراده شود که انجام گیرد—خواه آن درگیر شکل کیهان شود، وضع امور در این دنیا، یا هر چیزی که از بالا تا به پایین وجود دارد—بلافاصله صورت خواهد پذیرفت. هم‌اکنون می‌دانید که چرا اصلاح فایده‌ای که در حال انجام است انجام می‌شود—برای حفظ حیات‌های اولیه. علت اینکه انجامش سخت است این است که برای اینکه آن عملی شود، موجوداتی که می‌خواهند نجات یابند باید در حالی که در این دنیای پر آشوب هستند خوب را از بد تشخیص دهند، و خوب شوند؛ و در ضمن، میدان دافا باید در وسط این دنیای پر هرج و مرج در تزکیه موفق شوند، و خودشان را پاک کنند.

قبلاً به شما گفته‌ام که وقتی یک خدا چیزی را خلق می‌کند، یک فکر، تمام چیزی است که لازم است و آن بلافاصله انجام خواهد شد. در خصوص بالاترین خدایان، حتی به‌هنگام خلق جهان‌ها، یک فکر تمام چیزی است که لازم است تا آن بلافاصله انجام شود. زیرا ارتفاع خرد آنها و نیروی قدرت‌شان به این صورت است، و درون بعد آنها چنان میدان عظیمی وجود دارد، و سطوح بسیار زیادی از ذرات، درون آن میدان است. اگر ذراتی که در تک تک سطوح، از بزرگ تا کوچک، پخش هستند واقعاً زنده باشند، پس درباره‌اش فکر کنید، همین که [آن خدا] قصد و نیتی در ذهن خود شکل دهد، تمام آن مولکول‌ها، تمام آن نیرو، و تمام آن ذراتی که زنده‌اند، و تمامی آنها، هر قدر بزرگ باشند یا کوچک، در همان آن سهم خود را انجام داده و هر چه که دستور باشد را اجرا می‌کنند. و گذشته از این، از آنجایی که این فراتر از هر فضا یا زمانی در حال انجام است، آیا آن در یک آن کامل نمی‌شود؟ آن معجزه‌آساست، و موجودات خدایی به این صورت چیزها را خلق می‌کنند—با یک فکر، چیزها در همان آن کامل می‌شوند. خدایان و بودایان نیاز به حرکت به این طرف و آن طرف ندارند، چراکه آنچه واقعاً در حال عمل کردن است تمام آن ذرات هستند، که در یک چشم‌به‌هم‌زدن چیزها را شکل داده و خلق می‌کنند—یکی‌شان این سطح را خلق می‌کند و یکی دیگر آن سطح را خلق می‌کند، یکی این چیز را خلق می‌کند و دیگری آن چیز را خلق می‌کند، و آنچه که خلق می‌شود تراکمی

بسیار عظیم دارد. اما انسان‌ها فاقد چنین قابلیت و توانایی‌ای هستند. انسان‌ها مجبورند برای انجام امور دست به عمل فیزیکی بزنند، چراکه آنها به زمان این بعد محدود شده‌اند و باید، آهسته‌آهسته، به آنچه که می‌خواهند انجام شود برسند. انسان‌ها این‌طورند.

در مورد شما، مریدان دافا، هرچه به انتها نزدیک‌تر می‌شود بهتر باید مسیرتان را پیمایید، و از وقت برای تزکیه خوب خودتان استفاده کنید. بعد از انجام انبوهی از کارها، ممکن است، اگر نظری به آنها بیندازید، دریابید که تماشای یک ذهنیت بشری انجام شده است. وقتی این یک انسان است که در حال انجام کارهای بشری است، و امور [و چیزها] با افکار درست در حال انجام شدن نیستند، هیچ تقوای عظیم مرید دافایی در آن چیزها نخواهد بود. به بیان دیگر، به طوری که خدایان می‌بینند، این فقط به بازی گذراندن وقت است—نه تقوای عظیم یا تزکیه—هرچند هم که آن کار را انجام دادید. پس آیا نمی‌گویید که آن کار بیهوده انجام شد؟ باید فایده را خوب مطالعه کنید، چراکه این اساسی‌ترین تضمینی است که به جایگاه‌تان برمی‌گردید. (مریدان/تشیویق می‌کنند) این صرفاً چیزی نیست که همین طوری به فکر رسیده باشد: آنچه استاد در حال ارائه کردن به شماست فایده کیهان است. آنچه اکنون بیان کردم برای گفتن این به شما بود که مطلقاً نباید در تزکیه‌تان سستی کنید، مطلقاً نباید در مطالعه فایده‌تان سستی کنید، و قطعاً باید با خلوص تمام، آن را انجام دهید. اگر پیش از این خوب مطالعه نمی‌کردید، قطعاً باید، وقتی امروز از اینجا رفتید و شنیده‌اید که استاد دوباره به این امر اشاره می‌کند، واقعاً جداً مطالعه و تزکیه کنید، و نگذارید ذهنتان سرگردان شود. (مریدان/تشیویق می‌کنند)

ممکن است افکار خیلی زیادی درباره موضوعات مرتبط با شن‌یون داشته باشید، بنابراین چند کلمه‌ای به‌طور گذرا صحبت می‌کنم. به طوری که می‌دانید، مریدان دافا در حال اداره پروژه‌های بسیار زیادی هستند، که هدف این است که شکنجه و آزار شیطان را افشا کنند و، همراه با این، حقیقت را روشن نموده و مردم دنیا را که مسموم شده‌اند و به علت تهمت و افترای شیطان، آن را همراهی کرده‌اند، و فریب آن را خورده‌اند—که آنها را در خطری بزرگ قرار می‌دهد—نجات دهند. و این آن چیزی است که باید در این زمان به خوبی انجامش دهید. و در رابطه با پروژه‌هایی که در حال اداره‌شان هستید، واقعاً می‌شود گفت که تأثیر عظیمی داشته‌اند، و نه فقط همین—آنها نقشی حیاتی نیز ایفا کرده‌اند. بعد، شن‌یون هست، نجات مردم با استفاده از شکل هنر، و نیاز نیست که به جزئیات این بپردازم. همین الانش نیز همگی به خوبی از آن آگاهید، و قبلاً در موردش صحبت کرده‌ام. بنابراین، در رابطه با هنر شن‌یون، از آنجا که چیزی است که باید در اطراف دنیا به اجرا برسد، الزامات پایه‌ای برای آن، طبعاً، باید کاملاً بالا باشند. بالا به چه معنایی؟ چیزی که در آغاز به آن فکر می‌کردم این بود: بدون تولید اجراهای برتر و ممتاز، قادر نخواهیم بود مردم را تحت تأثیر قرار دهیم، یا نجاتشان دهیم. هر قومیتی هنر خودش را عالی می‌بیند. من در حال اظهار نظر درباره گروه قومی خاصی نیستم. [چیزی که دارم می‌گویم این است که، هر قومیتی هنر مردم خودش را ارج می‌گذارد، و انسان‌ها را نمی‌توان به این خاطر در اشتباه دانست. بنابراین، بعضی وقت‌ها در فکر این بوده‌ام که چگونه در اطراف دنیا [آنها] که گسترده‌تر از همه به رسمیت شناخته می‌شوند موسیقی ارکستری، باله، و اپرای ایتالیایی هستند. در اطراف دنیا اینها نمونه‌ترین‌ها شده‌اند، سرشناس‌ترین‌ها، و آنها را بالاترین شکل هنر می‌بینند. و این مخصوصاً در مورد آنهایی که بخشی از جریان فرهنگی اصلی جامعه‌اند صدق می‌کند، که واقعاً به تماشا و تجربه این چیزها علاقه‌مند هستند. در صورتی که آن نمایش‌های بسیار آلترناتیو مدرن فقط برای تعداد کمتری از طبقه متوسط پایینی، گونه‌های یقه آبی، و همچنین دانشجویان جاذبه دارد. و آن دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی، کارشان با آن تمام می‌شود، و چنان که بدیهی است بیشتر بخشی از جریان فرهنگی اصلی می‌شوند. بنابراین وضعیت به این شکل است.

همان‌طور که متوجه‌اید، اگر قرار است از شکل هنر برای نجات مردم استفاده کنیم، هنر ما، برای اینکه موفق باشد، لازم است که عالی باشد. دلیلش این است که اگر موجودات خدایی روی صحنه مشغول کار باشند، و در طی اجرا کمک کنند، و با این حال آنچه افراد تماشاچی دارند فکر می‌کنند این باشد که، "وای، این اجرا فاجعه است"، یا "سطحش پایین است"، و آن را به مسخره بگیرند... درباره‌اش فکر کنید، آنها خدایان‌اند که در حال کمک به اجرا هستند، و نه فقط نمی‌توانستند مردم را نجات دهند، بلکه علاوه بر آن، مردم در حال ارتکاب گناه می‌بودند. نمی‌توانیم بگذاریم این‌طور شود. پس توانایی هنری‌تان باید عالی باشد. اگر

همان‌طور که شن‌یون به کشورهای متعددی در اطراف دنیا سفر می‌کند شکل هنری ما، یا کیفیتمان، پایین‌تر از حد عالی بود به استانداردهای آن‌ها نمی‌رسیدیم، و مردم تأییدمان نمی‌کردند، که در این حالت موفق نمی‌شدیم مردم را نجات دهیم. بنابراین باید چیزی داشته باشید که به‌طور حیرت‌آوری عالی باشد. فقط وقتی که همه از شما خوب بگویند، وقتی که هیچ‌کسی نتواند کلمه‌ای بد درباره‌تان بگوید، می‌توانید آن افراد را نجات دهید. بنابراین ضروری است که هنرهای نمایشی شن‌یون به عنوان نقطه‌ی شروع استاندارد بالایی داشته باشد. از قصد انتخاب کردم که آواز و رقص را برگزینم، شکل‌های هنری‌ای که هر قومیتی در اطراف دنیا می‌تواند ارزششان را بفهمد، آنها را بپذیرد، و درک کند. همچنین می‌خواستم که برای پروژه‌های دیگر نمونه‌ای گذاشته باشم، و کاری کنم که ببینید چگونه شن‌یون امور را انجام می‌دهد—به‌طوری که چیزی برای رجوع داشته باشید. بنابراین واقعاً کیفیت اجراها و تعلیم اعضا را جدی گرفته‌ایم، و نتایج حاصل‌شده عالی بوده‌اند. در ابتدا، هر وقت که جایی مشغول فروش بلیت بودید، جرئت نمی‌کردید بگویید که این بهترین است. اما اثر عالی اجراهای شن‌یون به شما اعتماد به‌نفس داده است، و با گذشت زمان، هر چه بیشتر روی این کار کرده‌اید، اعتماد به‌نفس بیشتری داشته‌اید—تا نقطه‌ای که به جرئت می‌گفتید که این بهترین است. (تشیویق)

البته، در حال گفتن این به شما نیستم که این چقدر عظیم است. سعی دارم این مطلب را برسانم که نتیجه‌ی شگرفی که نمایش به همراه آورده، که در رأس آن، همیاری از سوی موجودات خدایی وجود دارد، چیزی نیست که افراد عادی بتوانند به آن دست یابند—چه برسد که انرژی‌ای ساطع کنند که لبریز از جن‌شن رن باشد. انرژی صالح شامل‌شده در هر قطعه‌ای که به رقص در می‌آید، هر کلمه‌ای که به‌آواز در می‌آید، و هر نتی که نواخته می‌شود این چنین است؛ حتی رنگ‌های روی صحنه هم انرژی مثبت ساطع می‌کنند. (تشیویق) هر چیزی مادی است، و وقتی تأثیر کلی به مثبتي این باشد، مردم از آن فایده می‌برند. و برای همین است که کسانی را دارید که، بعد از دیدن نمایش، بیماری‌شان خوب شده است؛ یا بعد از ترک تأثیر تماسی تلفنی دریافت می‌کنند که از قضا حاکی از خبرهای خوب است، و موضوعی جدی در زندگی‌شان به دلایلی که برایشان معلوم نیست ناگهان حل می‌شود. هر حالتی که باشد، مردم بعد از دیدن نمایش خوشحال‌اند، و خیلی چیزها بهتر شده‌اند. چون گرفتاری‌های مردم از کارما ناشی می‌شود، و این چیزی است که با انجام کارهای نادرست در گذشته، جمع شده است، هر چه فرد بیشتر آن را جمع کند، مشکلاتش بدتر هستند، و مقادیر زیاد آن به بدبختی‌ای بزرگ منجر می‌شود. آن گرفتاری‌ها ممکن است باعث شوند که مشکلاتی بزرگ بر زندگی فرد سایه بیفکنند، یا ممکن است باعث شوند که بدن فرد دچار رنج شده، یا بیمار شود. بعد از تماشای اجرای شن‌یون، آن کارما از بین رفته است. انرژی مثبت در نمایش می‌تواند این اثر را داشته باشد، که در این حالت، آیا نمی‌گویید گرفتاری‌هایی که او زمانی با آنها مواجه بود تمام هستند؟ آنها دیگر رفته‌اند، چراکه کارما بود که آنها را ایجاد کرده بود. بنابراین، این دلیلی است که چرا افراد می‌توانند بلافاصله نفع ببرند.

و این همه‌اش نیست. همان‌طور که می‌دانید، فرهنگ چین فرهنگی است که به‌طور خدایی ارائه شده است. همان‌طور که با شما مطرح کرده‌ام، مفهوم چینی "سلسله" با مفهوم "کشور" فرق می‌کند، همان‌طور که مفهوم "امپراتور" با "پادشاه" که در کشورهای دیگر دیده می‌شود متفاوت است. "سلسله" بیان‌گر دوره‌ای از تاریخ بشر است، و فرق بزرگی بین "امپراتور" و "پادشاه" هست. یک امپراتور، فرمانروای دربار امپراتوری است، پادشاه پادشاهان؛ پایین‌تر از او پادشاهان هستند. تا زمانی که یک کشور به‌صورت امپراتوری زیر سلطه بوده باشد، پادشاه آن توسط حکمی از سوی امپراتور به این عنوان منصوب می‌شد، و حتی جانشین آن پادشاه باید توسط امپراتور مشروعیت پیدا می‌کرد. این به‌واسطه این امر است که چین درگاهی بود که پادشاهی‌های آسمانی مختلف از طریق آن به زمین فرود آمدند تا انسان شوند؛ بارگاه اصلی‌ای بود که به آنجا آمدند تا پیوندهای کارمایی در آن بنا نموده و حکومت کنند. متعاقباً، در مرحله پایانی، قادر می‌بودند که مجدداً به آن پیوندهای کارمایی وصل شوند و آرزوی خود را به انجام برسانند. فرهنگ هر سلسله به یک گروه از موجودات آسمانی پیوند یافته بود، که فرم‌های متفاوتی از پوشش و تزئین، عادات و خصلت‌ها، و حتی غذا، لباس، و خانه‌ها را همراه آنها می‌آورد. این جنبه‌ها هر بار که تغییر سلسله روی می‌داد عوض می‌شدند. البته، با صحبت درباره تغییر سلسله‌ای، اصلی اینجا در بین انسان‌ها وجود دارد که می‌توان "دنیا را با نیروی نظامی فتح کرد"، و "فاتح به کشور حکم می‌راند". اما این اصلی معکوس است، نه یک اصل درست. اصول انسان‌ها

برعکس هستند، چراکه آنها باید با روش انسان‌هایی که اینجا در این سطح‌اند مطابقت داشته باشند، و بنابراین جنگ‌هایی وجود دارند که آنان را که قدرت را در دست دارند سرنگون می‌کند، وگرنه آنها [از جایگاه‌شان] نمی‌رفتند. بعد همه مردم سلسله‌های گوناگون چین به کجا رفته‌اند؟ اگر همگی در چین منتظر مانده بودند، از گنجایش آنجا بیشتر می‌شدند. برای همین، به سایر کشورها رفتند. و بنابراین ملت‌ها و مردمان بسیار وجود دارند. تفاوت‌های بین نژادها از این ناشی می‌شود که خدایان متفاوت، انواع مختلف پوست‌های بشری را خلق کرده‌اند، و روح یک شخص لزوماً از همان نژادی نیست که او [اینجا بر روی زمین] دارد. وقتی این حیات‌ها در ابتدا به این زمین آمدند و بازپیدا شدند، اول به چین رفتند، و هنگامی که اینجا بازپیدا شدند، یک سلسله را شکل دادند. بعدها، در کشورها و مناطق دیگر بازپیدا شدند، و یک ملت یا یک گروه قومی را شکل دادند، و در انتظار صحنه پایانی ماندند که در آن دافا به‌طور گسترده پخش می‌شد و اصلاح فاش شروع می‌شد.

بعد این را در نظر بگیرید، چه کسی بود که پنج هزار سال تمدن چین را بنا کرد؟ تمام بشریت. خدایان در نظر داشتند که فرهنگ چین را در طی اصلاح فاش به کار ببرند، و آن چیزی بود که خدایان آن را بنیان گذاشتند. هر چه باشد، فرهنگی نیمه‌خدایی است. آنچه که این فرهنگ دارد برجسته است، و نمونه‌های چیزهای باشکوه در پنج هزار سال تمدن—شامل داستان‌های تاریخی‌اش، که صرفاً آن قدر زیادند که احتمالاً نمی‌توان آنها را شمرد—همگی نقاط درخشان فرهنگی هستند که به‌طور خدایی ارائه شده است، و آن فرهنگی است که در طی روندی بنا نهاده شد که انسان در حال پرورش یافتن از آنچه که در روزگاران باستان بود به انسانی که امروز داریم بوده است، [انسانی] با طرز فکری امروزی. آن وقت، هنگامی که چنین فرهنگی به مردم ارائه می‌شود، آیا نمی‌گویید تماشایش حیرت‌آور است؟ آیا کلاسیک نیست؟ آیا مردم از تماشای آن واقعاً لذت نخواهند برد؟ صرف‌نظر از این که فرد در کدام گوشه دنیا زندگی کند، مردم وقتی این فرهنگ و آنچه را که دربردارد می‌بینند، همگی پیوندی با آن احساس می‌کنند، انگار که شخصاً آن را قبلاً تجربه کرده باشند، یا آنجا بوده باشند. همه این احساس را دارند. واقعاً همین‌طور است، چون هر جا هم که فرد بعداً ممکن است بر حسب اتفاق بازپیدا شده باشد، هنوز آن یاد و خاطره را دارد. مثل یک دوشاخه برق است—آن را به برق بزنید، و برق در داخلش جریان می‌یابد. با این حال، با گذر زمان اصول معکوس در دنیای بشری، رفتارها، پنداشت‌ها، و یک طرز زندگی را به بار می‌آورند، و اینها در نقش مدفون ساختن خود حقیقی فرد عمل می‌کنند. و بعد، انواع و اقسام امیال و وابستگی‌های بشری که پس از تولد شکل گرفته‌اند؛ پنداشت‌های گوناگون؛ و نیز آنچه که فرد در این طول زندگی و دنیا یاد می‌گیرد وجود دارند، که تمامشان در نقش پنهان کردن هر آنچه که از قبل دارید عمل می‌کنند. این‌طور مدفون بودن مانع از این می‌شود که فرد بتواند پی ببرد [این حس پیوند و نزدیکی] دقیقاً چه هست، اما شخص واقعاً حسی حاکی از شور و هیجان دارد. قسمت آگاه او به هیجان می‌آید، و می‌تواند چیزها را خیلی واضح ببیند و درک کند، یعنی، خود حقیقی فرد می‌داند، حتی اگر "خود" او در سطح و ظاهر، نتواند آن را به‌روشنی بیان کند. مغز نمی‌تواند با منطقی که در دسترسش است آن را پردازش کند؛ این کارخانه پردازش نمی‌تواند به تأیید برساند، یا جمع‌بندی کند، که آن حس دقیقاً چه هست. بنابراین، برای آن شخص فقط [به‌صورت] یک حس می‌ماند. این دلیلش است که چرا شن‌یون چنین نیروی پر قدرتی در نجات مردم بوده است.

همراه با این، شن‌یون تماشاچیان خود را از دروغ‌های بسیاری مطلع می‌کند که ح‌ک‌چ برای شکنجه و آزار فالون گونگ استفاده کرده است. و در واقع این، تاکتیک حزب در هر یک از جنبش‌های پیشین‌اش نیز بوده است. با ساختن یک‌سری شایعات درباره شما شروع می‌کند، و سپس در ادامه از مردم چین برای شکنجه و آزار دیگر مردم چین استفاده می‌کند، و در مردم علیه همدیگر خشم برمی‌انگیزد. با نظام "تک‌صدایی" آن، شما نمی‌توانید حرفی بزنید، و بنابراین هیچ کسی نمی‌داند که شما خوب هستید یا بد. حزب است که اظهار می‌کند شما بد هستید، و سپس تمام رسانه‌های چاپی و سخن‌پراکنی آن، که توسط آن کنترل می‌شوند، جامعه را در این پیام غرق می‌کنند. در تاریخ، آیا هیچ کسی که آنها او را مورد حمله قرار دادند توانست بیشتر از سه روز سر پا بماند؟ یک مقاله در روزنامه به‌تنهایی می‌تواند کسی را به‌زیر بکشد. آیا همیشه تحت [سلطه‌ی] ح‌ک‌چ پلید به‌این شکل عملی نشده است؟ ولی چیزی که ما اینجا داریم گروهی از تزکیه‌کنندگان هستند، بنابراین آن رویکرد عملی نخواهد شد. گرچه ممکن است این‌طور باشد، اما سم حزب عمیقاً نفوذ کرده است، و مردم دنیا را هدایت کرده که، با نکوهش دافا و مریدان دافا، کنار آن بایستند. اما اینها تزکیه‌کنندگان هستند که در حال تحت تأثیر قرار گرفتن‌اند، و بعلاوه آنها در پی نجات مردم دنیا هستند، پس آیا

نمی‌گویند که آن افراد مرتکب گناه شده‌اند؟ طوری دیگر بیان کنیم، این جرم است چون کسانی که آنان آنها را مورد هدف قرار داده‌اند تزکیه‌کنندگان هستند. پس از این نقطه نظر، آیا مریدان دافا می‌توانند تصمیم بگیرند که آنها را نجات دهند؟ هنوز باید نجاتشان دهیم. اجراهای هنرهای نمایشی شن‌یون، آنچه که هنرمندان آن ارائه می‌کنند، دست‌اندرکاران خط‌داستان‌های برنامه آن، حتی یک حالت یک رقصنده، اشعاری که شن‌یون می‌خواند، موسیقی‌ای که شن‌یون تولید می‌کند—اینها فرهنگ سنتی، درست، و خالص چین هستند. وقتی میراث فرهنگی پنج هزار ساله‌ای که توسط توده مردم کل دنیا به جا گذاشته شد پیش چشم یک شخص به نمایش درمی‌آید، او بلافاصله متوجه‌اش می‌شود—مشابه زمانی که فردی مشغول ارزیابی فردی دیگر است، و تمام چیزی که لازم است یک نگاه و چند کلمه است، و آنگاه می‌دانید که او خوب است یا بد. بعد از اینکه آنها بیش از دو ساعت روی صحنه به اجرا می‌پردازند، تماشاچیان متوجه می‌شوند که آنها چه نوع افرادی‌اند. خوبی خالص و زیبایی خالص نمایش، چیزی نیست که فرد امروزی معمولی بتواند به آن دست یابد. لحظاتی قبل می‌گفتم که مردم امروز مجبورند که برای اجرای نقش یک فرد خوب واقعاً نقش بازی کنند، با این حال [آنچه در خصوص شن‌یون اتفاق می‌افتد] نمی‌تواند با نقش بازی کردن از کار درآید؛ آن باز نمود طبیعی عاری از قصدی است از دنیای درونی فرد. چیز دیگر این است که، بدن تزکیه‌کنندگان بسیار پاک و خالص است. بسیاری از افراد تماشاچی، خوبی اجراگران ما را می‌بینند، و می‌توانند تشخیص دهند که لبخندهای آنان چیزی مثل لبخند اجراگران معمولی، که برای خوب جلوه کردن است، نمی‌باشد. آن چیزی نیست بجز بازتابی طبیعی از خوبی پاک که توصیف‌کننده دنیای درونی یک تزکیه‌کننده است. آیا آنگاه، به محض اینکه مردم این را می‌بینند، برایشان واضح نیست که تمرین‌کنندگان فالون گونگ چه نوع افرادی‌اند؟ البته، محتویات برنامه، خوبی و زیبایی کلاسیک حقیقی‌ای است که [ذهن] مردم را روشن کرده و برایشان الهام‌بخش است، و قطعاً وجود دارند که شکنجه شدن شاگردان فالون گونگ را به تصویر می‌کشند. اینها دلایلی هستند که چرا، همان‌طور که دیده‌اید، تأثیر تمام آن قاطعانه مثبت بوده است، و بیشتر از نود و پنج درصد—و ما اینجا محافظه‌کارانه [در حال گفتن این] هستیم—بعد از دیدن نمایش به تحسین آن می‌پردازند، و حتی عمیقاً توسط آن تحت تأثیر قرار می‌گیرند. علتش این است که این روزها در نمایش‌ها، کم‌چیزهایی هست که مثبت باشد. در حالی که نمی‌توانیم بگوییم که اصلاً چیز مثبتی وجود ندارد، می‌توانیم بگوییم که بسیار کم هست.

اما فقط خوب اجرا کردن کافی نیست. وقتی ابتدا شن‌یون شروع شد، در خیلی مناطق، چیز از پیش دانسته یا شناخته‌شده‌ای نبود. هر گروه قومی‌ای هم که بود، وقتی شن‌یون برای اجرا می‌آمد، تمام آنچه که مردم آنجا می‌شناختند شرکت‌های باله، خانه اپرا، یا ارکستر سمفونی بود. آنها نمی‌دانستند شن‌یون چه هست. بنابراین آن دوره‌ای از زمان بود که مریدان دافا می‌توانستند نقشی چشمگیر ایفا کنند، و آنها واقعاً در حین تبلیغ شن‌یون تأثیر عظیمی داشتند—یعنی، به شن‌یون کمک کردند مردم را نجات دهد. گفتن اینکه شما در حال کمک به شن‌یون هستید، در واقع، به این معنی است که در حال کمک به خودتان هستید، چراکه در هر آنچه که انجام می‌دهید در حال تزکیه خودتان هستید، و گذشته از این، در میان حیات‌هایی که توسط شن‌یون نجات می‌یابند، همکاری و کمک شما [سهام] دارد. حتماً این‌طور است. و تقوای عظیمتان در میان آنچه که انجام داده‌اید قرار دارد. در مرحله کنونی، این پروژه به این طریق که همه شما با هم سخت کار می‌کنید که مردم را نجات دهید انجام می‌شود. با این همه، در تمام مدت نگرانی‌ای نداشته‌ام. اینکه، این کافی نیست که تنها به خوب عمل کردن اجراگران مان تکیه کنیم. اگر مریدان دافای محلی به خوبی همکاری نکنند، یا به خوبی عمل نکنند، تماشاچیان مان نخواهند آمد. اگر، در این مرحله کنونی، همه‌تان بتوانید با هم کار کنید و وارد عرصه‌ای جدید شوید، و همانند شرق کانادا و تابوان به سرعت وضعیت را تغییر شکل دهید، این را بدانید: وقتی که شن‌یون به شهر برمی‌گردد، مجبور نخواهید بود که چنان مقادیر زیادی از زمان، نیروی انسانی، یا منابع مادی را به کار بگیرید. چیزهای خیلی زیادی هست که در خصوص پروژه‌های بسیاری که برعهده گرفته‌اید لازم است انجام دهید، و در بلندمدت، استاد واقعاً نمی‌خواهد ببیند که شما همه چیز را کنار می‌گذارید که بیاید روی شن‌یون کار کنید. اما در مرحله کنونی، آنچه می‌خواهم ببینم انجام می‌دهید دقیقاً این است که تلاشتان را روی پیشروی‌های جدید متمرکز می‌کنید.

چهار سال سپری شده است. بعضی مناطق پیشروی‌هایی داشته‌اند، در حالی که مناطقی دیگر نه فقط نتوانسته‌اند پیشروی داشته باشند، بلکه مرتباً بدتر عمل می‌کنند، و مشکلات زیادی پدید آمده است که نباید می‌آمد. این به تفاوت‌های تزکیه‌ای مربوط

می‌شود؛ بازتابی است از ذهنیت‌های مختلفی که هر یک به هنگام پرداختن به نجات مردم داشته‌اند. در آغاز طرح‌ریزی کرده بودم که دستیابی به پیشروی‌هایی برای اجرایمان سه سال زمان ببرد، و بعد از آن دیگر لازم نداشته باشیم از این همه مرید دافا استفاده کنیم. برای اینکه این رویکرد عملی شود، ابتدا، قبل از اینکه به کل جامعه رسید، باید پیشروی‌هایی به درون جریان فرهنگی اصلی جامعه داشت. این در واقع فقط یک استراتژی است. اما نمی‌شود فقط با حرف‌زدن به جریان فرهنگی اصلی جامعه دست یافت، و اگر آن افراد نیابند، عاقبت، همان وضع را خواهید داشت. آیا فکر می‌کنید می‌توانید به بیرون بروید و در هر چه که مایل بودید موفق شوید؟ این طور نیست. باید رویکردهای خاصی اتخاذ کنید. و دقیقاً کدام رویکردها؟ لازم است قیمت بلیت‌تان قیمت جریان فرهنگی اصلی باشد، و مردم خواهند آمد؛ شما باید از رویکردها و روش‌های تبلیغی جریان اصلی استفاده کنید. این عملی نخواهد بود که در این زمینه هم‌پا نشوید. با وجود اینکه در حال گفتن این به شما بوده‌ام که جریان فرهنگی اصلی را هدف قرار دهید، چندین سال است که تمرین‌کنندگان به خیابان‌ها رفته‌اند تا فلایر توزیع کنند و با فریاد زدن رو به رهگذران به‌منظور جلب توجه‌شان، در محلهٔ چینی‌ها کار فروش انجام دهند، و این چیزی است که به آن عادت کرده‌اند. بله، بلیت‌ها جابجایی نسبتاً خوبی داشتند، مردم [به نمایش] آمدند، تعداد کم نبود، و سال‌های نمایش به‌خوبی پر شدند. اما آیا متوجه هستید که آمدن آن افراد به آنجا نیازمند چه بود؟ مجبور بودیم کل نیروی مریدان دافایمان را به کار بگیریم. آیا می‌توانیم در بلندمدت این طور ادامه دهیم؟ نمی‌توانیم! پس باید به فکر راهی برای پیشروی باشیم، و برای همین است که استاد می‌خواهد ابتدا روی جریان فرهنگی اصلی کار شود. اما بسیاری از شاگردان نمی‌توانند این را درک کنند، و دارند فکر می‌کنند، "آخر چرا؟ من قبلاً بلیت‌ها را خیلی خوب فروختم..." قسمتی از بلیت‌هایمان خیلی پایین قیمت‌گذاری شده بودند، و بعضی وقت‌ها بلیت‌ها رایگان داده شدند. آیا می‌توانیم برای همیشه به این کار ادامه دهیم؟

در اجتماع غرب، این یک عقیدهٔ پایه‌ای است که "هرچقدر که پول بدهید عایدتان می‌شود". اما ما اینجا چنین نمایش رده‌بالایی داریم و شما اصرار دارید آن را مثل دستفروشی که بساطش را روی زمین پهن می‌کند بفروشید. این چیزی نیست که استاد می‌خواهد، و برای همین است که به شما گفته‌ام که چگونه جریان فرهنگی اصلی را هدف قرار دهید. در حقیقت، وقتی استاد می‌خواهد که چیزی به شکل معینی انجام شود، صرفاً این طور نیست که فکری کرده باشد و دیگر همین. من باید به‌مقدار عظیمی کار آماده‌سازی انجام دهم، که شما نمی‌توانید آن را ببیند، و تمام آن خدایان نیز بر روی آن کار می‌کنند. همه چیز آماده شده است، و تمام چیزی که کم است این است که شما آن را انجام دهید. اما شما آن قدم را بر نمی‌دارید، و فکر می‌کنید، "من چگونه می‌توانم روی جریان فرهنگی اصلی کار کنم؟ نمی‌دانم چه کار کنم!" وقتی که با اجتماع‌های عالی‌تر دیدار می‌کنید، بیش از حد می‌ترسید که حرفی بزنید، و دل‌دل‌کنان آن کتابچه را با ترس و لرز زیادی در دست‌تان نگه می‌دارید. آیا فکر می‌کنید که آن می‌توانست مردم را نجات دهد؟ بلافاصله آن شخص فکر خواهد کرد که شما قابل‌اعتماد نیستید، درست است؟ واقعاً لازم نیست خیلی زیاد درباره‌اش فکر کنید—بلکه، با اعتمادبه‌نفس و با ابهت به آن بپردازید. شما یک مرید دافا هستید. آیا متوجه نیستید که در حال نجات مردمید؟ بلیت‌شن‌یون واقعاً آن مبلغ نمی‌ارزد؟ می‌ارزد! به شما می‌گویم (تسویق)، اگر شرکتی در جریان اصلی جامعهٔ غرب، نمایشی به این اندازه درجه یک ترتیب می‌داد، می‌دانید برای یک بلیت چقدر می‌گرفتند؟ در هر شهری پایین‌ترین قیمت، ۵۰۰ دلار برای هر بلیت می‌بود. (تسویق) ما قیمت را این قدر بالا نگذاشته‌ایم، پس از چه می‌ترسید؟ شما سعی ندارید که از طریق مردم به پول بیشتری برسید. بلکه، شما واقعاً در حال نجات آنها هستید. اما وقتی که اعتمادبه‌نفس‌تان متزلزل باشد، به آن مکان [عالی‌تر] می‌روید ولی جرئت پیاده شده از ماشین‌تان را ندارید. از آن فقط یک سفر بی‌هدف می‌سازید و بعدش به خودتان می‌گویید، "بسیار خوب، آنجا رفتیم". یا آنجا در آن اجتماع عالی خواهید بود، و دزدکی یک فلایر اینجا می‌اندازید و یک فلایر آنجا، طوری رفتار می‌کنید که انگار خجالت می‌کشید در حین این کار شما را ببینند. مسلماً، بعضی افراد از ایمیل‌های ناخواسته و امثال آن بیزارند، اما همیشه بعضی رویکردها وجود خواهد داشت که با افرادی معین نمی‌خواند. باید فرقی قائل شوید: این چیز عظیمی است—همه منتظرند که نجات یابند!—بنابراین تا زمانی که آن را به حد افراط انجام ندهید، مردم خواهند فهمید. ما واقعاً بعضی افراد را داریم که عالی کار کرده‌اند، که در محیط‌های مرفه به روشی خیلی طبیعی و متین به امور پرداخته‌اند. و وقتی با افراد صحبت کرده‌اند، کاملاً راحت بوده‌اند. بلافاصله طرف مقابل به وجد آمده است، درست انگار که منتظر

شما بوده باشند. واقعاً همین‌طور است. مقدار بسیار زیادی کار پایه‌ای بوده که جلوتر انجام شده‌اند. تمام چیزی که کم است این است که شما امور را با افکار درست به انجام برسانید. اما شما افکار درستی را که لازم است نداشته‌اید.

پس حالا دلیل این را که چرا فروش بلیت‌ها در این سال گذشته واقعاً پرزحمت بود را می‌دانید. مورد دیگر این است که قسمتی از شاگردان بودند که به صورت گروهی افکار درست فرستادند [تا به وضعیت کمک کنند]. فرستادن افکار درست مسلماً برای پاک‌سازی شیطانی انجام می‌شود که سد راه ما برای نجات مردم می‌شود، و مقدار کمی از شیطان در واقع باقی است. پاک‌سازی شیطان البته خوب است. آیا امکانش هست که وقتی آن همه افراد در حال فرستادن افکار درست بودند هیچ تأثیری نداشته باشد؟ تأثیر داشته است. اما، لازم است ببینیم که برخی افراد به هنگام فرستادن افکار درست چه بیرون می‌فرستادند. آنها آنجا می‌نشستند، با دستی عمود، اما افکارشان درست نبود، "چطور است که امسال این رویکرد را پیش گرفته‌ایم؟ من پارسال فروش بلیت‌ها را عالی انجام دادم. چرا وقتی که می‌توانم بیرون در حال فروش بلیت باشم مجبورم می‌کنند که اینجا افکار درست بفرستم؟ چرا باید جریان فرهنگی اصلی جامعه را هدف قرار دهیم؟ این بلیت‌ها خیلی گران‌اند—کی می‌خواهد آنها را بخرد؟! (خنده) در حالی که الان شنیدن این خنده‌دار به نظر می‌رسد، اما در واقع یک پدیده بی‌نهایت شایع بود. آیا متوجه‌اید که با تمام آن [چیزها] که بیرون فرستاده می‌شدند، در همه جای دنیا آن به شکل یک ماده چسبناک و چسب‌مانند در آمد، و صرفاً یک تعداد خیلی کم از موجودات شیطانی کفایت کرد که بتوانند با شما مداخله کنند. آن چیزی نبود که بتوانید پاکش کنید، و مستقیماً سد راه فروش بلیت مریدان دافایمان شد و سد راه مریدان دافایی شد که افکار درست حقیقی بیرون می‌فرستادند. آن چیزی نبود که بشود پاک‌سازی کرد. وقتی شیطان سعی می‌کند که آشفته‌گی ایجاد کند، افکار درست فرستادن تان بلافاصله آن را پاک‌سازی می‌کند و از بین می‌برد، طوری آن را می‌ترساند که برمی‌دارد و پا به فرار می‌گذارد. اما در رابطه با مریدان دافا، خوب، ما مطمئناً نمی‌توانیم آنها را از بین ببریم. چه کاری از دست ما ساخته است وقتی که آن شخص به خاطر درکی ناکافی از این موضوع لغزشی موقتی دارد؟ کاری نیست که بشود انجام داد—حتی استاد هم نمی‌تواند هیچ کاری کند، چرا که من باید منتظر بمانم آن شاگردان مان که خوب تزکیه کرده‌اند در طی این فرصت حتی بهتر تزکیه کنند، و این مسیر به خصوص خود را کامل کنند. به هر جهت، قسمتی وجود داشتند که خوب عمل کردند، بنابراین مجبور بودم که علی‌رغم تمام سختی‌ها دست نگر دارم، و ما با موفقیت بیرون آمدیم. اما آیا متوجه چیزی هستید؟ آنهایی که در آغاز قرار بود سال پیش [توسط شن‌یون] نجات یابند [اما نرفتند]، فرصت را برای همیشه از دست داده‌اند. زیرا اصلاح فا بدون وقفه به پیش می‌رود، قدم به قدم، و وقتی به یک سطح کیهانی می‌رسد نوبت آن سطح از افراد است؛ وقتی به [قلمروی] پادشاهی آسمانی معینی در بالا، یا لایه بدن کیهانی معینی، می‌رسد، نوبت آن گروه از افراد است که بیابند [نمایش را] ببینند، و دفعه بعدی [که شن‌یون به اجرا می‌پردازد]، آن صندلی به فرد دیگری تعلق خواهد داشت. آیا متوجه هستید که چه تعداد حیات از دست رفته‌اند؟! آیا می‌دانید وقتی آن صندلی‌های خالی را در سالن نمایش می‌بینم چه احساسی به من دست می‌دهد؟

خیلی از مریدان دافا درباره "کمک کردن به استاد که فا را اصلاح کند"، یا "هرچه استاد بخواهد، همانی است که ما انجام می‌دهیم" صحبت می‌کنند. و این با قاطعیت گفته می‌شود. اما به محض اینکه استاد واقعاً کاری می‌کند که بروید و چیزی را انجام دهید که موافق با تفکرتان نیست، یا وقتی امور قدری چالش‌برانگیز هستند، کاملاً آن فکر صالح درباره کمک به استاد را گم می‌کنید. با بیزاری و رنجشی که با تفکرتان مخلوط شده است، افکاری که ساطع می‌کنید سد راه می‌شوند. در گذشته گفته‌ام که هیچ‌کس نمی‌تواند به مریدان دافا صدمه بزند. شما می‌دانید که ح‌ک‌چ پلید چقدر شرور است. اگر بخواهد کسی را به زیر بکشد، به اندازه سه‌روز هم نمی‌توانستند دوام بیاورند. اما آیا توانست مریدان دافا را سرنگون کند؟ هرچه بهتر تزکیه کنید، ثابت‌قدم‌تر، قوی‌تر، و پخته‌تر هستید. این درباره حد و اندازه نقش [ح‌ک‌چ] است. به بیانی، هیچ عنصر خارجی نمی‌تواند به تزکیه‌ای که در دافا انجام می‌شود آسیب برساند، علی‌رغم هر مداخله‌ای که ممکن است روی دهد. آیا باندی از مأموران ویژه ح‌ک‌چ در نیوزلند سعی نکرد که مخفیانه از شاگردانی که به درک‌های منحرفی رسیده بودند استفاده کند تا مشکل بار بیاورد؟ بگذارید که شانس‌شان را امتحان کنند، و فقط تماشا کنید که به چه صورت در می‌آیند. چه کسی می‌تواند به دافا آسیب برساند؟ هیچ‌کس نمی‌تواند. هیچ عنصر یا عامل خارجی‌ای نمی‌تواند هیچ‌کاری از پیش ببرد. اما اگر مریدان دافایی که واقعاً تزکیه

می‌کنند نتوانند خوب عمل کنند، زیان‌هایی که متحمل می‌شویم عظیم خواهند بود. چه کسی می‌تواند در واقع به فا صدمه بزند؟ آیا امکانش هست کسی بتواند به فای کیهان صدمه بزند؟ چنین رخدادهایی چیزی بیشتر از آزمون‌هایی برای شما نیستند، به این منظور که افکار و وابستگی‌های بشری شما را افشا کنند. همه عناصری که با آنها روبرو می‌شوید که در پی مداخله با مریدان دافا هستند آیا در اصل، شاگردانی را هدف نگرفته‌اند که کوشا نبوده و چیزها را آشفته می‌کرده‌اند؟ درست مثل وب‌سایت‌های پلید چند وقت قبل است، که بعضی‌ها را آشفته کرد، که بعضی حتی مسحور و غیرمنطقی شدند، طوری که انگار دیگر خودشان نبودند، و تا جایی پیش رفتند که آن سایت‌های پلید را پخش می‌کردند. پس آن چطور اتفاق افتاد؟ آیا به خاطر این نبود که کاری کند که چیزهایی که داشتید—آن وابستگی‌ها، آن افکار بشری، آن عادت دروغ گفتن، یا آن علاقه به شایعه‌ها—به سطح آمده و خود را نمایان کنند؟ آیا برای این نبود که کاری کند شما بلغزید و زمین بیفتید تا بتوانید وابستگی‌هایتان را ببینید، و اینکه کاری کند کسانی که واقعاً مناسب نیستند دور ریخته شوند؟ نیروهای کهن از آن چیز [یا ماده‌ی] بد از سوی افراد بد استفاده بردند و کاری کردند که خود را نشان دهد. آیا این چیزی نیست که آن در نقش انجامش عمل کرد؟ برای همین است که می‌گوییم هیچ‌کس نمی‌تواند واقعاً برای ما مشکل درست کند و، برعکس، آن فقط می‌تواند در نقش کمک به ما عمل کند که پیوسته خالص‌تر شویم. همان‌طور که آگاهید، در همه جای دنیا آن مأموران مخفی اوباش مانند ح‌ک‌چ سعی کردند که به سالن‌های نمایش رشوه دهند، تماس تلفنی گرفتند، نامه تهدیدآمیز نوشتند، یا خود را شاگرد فالون گونگ جا زده و نامه‌های غیرعقلانی نوشتند که سعی کنند مردم را بر علیه شاگردان فالون گونگ سازند. واقعاً هر کار ممکن را امتحان کردند. اما بعد از اینکه مردم از پشت‌پرده ماجرای آنها باخبر شدند، واقعاً چیز دیگری نبود که بتوانند امتحان کنند. زمانی که شن‌یون می‌خواست در کره اجرا داشته باشد، آن چندین فرد بدی که توسط ح‌ک‌چ به صورت ویژه روانه شده بودند که تداخل ایجاد کنند، با اطمینان تضمین دادند که شن‌یون موفق به اجرا نمی‌شود. اما در آخر، اجرای ما صورت گرفت و موفقیت‌آمیز بود، که شکست سنگینی برای آن مأموران به‌بار آورد. در آخر، کاری نبود که بتوانند انجام دهند، نمی‌توانستند مداخله کنند. بنابراین، با وجود اینکه آنها دست از مداخله برداشتند، خود شما در نهایت باعث زیان‌هایی بزرگ شدید.

وظیفه مریدان دافا نجات موجودات ذی‌شعور است. اما آیا این را در نظر گرفته‌اید: حتی اگر شن‌یون همه تعدادی را که برایش امکان‌پذیر هست نجات دهد، یک سالن نمایش چه تعداد تماشاچی را می‌تواند در خود جا دهد؟ با وجود ۷ میلیارد نفر در دنیا، چه تعداد را می‌توانید با شن‌یون نجات دهید؟ با تمام رسانه‌ها و تمام پروژه‌هایی که مریدان دافا در حال انجامشان هستند که در حال نجات مردم هستند، حتی اگر دارید هر چه را که در توان دارید می‌گذارید، باز هم تعداد عظیمی از افراد هستند که نمی‌توانند نجات پیدا کنند. همان‌طور که قبلاً با شما مطرح کرده‌ام، شما در اصل به خاطر استاد در حال نجات آن افراد نیستید، و برای دیگران نیز انجام نمی‌شود. دارید آنها را برای خودتان نجات می‌دهید، چراکه بسیار محتمل است که قرار باشد آنها موجودات ذی‌شعور آینده بهشت شما باشند، یا به گستره شما تعلق یابند. نمی‌توانید بگذارید این‌طور شود که وقتی به مکان درست‌تان برمی‌گردید، مثل فرمانده کلی باشید که ارتشی ندارد، و آنجا کاملاً خالی باشد، و فقط یک شخصیت تنها در آن بدن کیهانی ساکن باشد. بودایان قرار نیست ندار و تهی‌دست باشند؛ باید دارا و ثروتمند باشند. حیات‌های آنجا دارای‌های شما هستند، و فقط با آنها بهشت‌تان می‌تواند رونق یابد. آنها همگی دارای به حساب می‌آیند—هر حیاتی دارای محسوب می‌شود.

آگاهم که در بین آنهایی که امروز اینجا نشسته‌اند عده‌ای از اعضای خانواده مریدان دافا حضور دارند، و همین‌طور عده‌ای از دوستان غیرتمرین‌کننده مریدان دافا هستند که داخل سالن شده‌اند. این را می‌دانم چون میدان اینجا آن قدرها پاک نیست. البته، چندی از افرادی نیز هستند که توسط تبه‌کاران کمونیست به اینجا روانه شده‌اند. اما به‌طور مشابه، می‌خواهم به شما بگویم: آمدنتان به اینجا فرصتی است که از پیوندهای تقدیری ناشی می‌شود. هر کسی که باشید، یا انگیزه‌تان هر چه باشد، شنیدن فای بودا، داشتن این پیوند تقدیری، امر ساده‌ای نیست. در حالی که ممکن است در ظاهر این‌طور به نظر برسد که کسی شما را فراخوانده که به اینجا بیایید، اگر خدایان نخواستند بودند که شما وارد شوید مطلقاً نمی‌توانستید. (مریدان تسویق می‌کنند) من آمده‌ام که مردم را نجات دهم (مریدان تسویق می‌کنند)، و همگی می‌دانید که من در حال تحمل چیزها به جای موجودات ذی‌شعور هستم تا بتوانند رهایی به دست آورند. شخص من از این [امر] در جستجوی چیزی نیست. من می‌توانم از همه چیز

بگذرم، و وابستگی بشری‌ای ندارم. از آنجا که آمده‌ام موجودات ذی‌شعور را نجات دهم، نمی‌توانم گزینشی عمل کنم. در حال نجات تمام مردم دنیا هستم، که تمام شمایی که اینجا نشست‌اید را هم شامل می‌شود. (تثویق پرشور)

مرید دافا چیست

آموزش فای ارائه شده در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۱

لی هنگجی ~ ۲۹ اوت ۲۰۱۱

(استاد وارد سالن می‌شوند، همه می‌ایستند و تشویقی پرشور می‌کنند.)

صبح بخیر. همه سخت کار کرده‌اید. (مریدان پاسخ می‌دهند، "استاد سخت کار کرده‌اند.") شما باید که واقعاً سخت کار کرده‌اید، نه من. (همه می‌خندند) لطفاً بنشینید.

مریدان دافا بدون شک خیلی سخت کار می‌کنند. و علتش این است که مسئولیت تاریخی‌ای که به شما سپرده شده و آن را به دوش می‌کشید بسیار عظیم است، و مأموریت تاریخی شما لازم می‌دارد که شما باید، در این زمان بحرانی، چنین مسئولیت تاریخی‌ای را به دوش بکشید. مریدان دافا دقیقاً در مرحله آخر از چرخه شکل‌گیری، ثبات، فساد، و نابودی پدیدار شدند. به این معنی که، خواه موجودات زنده باشد یا چیزهای مادی، این هنگامی است که همه چیز به آخرین و بدترین نقطه رسیده است، که تجلی‌های چیزها پیچیده‌ترین است و تشخیص دادن خوب از بد یا نیک از پلید سخت‌ترین است. در طی چنین زمانی، همان‌طور که مریدان دافا به دوش کشیدن مأموریت سپرده شده به آنها توسط تاریخ را شروع می‌کنند واقعاً بی‌اندازه مشکل می‌شود. وقتی می‌گویم مریدان دافا خارق‌العاده هستند، علتش این است که در یک چنین دوره‌ای آمده‌اند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، به استاد کمک کنند که فا را اصلاح کند، و مأموریتی که هر یک قرار است شخصاً به انجام برسانند را انجام دهند—و این آن چیزی است که واقعاً شما را خارق‌العاده می‌کند. هیچ دورانی از تاریخ قابل قیاس نیست.

قبلاً گفته‌ام که شاکيامونی، عیسی، لائو‌زی و مانند آنها—و همین‌طور چندین متفکر بزرگ، قدیس، و موجود خدایی بزرگ از زمانی حتی پیش‌تر که به زمین آمدند—همگی صرفاً در حال بنا گذاشتن فرهنگ بشر در جریان تاریخ بودند. تمام آنچه که آنها آموزش دادند، نجاتی که عرضه کردند، و چیزهایی که انجام دادند صرفاً برای به جا گذاشتن چیزهایی برای فرهنگ بشر بود که باید داشته باشد. تنها افرادی که آنها واقعاً با خود می‌بردند آن موجوداتی بودند که آنها را مشخصاً به پایین فرستاده بودند تا به آنها کمک کنند که این فرهنگ را ارائه نمایند، و حتی برای آن افراد نیز، این صرفاً روح‌های کمکی افراد بود، که هیچ‌گاه به دنیا وارد نمی‌شدند. تنها افرادی که واقعاً می‌توانند چنان چیزهایی را به انجام برسانند—در این زمان پایانی بحرانی در تاریخ—مریدان دافا هستند. با شروع از جایی که آنها از آن سرچشمه می‌گیرند، و در امتداد تمام مسیر تا روند بنا کردن تقوای عظیم در طول جریان تاریخ، آنچه که مریدان دافا به دوش گرفته‌اند بزرگ‌تر از افراد مقدس زمان‌های گذشته بوده است. دلیل این است که، این دوره پایانی هنگامی است که چیزهای واقعی در حال انجام هستند. از زمان‌های باستان تا امروز، از آغاز کیهان تا حدود شصت سال پیش در زمان گروه پایانی نوع بشر، همه چیز دائماً در خدمت بنا کردن بنیانی بوده است که اصلاح فا لازم می‌دانست، و افراد در حال جمع کردن تجربه بوده‌اند، و روندهای فکری و رفتار موجوداتی که در این مرحله پایانی تاریخ شرکت می‌کردند خلق می‌شده است. این چیزی است که تاریخ بشریت درباره‌اش بود. بنابراین خواه مریدان دافا باشند، یا هر آنچه که موجودات با آنها ارتباط و پیوندی دارند—همگی در خدمت این هدف بوده‌اند، در جریان بازپیدایی‌هایشان چیزها را می‌آزمودند و آنچه را که هر یک از آنها لازم می‌دانستند بنا می‌کردند. تعداد حتی عظیم‌تری از حیات‌های غیر قابل‌سنجش و بی‌شمار در کیهان که هیچ ارتباط مستقیمی با اصلاح فا ندارند موجوداتی محسوب می‌شوند که نجات می‌یابند؛ آنها نقشی [در اصلاح فا] ایفا نمی‌کنند. آنهایی که توصیفشان می‌کردم آن شرکت‌کنندگانی هستند که دارای ارتباط و پیوندی با اصلاح فا هستند.

همان‌طور که می‌دانید، قبلاً گفته‌ام که مردم در این دنیا—که این تمام موجوداتی را که ارتباطی با اصلاح فا دارند در برمی‌گیرد—خیلی عادی نیستند. همگی برای اصلاح فا آمده‌اند، برای اصلاح فا شکل گرفتند، و برای اصلاح فا تکوین پیدا کردند. هیچ چیز تصادفی نیست، و در آینده این را خواهید دید. زیر افسون توهم در دنیای بشری، و همان‌طور که افراد در طول جریان تاریخ از میان ترتیب گوناگونی از اجتماع‌های مختلف گذشته‌اند، درباره آنچه که از میان آنها گذشته‌اند صرفاً به صورت یک توالی طبیعی از رویدادها فکر کرده‌اند. اما اینطور نیست. هر دوره از زمان دلیلی در پشت خود دارد. همان‌طور که می‌دانید، آموزش داده‌ام که تفکر انسان، در گذشته که خدایان در آغاز انسان را خلق کردند، ظرفیت پاسخ به طبیعت یا جامعه را نداشت، و مهارت‌های بقای بسیار پایینی داشت. از آنجایی که بشر وقتی در آغاز خلق شد هیچ چیزی را درک نمی‌کرد، صدای رعد او را به وحشت انداخته و باعث می‌شد که به سرعت به طرف غاری برود تا در آن مخفی شود؛ یا وقتی توفان می‌آمد، نمی‌دانست که باید از آن دوری کند، یا ممکن بود که حتی کاملاً بی‌خبر باشد که موضوع از چه قرار است. بنابراین، در طول زمان، بشر تدریجاً آموخت که چگونه به محیط طبیعی عکس‌العمل نشان دهد. بعدها، خدایان بی‌وقفه به ارائه همه نوعی از فرهنگ به بشر پرداختند، و در امتداد راه، خدایان در حال تماشای این بودند که ببینند چنان فرهنگ‌هایی چه نوع فردی را پدید خواهد آورد. به بیان دیگر، آن یک روند مداوم سعی و خطا و به عمل گذاشتن چیزها بود، که چیزها نهایتاً در مقطع خاصی نهایی شدند. بعد از یک روند بی‌نهایت طولانی که سال‌های بی‌شمار به درازا انجامید و در نقش نهایی کردن چیزها عمل کرد، فرهنگ مناسب برای بنا کردن آن نوع تفکر و رفتار مورد نیاز در مرحله پایانی، و بهترین چیزها از فرهنگ بشری، انتخاب شدند. آنها در طی پنج هزار سال بشریت پایانی بیرون آورده می‌شدند، و توسط بشر به اجرا درمی‌آمدند. این دقیقاً پنج هزار سال تمدن چین است که در حال اشاره به آن هستیم. آن حاصل چیزی است که در جریان آن روند تاریخی طولانی بنا شد و حد اعلی آن بود. آن روند به این منظور بود که به مردم بیاموزد چه نوع طرز فکری را استفاده کنند، چه ساختار افکاری را شکل دهند، چگونه درباره چیزهایی که با آنها روبرو می‌شوند فکر کنند، و از چه روش‌های تفکری برای اندیشیدن درباره چیزها استفاده کنند.

تفکر یک شخص مستقیماً اعمال او را هدایت می‌کند. برای مثال، ما با پادشاهی‌های وی، شو، و وو از دوران "سه پادشاهی" چین آشنا هستیم. و تاریخ سه پادشاهی در حال بنا کردن چه ویژگی فرهنگی بخصوصی بود؟ "بی" .^۱ مردم آن دوره از تاریخ، اینکه بی چیست، بی چگونه خود را متجلی می‌کند، و معنای عمیق‌تر بی را می‌دانستند. و آنچه که "یو فی" از سلسله سونگ جنوبی در حال بنا نهادن آن بود چه بود؟ "جونگ"^۲. [این شامل بنا نهادن این می‌شود] که منظور از جونگ چیست، مفهوم جونگ چه به دنبال دارد، چگونه به اجرا در می‌آید، و چگونه به آن پاسخ داد و آن را تلافی کرد. جریان تاریخ دقیقاً روندی از آموختن این به مردم بوده است که چگونه انسان باشند. کل جریان این پنج هزار سال از تاریخ بشری یک روند بی‌وقفه بنا کردن چیزهایی بود که افراد لازم می‌دانستند. وقتی که فصل آخر رسید، روندهای فکری بشر به حد کافی کامل و مناسب که برای خدایان راضی‌کننده بود رسیده بود، و [بشر] می‌توانست برای اجرای صحنه اوج در این لحظه تاریخی پایانی استفاده شود. اما یک موضوع باقی می‌ماند. اینکه، همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، آنچه که توصیف کرده‌ام مردمی از فرهنگی نیمه‌خدایی هستند، مردمی که مستقیماً توسط ملکوت خلق شده‌اند. بنابراین متعاقباً عناصر مثبت تشکیل‌دهنده چنین شخص یا فرهنگی از بشر، به عناصر منفی می‌چربید. انسان‌ها هر دوی عناصر مثبت و منفی از کیهان را دارند، تمام مواد در سه قلمرو هر دوی عناصر خوب و بد را در خود دارند، و وقتی خدایان از ماده سه قلمرو برای خلق یک انسان استفاده می‌کنند، به طور طبیعی هر دوی عناصر خوب و پلید در او حاضر هستند. وقتی شخصی غیرمنطقی است یا از کوره در می‌رود، اساساً سرشت اهریمنی است که نشان داده می‌شود؛ و وقتی یک شخص مهربان و منطقی است، و با هر چه که در اطرافش نمایان می‌شود یا روی می‌دهد با به کار بردن مهربانی روبرو می‌شود، عناصر خوب او است که به نمایش در می‌آیند، که سرشت بودایی او است. بنابراین، مردم هر دوی این نوع از عوامل را در خود دارند، اما این به تنهایی کافی نیست.

الان اشاره کردم که روند خلق کردن یک فرد یک روند مثبت است. مردم همگی ذاتاً مهربان هستند، و کاملاً معقول. پس، در نظر بگیرید که چه اتفاقی می‌افتاد اگر هنگامی که در طی اصلاح فا، دافا را اشاعه می‌دادم صد در صد چنین افرادی، بدون هیچ استثنایی، به محض اینکه فا در دسترس قرار می‌گرفت همگی می‌خواستند که آن را کسب کنند. و این مخصوصاً برای مردم

چین صدق می‌کرد، که شاید همگی می‌آمدند که دافا را یاد گرفته و در آن تزکیه کنند. تقریباً مجبور به گفتن هیچ چیزی نبودم، و به سرعت در همه جا پخش می‌شد. اما همان‌طور که می‌دانید، کیهان به وضعیت وحشتناکی رسیده است، و حیات‌های این دوران باید خاتمه یابند؛ با این وجود، مردم این دنیا عمداً به آن روش پرورش داده شدند. و در پشت این افرادی که در این امر شرکت می‌کنند گروه‌های عظیمی از موجودات هستند. هیچ حیات، هیچ فردی، ساده نیست. پشت آنها گروه عظیمی از موجودات در کیهان هست که آن را نمایندگی می‌کنند. وقتی یک فرد رهایی به دست می‌آورد، آن نماینده این است که تمام موجودات پشت او در آینده رهایی به دست می‌آورند. [این را می‌گوییم] زیرا اکثریت بیشتر مردم روی این زمین، مردم امروز، پادشاهان آسمانی‌ای هستند که به زمین پایین آمده‌اند، که به صورت انسان در اینجا بازپیدا شده‌اند. بنابراین، اگر همه این حیات‌ها می‌آمدند و دافا را یاد می‌گرفتند، همه آنها نجات می‌یافتند، شامل تمام موجودات ذی‌شعوری که آنها را نمایندگی می‌کنند. این البته خوب بود، همان‌طور که هر حیاتی در این کیهان با آن موافق است—شامل پادشاهان بی‌شمار بسیار عظیم. اما، خالق نهایی آن را به این صورت نمی‌بیند. وقتی چیزی بد می‌شود باید ناپود شود. برای او، خلق یک چیز جدید صرفاً به آسانی ناپود کردن یک چیز بد است. و همان‌طور که آگاهید، اصلی در کیهان وجود دارد: اینکه، خوبی و پلیدی پیامدهای خود را دارند. این یعنی که هر کسی که کار بدی انجام دهد باید برای آن بپردازد. اعمال خوب منجر به دریافت‌های مطلوب می‌شوند، در حالی که اعمال پلید منجر به دریافت‌های منفی می‌شوند. هدف، تسویه چیزها است. اما در طی جریان طولانی تاریخ، حیات‌ها نه تنها در طی بازپیدایی‌هایشان نسبت به حیات‌های دیگر متحمل بدهی‌های کارمایی شده‌اند، بلکه، خیلی از حیات‌ها ناآگاهانه حرکت نزولی در تاریخ جهان را همراهی کرده و در آن سهم داشته‌اند، و عملاً هر حیاتی نقشی در آن داشته است. هر کسی برای آنچه که بد است تا قسمتی مقصر است. همه متوجه‌اند که چیزها به‌طور فزاینده‌ای در حال بد شدن هستند، با این حال هیچ کس توانایی برگرداندن موج را ندارد. همه به عنوان بخشی از این روند، در حرکتی نزولی هستند. به بیان دیگر، بر طبق قانون "شکل‌گیری، ثبات، فساد، نابودی"، همه چیز قرار است به سمت نابودی در حرکت باشد. این قانونی از کیهان است. موضوعی از نیک‌خواهی نیست. صرفاً یک قانون است.

همان‌طور که می‌دانید، آموزش داده‌ام که ماده از میان‌زرفتنی است و حیات‌ها بازپیدا می‌شوند. و این نه تنها در مورد انسان صدق می‌کند، بلکه در قلمروهای خدایان نیز صادق است. بشر، با بودن در زیر افسون توهم، نمی‌تواند این را ببیند، و بنابراین چشم‌انداز مرگ را وحشتناک می‌یابد. البته، به عنوان مریدان دافا این چیزها برای شما روشن است. مولکول‌هایی که سلول‌های مولکولی انسان را می‌سازند از اتم‌ها تشکیل می‌شوند، و اتم‌ها از ذرات حتی ریزکیهانی تری تشکیل شده‌اند، که انرژی ذرات هر چه ریزکیهانی‌تر می‌شوند بیشتر است. می‌دانیم که وقتی یک بدن بشری در خاک دفن می‌شود، سلول‌هایش، که در سطح ظاهری، متشکل از مولکول‌ها هستند، می‌توانند بیوسند. اما مولکول‌ها نمی‌توانند بیوسند، آیا می‌توانند؟ حتی کمتر اینطور است که اتم‌ها بیوسند، درست است؟ پس آن بخش از شما کجا رفته است؟ اگر همه افکار انسان صرفاً محصول تفکر ذهن خودش در این لایه سطحی بود، آنگاه چگونه می‌توان چیزهایی را که مردم گاهی اوقات به‌طور غیرمنتظره می‌گویند توضیح داد؟ همیشه اینطور نیست که آنچه که می‌گویید فقط بعد از ملاحظه دقیق بیاید؛ بلکه، این گاهی اوقات "شما" در سطوح مختلف—که از ذرات تان در لایه ظاهری تا آن ذراتی که در اعماق ریزکیهان، شما را تشکیل می‌دهند گسترده می‌باشد—است که مشغول عمل کردن است. تمامیت هستی شما به‌طور هم‌زمان از ذراتی که از ریزکیهانی‌ترین سطوح تا سطوح ظاهری گسترده‌اند تشکیل می‌شود، بنابراین هستی شما صرفاً این لایه بی‌نهایت ساده سطحی از مولکول‌ها نیست. پس، از منظر هستی یک فرد، از دست دادن این قسمت سطحی صرفاً از دست دادن لایه‌ای از پوست بیرونی است. با بازپیدایی، پوست بیرونی جدیدی گرفته می‌شود. شمایی حقیقی نمی‌تواند توسط تدفین در خاک، پوسیده شود. آن خاک نمی‌تواند در رابطه با آن ماده، اتم‌ها، یا حتی مولکول‌ها را در هم شکند. اگر اتم‌های فرد از هم گسسته می‌شدند، منجر به انفجاری عظیم می‌شد. نیروی یک انفجار اتمی که محدوده یک بدن بشری باشد برای نابودی یک شهر کافی می‌بود. آیا درست نیست؟ پس، [به هنگام مرگ] کجا می‌روید؟ مریدان دافا پاسخ را می‌دانند. بنابراین، به این معنی است که زیر افسون این دنیا، مردم نمی‌دانند که بعد از اینکه می‌میرند چه برایشان اتفاق خواهد افتاد. اما موجودات خدایی به خوبی می‌دانند که چه اتفاقی می‌افتد، و موجودات خدایی ارتفاع‌های بالاتر، از این هم بهتر می‌دانند. آنها تمام اینها را کاملاً طبیعی در نظر می‌گیرند. هنگامی که یک موجود به قدم پایانی در جریان زندگی خود می‌رسد زندگی

جدیدی تولید می‌شود. آنها کاملاً از این روند آگاه هستند. بنابراین تمام عالم، شامل این روند رفت و برگشت که درباره‌اش صحبت می‌کنم می‌شود.

آنچه توصیف کرده‌ام روند تاریخی کیهان بزرگ‌تر، پیش از پایان است، روند سطوح بی‌شمار حیات‌ها در درون آن، که از این نظر که یک روند دائمی جایگزینی است به روند متابولیسم شباهت دارد. اما، اگر کیهان نهایی—یعنی، این وجود به صورت کل—اگر آن محکوم به فنا باشد، به نابود شدن، اگر به عنوان قسمتی از روند شکل‌گیری، ثبات، فساد، نابودی، به پایان برسد، آن وقت درباره‌اش فکر کنید: اگر هر یک از سطوح حیات‌هایی که در آن واقع شده‌اند دیگر نتوانند بازپیدا شوند، تاریخ آنها از هستی می‌ایستاد، حیاتی نمی‌داشتند، هیچ چیز نمی‌داشتند. برای خدایان، هر قدر که مقامشان رفیع باشد، این چیزی به حد نهایت وحشتناک است! این واقعاً چیزی بی‌نهایت وحشتناک است—آن انقراض مطلق می‌بود! چیزهای باشکوه بسیار زیادی در نتیجه روند تاریخی کیهان بزرگ‌تر، در کیهان است! نگاه کنید که چیزها چطور هستند، حتی روی این سیاره کوچک ناچیز انسان‌ها. آن وقت، تمام سیاره‌های بی‌شمار در کیهان را در نظر بگیرید، [سیاراتی] متشکل از ذرات با اندازه‌های مختلف، که موجودات ذی‌شعور بی‌کران غیر قابل سنجشی بر روی خود دارند—حتی خدایان هم نمی‌توانند دریابند که چه تعدادی از حیات‌ها آنجا هستند یا چه شکوه‌مندی‌هایی در آنجا آفریده شده است! هر فرد مثل نگاره‌ای از تاریخ است. هر فردی مثل یک داستان تاریخی طولانی زنده است. نگاه کردن به تمام چیزهایی که یک فرد در طول دوره‌های زندگی بی‌شمار خود از میان آنها گذشته است کاملاً حیرت‌انگیز است. بنابراین، با بسیار عظیم بودن کیهان و بسیار پرشمار بودن موجودات ذی‌شعور آن، اینکه تمام اینها نابود شود چقدر ننگ‌آور می‌بود.

البته، این قانون کیهان هر طور هم که باشد، نیک‌خواهی از صفات خدایان صالح است. مفهوم آن این نیست که صرف داشتن آرزوی انجام کارهای نیک، نیک‌خواهی به شمار می‌آید. وقتی فردی گرفتار هوسی است و بر اساس آن عمل می‌کند، آن نیک‌خواهی محسوب نمی‌شود. بلکه، در آن حالت، این از دوست‌داشتن‌های فرد نشئت می‌گیرد. یا رکت‌ر بگوئیم، آن از روی وابستگی است. نیک‌خواهی حقیقی هیچ خودخواهی‌ای آمیخته به خود ندارد، و فرد، به هنگام سر و کار داشتن با هر کس، یا با موجودات ذی‌شعور به صورت کل، به امور با افکار درست و مهربانی پرمحبت نگاه می‌کند. از این رو بود که خیلی از خدایان، خیلی از پادشاهان سطوح مختلف از ارتفاع‌های فوق‌العاده بالا در کیهان، با دیدن پایان عالم، خواستند که موجودات ذی‌شعور کیهان را نجات دهند. و چگونه آنها را نجات می‌دادند؟ تازه‌سازی از طریق اصلاح فا باید از پایین‌ترین سطح کیهان آغاز شود و از پایین به بالا اصلاح کند. تعداد بسیار زیادی از حیات‌های نماینده در این کیهان، بر آن داشته شدند که به صورت انسان بازپیدا شوند. اما موجوداتی که توانایی ایفای نقش نماینده را دارند به هیچ عنوان موجوداتی معمولی نیستند. قطعاً پادشاهان جهان‌های مختلف هستند، که دنیاها، جهان‌ها، یا بدن‌های کیهانی خود را نمایندگی می‌کنند. اما جهانی که چنین موجودی آن را نمایندگی می‌کند به سیستمی تعلق دارد. یک بدن کیهانی دارای گردشی است، که از جهان‌های پایین‌تر تا بالاترین جهان‌های آن می‌رود، و سیستم آن با سیستم‌های جهان‌های سطوح حتی بالاتر در تناظر است، و پادشاهانی باز عظیم‌تر از آنها در بالاتر ساکن هستند. اما صرف نظر از ارتفاع، آنها همگی به همان سیستم تعلق دارند. اما آن کسی که در بالاترین نقطه است ممکن است به اینجا نیاید. آنگاه چه باید کرد؟ یک نماینده نسبتاً مناسب، کسی که موجودات ذی‌شعور بی‌شمار در آن سیستم بسیار عظیم‌شان را نمایندگی خواهد کرد، روانه می‌شود و به صورت یک انسان بازپیدا می‌شود.

همان‌طور که در حال توصیف این برای شما هستم، ممکن است فکر کنید، "خوب، با چیزهایی که من می‌بینم، هیچ چیز عالی درباره مردم در این دنیا وجود ندارد. آدم افرادی با هر وضع و حالتی می‌بیند، که برخی حتی ژولیده و مشوش هستند. بعضی افراد در حومه شهر، زندگی واقعاً سختی را می‌گذرانند، در حالی که بعضی از مردم شهرنشین خیلی پرافاده و مغرور هستند و رفتارشان زنده است، و تعداد زیادی از افراد جوان هستند که سعی می‌کنند "بی‌نظیر" به نظر برسند". این صرفاً مدل اجتماع بشری است. همه نمی‌توانند در یک شرکت بزرگ کار کنند، یا یک رییس باشند، بنابراین بعضی‌ها باید آن نقش‌های دیگر را پر کنند. فقط تعداد کمی از افراد می‌توانند هنرمند یا ستاره شوند. هر چیز دیگری هم همین‌طور است. داشتن طبقات اجتماعی مختلف، شکلی است که اجتماع بشری به خود می‌گیرد، اما اینها مرتبه آن موجودات نیست. بنابراین، هیچ موجودی ساده نیست، علیرغم ظاهر

بیرونی‌شان. ممکن است پی ببرید که یک رفتگر، اگر [به زندگی‌های گذشته‌اش] نگاه کنید، پیش‌تر یک خدای بسیار عظیم در کیهان بود که، زیر توهم اینجا، و در جریان بازپیدایی‌هایش، کاملاً گم شده است—گم‌شده تا نقطه‌ای که چیزی را به خاطر نمی‌آورد. [توهم] به نحوی است که بسیاری از موجودات، در جریان بازپیدایی، درباره‌ی داشته‌هایشان در زندگی پر از رنجش هستند، و درباره‌ی مأموریتی که آنها را به اینجا آورد هیچ چیز نمی‌دانند.

و این فقط یک مثال است. مردم در این دنیای امروز، شامل اکثر افرادی که در طبقات اجتماعی مختلف هستند، نمی‌دانند که برای چه به این دنیا آمدند، و خودشان را مشغول تلاش برای این می‌کنند که به جایی برسند. این مخصوصاً برای آنهایی که طعم موفقیت را چشیده‌اند صادق است. آنها خیلی از خودشان راضی‌اند، فراموش می‌کنند که چه کسی هستند. و وقتی فکر می‌کنند که در برخی چیزها واقعاً خوب هستند، کاملاً به وجد می‌آیند؛ و اگر احساس کنند که زندگی‌شان خیلی عالی نیست، نسبت به دنیا پر از خشم و رنجش می‌شوند. اما این در واقع آن چیزی نیست که هستی شما لازم دارد. نباید خیلی اسیر چنان چیزهایی شوید. چیزی که در عوض مهم است این است که خود حقیقی‌تان را بازیابید. در این دوره‌ی زمانی، وسط جریان بزرگ‌تر تاریخ، آنچه که در زندگی فرد روی می‌دهد دلایل سببی در پشت خود دارد. دقیق بگوییم، آنچه امروز در زندگی‌تان متجلی می‌شود دریافت‌های کارمایی‌ای است از هر چیز خوب و بدی که در زندگی‌های پیشین‌تان انجام دادید. همان‌طور که اکنون اشاره کردم، این طوری است که کیهان عمل می‌کند. به همین صورت است، مهم نیست که در چه مقامی از اجتماع هستید و مهم نیست که حرفه‌تان چه باشد—خوبی با دریافت‌های خوب پاداش داده می‌شود، و پلیدی با دریافت‌های بد. این قانون در سراسر سه قلمرو حاضر است، در هر سطحی که باشد. بنابراین، با رسیدن به مرحله‌ی پایانی، در این زمان، تفکر بشر—به‌ویژه وقتی که آن یک اجتماع بشری در مرحله‌ی پایانی چرخه‌ی شکل‌گیری، ثبات، فساد، نابودی کیهان است—پیچیده‌تر شده است. از این رو، در این زمان، این مریدان دافا هستند که برای بیدار کردن مردم دنیا و نجات آنها در این محیط پیچیده به آنها نیاز است.

آنچه چیزها را حتی سخت‌تر می‌سازد این است که در حال حاضر رژیم پلید و از-پایه-شیطانی ح‌ک‌چ در چین وجود دارد. چرا چنین رژیمی در دنیای بشری ظاهر می‌شود، آنهم یک چنین رژیم کربهی؟ هر کسی در کیهان، از بالا تا پایین، با آن مخالف است. تمام آنها آن را چیزی عفریت‌گونه در نظر می‌گیرند. منطق اعضای حزب پلید طبیعی نیست. آن وقت چه کسی مسئول این است؟ هیچ چیز به آن سادگی که به نظر می‌رسد نیست. این نیز چیزی بود که نیروهای کهن کیهان به‌عمد طرح‌ریزی کردند. پیش‌تر گفتم که فرهنگ بشر چیزی است که توسط خدایان طرح‌ریزی شد، و حاصل پرورش دادن انسان‌ها توسط آنها بود. و بعد از اینکه فرهنگ واقعی کلاسیک شکل گرفت، تفکر مردم مجموعاً درست و صالح بود، آنها از درون و هسته نیک‌سرشت بودند، و هر کسی در اعمالش دیگران را مورد ملاحظه قرار می‌داد. وقتی چنین افرادی به مرحله‌ی پایانی می‌رسیدند، همگی انتخاب مثبتی می‌کردند. همه فا را کسب می‌کردند. اما در نظر نیروهای کهن کیهان، بسیار آسان می‌بود که افراد فا را کسب کنند، که موجودات ذی‌شعور نجات یابند. قانون "خوبی و پلیدی پیامدهای خود را دارند" در سه قلمرو وجود دارد، و بنابراین خدایان معینی تحمل چنین چشم‌اندازی را نداشتند و این اصل را به حد نهایت، اعمال کردند. فکرشان این بود که، "کیهان دیگر خوب نیست، پس حیات‌ها چگونه می‌توانند مجاز باشند که خیلی آسان‌رهایی به دست آورند؟ چگونه تعداد بسیار زیادی از حیات‌ها می‌توانند مجاز باشند که به آینده وارد شوند؟" از این رو، ترتیب عظیم و گسترده‌ای از عوامل، موجودات ذی‌شعور را از نجات یافتن بازداشته‌اند. این امر که نیروهای کهن به آن صورت فکر می‌کنند نشان می‌دهد که اصول فای کیهان کهن به مرحله‌ی فساد و نابودی رسیده است. نیروهای کهن تصمیم گرفتند که در طی فرآیندهای پایانی، حیات‌ها مجبور شوند تصمیمی بگیرند، تصمیمی که گرفتار بی‌اندازه دشوار می‌بود، چراکه هر چیزی باید در حال پایان یافتن باشد، و علاوه بر آن، اخلاقیات دنیا مغشوش و درهم‌ریخته شده است. پس مردم اگر بخواهند که وارد آینده شوند چگونه قرار است آن تصمیم را بگیرند؟ این بی‌اندازه دشوار است. حد نصاب، بسیار بالا قرار داده شده است.

بعضی‌ها فکر می‌کنند، "ولی آیا خدایان و بوداها با انسان‌ها نیک‌خواه نیستند؟" وقتی بشر به این نقطه رسیده است، تفکر بشری نمی‌تواند در سنجش چنان موضوعاتی به کار رود. خدایان نیروهای کهن مسلماً به آن صورت فکر نمی‌کنند. اگر می‌خواهید نجات یابید، [می‌خواهید] رستگاری به دست آورید، باید، در وسط وسوسه‌های این اجتماع حاضری که متمرکز بر اینجا و اکنون

است، انتخاب درست را انجام دهید. فقط آنگاه از آن با موفقیت بیرون خواهید آمد. و اگر آن را نگذرانید، نجات نخواهید یافت. همان طور که ممکن است به یاد داشته باشید، اغلب می‌گویم که "شکافی در تور ایجاد شده است".^۳ اگر افراد می‌خواستند خودشان آزمایش را بگذرانند، چگونه امکان داشت بتوانند این کار را انجام دهند؟ استاد از مدت‌ها پیش می‌دانست که نیروهای کهن این کار را خواهند کرد، و بنابراین برای مریدان دافا نظم و ترتیب دادم که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. نیروهای کهن آن چیزی را که در این دنیا رژیم حزب پلید است به وجود آوردند، به این قصد که امور را برای موجودات ذی‌شعور سخت سازند. همراه با این، انبوهی از تئوری‌های جنون‌آمیز و نیز ایده‌های مدرن و چیزهایی از آن نوع را ساختند، این دنیا را به طرز وحشتناکی پیچیده کردند، با هر دوی چیزهای خوب و بد در آن. در عین حال، به آن مخلوط، عوامل منحرف خاصی و همین‌طور زیست‌فناوری موجودات فضایی را اضافه کردند، تا تفکر سنتی درست انسان را به اختلال بکشانند. در اجتماع غرب، اساساً این کافی بود که صرفاً برخی چیزهای پلید و نادرست را راه بیندازند. اما در چین این کافی نبود. آنها آن را جلوتر بردند، خوب را به بد و بد را به خوب تبدیل کردند، و ایده این بود که در چنان شرایط مشقت‌باری، فرد مجبور می‌بود تصمیمی را اتخاذ کند که تعیین‌کننده‌ی رهایی است. پس چرا امور در چین بسیار سخت شدند؟ قبلاً برای تان مطرح کرده‌ام که پادشاهان سطوح حتی بالاتر، پادشاهان هر یک از قومیت‌های بشر در سراسر تاریخ، آنهايي که در کیهان از سطوح بالا بودند، همگی در چین باز پیدا شدند. نقطه‌ی قانونی شد. و برای همین است که درجه‌ی سختی‌ای که مردم آنجا به هنگام گرفتن تصمیم مجبور می‌بودند با آن روبرو شوند افزایش داده شد. زیرا نیروهای کهن دیدند که به محض اینکه چنین افرادی رهایی به دست می‌آوردند، احتمالاً گروه قومی‌ای که آنها آن را نمایندگی می‌کردند، یا حتی، در برخی موارد، کل گروه حیات‌های عالم عظیمی که آن را نمایندگی می‌کردند نیز نجات می‌یافتند. فکر کنید که این چه چیز عظیمی می‌بود. بنابراین، نیروهای کهن آزمون‌هایی را که این افراد مجبور می‌بودند با آن مواجه شوند بزرگ‌ترین آزمون‌ها ساختند. فقط با نگاه به مردم چین، در زمان‌های اخیر آنها تا نقطه‌ای آسیب دیده و تباه شده‌اند که صرفاً خیلی بد به چشم می‌آیند، که حتی شکل خارجی‌شان کوتاه‌تر و کوچک‌تر شده است و قیافه‌شان کاملاً فاقد جذابیت است. در صورتی که مردم در تاریخ همیشه سیمای سالمی را از آنها ترسیم می‌کردند و نگرشی صالح درباره‌ی آنها داشتند. آنها نسبتاً خوش‌قیافه بودند. این تغییر، از افزایش یافتن دشواری در چین در سال‌های اخیر آمده است، که چیزهای بد در افراد دمیده شده است. هر چه که در ذهن یک شخص بارگذاری شود مطمئناً ظاهر بیرونی او را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برای مثال، اگر چیز مربع‌شکلی را در یک کیسه بگذارید، با نگاه به ظاهر بیرونی قادر خواهید بود که آن را تشخیص دهید؛ اگر چیز گردی را در آن بگذارید نیز از ظاهر بیرونی قادر به تشخیص خواهید بود. یعنی هر نوع تفکری که در شخصی بارگذاری شده باشد از ظاهر بیرونی قابل مشاهده خواهد بود. وقتی فردی روبروی من است، یا نه فقط من—خیلی بیشتر از چیزی که تصورش را می‌کنیم در ارتباط با اجتماع بشری وجود دارد، خیلی افراد در آن بیرون هستند که قدرت‌های فوق‌عادی دارند—یک نگاه تمام‌چیزی است که نیاز است و شما می‌دانید که چه نوع تفکر و رفتاری بر او حکم فرماست، و او چه چیزهایی را دوست دارد، چراکه تمام آن همان‌جا در صورتش پوشانده شده است—و آن حتی در شکل جسمانی او حاضر است.

پس، اگر بخواهید که وقتی شرایط به این دشواری است مردم قادر باشند که رهایی به دست آورند، چه باید کرد؟ آنها قادر نیستند خوب را از بد تشخیص دهند، و گذشته از این، نهادهای رسانه‌ای بی‌شماری هستند که روندهای اجتماع را تبلیغ و عمومی‌سازی می‌کنند، به رغم اینکه آن روندها لزوماً خوب نیستند. صرفاً اینطور است که در حالی که همه مشغول انجام کار مشابهی بوده‌اند، رسانه‌ها آنجا بوده‌اند تا به جلو راندن چیزها کمک کنند. آن وقت درباره‌اش فکر کنید، مردم چگونه می‌توانند خوب را از بد تشخیص دهند؟ در بین تمام نوع بشر، معدود افرادی بیشتر نیستند که افکاری واقعاً خوب و مهربان در ذهن خود داشته باشند، محکم مانده باشند و توسط تمام آن تکان نخورده باشند. پس آیا همه چیز به پایان نمی‌رسد؟ و آیا تمام چیزهایی که مدت‌ها پیش نظم و ترتیب داده شد بیهوده نبوده است؟ اما سه قلمرو دقیقاً برای این امر خلق شد. پس چه باید کرد؟

چیزی که الان گفتم به این معنی است که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که ایجاد شکافی در تور، اشتباه است. بنابراین، چگونه یک شکاف در تور به جا گذاشته شده است؟ اگر فرد قصد دارد که مداخله‌ی نیروهای کهن را در هم شکند، به افرادی نیاز دارد که

بتوانند حافظهٔ یک شخص را بیدار کنند، بتوانند چیزها را خاطرنشان کنند و او را متوجه سازند، بتوانند او را بیدار کنند، و بتوانند حقیقت را دربارهٔ گذشته و دنیای امروز به او توضیح دهند. در واقع انجام هر کاری در اجتماع بشری بسیار سخت است، چرا که هر حرکتی از [عناصر] مثبت، عناصر کهن، منفی، و بد را برمی‌انگیزد. و البته، از آن طرف، هر حرکتی از عناصر منفی عناصر مثبت را برمی‌انگیزد. خوبی و پلیدی در بین نوع بشر در توازن هستند، و در واقع برای یک شخص سخت است که کاری را در این دنیا انجام دهد. موجودات فوق‌طبیعی بسیاری اینجا در این دنیای بشری وجود دارند، و هر یک قادر به حل موضوعات مربوط به بشریت هستند. پس، با در نظر گرفتن اینکه یک موجود فوق‌طبیعی می‌توانست چنان کارهایی را انجام دهد، چرا این کار را نمی‌کنند؟ آنها می‌دانند، و به روشنی می‌بینند، که هر چیزی نظم و ترتیبی برای خود دارد، و مهم نیست کاری که انجام دهند چقدر خوب باشد، روی چیز دیگری تأثیر خواهد گذاشت، و آن چیز دیگر به‌طور غیرمستقیم—مثل طوری که شاخه‌ها از درختی بسط و توسعه می‌یابند—محدودهٔ وسیعی از چیزها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این نقض نظم و ترتیب‌های خدایان بالاتر می‌بود، و حتی در نقش تغییر دادن آنچه که برای تاریخ بشر نظم و ترتیب داده شده بود عمل می‌کرد—چیزی که هیچ‌کسی جرئت نمی‌کند به میل خود آن را تغییر دهد.

بنابراین در طی این زمان است که مریدان دافا پدیدار شده‌اند. به هر حال، مردم امروزی در جریان بازپیدایی‌هایشان در تاریخ، بدهی‌های کارمایی بزرگی جمع کرده‌اند، بنابراین اگر بخواهید مردم را نجات دهید و حقیقت را روشن کنید، اگر بخواهید آن شخص را نجات دهید، تعداد بسیار زیادی از حیات‌ها در پشت او وجود دارند که اجازه نخواهند داد او نجات پیدا کند. زیرا آن حیات‌ها از آن شخص بیزارند، چراکه پیش‌تر، یا در یک بازپیدایی دیگر، توسط او مورد سوءاستفاده قرار گرفتند، کشته شدند، یا مورد بدرفتاری قرار گرفتند، و آن آسیب اعمال شده ممکن است که برای آنها تیره‌روزی عظیمی ایجاد کرده باشد. مردم در این لحظه دربارهٔ چیزهایی که در طی بازپیدایی‌هایشان، در حالی که در توهم یا میل گم شده بودند، از روی جهل انجام دادند نمی‌دانند. واقعیت امر این است که در طی جریان طولانی تاریخ، تک تک افراد بدنی زیر بار بدهی‌های کارمایی پیدا کرده‌اند، و همه در زیر توهم هستند. به محض اینکه فردی واقعاً بخواهد که چنین شخصی را نجات دهد، و واقعاً بخواهد که آن شخص را به عنوان یک موجود نجات دهد، حیات‌هایی که توسط آن شخص آسیب دیدند آن را تحمل نخواهند کرد. از آنجا که چنین است، همان‌طور که به نجات مردم دنیا می‌پردازید و پیش از آنکه بتوانید کاری کنید که حقیقت را متوجه شوند مداخله و موانع بسیار زیادی برخواهد خواست. هر نوع سد ممکن، مانع مردم می‌شود. و اگر بخواهید افراد بسیار زیادی را نجات دهید یا اگر آنچه که تلاش دارید [انجام دهید] از نظر مقیاس قابل توجه باشد، کل محیط اجتماع، نقش چنین پدیده‌ای را به خود خواهد گرفت.

شکنج و آزار مریدان دافا توسط ح‌ک‌چ شیطان‌ی در طی این سال‌ها صرفاً حاصل عوامل ناشی از ح‌ک‌چ شیطان‌ی نیست. در واقع، به‌نسبت بگوییم، آنها به میزان رقت‌باری کوچک هستند. تمام عناصر بد کیهان به این پایین رانده شده‌اند، یک یک آنها، و در هر بُعد تعداد بسیار زیادی از آنها وجود دارد، به‌طور بی‌شماری زیاد. خدایان بسیاری به هنگام دیدن این مبهوت شدند، و فکر کردند، "با تمام اینها باید چه کار کنیم؟ چه کسی جرئت می‌کند به این دست بزند؟" نجات یک فرد منفرد به محدودهٔ عظیمی از حیات‌ها در کیهان ارتباط پیدا می‌کند. تأثیر، این اندازه بزرگ است. پس با صد میلیون نفر به چه میزانی بزرگ است؟ به طوری که می‌دانید، در گذشته که عیسی در حال نجات مردم بود—او خود را برای نجات مردم وقف کرده بود—با این حال چرا به صلیب کشیده شد؟ و عیسی صرفاً در حال نجات افراد خودش بود! افراد او در طی بازپیدایی‌هایشان متحمل بدهی‌های کارمایی شده بودند، و او امکان حل آنها را نداشت. از آنجا که موجوداتی از کیهان که عیسی با آنها روبرو شد حیات‌های با اندازه‌های بسیار عظیم بودند، با تعدادی بی‌شمار، و موجودات ارتفاع‌های عظیم، و موجوداتی از ارتفاع‌هایی حتی عظیم‌تر و از [ارتفاع‌هایی] صرفاً غیر قابل سنجش در آن میان شامل بودند—و آن قدر بزرگ بودند که حتی خدایان معمولی قادر نبودند ارتفاع آنها را بدانند—و با اینها، که تعداد آنها نیز بی‌حد و حصر زیاد بود، اگر آنها می‌خواستند او را مجبور به بازپرداخت بدهی‌های افراد کنند و او را رها نکنند، او چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ فرد هرگز نمی‌تواند خود را از آن آزاد کند. عیسی در انتهای زندگی‌اش از یهوه درخواست کرد، "آیا می‌شود به صلیب کشیده نشوم؟" اما کاری از دست یهوه نیز برنمی‌آمد. عیسی انتخابی جز استفاده از

خون خودش، زندگی انسانی‌اش، و تحمل زجر برای پس دادن آن [بدهی‌ها] نداشت. فقط به این طریق می‌توانست آزاد شود. این اندازه سخت بود. اگر مریدان دافا بخواهند حیات‌های کیهان را نجات دهند، اگر بخواهند موجودات ذی‌شعور را در این محیط پیچیده اجتماع در مرحله پایانی نجات دهند، آیا می‌توانید تصور کنید که چقدر سخت است؟ اگر می‌توانستید آن را ببینید—واقعاً آن را ببینید—صرفاً بیش از حد وحشتناک می‌بود. اما، تا زمانی که طبق دافا عمل کنید، طبق آنچه استاد به شما گفته است عمل کنید، مسیری برای پیمودن خواهید داشت، و آن چیزی خواهد بود که هیچ‌کسی نمی‌تواند تغییر دهد. اما مسیر، بسیار باریک خواهد بود—باریک تا حدی که فقط اگر بی‌نهایت صالح باشید امور موثر واقع شده و موفق به نجات مردم خواهید شد. فقط اگر بتوانید به طریقی بی‌نهایت صالح به امور بپردازید هیچ مشکلی نخواهد بود.

همین‌طور که شما این مسیر را در طی این سال‌ها پیموده‌اید استاد در حال مراقبت از شما بوده است. پیش‌تر غالباً مقاله‌های کوتاهی می‌نوشتیم، که شما به آنها به عنوان جینگ‌ون اشاره می‌کنید. دائماً در حال تصحیح شما در تزکیه‌تان بوده‌ام، به شما می‌گفتم که باید چه کار کنید. بعدها، دریافتیم که به مرور زمان پخته شده‌اید، و بنابراین دیگر نمی‌توانستم خیلی مکرر بنویسم. اگر می‌خواستیم که مکررتر از طوری که انجام داده‌ام بنویسم، نیروهای کهن آن را تحمل نمی‌کردند. نه، استاد از آنها نمی‌ترسد. اینطور است که نمی‌خواستیم ببینیم امور را حتی پیچیده‌تر می‌کنند. آنها بر این عقیده‌اند که اگر بیشتر آموزش می‌دادم معادل این بود که امور را برای شما انجام می‌دهم، شما را همراه خود حمل می‌کنم، که عملی نمی‌بود؛ این باید شما باشید که مسیر خودتان را می‌پیمایید، و خودتان به تنهایی در حال غلبه پیدا کردن باشید. نیروهای کهن هم‌اکنون تا به آن میزان مرتکب شرارت شده بودند، و من می‌خواستیم که کاری کنم مریدان دافا فرصت را برای تکوین خودشان غنیمت شمارند، چراکه صرفاً با عظمت بود که بتوانند از آزمونی به بزرگی این بیرون بیایند. صرفاً حیرت‌آور بود که بتوانید در این امر به خوبی عمل کنید. اما اگر این تعهد خاتمه می‌یافت و آن پایانش بود، برای مریدان دافا منصفانه نمی‌بود. از آنجا که گروه‌های حیات‌ها در پشت آنها می‌که نجاتشان می‌دهید واقعاً بسیار بزرگ هستند، آینده برای مریدان دافا چه باید به همراه بیاورد؟ این به موجودی از سطحی حتی بالاتر و بلندمرتبه‌تر خواهد انجامید—خدایی حتی عظیم‌الشان‌تر، حتی پر عظمت‌تر. اگر نیروهای کهن می‌دیدند که موجوداتی با چنین مقامی در حال ساخته شدن هستند، و با این حال تمام آن به لطف این است که استاد شما را همراه خود می‌برد، آیا آن را به‌عنوان اینکه خود شما به آن دست یافته‌اید می‌دیدند؟ پافشاری می‌کردند که شما خودتان مسیر را پیمایید. از این رو حتی سخت‌تر است که، به‌هنگام بودن در معرض آزمون‌های تحمیل‌شده توسط نیروهای کهن، موفق به درست پیمودن مسیر شد. و برای مریدان دافا در سرزمین اصلی چین حتی بیشتر اینطور است. برای آنها، در وسط شکنجه و آزار به‌شدت خشن، یک‌یک افکار و نظرات، بحرانی هستند. اینکه خوب عمل کرده‌اید یا نه؛ مستعد شکنجه شدن بوده‌اید یا نه؛ امور را به‌طور صحیح اداره کرده‌اید یا نه، و تا چه اندازه شکنجه و آزار شده‌اید—تمام اینها مستقیماً به اینکه چگونه مسیرتان را پیموده‌اید و چگونه درباره امور فکر کرده‌اید مرتبط است. امور برای مریدان دافا بی‌نهایت دشوار هستند، و به این خاطر که آن در طی مرحله پایانی دنیا است، که محیط در پیچیده‌ترین وضع خود است، که مریدان دافا در حال پیشروی به بیرون، در حال تزکیه به بیرون، و حتی نجات دیگران هستند، مریدان دافا از این رو می‌توانند خود را به عنوان موجوداتی با چنان عظمت و چنان سطح بالایی تکوین دهند. به خاطر اینکه نیروهای کهن در حال مداخله‌اند است که آنچه که در حال انجامش هستید هم با عظمت است و هم واقعاً سخت.

خیلی از افراد عادی آنچه که مریدان دافا در حال انجام آن هستند را متوجه نمی‌شوند. این چیزی نیست که بشود با چند کلمه گذرا توضیحش داد. اگر به فردی بگویید که کیهان به مرحله پایانی چرخه شکل‌گیری، ثبات، فساد، نابودی رسیده است، احتمال اینکه شما را باور کنند حتی کمتر است. بنابراین نمی‌توانیم چنان چیزهایی بگوییم. آنچه که باید انجام دهیم بیدار کردن مردم از یک زاویه مثبت، یا خوب، است. نمی‌توانیم به‌اصرار به فرد بگوییم که چه مسیری را باید پیش بگیرد. در عوض، بعد از اینکه امور برای فرد روشن می‌شوند، او دو مسیر پیش پای خود خواهد دید، و انتخاب می‌کند. ذهن بعضی افراد بسیار بد شده است، و آنها دیگر نمی‌توانند چیزهای خوب را بپذیرند. به‌طور طبیعی، چنان افرادی آنچه را که بد، شرورانه، مدرن، یا منحرف است انتخاب می‌کنند، و با کیهان کهن به سوی فراموشی می‌روند. فقط آنهایی که می‌توانند بیدار شوند، که می‌توانند پی ببرند که از این پس

کدام مسیر زندگی را باید در پیش بگیرند، و اینکه درک می‌کنند که مردم برای چه به این دنیا آمده‌اند—فقط این نوع افراد واقعاً می‌توانند نجات یابند.

از من سوال شده بود که، "بعد از اینکه اصلاح فایده‌آمیز روز به روز به انتها می‌رسد، بعد از آن اصلاح دنیای بشری توسط ما است. آینده چگونه خواهد بود؟" که در جواب آن گفتم، "مردم به هر کسی که می‌رسند نسبت به او احساس نزدیکی می‌کنند". بعد آنها فکر می‌کنند که، "اوه، این یعنی اینکه ارزش‌های اخلاقی مردم بهتر شده است، این عالی است". واقعاً هم این تنها راهی است که آنها بتوانند آن را تعبیر کنند. مهم نیست ارزش‌های مردم چقدر بهتر شده باشد، چرا لزوماً مردم نسبت به هر کسی که به او برسند بسیار احساس نزدیکی می‌کنند؟ شاید چون به‌طور عادی تا ده‌ها مایل آنطرف‌تر انسان دیگری را نخواهند دید. بنابراین هر کسی را که می‌بینند به او احساس نزدیکی خواهند کرد. به شما می‌گویم، بسیاری از پیشگویی‌ها، مهم نیست از کدام مذهب باشند—خواه [مذاهب] بودیستی، دائویستی، یا مسیحی که شما با آنها آشنایی باشند—یا به هر صورت هم که باشد، همگی دربارهٔ اینکه دنیای امروز به چه شکل می‌شد صحبت کرده‌اند. به هر جهت، بعضی افراد آنها را کنار می‌گذارند، فکر می‌کنند که [آنچه آن پیش‌گویی‌ها به آن اشاره می‌کند] هنوز کاملاً دور است. شاید راست باشد. برای آنها اشکالی ندارد که طبق آنچه که به آن معتقدند عمل کنند. اما مریدان دافا در حال عمل کردن به پیمان‌شان هستند، و این یعنی آنچه را که می‌توانند، انجام دهند تا مردم را بیدار کنند.

به طوری که می‌دانید، هرگز قبلاً در تاریخ، بشریت چنین آشفته نبوده است، و هرگز تا چنین درجه‌ای پیچیده نبوده است. بشر فکر می‌کند که به سبب پیشرفت علمی و تکنولوژیکی [به این نقطه رسیده] است، که جریانی طبیعی است که اجتماع بشری آن را دنبال می‌کند. اما آیا امکان دارد هیچ چیزی صرفاً به علت اتفاق و تصادف باشد؟ علم و تکنولوژی، و سنت بشری، دو جریان متفاوت هستند، که در اجتماع بشری به صورت یک‌جا وجود دارند. اینکه چه جریانی را انتخاب کرده و در آن عازم می‌شوید دقیقاً انتخابی است که به بشر داده شده است. اندکی پیش عنوان کردم که خوبی و پلیدی، چیزی هستند که هر شخصی در حال انتخاب از بین آنهاست، و این دو جریان برای بشر در آینده به جا خواهند ماند. بسیاری از افرادی که توسط تفکر مدرن تحت تأثیر قرار گرفته‌اند می‌خواهند که از [چیزهای] الهی جدا شوند، و از پذیرش اینکه بشر توسط ملکوت خلق شد امتناع می‌ورزند. مردم شاید فکر کنند که قدرتمند هستند، اما همان‌طور که در امثال توفان دیروزی دیدید، بشر واقعاً در برابر قدرت‌های طبیعت ناچیز است. اگر فاجعهٔ کیهانی واقعاً می‌آید، کار او تمام می‌شود. علاوه بر این، اگر علم و تکنولوژی بشر منبع انرژی خود را از دست می‌داد، اجتماع امروز بلافاصله فلج می‌شد، و علم و تکنولوژی مدرن بی‌درنگ از هم می‌پاشید. حتی شکل‌های حیات فضایی، که تکنولوژی‌شان به‌طور برجسته‌ای پیشرفته است، باید در میان چرخهٔ شکل‌گیری، ثبات، فساد، نابودی، از طریق اصلاح فا در پی رهایی باشند.

بنابراین این چیزی است که پیش روی بشر قرار گرفته است. اما واقعاً برای مریدان دافا به طرز وحشتناکی سخت است که، در محیطی چون این، دنیایی به این پیچیدگی، مردم را نجات دهند. شاید گاهی اوقات بیش از حد مشغول باشید تا روی چنین چیزهایی فکر کنید، اما استاد امور را واضح و واضح می‌بیند. برای همین است که غالباً فکر می‌کنم، "یک مرید دافا چیست؟ چه کسی لایق یک مرید دافا بودن است؟" اگر فرد رابطهٔ تقدیری لازم را نداشته باشد، واقعاً نمی‌تواند وارد شود، و این برای آنهایی که تازه وارد شده‌اند نیز به همین صورت است. شکنجه و آزار و دروغ‌های ح‌ک‌چ پلید دربارهٔ مریدان دافا نیست که، برای تمام این سال‌ها، از ورود مردم جلوگیری کرده است. به این شکل نیست. آیا همیشه افرادی نبوده‌اند که وارد شده‌اند؟ پس دلیلش آن نیست. و بعلاوه، همه می‌دانند که ح‌ک‌چ پلید بد است. خیلی از افراد واقعاً یک کلمه از حرف‌های آن را باور نمی‌کنند. دلیل واقعی این است که آن خدایان جلوی مردم را گرفته‌اند، نمی‌گذارند آنها مرید دافا شوند. اگر فردی لایقش نباشد آنها مطلقاً اجازه نخواهند داد که وارد شود. این به این صورت تجلی می‌یابد که خود افراد می‌گویند که نمی‌خواهند بخشی از آن باشند؛ [یا] به این صورت که شرایط پیرامون آنها مانع داخل شدن‌شان می‌شود، و مردم این و آن را می‌گویند و از آنها می‌خواهند که نروند؛ [یا] به این صورت که قادر نیستند چیزهایی را که اذیتشان می‌کند کنار بگذارند؛ یا به صورت این یا آن سختی، عمل نکردن چیزی برای آنها، یا قادر نبودن‌شان در رها کردن چیزی. تمام اینها منجر به این می‌شوند که آنها نتوانند به داخل بیایند.

واقعاً، آیا متوجه چیزی هستید؟ شما مریدان دافا هستید، و موجودات بی‌شمار در بالا، تعدادی صرفاً بی‌حد و حصر از موجودات، به شما رشک می‌برند. اگر امروز به هر خدای سطح بالایی، با هر عظمتی که داشت، این فرصت را که بیاید و یک مرید دافا شود پیشنهاد می‌کردم، در کسری از ثانیه این فرصت را می‌ربود—لحظه‌ای که کلماتم به او می‌رسیدند آمده بود. در پوست خود نمی‌گنجید، چراکه هر کسی که آگاه باشد می‌داند که به این طریق نه تنها می‌توانست خود را نجات دهد، بلکه می‌توانست موجودات ذی‌شعور بی‌شمار دنیایش را نجات دهد. این صرفاً خارق‌العاده‌ترین چیز در کیهان آینده است. (تشویق) اما آن شدنی نیست. مریدان دافا در طول جریان بازپیدایی‌هایشان در این دنیا در سراسر تاریخ، تقوای عظیم لازم را بنا کرده‌اند. در آغاز، افراد زیادی به محل‌های تمرین مریدان دافا آمدند. اما هیچ‌کس نمی‌دانست که بعضی از آنها چه کسی بودند، چراکه آنها بعد از تمام شدن تمرینات در یک چشم به هم زدن رفته بودند. بسیاری خدایانی که واقعاً می‌خواهند یک مرید دافا باشند، اما نمی‌توانند.

مریدان دافا به عنوان بخشی از اجتماع عادی و هم‌آلود در کنار افراد عادی به زندگی خود می‌پردازند، و واقعاً مستعد این هستند که در طرز تفکرشان، دست کم در برخی زمینه‌ها، همراه موج جابجا شوند. اگر نتوانید وقتی امور را انجام می‌دهید خودتان را طبق دافا اداره کنید، نتوانید با افکار درست روی امور فکر کنید، یا در پرداختن به مسائل و مشکلات روی فانی باشید، آن وقت یک فرد عادی هستید. آن موقع هیچ تفاوتی در کار نیست. ظاهران عادی است، محیطی که زندگی‌تان را می‌گذرانید عادی است، و شغل‌تان عادی است. حتی اگر درگیر در پروژه‌های دافا باشید، در آسمان‌های بالا چیزهایی چون ایستگاه تلویزیونی وجود ندارد، و خدایان روزنامه هم ندارند. آنها شکل‌هایی در اجتماع بشری عادی هستند. اگر از افکار درست برای راهنمایی خودتان استفاده نکنید، و اگر نتوانید خودتان را بر طبق استاندارد یک تزکیه‌کننده، مثل آنطوری که یک مرید دافا انجام می‌دهد، اداره کرده و به دنیا و دیگران آن‌گونه نگاه کنید، آن وقت شما با یک فرد عادی یکسانید.

یک تزکیه‌کننده چیست؟ قبلاً مردم بر این عقیده بودند که اگر سر خود را بتراشند و زندگی رهبانی پیش بگیرند می‌توانند موجودات خدایی شوند. اما آیا این می‌تواند درست باشد؟ مطلقاً نه. این فقط به منزله تفاوتی بود با طوری که افراد عادی، یا دیگران، به نظر می‌رسیدند. و افراد عادی آنها را به صورت متفاوتی می‌دیدند. بعدها، آنها ذهن خود را تزکیه می‌کردند، چراکه ذهن آنها در واقع همانند ذهن افراد عادی بود، چراکه آنها در جامعه زندگی کردند، میان چیزهای آلوده‌کننده و آنچه که "هفت احساس و شش تمنا" نامیده می‌شود. اما آیا فقط به همان‌ها محدود می‌شود؟ در اجتماع مدرن، صرفاً هفت احساس و شش تمنا نیست، بلکه بیشتر شبیه هفتاد احساس و شصت تمنا است، نه؟ هر نوع تمنای ممکن وجود دارد. وابستگی‌ها و احساساتی را که مردم نسبت به کامپیوترها، موبایل‌ها، و آی‌پدها دارند در نظر بگیرید- آیا هرگز در گذشته چیزی مشابه این وجود داشته است؟ (خضار می‌خندند) این طوری است که علم امروز هست، و بنابراین حتی بیشتر پیچیده است. هر نوعی از تزکیه که شکلی را اتخاذ کرده است صرفاً یک شکل سطحی بود. تزکیه مریدان دافا، و نوعی از محیط و مکان‌هایی که شما تزکیه را تمرین می‌کنید، در اجتماع بر پا می‌شوند. از آنجایی که اجتماع بشری تماماً برای اصلاح فایده خلق شد و شکل گرفت، درباره‌اش فکر کنید، آیا مشکلاتی که اجتماع با آن مواجه است می‌تواند به آن سادگی که به نظر می‌رسد باشند؟ پیش‌تر با شما مطرح کرده‌ام که یک شخص می‌تواند در هر شغل یا حرفه‌ای تزکیه کند. واقعاً، تضادها و تنش‌هایی که با آنها روبرو می‌شوید یا هر چیزی که باشد همه‌شان به منظور آزمایش کردن ذهن شما هستند و به منظور دیدن اینکه: آیا می‌توانید آن را به طریقی که در خور یک تزکیه‌کننده است اداره کنید؟ آیا طوری که آن را اداره می‌کنید لایق یک مرید دافا هست؟ این چیزی است که تزکیه است، آیا اینطور نیست؟ آیا افراد عادی می‌توانند چیزها را به این صورت اداره کنند، یا به این صورت ببینند؟ وقتی با تضادی روبرو می‌شوید، اهمیت ندارد که حق با شما هست یا نیست. شما باید در حال پرسیدن این از خودتان باشید که، "در این وضعیت چه چیزی در سمت من درست نیست؟ آیا واقعاً امکان دارد اینطور باشد که در سمت من چیز نادرستی وجود داشته باشد؟" همه‌تان باید به این صورت در حال فکر کردن باشید، و اولین فکرتان این باشد که خود را به دقت بررسی کنید تا سعی کنید که مشکل را بیابید. هر کسی که به این صورت نیست در واقع تزکیه‌کننده واقعی دافا نیست. این یک ابزار جادویی در تزکیه ما است. این یک مشخصه متمایزکننده تزکیه مریدان دافا ما است. هر چیزی باشد که با آن روبرو می‌شوید، اولین فکر باید این باشد که به دقت خودتان را بررسی کنید، و این "نگاه به درون" نامیده می‌شود. مذهب بودیستی هم در واقع این رویکرد را پیش می‌گیرد. آیا آنها

"ترکیه ذهن" را به عمل نمی‌گذارند؟ نگاه به درون را؟ آیا آنها نیز این موضوعات را مورد بحث قرار نداده‌اند؟ اگرچه زیاد درباره آن صحبت نکرده‌اند، و روی موضوع کلیدی انگشت نگذاشته‌اند، با این حال آنها نیز صحبت مشابهی می‌کنند.

تمام آنچه که هم‌اکنون در حال بحث درباره آن بودم در واقع به این منظور بود که به شما بگویم که مسئولیتی که مریدان دافا بر دوش دارند عظیم است. یک "مرید دافا" چیست؟ از آخرین کنفرانس فایمان مدت زیادی نگذشته است. اگرچه بار آخر به بعضی مسائلی که تعدادی از شاگردانمان دارند اشاره کردم، اینکه فرد به خوبی عمل می‌کند یا نه شامل روندی می‌شود. از آنجا که چنین است، قصد نداریم وارد این شویم که افراد از زمان کنفرانس فای آخر چگونه عمل کرده‌اند. فقط این را می‌گویم که مریدان دافا نباید با آموزش فای استاد به صورت چیزی که شنیدنش تازگی دارد رفتار کنند، و به دنبال این بروند که آشکارسازی‌های جدید و چیزهای جذاب از استاد بشنوند. البته، شما آنطور به آن فکر نخواهید کرد. اما واقعاً، بعد از اینکه استاد صحبت را تمام می‌کند باید روی آن تأمل کنید. به عنوان مریدان دافا، باید به آن فکر کنید.

در حال حاضر هنوز برخی شاگردان هستند که از نظر همکاری با هم به طرز بدی کوتاهی دارند. و نه فقط کوتاهی—حتی تا جایی پیش می‌رود که یکدیگر را تخریب می‌کنند. به شما می‌گویم، صرف‌نظر از اینکه فکرتان چه باشد، هر بار که در نقش تخریب پروژه یک مرید دافا یا چیزی که مریدان دافا باید انجام دهند عمل کنید، به عنوان یک اهریمن در حال عمل کردن هستید. اهمیتی ندارد که فکر کنید، "من یک مرید دافا هستم، و چیزهای خیلی زیادی انجام داده‌ام". نیروهای کهن علی‌رغم این، یک به یک در حال نوشتن موارد در دفتر حساب شما هستند.

آیا متوجه چیزی هستید؟ مریدان دافای من، افکار درست شما دارای تأثیر است. و تأثیر ترکیب‌یافته هر یک از شما با هم به‌طور بی‌قیاسی قدرتمند است. دلیل اینکه نمی‌توانید به چنان تأثیری دست یابید این است که فقدان ایمان دارید، و افکار درست شما به حد کافی قوی نیستند. با این همه مرید دافا در سراسر دنیا که هم‌زمان افکار درست می‌فرستند، بیش از ۱۰۰ میلیون مرید دافا که به صورت جهانی هم‌زمان با هم افکار درست می‌فرستند، آیا این برای شیطان و نیروهای کهن وحشت‌آور نخواهد بود؟ برای خدایان، منظره واقعاً با عظمتی خواهد بود. چه قدرتی! حتی فقط با یک مرید دافا، اگر افکار درست شما قوی باشد، قدرت برای شکافتن یک کوه کافی خواهد بود—صرفاً یک فکر این کار را خواهد کرد. زیر توهم اینجا، نمی‌توانید قدرت خودتان را دریابید، اما این پیامد عظیمی ندارد. زمانی که با هم به خوبی در حال همکاری نیستید، و افکار درست‌تان به حد کافی قوی نیست، این باعث خواهد شد که ذهن‌تان، به هنگام فرستادن افکار درست، درگیر با وابستگی‌هایی باشد که شما را به این می‌کشاند که در تزکیه، به جای درون، به بیرون نگاه کنید. حتی می‌تواند شما را به این بکشاند که احساس رنجش کنید، و هر وقت که درباره فردی فکر می‌کنید اعصابتان خرد شود. آن وقت به من بگویید، افکار درست فرستادن‌تان چه معنی‌ای دارد؟ آنها به تأثیر مثبتی دست نخواهند یافت، و شما در حال آشکار کردن تمام افکار، نظرات، و وابستگی‌هایتان به خدایان کل کیهان خواهید بود. وقتی آن فکر بیرون می‌رود، تمام آن برای کل کیهان به نمایش درمی‌آید که ببینند—که همه ببینند شما چطور هستید. پس درباره‌اش فکر کنید، عجیب بود اگر نیروهای کهن شکنجه‌تان نمی‌کردند. بنابراین وقتی شکنجه‌تان می‌کنند، کاری نیست که استاد بتواند انجام دهد، چراکه آنها دستاویزی دارند: "این موجود را ببین و نگاه کن به چه صورت است. آیا این مرید شماست؟ او خیلی کم و کسر دارد. آیا نباید درستش کنیم؟ شما نمی‌خواهید که او را درست کنید و با این حال او دارد روی ما و روی دیگران تأثیر می‌گذارد، پس بهتر است که ما سریعاً درستش کنیم!" چیزی که فکر می‌کنم این است که: تنها مسیری که پیش پای شما، مریدان دافا، قرار دارد، مسیری از تزکیه واقعی است. مسیر دیگری وجود ندارد.

اخیراً دیده‌ام که مریدان دافا در سرزمین اصلی چین در میان شکنجه و آزار، بیشتر و بیشتر هشیار، و متوجه، شده‌اند، و بهتر و بهتر عمل می‌کنند. اما، مریدان دافا در اطراف دنیا، همان‌طور که شرایط بهبود یافته است، کند شده‌اند. بعضی افراد به نظر می‌رسد که در هر چه که انجام می‌دهند بی‌شوق هستند، توجهی به اینکه چگونه همکاری می‌کنند ندارند. همکاری نمی‌کنند، علیه یکدیگر رقابت می‌کنند، مایل به پذیرفتن نظرات دیگران نیستند، و حتی در صحبت و رفتارشان واقعاً نامؤدب و جسور هستند. واقعاً اصلاً شبیه یک مرید دافا نیستند. دیدن این، قلب استاد را به درد می‌آورد. شما خشن‌ترین شکنجه و آزارها را با موفقیت گذرانده‌اید، و خدایان به شما رشک می‌برند، اما نمی‌دانید که باید قدر این را بدانید. جریان آنچه که از میان آن گذشته‌اید دوباره اجرا خواهد

شد، چراکه ما به مرحله آخر از بخش پایانی رسیده‌ایم. چند لحظه پیش گفتم که بسیاری می‌خواهند که مرید دافا شوند، اما بی‌اندازه مشکل است که اکنون وارد شد. دلیل دیگری وجود دارد، بزرگ‌ترین دلیل، اینکه، خشن‌ترین آزمایش‌ها، خشن‌ترین شکنجه‌هایی که مریدان دافا را مورد هدف قرار داده است، دیگر به قسمت پایانی‌اش رسیده است. آن نوع فشار عظیم، یا سختی، که کل دنیا را غرق می‌کند، یا آن نوع آزمایشی که بررسی می‌کند که آیا جرئت تزکیه کردن دارید و آیا می‌توانید مسیر درست را پیش بگیرید—آن قسمت از تاریخ سپری شده است و دیگر وجود ندارد. هر کسی که بخواهد بیاید و یک مرید دافا باشد توسط نیروهای کهن به طور بسیار شدیدی بازداشته خواهد شد. آنها نهایت تلاش خود را خواهند کرد که نگذارند افراد وارد شوند. شما علیرغم چنان شرایط دشواری از آن با موفقیت بیرون آمده‌اید، و ثابت کرده‌اید که فوق‌العاده هستید. تقوای عظیمی که مستحق شماست هم‌اکنون از آن شماست. کند شدن در این مقطع، اجازه دادن به خودتان که به پایین بلغزید، چیزی است که واقعاً نباید اتفاق بیفتد.

در خصوص نجات موجودات ذی‌شعور و روشننگری حقیقت، بسیاری از افراد آن را به صورت عمقی انجام نداده‌اند. آنها صرفاً چند کلمه‌ای به افراد می‌گویند، و فکر می‌کنند "می‌خواهی گوش کن، می‌خواهی گوش نکن، هر چه دوست داری انجام بده. نمی‌خواهی گوش کنی، عیب ندارد!" و به یافتن فرد بعدی ادامه می‌دهند. در هر آنچه که انجام می‌دهید باید آن را تا انتها به انجام برسانید، آن را خوب انجام دهید، و اگر قصد دارید فردی را نجات دهید، آن وقت بروید و او را نجات دهید. وقتی فردی روبروی شما قرار گرفته است، انتخابی در کار نیست—اگر در خصوص نجات مردم به صورت گزینشی عمل کنید کارتان اشتباه است. تا زمانی که او کسی باشد که به او برمی‌خورید، باید او را نجات دهید، صرف‌نظر از موقعیت یا مقام اجتماعی او، یا خواه رییس‌جمهور باشد یا یک گدا. به چشم خدایان، موجودات برابرند. مقام اجتماعی صرفاً تمایزی ایجاد شده در اجتماع بشری است. امید من این است که مریدان دافا همگی بتوانند مثل طوری باشند که قدیم‌ها با هم بودند، و به کوشایی قبل که در ابتدا فا را کسب کردید. یک گفته بودیستی وجود داشت، به این مضمون که: اگر، تمام راه از ابتدا تا انتها، بتوانید مثل طوری باشید که تازه شروع کرده‌اید، حتماً به کمال دست خواهید یافت. (تسویق)

شما در وسط اجتماع بشری عادی تزکیه می‌کنید، و کنفرانس‌های فا دارید، و می‌توانید نظرات را با یکدیگر مطرح و مبادله کنید. اما همان‌طور که می‌دانید، آنهایی که در غارها تزکیه می‌کردند اگر در تزکیه‌شان موفق نمی‌شدند در آنجا می‌مردند. کسی را نداشتند که با او درباره چیزهایی که از میانشان می‌گذرند صحبت کنند، و کسی را برای صحبت نداشتند. مجبور بودند از راه روشن بینی صحیح، خودشان از آن با موفقیت بیرون بیایند. و اگر از آن با موفقیت بیرون نمی‌آمدند، کارشان تمام بود. چقدر سخت بود! وحشتناک‌تر از همه، تنهایی دراز و طولانی بود. مردم از چه چیزی بیشتر از همه می‌ترسند؟ تنهایی. تنهایی می‌تواند فرد را دیوانه کند؛ تنهایی می‌تواند فرد را به از یاد بردن همه چیزهای گذشته بکشاند؛ و تنهایی حتی می‌تواند باعث شود که فرد حرف زدن را از یاد ببرد. بدترین شکل سختی است. مردم درباره این صحبت می‌کنند که فلان شخص نه سال رو به دیواری نشست، یا فردی به مدت سیزده سال، و برخی حتی به مدت صد سال آنجا می‌نشستند. شما آن نوع تنهایی را ندارید. صرفاً باید مطمئن سازید که از آغاز تا پایان مثل یک مرید دافا هستید.

استاد امروز کمی با شما سخت‌گیر بود. به قصد این بود که به شما کمک کند بیشتر مراقب و هشیار باشید. وقتی که شما در پی نجات دادن مردم دنیا هستید، سعی می‌کنید بیدارشان کنید تا بتوانید که نجاتشان دهید. خوب، شما نیز نیاز دارید که روشن‌تان کنید، بیدارتان کنند. این یک مشکل است اگر به خاطر انجام کارهای بسیار زیاد، تزکیه خودتان را فراموش کنید. شما تزکیه‌کننده هستید. من درباره گذشته‌تان صحبت نمی‌کنم، درباره اینکه زمانی به چه صورت بودید، یا در سطح و ظاهر چه چیزی را به نمایش می‌گذارید. دارم درباره درون‌مایه و معنای زندگی شما صحبت می‌کنم، مسئولیتی که به دوش دارید، و مأموریت تاریخی شما. فقط به این ترتیب واقعاً یک مرید دافا هستید.

می‌دانم که در مورد پروژه‌های بسیارتان و در خصوص آنچه که برای نجات موجودات ذی‌شعور انجام می‌دهید، برخی از شما به‌طور فوق‌العاده‌ای خوب عمل کرده‌اید، و روی هم رفته شما بسیار خوب عمل کرده‌اید و تأثیر بزرگی داشته‌اید. تصدیق می‌کنم که آنچه را که قرار است در کمک به استاد برای اصلاح کردن فا انجام دهید انجام داده‌اید. فقط امیدوارم که بتوانید حتی بهتر

عمل کنید. مسیر ما باریک است. حتی اگر به میزان بسیار ناچیزی از مسیر خارج شوید، مشکلات وجود خواهند داشت. نمی‌خواهم ببینم که مشکلاتی را تجربه می‌کنید، و همچنین نمی‌خواهم هیچ کسی در تزکیه‌اش در حال لغزیدن به پایین باشد. حتی کمتر می‌خواهم ببینم که به خاطر اینکه شرایط رو به بهتر شدن گذاشته است در تزکیه‌تان سستی می‌کنید. تمامی این توسط شما صورت گرفته است، و هنوز بسیاری از چیزها هستند که در پیش رو قرار دارند—و تمام مسیر تا روزی که به کمال می‌رسید به همین صورت خواهد بود. دیگر از میان سخت‌ترین قسمت گذر کرده‌اید. آنچه باقی است خیلی پرزحمت نخواهد بود. صرفاً نیاز دارید که در خصوص آن حتی بهتر عمل کنید. هر چه امور ناامیدکننده‌تر به نظر برسند، احتمال دارد که امید درست در مقابل چشمان شما نمایان شود. مخصوصاً طی آن زمان‌هایی که بسیار احساس بی‌حوصلگی می‌کنید، شاید در واقع در حال بنیان نهادن تقوای عظیم خود هستید. امیدوارم که واقعاً بتوانید از عهده برآید که خوب همکاری کنید، افکار درستی به حد کافی قوی داشته باشید، وقتی به چیزها برمی‌خورید به درون نگاه کنید، و مثل وقتی که در ابتدا تزکیه را آغاز کردید پر از شوق باشید. مثل مردم عادی نباشید که شوق زودگذرشان بعد از چند دقیقه محو شده و سپس یکسره ناپدید می‌شود.

وقتی دارید با هم کار می‌کنید و تضاد تجربه می‌کنید، به خاطر وابستگی‌های بشری است. این قسمتی از حالت و روند تزکیه فرد است، و مطلقاً به خاطر این نیست که فردی واقعاً خوب نباشد. سمت خوب یک شخص، دیگر قابل رویت نیست، چراکه جدا شده است. چیزی که می‌بینید همیشه سمتی خواهد بود که هنوز تزکیه نشده است. اما این معنی را نمی‌دهد که نباید قلبی نیک‌خواه داشته باشید، یا باید به روش‌های سفت و سخت به افراد نگاه کنید. بارها و بارها گفته‌ام که شما نمی‌توانید سمت خوب یک تزکیه‌کننده را ببینید. آن سمت صرفاً معرکه است، و به استاندارد رسیده است. و "رسیدن به استاندارد" معنی‌اش چیست؟ استاندارد یک خدا است. در صورتی که بخشی از او که هنوز با موفقیت تزکیه نشده است، آن بخش، همین‌طور که روی مسیر خود به سمت بالا کار می‌کند و به سطح نزدیک‌تر می‌شود، بدتر به نظر خواهد آمد. ولی، شاید آن شخص خیلی خوب تزکیه کرده باشد. امیدوارم که همگی قدر خودتان، قدر دیگران، و قدر این محیطی که دارید را بدانید. ارج نهادن مسیری که آن را می‌پیمایید ارج نهادن خودتان است.

این تمام چیزی است که باید بگویم. امیدوارم که کنفرانس فایتان کاملاً موفق باشد. در کنفرانس، خیلی از افراد روند تزکیه خود را مطرح خواهند کرد، وضعیت تزکیه خود را، و اینکه چگونه به چیزهای گوناگونی که با آنها روبرو شده‌اند با افکار درست یک مرید دافا پرداخته‌اند. وقتی این چیزها را می‌شنوید، با آنها صرفاً مثل نوعی داستان برخورد نکنید. آن مسیری است که فردی در تزکیه پیموده است، همان نوع مسیری که شما آن را پیموده‌اید. امیدوارم که ببینم شوق خود را بازمی‌یابید و به بهترین حالت تزکیه‌تان برمی‌گردید. این بود صحبت امروز. از همه تشکر می‌کنم. (همه می‌ایستند و تشویقی پرشور می‌کنند.)

آموزش فای بیستمین سالروز

لی هنگجی

۱۳ مه ۲۰۱۲ ~ نیویورک

(همه می‌ایستند و به گرمی تشویق می‌کنند. استاد چندین بار با اشاره از همه دعوت می‌کند که بنشینند.)

صبح بخیر! (میریدان می‌گویند، "صبح بخیر، استاد!") سخت کار کرده‌اید! (میریدان پاسخ می‌دهند، "استاد سخت کار کرده‌اند!") تشویق) فکر می‌کنم بهتر است بایستم تا بهتر بتوانید مرا ببینید. (همه تشویق می‌کنند) مدتی هست که همدیگر را ندیده‌ایم و می‌دانم دلتان می‌خواهد که مرا خوب ببینید، به همین خاطر سر پا می‌مانم. (میریدان می‌خندند و تشویق می‌کنند. استاد در پاسخ، حالت هه‌شی را انجام می‌دهند.)

افراد زیادی به کنفرانس فای سالانه نیویورک می‌آیند. این مکان گنجایش محدودی دارد و نمی‌تواند همه را در خود جای دهد. برای همین، به [سازمان دهندگان] گفتم که دفعه بعد که کنفرانسی برگزار می‌کنیم بایستی یک استادیوم پیدا کنیم. (میریدان می‌خندند و تشویق می‌کنند)

گفتم شما سخت کار کرده‌اید، و واقعاً اینطور است. هرگز قبلاً چیزی به اهمیت اصلاح فا وجود نداشته است. در واقع، در طول زمان‌های گذشته، هر چیز برجسته فرهنگی یا هر چیزی که توسط تزکیه‌کنندگان یا آگاه‌شدگان دوره‌های مختلف به نمایش درآمد همگی به منظور مرجعی برای میریدان دافا و گذاشتن بنیانی برای گسترش وسیع دافا بود. به بیان دیگر، همه چیزها از زمان‌های کهن تا امروز به این خاطر بوده است. به‌طور حتی خاص‌تری بیان کنیم، پنج هزار سال تمدن چین در واقع مستقیماً در حال آماده کردن امور برای این رویداد پایانی بود. آنگاه با چیزی به این اهمیت، درباره‌اش فکر کنید، آن بر این امر تأثیرگذار است که آیا حیات‌های کل کیهان می‌توانند نجات پیدا کنند و آیا در زمانی که دیگر چیزی به اندازه کافی خوب نیست همه چیز می‌تواند نجات داده شود. قبل از اینکه اصلاح‌فای کیهان آغاز شود، هیچ کسی جرئت نمی‌کرد که بگوید این تعهد موفق خواهد شد. زمانی که در ابتدا این امر را شروع کردم تفکر بسیاری از موجودات خدایی چنین بود. غالباً به من می‌گفتند، "برایت آرزوی موفقیت داریم". آنچه می‌گفتند خیلی پرمعنی بود. و موجودات خدایی دیگری بودند که به من می‌گفتند هیچ‌گاه قبلاً چیزی شبیه این وجود نداشته است. آنها عظمت درجه سختی را می‌دیدند.

همان‌طور که مشخص شده است، آزار و شکنجه‌ای که میریدان دافا در تزکیه‌شان با آن مواجه شده‌اند نمایشی در اجتماع بشری از واکنش‌های شدیدی است که موجودات مثبت و منفی در میان شکل‌گیری دوباره کیهان داشته‌اند؛ یا به بیان دیگر، وحشتی که شیطان در آزار و اذیتش متوجه میریدان دافا ساخته است، همراه با ثبات‌قدم میریدان دافا در باور صالح خود همان‌طور که با آزار و شکنجه مقابله کرده و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، صرفاً یک بازتاب جزئی و کوچک در دنیای بشری از اتفاقاتی است که در اصلاح‌فای عظیم کیهانی می‌افتد. این در واقع تعهدی فوق‌العاده عظیم است، و کلمات توانایی توصیف عظمت آن را ندارند. همان‌طور که کیهان در حال بازسازی [و اصلاح شدن] است، و تک تک بعدها تحت تأثیر واقع می‌شوند، هر بعدی تجلی‌های خود را خواهد داشت. برخورد جدید و کهنه، برخورد نیک و پلید، نگرش‌های مختلف موجودات ذی‌شعور را منعکس می‌کند، به‌طوری که دنیای بشری فقط نمایشی در یک بعد است. پیش‌تر به شما گفته‌ام اینکه یک میرید دافا به خوبی تزکیه کند یا نه، تعیین‌کننده قدرت او در نجات موجودات ذی‌شعور و توانایی او در موفقیت در همکاری کامل با اصلاح فا، اینجا در این دنیای بشری است. در واقع، در میان اصلاح فا تمام بعدها در حال همکاری با اصلاح فا هستند، و چیزها در آنجا به‌طور هم‌زمان در حال انجام هستند—سرعت اصلاح فا همگام است. مردم فقط می‌توانند آنچه را که میریدان دافا اینجا در دنیای بشری به

نمایش می‌گذارند ببینند. اما آنچه که در بعدهای دیگر تجلی می‌یابد متفاوت است، زیرا آن نمایش مستقیم فروپاشی یا بقا و مرگ حیات‌ها است و همچنین روند نوسازی کیهان و بدن کیهانی. آن منظره چیزی به‌غایت تکان‌دهنده است. اما چون، هر چه باشد، فقط یک انسان می‌تواند تزکیه کند، و چون مأموریت‌هایی که مریدان دافا عهده‌دار آن هستند هر اندازه که بزرگ باشد آنها هنوز انسان‌هایی هستند که تزکیه می‌کنند، و چون انسان‌ها هستند که اینجا در حال انجام کارها هستند، اکثریت مردم نمی‌توانند آن چیزهای [باعظمت] را ببینند و فقط عده بسیار کمی می‌توانند تازه مقدار کمی از آن را دریابند. فقط می‌تواند تحت این موقعیت، با این شرایط مشخص بشری و احساس فشار از سوی شیطان، و در حال گذر از میان دشواری‌ها باشد که آنچه که قرار است انجام دهید را به انجام می‌رسانید.

اگر از نظر تاریخی دیده شود این برآستی چنین امر بزرگی است، آنگاه در نظر بگیرید که این مستلزم چه نوع آماده‌سازی بوده است. نظم و ترتیب‌هایی که به عمل آمدند، در واقع، کاملاً مفصل بودند، تا حدی که به دقت نظم و ترتیب داده شده بود که هر مرید دافا چگونه مسیر خود را خواهد پیمود؛ هر یک با چه وضعیت‌هایی روبرو خواهند شد؛ هر یک چگونه پیشرفت و یا پسرفت خواهند کرد؛ و زمانی که وضعیت‌های نادرست سرانجام پدیدار می‌شدند امور چگونه اداره خواهند شد. اما به هر صورت، باید اینطور باشد که هر چیزی که شما، به عنوان یک موجود زنده، می‌خواهید، چیزی است که نهایتاً به حساب می‌آید. اینکه بخواهید تزکیه کنید، آرزوی چیزی را داشته باشید، بخواهید کاری را انجام دهید، نخواهید کاری را انجام دهید، آرزوی چیزی را نداشته باشید— تمامی اینها را خود شخص تصمیم می‌گیرد، و سختی امر در همین نهفته است. همین موضوع درباره‌ی اینکه یک مرید دافا خوب یا ضعیف تزکیه می‌کند صدق می‌کند، و اینکه آیا می‌توانید عهدهای ماقبل تاریخی خود را به انجام برسانید. و در رابطه با مردم عادی، در حالی که با این آزار و شکنجه مریدان دافا روبرو شده‌اند، در حالی که با سرکوبی مواجه شده‌اند که با تمام قوا دستگاه‌های کل کشور را به کار می‌گیرد که در آن تمام رسانه‌ها برای جعل اکاذیب و افترا به دافا و مریدان دافا به کار گرفته می‌شوند، تحت این شرایط، مردم عادی به طور طبیعی فکر می‌کنند که باید حرف حکومت را باور کنند. مخصوصاً وقتی که ح.ک.چ پلید همیشه برای سرپوش گذاشتن بر زشتی‌های خود از دروغ استفاده کرده است و برای عالی جلوه دادن وضعیت امور و قهرمانان دروغینش به عنوان بخشی از رژیم پلیدش از فریب استفاده کرده است، و مدت‌های مدیدی است که به این نحو به مردم دروغ گفته و آنها را فریب داده است، واقعاً برای مردم چین سخت است که درست را از اشتباه تشخیص دهند. آنگاه جنبه دیگری در رابطه با آن وجود دارد، اینکه، نیروهای کهن اظهار می‌کنند که کیهان دیگر خوب نیست و انسان‌ها نیز دیگر خوب نیستند، و اینکه مردمی نظیر این، که چنان گناهان عظیمی را انباشته‌اند، برای اینکه لایق باشند، بایستی از میان اوهام و دروغ‌ها موفق بیرون بیایند؛ مردم حزب شرور را همراهی کرده‌اند و به وخامت اوضاع دامن زده‌اند، و بنابراین باید برای تمام آن پاسخگو در نظر گرفته شده و مسئولیت تمام آن را متحمل شوند. بدین نحو که، اگر موفق بیرون بیایید آن را می‌گذرانید؛ اگر نه، دور ریخته خواهید شد. اما با تمام اینها، هر قدر که چیزها اینجا در این دنیا شیطانی یا وحشتناک باشند، یا هر اندازه که مردم آنها را حایز اهمیت در نظر بگیرند، در حقیقت همه آن صرفاً اتفاقات فقط یک بعد کوچک در کیهان در میان اصلاح فاست— صرفاً یک موضوع کوچک و جزئی در بازسازی بدن‌های کیهانی بی‌اندازه عظیم. این "باز گذاشتن یک سمت تور" در میان اصلاح‌فای جدی و باوقار است؛ در روند نجات‌بخشی مردم، کسانی که در حد نصاب باشند آن را خواهند گذراند، در حالی که آنهایی که در حد نصاب نباشند نگه داشته خواهند شد.

پس، به عنوان مریدان دافا دیده‌اید که وضعیت به سرعت در حال تغییر است، و این بازتابی از اصلاح‌فای کیهان، اینجا در دنیای بشری است. هنگامی که آزار و شکنجه مریدان دافا در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ آغاز شد، چیزهای شیطانی از بعدهای قلمروهای بالا به پایین فشرده شدند، و همین‌طور چیزهایی از بعدهای مختلف و از هر یک از جهان‌ها که آنها خواهان از بین رفتن‌شان بودند [به این پایین فشرده شدند]، و از شما انتظار می‌رفت که آنها را از بین ببرید. این برای مریدان دافا فشار بسیار عظیمی به وجود آورد. واقعاً بسیار شرارت‌بار و هولناک بود، اما شما موفق بیرون آمدید. امور گذشته‌اند و همه شما اکنون درباره آن می‌دانید. نیازی نیست که استاد آن را توصیف کند. وقتی که به این، عوامل شیطانی ح.ک.چ شیطانی را اضافه کنید، که دست به دست آن چیزها دادند، شما نوعی از فشار را داشتید که حقیقتاً بی‌سابقه بود. اما، استاندارد تزکیه در طی اصلاح فای جدی است، و همین‌طور نیز

استانداردی که موجودات خدایی پس از نوسازی باید آن را برآورده سازند، زیرا اینها استانداردها و الزامات کیهان جدید هستند. از سوی دیگر، موجوداتی که توسط فاعل اصلاح نشده‌اند برای پرداختن به امور از اصول کیهان کهن استفاده می‌کنند، و برای ارزیابی مریدان دافا آنها را به کار می‌برند. فقط هنگامی آن را بی‌اشکال خواهند یافت که در حد استانداردهایی که آنها به رسمیت می‌شناسند باشید؛ فقط آنگاه اجازه خواهند داد که رها از مداخله، به سوی بالا پیشرفت کنید؛ و فقط آنگاه فکر خواهند کرد که صلاحیت نجات دادن آنها را دارید. و در واقع، پادشاهانی که جهان‌های سطوح مختلف را سرپرستی می‌کنند نیز به طور مشابه در حال استفاده از استانداردهای قدیمی برای مسدود کردن اصلاح فاعل هستند. فقط پس از آنکه در ذهنشان رضایت حاصل کنند که به استانداردهایی که تعیین کرده‌اند رسیده‌اید اجازه خواهند داد که موفق بیرون بیایید؛ برخی آگاه‌اند که خودشان در معرض اصلاح فاعل قرار دارند؛ برخی معتقدند که بالاترین فرمانروایان عالم هستی هستند؛ و برخی با الزامات اصلاح فاعل موافق نیستند. اما خواه موافق باشند یا نه، هیچ یک از آنها هیچ ایده‌ای ندارند که بعد از اصلاح فاعل چه صورت خواهد بود. این است وضعیت لایه لایه انبوه خدایان، به طوری که هر سطح این‌گونه فکر می‌کند. اگر آنها فکر کنند که فردی یا چیزی "به اندازه کافی خوب نبوده و زیر استاندارد است"، آنگاه می‌آیند که از قدرت‌شان استفاده کنند تا مستقیماً هر چیزی در توان‌شان که در حد استاندارد نیست را نابود کنند، شامل چیزهای مرتبط با اصلاح فاعل. اگرچه توانایی این را ندارند که واقعاً اصلاح فاعل را به اختلال بکشانند، اما مانعی بر سر راه خواهند بود. صرفنظر از اینکه واقعاً بتوانند کاری از پیش ببرند، تلاش خواهند کرد که چیزها را نابود کنند. چنین وقایعی به دفعاتِ بیشمار اتفاق افتاده است. اما آنها نتوانسته‌اند اصلاح فاعل را مریدان دافا را نابود کنند، و بشریت را نیز نابود نکرده و سد راه اصلاح فاعل نشده‌اند. اما دردسر و مزاحمت بسیار زیادی ایجاد کرده‌اند. این مزاحمت‌ها اینجا در دنیای بشری متجلی می‌شوند، و شکل مداخله را به خود می‌گیرند. این چیزها در تمام مدت در حال روی دادن بوده‌اند.

اگر مریدان دافا خوب عمل نکنند، اگر استاندارد خود برای تزکیه‌شان را پایین بیاورند و اگر آن موجودات کهن بالاتر- آن لایه لایه‌های خدایان صرفاً بیشمار و آن پادشاهان بیشمار- همگی مثل آنچه که توصیف کردم عمل کنند، آنگاه درباره‌اش فکر کنید، این چه اندازه سختی برای اصلاح فاعل به وجود خواهد آورد؟ هم‌زمان با انحلال این خدایان یا پادشاهان در طی پاکسازی، تمام موجودات ذی‌شعور صرفاً بیشمار در حیطه‌هایی که تحت اختیار آنها هستند نیز نخواهند توانست رهایی به دست آورند. اگر این وضعیت کل یک بدن کیهانی باشد، آنگاه هیچ یک از آنها نمی‌توانند رهایی به دست آورند. این دقیقاً سختی‌ای است که اصلاح فاعل و مریدان دافا با آن روبرو شده‌اند، و اینجا در دنیای بشری خود را به صورت انواع مزاحمت‌ها متجلی می‌کند. ممکن است که فکر کنید استاد شما قدرت‌های بی‌حد و حصری دارد، که او باید قادر باشد که در اصلاح فاعل هر طور که مایل است امور را اداره کند. اما آیا درباره‌ی این امر فکر کرده‌اید که اگر قرار باشد تمامی این را نجات دهیم، آنگاه آنهایی که قرار است نجات یابند لازم است که مایل [به قبول نجات] باشند، وگرنه به حساب نمی‌آید. اگر برخلاف میل‌شان انجام شود، سرشت بنیادی‌شان تغییر نخواهد کرد؛ تحمیل چنین تغییراتی معادل با آفرینش دوباره یک موجود می‌بود. آفرینش دوباره یک موجود کار راحتی است. نجات یک موجود است که سخت‌ترین کار است. آفرینش دوباره بسیار آسان است.

همان‌طور که می‌دانیم، آیا شاکيامونی نگفت که یک بودا می‌تواند صرفاً با فکر کردن، یک دنیا را خلق کند، با موجودات ذی‌شعور غیرقابل شمارشی در داخل آن؟ اینطور است، چون آنها درون حیطه خود قدرتی به این عظمت دارند، درون سطحی که در آن قرار دارند انرژی تمام ذرات از ریزترین تا بزرگ‌ترین آنها را دارا هستند، با تراکمی به این عظمت، و چیزها با عملکرد واحد [ذراتی که از] کوچک تا بزرگ [گسترده‌اند] انجام می‌شود. آنها تمام توانایی‌های لازم برای خلق هر چیزی در دنیاهای خود را دارند، به طوری که موجودات زنده از جمله چیزهایی هستند که می‌توانند صرفاً با فکر کردن خلق کنند. اگر امور در اصلاح فاعل به این صورت انجام می‌شدند، به منزله آفرینش دوباره همه چیز می‌بود، و آنچه که در آغاز آنجا بود دیگر وجود نمی‌داشت، و موردی از این نیز نمی‌بود که اصلاح فاعل موجودات ذی‌شعور را نجات دهد. پس اگر مایلید که آنها را نجات دهید، آنگاه برای اینکه آن نجات باشد، به منظور عملی شدن آن باید کاری کنید که آنها بخواهند تغییر کنند. بنابراین اگر می‌خواهید کیهان و دنیا را در زمانی که دیگر خوب نیستند نجات دهید، که تمامی آن را نجات دهید، چقدر سخت خواهد بود. از این رو، بعضی اوقات وقتی با دشواری‌ها روبرو می‌شوید و درمی‌مانید که، "چرا محنت‌ها این قدر عظیم هستند؟ چرا استاد نمی‌تواند صرفاً آنها را برای من از

بین ببرد؟"، من نیز به آن فکر کرده‌ام. زمانی که شاهد بوده‌ام که مریدان دافا به شدت شکنجه می‌شوند و افکار درستشان به حد کافی قوی نیست، واقعاً به این فکر افتاده‌ام که آن محنت را برای تان از بین ببرم. اما، اگر آن را از بین می‌بردم، به این معنی می‌بود که امتحان را نگذرانده‌اید، آنچه را که قرار بود تحمل کنید تحمل نکرده‌اید، و در تزکیه رشد نکرده‌اید. اگر همه چیز را برای شما خارج می‌کردم، آنگاه هیچ چیز آن برای شما به حساب نمی‌آید و در آخر هیچ کسی نمی‌بودید: شما تزکیه‌کننده یا مرید دافا محسوب نمی‌شدید. علاوه بر این، هر فردی در جریان بازپیدایی‌های خود، زندگی پس از زندگی، با خود کارمایی آورده است که بدنش را پر می‌کند. اگرچه استاد در طول تمام آن زندگی‌ها مراقب او بوده است، آن فرد هنوز هم کارمای کاملاً زیادی دارد. اگر در جریان تاریخ عهدی بسته باشید، یا به نوعی بدهکار شده باشید، یا در دردسر خاصی افتاده باشید، آنگاه حل و فصل چنان چیزهایی سخت است ولی باید حل شوند، و باید به آنها رسیدگی شود. بنابراین، رسیدگی به چنان چیزهایی فوق‌العاده مشکل است، و بسیاری از سختی‌هایی که در تزکیه با آنها روبرو می‌شوید به واسطه این دلایل است. نجات یک موجود به هیچ وجه به آن سادگی نیست که تصور می‌شود.

اما علیرغم این، هر اندازه که سخت باشد، هر اندازه که موجودی پیش از نجات یافتن مداخله یا سختی به همراه آورد، مریدان دافا راه‌هایی برای پیشروی دارند. همان‌طور که همیشه گفته‌ام، به عنوان مریدان دافا مأموریت‌های تاریخی شما صرفاً عظیم هستند، به طوری که شما مسئولیت نجات دادن موجودات ذی‌شعور را بر عهده دارید. بنابراین مسلماً مسیری وجود دارد که بتوانید آن را تا کامل شدن ببینید. این مسیری است که می‌بایست الزامات را برآورده سازد، و فقط به این طریق موجودات ذی‌شعور کیهان، شما را تحسین کرده و قادر به مداخله نخواهند بود؛ مسیرتان رها از مشکل خواهد بود؛ و سفرتان هموار پیش خواهد رفت. در غیر این صورت، اگر انواع وابستگی‌ها و افکار بشری را همراه خود داشته باشید، با مزاحمت بسیار زیادی روبرو خواهید شد، و آن مزاحمت در نقش مسدود کردن مسیرتان عمل خواهد کرد. وقتی نمی‌توانید مسیر درست را ببینید، یک علت آن، دلایل کارمایی است. از جمله آنها مزاحمتی است که در پیش‌زمینه [و سوابق]، یک موجود را همراهی می‌کند؛ مساعدت‌های پیشین انجام‌شده برای دیگران یا حساب‌هایی که باید تسویه شوند؛ وعده‌های قدیمی؛ تمام ارتباطات مختلفی که فرد ممکن است با یک موجود داشته باشد و غیره. علت دیگر، وابستگی‌هایی است که از ذهنیت بشری فرد می‌آید. موردی که به‌ویژه قابل توجه است عقاید و تصوراتی است که فرد شکل می‌دهد، یا عادت‌های فکری که فرد شکل می‌دهد، که تشخیص این که چه وقت تفکر بشری به طور ناخودآگاه در جریان است را برای فرد بسیار سخت می‌سازند. و اگر فرد نتواند آن را تشخیص دهد، چگونه قرار است از آن رها شود؟ این مخصوصاً در محیط چین چالش‌زا است، جایی که حزب شیطان‌ی فرهنگی سنتی چین را نابود کرده است و به جای آن، چیزهای حزب پلید خودش را کار گذاشته است—آنچه را که به آن "فرهنگ حزب" می‌گوییم. وقتی فرد از عادت‌های فکری پرورش یافته توسط آن فرهنگ استفاده کند مسلماً تشخیص حقیقت کیهان سخت خواهد بود. و فرد حتی قادر نخواهد بود تشخیص دهد که تفکر و رفتار بد خاصی مغایر با ارزش‌های جهانی هستند. اگر فرد نتواند تشخیص دهد که تفکر بد چه هست، چه می‌توان کرد؟ راه دیگری جز عمل کردن بر طبق دافا وجود ندارد.

قبلاً به شما گفته‌ام که مردم چینی امروز زمانی پادشاهان بسیاری از قومیت‌های شناخته‌شده در تاریخ، پادشاهان هر یک از اعصار بوده‌اند؛ آنها پادشاهان سطوح بالاتر در کیهان هستند که به زمین پایین آمده‌اند، که در چین باز پیدا شده‌اند. نجات آنها به نجات موجودات ذی‌شعور بی‌شمار پشت‌شان که آنها را نمایندگی می‌کنند خواهد انجامید. پس خیلی ساده نیست. وقتی که یکی از چنین افرادی رهایی به دست می‌آورد و به این می‌انجامد که تعداد بسیار بیشتری نجات یابند، چه کسی قرار است که تمام کارماهای درگیر را از بین ببرد؟ او چگونه می‌خواهد آن امتحان را بگذراند؟ چه باید کند تا نیروهای کهن شکاف کمتری برای بهره‌برداری داشته باشد؟ چه باید انجام شود تا موجودات ذی‌شعور و خدایان بسیار در سطوح مختلف کیهان که تحت اصول فای کهن و عقاید کهن عمل می‌کنند او را قابل قبول ببینند؟ چه چیزی نیاز است تا آن موجوداتی که تحت تأثیر واقع می‌شوند مشکلی با آن نداشته باشند و به شما اجازه دهند که [از آن امتحان] بگذرید؟ جداً سخت است. اما استاد گفته است که، "وقتی مریدان افکار درست فراوان داشته باشند، استاد قدرت دگرگون کردن وضع را دارد". اگر افکار درست شما به حد کافی قوی باشد، چه کسی جرئت می‌کند که کاری انجام دهد؟ بنابراین اگر درست باشید، استاد می‌تواند هر چیزی را حل و فصل کند. اما

اگر به طور صالح عمل نکنید، چه کاری از دست استاد برمی آید؟ به من بگویید، اگر خود شما کارها را درست انجام نداده باشید و با این حال استاد آن موجودات [نیروی کهن] را پاکسازی کند، آیا این می تواند قابل قبول باشد؟ اگر شما خوب عمل نکرده باشید و هر زمان که محنت‌هایی دارید آن موجودات را برای شما از بین ببریم، آنگاه در حال نجات چه کسی هستیم؟ این عملی نیست.

اما به هر جهت، همان طور که کمی قبل اشاره کردم، با اینکه آنها اصول کهن هستند، کاملاً فاسد بوده و خوب نیستند، آنچه در آن میان هست به هر جهت اصول مشترکی است که مردم روی زمین به آنها به عنوان "ارزش‌های جهانی" اشاره می‌کنند؛ در آسمان‌ها استانداردهای جهانی برای ارزیابی چیزها وجود دارد که در سراسر کل کیهان برقرار هستند. اگر [بر اساس این استانداردها] آن موجودات موافق چیزی نباشند، و سپس استاد برود و آنها را از بین ببرد، آنگاه ما در حال نجات چه کسی هستیم؟ سختی در اینجا نهفته است. من می‌توانم بر طبق استانداردها و الزامات خودم به امور بپردازم، آن چیزهای کهن را نادیده بگیرم، و تمام راه تا انتها به این صورت آن را انجام دهم. اما امکانش هست که آن موقع نتوانم هیچ موجودی را نجات دهم، زیرا همگی دور ریخته یا منفجر شده‌اند. بنابراین، دقیقاً به خاطر نجات دادن آنهاست که مریدان دافا آنچه که تحمل می‌کنند را متحمل شده‌اند، و بر همین اساس است که مسیر مریدان دافا این اندازه سخت است. تمام دشواری‌هایی که با آنها روبرو می‌شویم به این منظور هستند که بتوانیم آن موجودات را نجات دهیم. اگر مریدان دافا بتوانند کاری کنند که آنها احساس رضایت کنند، نه تنها آن موجودات موافق خواهند بود که مریدان دافا موفق بیرون بیایند، بلکه، مریدان دافا قادر خواهند بود که آنها را نجات دهند. نگاه شما به امور هر طور هم که باشد، لایه لایه‌های موجودات کیهان به این صورت به امور نگاه می‌کنند. هر یک از سطوح، پادشاه خود را دارند، و هر یک از لایه‌ها لرد خود را دارند. حیات‌ها در این کیهان بی‌اندازه بزرگ، که بی‌اندازه فراوان‌اند، به قدری زیادند که خارج از تصور شماست. و هر لایه‌ای از آنها این تأثیر را دارند، به طوری که هر یک از لایه‌ها امور را به این صورت می‌بینند. آنگاه درباره‌اش فکر کنید: اگر قرار باشد آنها را نجات دهید چه باید کرد؟ استاد البته می‌تواند آنها را دور بریزد. اگر دور ریخته می‌شدند و چیزی باقی نمی‌بود، آن مرحله را بدون نجات دادن حتی یک موجود می‌گذرانید و در مرحله بعد همان روند را تکرار می‌کردید: هر کسی که با شما مخالفت می‌کرد از بین برده می‌شد، از میان آن می‌گذشتید و... حتی یک موجود هم باقی نمی‌ماند. اگر در تمام مسیر آن را به این صورت انجام می‌دادیم، آیا در زمانی که کار را تمام کرده بودیم همه چیز را نابود نکرده بودیم؟ از این رو، مریدان دافا فقط زمانی که از عهده برمی‌آیند که مسیر خود را به شکلی درست ببینند می‌توانند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. و فقط آنگاه، در حالی که موجودات را نجات می‌دهید، می‌توانید موفق بیرون بیایید. این اندازه سخت است. این چیزی است که نجات موجودات ذی‌شعور را این قدر سخت می‌سازد. بعضی افرادی که نمی‌دانند درباره چه صحبت می‌کنند ممکن است بگویند که "می‌خواهند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند"، اما در واقع هیچ تصویری درباره این ندارند که نجات موجودات درگیر چه چیزهایی می‌شود.

به هر صورت، مریدان دافا از عهده برآمده‌اند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، و از این رو شما خارق‌العاده هستید. واقعاً، مریدان دافا از همان روز اول موفق بیرون آمده‌اند و بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از مردم دنیا را نجات داده‌اند. تحسین برانگیز است. استاد کاملاً خشنود است. آنچه که بسیاری از مریدان دافا بر عهده گرفته‌اند صرفاً عظیم بوده است، و تقوای عظیم نیز به طور مشابه عظیم است. اما، چرا باید این اندازه بر عهده بگیرید؟ و بعضی افراد از من می‌پرسند که چرا به آن شدت شکنجه شده‌اند. شاید آن شخص به نیابت از حیات‌های فراوان پشت خود چیزها را متحمل می‌شود. حیات‌هایی که لازم است از آنها حفاظت کند، و لازم است آنها را نجات دهد، صرفاً آن اندازه عظیم و آن اندازه زیاد هستند. شاید آن به خاطر هم عوامل خود او و هم عوامل موجوداتی که باید نجات‌شان دهد باشد؛ میزان کارما یا تعداد عواملی که از گذشته بر عهده دارد نیز ممکن است عظیم باشد؛ همچنین حساب‌های قدیمی جمع شده که توانایی حل آنها را ندارد نیز می‌تواند وجود داشته باشد و همچنین خصومت‌های کهنه‌ای که ابداً نمی‌توانند رفع شوند—برخی از آنها فقط می‌توانند با معاوضه زندگی خود او تسویه شوند. بنابراین بر این اساس است که در آزار و شکنجه، چیزها بسیار بسیار پیچیده هستند. نیروهای کهن کارهایی انجام داده‌اند، اما در میان مداخله آنها،

استاد نقشه‌های آنها را به خودشان برگردانده است. به هر جهت، استاد استانداردهای خود را دارد، و نیروهای کهن باید برای تمام کارهایی که انجام می‌دهند بپردازند.

قبلاً با شما در میان گذاشته‌ام که هر چیزی در سه قلمرو برای اصلاح فا وجود دارد. این شامل هم موجودات ذی‌شعوری می‌شود که تصدیق می‌کنند دافا خوب است و هم آنهایی که تصدیق نمی‌کنند. همگی می‌دانند که اصلاح فا در حال وقوع است، اما هیچ کسی نمی‌داند که این تعهد دقیقاً چقدر عظیم است. این مخصوصاً در رابطه با پادشاهان و لردها صدق می‌کند— آنها بر این باورند که عظیم هستند، اما متوجه نشده‌اند که در پشت آنها هنوز جهان‌های بی‌شماری وجود دارد. آنها خود را فوق‌العاده در نظر می‌گیرند، و از این روست که جرئت می‌کنند اینطور عمل کنند. اینگونه است که چنان سختی‌های بزرگی پدیدار می‌شوند. اما به هر جهت، مریدان دافا در حال نجات تعداد عظیمی از موجودات ذی‌شعور هستند و اصلاح فا به انتها رسیده است. همگی این را دیده‌اید، جلوتر که برویم شیطان قدرت کافی برای استفاده شدن را ندارد. رفته‌رفته اوضاع شیطانی‌ای که نیروهای کهن برای آزمودن مریدان دافا استفاده می‌کنند و همین‌طور محیطی که تحت فشار شیطانی، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، ناپدید می‌شود. علتش این است که شیطان اکنون برای استفاده شدن ناکافی است. نیروهای کهن معتقدند که قدرت آن دیگر برای آزمودن مریدان دافا و مردم دنیا کافی نیست، و آنچه که انجام می‌دهند دیگر [به عنوان آزمودن مریدان دافا] به حساب نخواهد آمد. در این صورت، استفاده استاد از مداخله نیروهای کهن به هنگام اجازه دادن به مریدان دافا که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند نیز در فرآیند خاتمه است. آنهایی که نجات نیافته‌اند، که در طی این دوره به‌هنگام روشنگری حقیقت مریدان دافا به آن گوش نکرده‌اند، یا حتی بعد از گفتن حقیقت به آنها، آن را درک نکرده‌اند، فرصت‌های تقدیری‌شان تمام خواهد شد. گذشته گذشته است. مرحله بعد به زودی آغاز خواهد شد.

در هر روزی که تاریخ قرار باشد به پایان برسد، آن روز به هیچ وجه نمی‌تواند به تأخیر بیفتد. فقط بر روی چیزهای خاص یا آنچه که در روند نمایان می‌شود می‌توان تغییراتی اعمال کرد. چیزهایی که خوب انجام نشده باشند بر روی امور بعدی تأثیر خواهند داشت، اما این چارچوب زمانی کل نمی‌تواند بسط یابد. این موضوعی از نیکخواه بودن یا نبودن استاد نیست. واقعیت این است که در انتها، اگر هر چیزی که نجات یافته یا دوباره شکل داده شده باشد، چیزی نباشد که من می‌خواهم یا به استانداردها من نرسد، بیهوده بوده است زیرا می‌بایست نابود شود. از این زمان نمی‌توان فراتر رفت. بنابراین، برای موجوداتی که نمی‌توانند نجات یابند، صرفاً به همان صورت است.

البته، حالا که این اندازه گفته‌ام، مریدان دافا ممکن است احساس کنند چیزهای بسیاری وجود دارد که خوب انجام نداده‌اند و برای‌شان افسوس می‌خورند. مطمئناً اینطور خواهد بود. در واقع، از همان شروع این تعهد می‌دانستم که با بشریتی که به این مرحله رسیده است و، علاوه بر آن، با وجود چنین مداخله عظیمی از سوی شیطان، برای مریدان دافا واقعاً سخت خواهد بود که حقیقت را برای مردمی روشن کنند که توسط اکاذیب ساخته شده به هنگام شروع آزار و شکنجه فریب خورده‌اند. در آن زمان می‌توانستم ببینم که همان موقع نیز نجات همه مردم محال بود، چه رسد به اینکه بتوانیم تمام موجودات ذی‌شعور کیهان را نجات دهیم. اما هنوز نهایت تلاش خود را خواهیم کرد که تعداد بیشتری را نجات دهیم، سریعاً آنها را نجات دهیم، و عجله کنیم که قبل از اینکه آن زمان فرا رسیده باشد هنوز حیات‌های بیشتری را نجات دهیم.

بنابراین، در حالی که بر این موضوع هستیم درباره موضوعات تزکیه کمی بیشتر خواهیم گفت. در رابطه با کارهایی که مریدان دافا قرار است انجام دهند، فرآیندی وجود دارد که به جلو پیش می‌رود. وقتی این دوره زمانی سپری شده باشد، این [فرآیند] تمام است. اگر آنگاه، بعد از نگاهی به گذشته، دریابید که چیزهای معینی را خوب انجام نداده‌اید، هیچ فرصتی برای جبران آنها وجود نخواهد داشت. البته، تزکیه هنوز تمام نشده است و می‌توانید به انجام کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند ادامه دهید، و اطمینان حاصل کنید که در رابطه با هر چه که در پیش رو قرار دارد به خوبی عمل می‌کنید. بنابراین از این منظر، هنوز فرصت‌های بسیاری در پیش رو و وقت برای انجام کارها وجود دارد. با این حال، اگر چیزهای زیادی باشد که خوب انجام نداده باشید، آنگاه واقعاً حسرت بسیار زیادی برای‌تان می‌ماند. برای مثال، سخنرانی‌ای که کمی پیش ارائه شد از شن یون می‌گفت. بگذارید امور را کمی روشن‌تر بیان کنم. شن یون به منظور نجات موجودات ذی‌شعور است. در حالی که همگی این را می‌دانید،

آیا این به فکر شما رسیده است: استاد در حال دادن فرصتی به شماست تا با هم کار کنید و اینکه کسانی که قدم پیش نگذاشته‌اند قدم پیش گذارند. هم‌زمان با گسترش تأثیر شن یون، مردم همگی دریافته‌اند که این یک نمایش ممتاز است. هیچ نمایشی که امروزه انسان‌ها به صحنه می‌آورند قابل مقایسه نیست. البته که قابل مقایسه نیست، چون همان‌طور که می‌دانید موجودات خدایی در صحنه هستند که به اجراگران کمک می‌کنند و آن می‌تواند برای مردم رهایی را به ارمغان بیاورد. چه کسی می‌تواند با آن برابری کند؟ هیچ کسی نمی‌تواند. و گذشته از این، این مریدان دافا هستند که در حال اجرا می‌باشند، و مهارت‌های اجراگران به خودی خود در سطح جهانی است. چیزی است که هیچ کسی نمی‌تواند با آن برابری کند. اما، همان‌طور که تمرین‌کنندگان هر ناحیه به ترویج شن یون می‌پردازند، هر زمان که با چیزی روبرو می‌شوید—اینطور نیست که نمی‌خواهید کارها به انجام برسند، و گرنه نیازی به جر و بحث درباره آنها نداشته‌اید—با اینکه همگی می‌خواهید امور انجام شوند، یکی اصرار می‌کند که آن اینطور انجام شود در حالی که دیگری می‌گوید طور دیگری انجام شود، یا یکی اصرار می‌کند که آن حالا انجام شود در حالی که دیگری می‌گوید که منتظر شوید، و هیچ کسی کوتاه نمی‌آید. این ذهنیت‌های شدید بشری به این می‌انجامد که افراد نتوانند همکاری کنند. و در مدت بحث‌هایی که دارید، ذهنیت‌های بشری بعضی افراد واقعاً قوی هستند، به طوری که بعضی‌ها حتی توسط آن وابستگی‌ها برانگیخته می‌شوند تا با دیگران دعوا و مشاجره کنند. حتی اگر آن افراد در نهایت آن را به آن روش دیگر انجام دهند، درباره‌اش کاملاً منفعل خواهند بود.

به شما می‌گویم، برای سال‌ها پیوسته گفته‌ام که توانایی‌های مریدان دافا عظیم است، با این حال خیلی از افراد این را باور ندارند چراکه آن توانایی‌ها مجاز نبوده‌اند که دیده شوند. تحت تأثیر افکار درست، هر چیزی در اطراف شما، و همچنین خود شما، دستخوش تغییر خواهید شد. با این حال هرگز در مورد این فکر نکرده‌اید که آن را امتحان کنید. نیروهای کهن و همین‌طور مداخله از سوی عناصر شیطانی دقیقاً در حال بهره‌برداری از شکاف‌های موجود در تفکرتان هستند. این کاری است که در تمام این سال‌ها انجام می‌داده‌اند. در تمام مدت، نیروهای کهن در حال هدایت ارواح پوسیده و عوامل حزب شیطانی بوده‌اند که این کار را انجام دهند، و منجر به این شده‌اند که در تلاش‌هایتان برای نجات مردم با شکست روبرو شوید. آنها این کار را انجام می‌دهند زیرا در نبرد مستقیم توانایی شکست شما را ندارند. اهمیتی ندارد چه نوعی از نیروی عظیم را گرد هم می‌آورند، لحظه‌ای که شروع به فرستادن افکار درست می‌کردید تمام آنها تبدیل به خاکستر می‌شدند، به طور کامل نابود می‌شدند و هیچ به حساب می‌آمدند. اگر این نوع مبارزه ادامه پیدا می‌کرد، مداخله از سوی ارواح پوسیده و عوامل حزب شیطانی از بین می‌رفت و ناپدید می‌شد. زمانی که مریدان دافا قادرند با تمرکز خوب و افکار درستی به حد کافی قوی افکار درست بفرستند—امتحان کنید—اگر می‌توانستید امروز آن را انجام دهید، نصف تمام شیطانی که اکنون وجود دارد محو می‌شد. دقیقاً به خاطر اینکه انواع وابستگی‌های بشری و همین‌طور مشکلات همکاری را دارید است که آن می‌تواند از شکاف‌هایتان بهره‌برداری کند، مانع از این شود که در آنچه که قرار است انجام دهید موفق شوید، و همان‌طور که به نجات موجودات ذی‌شعور می‌پردازید قدرت‌تان را تضعیف کند. شیطان هیچ ابزار دیگری در دسترس خود ندارد. وقتی افراد بد در این دنیا شرور به نظر می‌رسند، و شاید خیلی وحشیانه عمل کنند، علتش این است که موجودات شیطانی‌ای پشت آنها وجود دارند که از آنها پشتیبانی می‌کنند. آن موجودات شیطانی را از بین ببرید و دیگر آن فرد نخواهد توانست آن وحشی‌گری را داشته باشد. اگر مریدان دافا بتوانند در تلاشی متحد، توان‌شان را روی هم بگذارند، و با افکار صالح بینهایت قوی عمل کنند، درباره‌اش فکر کنید، این واقعاً به منزله حضور موجودات خدایی در این دنیا خواهد بود. برای شیطان صرفاً هولناک خواهد بود!

افراد شرور آنطور عمل می‌کنند چون شیطان از آنسو در حال پشتیبانی از آنهاست. اما شما همیشه به این نگاه می‌کنید که آن فردی که در سطح و ظاهر است چقدر بد است، چقدر شرور است، آن پلیس شرور چقدر اینطور و آنطور است، یا رفتار یک نفر چقدر غیرمنطقی است. همیشه نگاه‌تان را به ظاهر متمرکز می‌کنید. همیشه به شما گفته‌ام که این بدن بشری در اینجا صرفاً مثل تکه‌ای لباس است، و آنچه که واقعاً یک فرد را کنترل می‌کند روح اوست—خواه روح اصلی‌اش باشد یا روح کمکی او. و فقط آن روح نیست که می‌تواند یک فرد را کنترل کند. انواع موجودات هوشمند وجود دارند که آنها نیز می‌توانند یک انسان را کنترل کنند. موجودات حاضر در سطح نیستند که در حال انجام شرارت نسبت به مریدان دافا هستند. وقتی به عوامل پشت

صحنه پرداخته باشید، نگاه دیگری به سطح بیندازید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد. بدون درگیر بودن هیچ عاملی در پشت صحنه، یک انسان هر چیزی که به او بگوید انجام می‌دهد. شما یک تزکیه‌کننده هستید و کسی که دارای توانایی‌هایی است، و موجودی هستید که در حال پیمودن مسیر خدایی‌شدن است. در حالی که آن موجود یک انسان عادی است، و عاجز و ناتوان است. پس نباید همیشه چشم‌تان خیره به فرد حاضر در سطح باشد. فقط زمانی که به عوامل پشت صحنه رسیدگی کنید می‌توانید مشکل را از ریشه حل کنید. فقط آنگاه باعث خواهید شد که وضعیتی معین، یا آن شخص، تغییر کند.

همگی می‌دانیم که قبلاً که در حال فروش بلیت‌های [شن یون] بودید سخت بود. اما هر قدر هم که سخت بود، هنوز مسیری وجود داشت که آن را بیمایید. فقط موضوعی بود از اینکه آیا آن را دنبال می‌کردید. بعضی افراد پیشنهاد کردند که این کافی است که فقط افکار درست فرستاد. اما اگر فقط افکار درست می‌فرستادید، و هیچ کاری انجام نمی‌دادید، چگونه می‌توانست تزکیه نامیده شود؟ این مشابه طوری است که برخی افراد خواندن کتاب را اداره می‌کنند. فقط آن را می‌خوانند، و کارهایی که مریدان دافا قرار است انجام دهند را انجام نمی‌دهند. در این صورت، آیا یک مرید دافا به حساب می‌آید؟ این تزکیه دافا نیست. اگر می‌شد هر چیزی را با فرستادن افکار درست اداره کرد، حتی لازم نبود که شما انجامش دهید—می‌توانستم صرفاً جمعی از مریدان دافا در نیویورک را سازماندهی کنم که افکار درست بفرستند و دیگر هیچ کاری نداشتیم، و همه چیز اداره می‌شد. شما باید شخصاً درگیر شوید، تزکیه کنید، و بروید و چیزها را به مرحله عمل بگذارید. سخت کار کردن بخشی از تزکیه شماست. نیاز دارید به راه‌هایی فکر کنید تا افرادی که در نظر دارید نجات دهید را پیدا کنید. تمام اینها چیزهایی هستند که مریدان دافا باید انجام دهند. بکوشید که با هم خوب همکاری کنید. اگر پی می‌برید فردی کاری را به خوبی انجام نداده است، یا اگر در طی گفتگوی‌تان در جلسه برخی چیزها به خوبی اداره نشده یا ایده شما اتخاذ نشود، با این حال احساس کنید که آن واقعاً طوری است که امور باید اداره شوند، آنگاه، اگر از عهده این برآید که علیرغم اتخاذ نشدن ایده شما، آرام و بی‌صدا مراقب باشید که آن چیز به خوبی پیش برود،/ین مرید دافا بودن است.

همان‌طور که می‌دانید، با گذر زمان شن یون در حال بهتر شدن است و تأثیر آن رو به افزایش است. امسال در ایالات متحده در نزدیکی پایان اجراها، هر اجرایی که ارائه کردیم فروش کامل داشت. سال بعد بلیت‌ها باید کاملاً راحت به فروش بروند. اگر واقعاً اینطور بود که صرفاً با یک دور تبلیغات همه می‌آمدند، آنگاه به شما می‌گویم، از شما درخواست نمی‌کردم که بروید و بلیت‌ها را بفروشید. بعضی افراد ممکن است فکر کنند، "اوه، چه عالی! یکی از نگرانی‌هایمان کم می‌شود." اما اگر هیچ کاری انجام ندهید، آیا آن تزکیه به حساب می‌آید؟ استاد شما را فراخواند که آن مسیر را برگزینید و آن فرصت را برای‌تان فراهم آورد، اما آیا روی آن کار کردید؟ البته، اگر می‌گویید که در شن یون درگیر نشدید زیرا در حال انجام سایر پروژه‌ها بودید، آنگاه هیچ اشکالی ندارد. خیلی خوب است. اگر واقعاً کوشا بوده‌اید و خود را وقف آن پروژه‌های دیگر کرده‌اید، و در آنجا عالی کار کرده‌اید، پس مشکلی نیست و با اینکه روی شن یون کار نکردید من هنوز هم خوشحالم. اما بعضی افراد واقعاً کار زیادی انجام نمی‌دهند و آنچه را که انجام می‌دهند خوب انجام نمی‌دهند. به طور خلاصه، شما مایل نیستید خود را به زحمت بیندازید و می‌خواهید که امور راحت باشند. یا به بیان دیگر، مایل نیستید آنچه که قرار است انجام دهید را به موفقیت برسانید. این عملی نیست، و این خطرناک است. برای مریدان دافا استانداردهای مریدان دافا وجود دارد، و اگرچه ممکن است به نظر بیاید که فقط یک انسانید که در حال انجام تزکیه است، اما بعضی اوقات که افکار درست شما قوی هستند یک جمله‌تان تمام چیزی است که برای نجات یک فرد لازم است. اما او یک فرد عادی است، و او استانداردهای خود را در به‌دست آوردن رهایی دارد؛ او به مکانی که به آنجا نجات یافته است می‌رود. از سوی دیگر، شما استانداردهایی دارید که برای شما به کار می‌رود.

مورد دیگر این است که، همان‌طور که اکنون در مرحله آخر هستیم، بسیاری از شاگردان اکنون قادرند که به بعدهای دیگر دسترسی داشته یا آنها را ببینند—به طوری که برخی حتی صحنه‌هایی از آنچه که در اصلاح فایده‌ها انجام می‌دهند را می‌بینند. ذاتاً هیچ چیز غیر عادی در این خصوص وجود ندارد. شرایط هر فرد متفاوت است و وضعیت‌هایی که هر فرد در اصلاح فایده تجربه می‌کند فرق دارد، بنابراین بعضی افراد هستند که می‌توانند چیزها را ببینند. چیزی که می‌خواهم به شما یادآور شوم این است که قبلاً برخی شاگردانی نظیر این بودند که نتوانستند خود را به خوبی اداره کنند و تباه شدند. بعد از اینکه چیزی را دیدید، نگذارید

تفکر بشری، وابستگی‌ها و انواع افکار هیجانی را بیرواند و در نتیجه خود را نابود کنید. در این زمینه‌ها همین حالا نیز درس‌هایی برای یاد گرفتن وجود دارد. این چیزی است که باید مراقب آن باشید.

همیشه گفته‌ام که محدوده‌ای از کیهان که یک مرید دافا مسئول آن است بزرگ است. ممکن است پادشاه یک عالم باشید، یا حتی آگاه‌شده‌ای از سطحی بسیار بسیار بالاتر، پس درباره‌اش فکر کنید: چنان عالمی چه اندازه بزرگ است؟ شاکيامونی گفت که درون یک دانه‌شن سه هزار جهان ریز وجود دارد. آنگاه در شن آن شن آیا سه هزار جهان ریز دیگر وجود ندارد؟ آنگاه در آن دنیاها آیا دوباره شن وجود ندارد؟ پس در شن جهان ریز آن شن نیز شن وجود دارد، و آیا رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاچه‌هایی وجود ندارد؟ و در آن شن آیا دوباره سه هزار جهان ریز وجود ندارد؟ آیا در سه هزار جهان ریز درون آن شن نیز دریاچه‌هایی وجود ندارد، و باز هم شن بیشتر؟ و در آن شن آیا دوباره سه هزار جهان ریز وجود ندارد؟ در کیهان، ساختار بدن بشری بزرگ در نظر گرفته می‌شود، زیرا بدن بشری از ذرات درشت ساخته شده است. البته، چیزهای بسیاری بزرگ‌تر از انسان وجود دارد. بنابراین، اگر اینطور باشد، آنگاه با رسیدن از آنچه که در کیهان بزرگ‌ترین است به آنچه که کوچک‌ترین است، یک دانه‌شن دنیاها بسیار زیادی در خود دارد و در واقع هوا نیز از ذرات تشکیل شده است— و ذرات آن نیز از ماده‌ای که باز هم ریزتر است ساخته شده‌اند. آن ماده ریز مطمئناً چیزی شبیه خاک و سنگی که چشم انسان در اینجا می‌بیند نیست؛ قطعاً وضعیت ماده در بعد خودش را به خود می‌گیرد. بنابراین، هوا از ذرات مولکولی تشکیل شده است، مولکول‌ها نیز از اتم‌ها تشکیل شده‌اند، و اتم‌ها متشکل از ذرات حتی ریزتری هستند. همان‌طور که به این صورت به طرف پایین در ریزکیهان ادامه پیدا می‌کند، حتی برای خدایان بسیار بالا نیز به نظر می‌رسد که آن به طور نامحدود ادامه می‌یابد. آنگاه چه تعداد ذره، هوا را می‌سازند؟ انواع مختلف زیادی از گازها هستند که هوا را می‌سازند. پس در واقع، در چیزهایی که برای انسان نامحسوس هستند عناصر بسیار بسیار زیادی وجود دارد. آیا قبول ندارید که دانشی که علوم امروزی دارند صرفاً بینهایت سطحی است؟

این برداشتی بشری است که هر جا که یک فرد بتواند پای خود را بر آن بگذارد زمین است، این چیزی است که زمین است، و یک فضای باز که فرد نمی‌تواند بر روی آن بایستد زمین نیست. اما خدایان آن را به این صورت نمی‌بینند. برای آنها، هر چیزی که از مولکول‌ها تشکیل شده باشد زمین یا خاک است. اگر خدایان بالا از اتم یا هسته‌های اتم تشکیل شده باشند، آنگاه آن سطح از ذرات نیز در تمام حیطه‌های کیهان پخش است. خدایان و انسان‌ها به شکل متفاوتی به امور نگاه می‌کنند، و مفاهیم‌شان متفاوت است. چشمان انسان از مولکول تشکیل شده‌اند و فقط می‌توانند این چیزهای کم و اندک را ببینند. برای یک خدا کاملاً متفاوت است. درون حیطه او، او قادر مطلق است، و می‌تواند هر چیزی را ببیند. این عالم بسیار وسیع است— با رفتن از بزرگ کیهان تا ریزکیهان، چه تعداد موجود وجود دارد؟ و چه تعداد ذره، هر موجود را می‌سازد؟ درون هر ذره دنیاچه‌هایی وجود دارد، و کل آن سطح متشکل از جهان‌های صرفاً بیشماری است. و چه تعداد از دنیاچه‌های خدایان در درون آن وجود دارد؟ تاریخ هر یک از دنیاچه‌های چنین خدایانی چقدر طولانی است؟ چه تعداد داستان زندگی در آنجا یافت می‌شود؟ زمانی که به هر موجود نگاه می‌کنم، مثل خواندن یک زندگینامه یا یک رمان تاریخی است، به طوری که هر دوره زندگی در درون آن شامل شده است و تمام آنها هنوز در حال نمایش‌اند، روشن و زنده. حیات‌ها در کیهان بزرگ‌تر صرفاً به‌طور بسیار بیشماری زیاد هستند و در اندازه‌های بسیار بسیار متفاوتی وجود دارند، به طوری که هر فرد، هر خدا، و هر موجود، تاریخ خود را دارد— بسیار شبیه یک داستان. جریان زندگی، برای هر فرد، درست مثل یک کتاب تاریخ است. آنگاه درباره این فکر کنید که این کیهان به چه طرز حیرت‌آوری غنی و پیچیده است. مشکل بتوان گفت که چیزهایی که در تزکیه می‌بینید یا با آنها مواجه می‌شوید از کجا می‌آیند، اما زمانی که پیش چشم شما به نمایش درمی‌آیند، یا زمانی که می‌توانید با یکی از این چیزها روبرو شوید، هر اندازه هم که ریز باشد، ظاهرش به هر جهت ظاهر یک کیهان عظیم خواهد بود. علتش این است که برای اینکه وارد آن قلمرو شده باشید، برای اینکه شخصاً آنجا باشید، باید همان اندازه موجودات آنجا را به خود بگیرید، و آنگاه درخواهید یافت که آن دنیا به طور بی‌مانندی وسیع است. در عین حال، وضعیت ذهن شما با شیوه تفکر آن دنیا همسو خواهد شد. این در رابطه با ورود به هر محیطی صدق می‌کند: شما به روشی سازگار با آن بعد به آن دنیا خواهید نگریست. بعضی افراد حتی دنیای ریزکیهانی‌ای دیده‌اند که به قدری کوچک بوده که به نظر می‌رسد امکان ندارد چیزی از آن کوچک‌تر باشد، با این حال، آن مکان کوچک، وقتی با مفاهیم بزرگ و کوچکی که

انسان‌ها دارند سنجیده شود، [به طور ظاهری] تفاوتی با یک بعد بزرگ یا موجودی با شکلی بزرگ‌تر نخواهد داشت— خواه از نظر چگونگی تجلی خدایان یا موجودات [در آن قلمروی ریز] یا از نظر مناظر اعجاب‌انگیز آنجا. موجودات ذی‌شعور برابرند. موضوع اندازه فیزیکی مطرح نیست. اما به طور مشابه، [دیدن آنها] وابستگی سرمستی شما را برمی‌انگیزد. فکر خواهید کرد، "وای، این واقعاً فوق‌العاده است!" اما حقیقت این است که: در بدن کیهانی عظیم عالم، چنان چیزهایی واقعاً بیش از حد ناچیز هستند که درباره‌شان صحبتی شود. آیا آنچه که سعی در توضیح آن دارم را متوجه شده‌اید؟ (تسویق)

بدین معنی که، این کیهان صرفاً بسیار عظیم است و موجودات ذی‌شعور صرفاً بسیار زیاد هستند، بی‌اندازه زیاد، در انواع و اقسام اندازه‌ها. به هر حالت وجودی‌ای که وارد شوید، به موضوعات و یا به موجودات آنجا به شیوه‌ای سازگار با آن وضعیت وجودی خواهید نگریست. بیشتر اینکه، به علت دلایل تزکیه‌ای، شما نیز در آنجا الهی خواهید شد— شاید حتی الهی‌تر و قدرتمندتر از آن موجودات. با این حال، شما هنوز یک بدن بشری دارید، بنابراین اگر حفاظ خود را پایین بیاورید وابستگی‌های بشری‌تان بلند خواهد شد: "وای، من خیلی فوق‌العاده‌ام!" آنگاه وقتی به این به اصطلاح "واقعیت" انسان‌ها برگشتید، فکر می‌کنید، "جداً برای خودم کسی هستم!" واقعاً، افراد بسیاری بوده‌اند که با دیدن ذره‌ای، قسمتی، یا وقوع چیزی در عالم ذهن‌شان شروع به تزلزل کرد. در گذشته که در حال آموزش فا بودم، بعضی افراد اطلاعات خاصی دریافت کردند که به دوران کهن بازمی‌گشت، و فکر کردند که به یک بودا شباهت دارند. آنگاه خود را بودا در نظر گرفتند، و از این بابت بسیار خوشحال بودند. شرکت در کلاس‌هایمان را نیز متوقف می‌کردند. در روزهای آغازین به همه جا می‌رفتند تا اعلام کنند که بودا هستند و نیازی به تزکیه ندارند. آنها قادر به تزکیه نیز نبودند، زیرا آن وابستگی بشری واقعاً بزرگ شده بود. اگر در تزکیه از تفکر بشری‌تان رها نشوید، هر چیزی ممکن است در نقش برانگیختن وابستگی‌هایتان یا به عنوان مانعی در تزکیه‌تان عمل کنند. اجازه ندهید هیچ وابستگی‌ای رشد کند. همان‌طور که استاد گفته است، هیچ راهی نیست که بشود تصویر حقیقی و کامل کیهان را ببینید، زیرا حتی موجودات خدایی سطوح پایین نمی‌توانند آن را ببینند، چه رسد به شمایی که زیر بار یک بدن بشری هستید. علی‌رغم هر چیزی که موجودات آن قلمروها درباره خارق‌العاده بودن شما بگویند، شما قبل از کمال هیچ کسی نیستید. شاید مدت‌ها پیش موجودی در آنجا بوده یا زمانی پادشاه‌شان بوده باشید، اما همه‌اش همین است، زیرا اکنون یک انسانید و نمی‌توانید برگردید. فرد قبل از کامل کردن کل روند تزکیه یا در صورت عدم موفقیت تزکیه‌اش نمی‌تواند برگردد. بنابراین ابداً به هیچ وجه وابسته نباشید. با افکار درست قوی و قلبی آرام، آنچه که قرار است را انجام دهید. کیهان صرفاً بسیار وسیع است.

اگرچه بعضی کلمات بر نوک زبانم هستند، تمایلی به بیان آنها ندارم. علتش این است که نگرانم ذهنتان را به جنب و جوش وادارد و آنگاه بخواهید پیرسید که چرا این، چرا آن، و بیشتر کندو کاو کنید. وابستگی‌های خاصی را برمی‌انگیخت. اما استاد به شما می‌گوید، کیهان ما— یعنی، کیهانی که مربوط به حیات‌های ما است— این کیهان بی‌اندازه عظیم چیزی است که مدت‌ها قبل اداره کردن آن را تمام کردم. [بخش‌هایی از] استاد که در سطوح بالاتر بودند پیش از این به مکان‌های درست خود بازگشته‌اند. کیهان ما هم اکنون به‌طور بی‌مانندی زیباست. زمانی که تمامی این را تمام کردم، خواستم که به مرحله بعد حرکت کنم، اما دریافتیم که بعد بشری، که رویه کیهان است، هنوز نمی‌تواند آزاد شود. و چرا اینطور است؟ این کیهان آن قدر بسیار عظیم است که صرفاً خارج از تصور است. حیات‌های آن آن قدر زیاد هستند که حتی حیات‌های گستره‌ای کوچک هم به قدری زیادند که نمی‌توان آنها را شمرد، در حالی که بدن‌های کیهانی وسیع آن صرفاً غیر قابل وصف هستند. بدین خاطر، در زمان‌های اخیر که فا را آموزش دادم، هیچ‌گاه درباره اینکه کیهان چقدر بزرگ است صحبت نکردم، چرا که هرچه در زمان جلوتری این کار را انجام می‌دهم، آن بزرگ‌تر است، و قدرت فکر یا زبان بشری در توصیف را به چالش می‌کشد. هنگامی که اصلاح فا به نقطه پایان رسید پی بردم که موجودات بدن‌های کیهانی دیگر که با هیچ چیزی در کیهان ما ارتباطی ندارند متوجه شدند که بعد از آنچه که انجام گرفته است در نهایت کیهان ما چقدر عالی شده است، طوری که آن اکنون مثل یک جواهر درخشان در کیهان بود، مثل یک الماس. همگی آن را چیز خوبی یافتند و این فا را آرزو کردند. همگی خواستند که این فا را کسب کنند. (تسویق)

پیش‌تر مفهوم جهان را برای شما توضیح دادم، و اینکه چگونه راه‌های شیری متعدد یک گستره از آن را می‌سازند. آن گستره چیزی است که ما به عنوان یک جهان کوچک به آن اشاره می‌کنیم. صدها میلیون جهان نظیر این لازم است تا جهان لایه دوم

را بسازد. در رابطه با اینکه کیهان نهایتاً چقدر عظیم است، فرض کنید که جهانی عظیم که از یک تریلیون لایه تشکیل می‌شود را به عنوان یک حوزه در نظر بگیریم، و سپس یک تریلیون از این حوزه‌های یک تریلیون لایه‌ای را با هم در یک گروه بگذاریم - آنگاه می‌توانیم این یک تریلیون حوزه یک تریلیون لایه‌ای را یک ذره هوا بنامیم. چنان ذراتی در سالن کنفرانس اینجا پخش هستند. اگرچه آن به منزله تعداد عظیمی از جهان‌هاست، هنوز هم فقط ذره‌ای کوچک و غیرمهم در فقط یک بعد از جهان است. زمانی که به هنگام انجام اصلاح فا به انتها رسیدم، دیدم که دیگر فرم موجودات چیزی نبود که موجودات پایین‌تر قابلیت درک آن را داشته باشند؛ همان‌طور که اصول فا صعود می‌کردند، صرفاً هیچ راهی برای خدایان در سطوح پایین‌تر نبود که آنها را درک کنند. زمانی که به آن قلمرو و وضعیت آن رسیدم، در نهایت دریافتم که آن نیز فقط ذره‌ای غبار در کیهان است.

به خوبی می‌دانم که موجودات، در هر قلمرویی که باشند، مثل هم هستند: همگی درک می‌کنند که زندگی چقدر زیباست. البته سه قلمرو استثنا است. به عنوان مریدان دافا، اگر بتوانید مأموریت‌های خود را به انجام برسانید؛ اگر بتوانید در هر قلمرویی که در تزکیه‌تان هستید، موجوداتی که باید نجات دهید را نجات دهید؛ اگر بتوانید موجوداتی را که باید از میان انسان‌ها برهانید آزاد کنید؛ و اگر بتوانید مسئولیت‌های یک مرید دافا را به انجام برسانید، آنگاه، به هنگام بازگشت، افتخار غیر قابل توصیفی را تجربه کرده و شکوه عظیم دامنه کیهانی خود را لمس خواهید کرد. با تمامی اینها، یک خدا چیزی شبیه حس عدم رضایتی که یک انسان ممکن است داشته باشد نخواهد داشت. خدایان وضعیت هستی بشری ندارند. یک خدا، در هر قلمرویی که باشد، در واقع اگر به او پیشنهاد جابجایی به قلمرویی بالاتر را می‌دادید خوشحال نمی‌شد. فکر می‌کرد که آن مکان هیچ ارتباطی به او ندارد. او به طریقی بشری فکر نمی‌کرد. بدن کیهانی عظیم - آن قدر عظیم که در تصور نمی‌گنجد - که در حال توصیف آن بودم صرفاً برای این بود که حسی از عظمت آن به شما بدهم. با فکر کردن درباره آن هیجان زده نشوید، چرا که هیچ نفعی ندارد. آن صرفاً بسیار عظیم است.

گاهی اوقات فکر می‌کنم که در حالی که یک موجود ممکن است خیلی ناچیز به نظر برسد، هر کدام داستان زندگی خود را دارند. برخی باوقار و تکان‌دهنده هستند، برخی پیچیده و پر از پیچ و خم هستند، برخی فرح‌بخش هستند، برخی دردناک، و برخی نیکخواه و مهربان هستند، هر کدام ویژگی‌های مختلف آن موجود را دارند. من واقعاً برای آنها ارزش قائلم. اما، چنان حیات‌های پایینی توسط پادشاهان یا حتی خدایان بزرگ‌تر سطوح مختلف کیهان ارزشمند تلقی نمی‌شوند. این چیزی است که توسط وضعیت هستی آنها تعیین می‌شود. آنها فقط استاندارد کلی را مهم در نظر می‌گیرند. یک موجود بخصوص یا گروه‌های موجودات در گستره‌های بزرگ‌تر برای آنها چیزی به حساب نمی‌آیند، زیرا [آن خدایان] صرفاً بسیار بزرگ هستند. در این مرحله تمام اصلاح فا را به پایان رسانده‌ام، همه چیز کامل شده است، و بدن‌های کیهانی دیگر همان گام‌ها را دنبال خواهند کرد. با این حال، زمان کلی اصلاح فا نمی‌تواند به درازا بینجامد. آن هنگام که قرار باشد، خاتمه خواهد یافت.

مدتی قبل، برخی مریدان دافا هنوز قدم پیش نگذاشته بودند، بنابراین مجبور بودیم صبر کنیم و بهترین سعی خود را انجام دهیم که آنها قدم جلو بگذارند. اما زمان برای این در حال اتمام است. وقتی شاگردانی را می‌دیدم که از چین بیرون آمده‌اند، اصرار می‌کردم که به این شاگردانی که قدم پیش نگذاشته‌اند بگویند که به سرعت قدم پیش بگذارند - که این شاگردان گم‌شده را سریعاً پیدا کرده و واقعیت‌ها را برایشان تشریح کنند، زیرا چیزی که در غیر آن صورت با آن مواجه می‌شوند غم‌انگیزترین پایان است. تزکیه موضوع جزئی‌ای نیست. و این مخصوصاً برای مریدان دافا این چنین است، که چنان مأموریت‌های تاریخی عظیمی را بر عهده دارند. آنچه به آن مأموریت گره خورده است بقا و مرگ و زندگی موجودات صرفاً بشمار می‌آید. آیا این را چیز بزرگی نمی‌نامید؟ چیز عظیمی است. اینجا در دنیا، آن در ظاهر صرفاً روشنگری حقیقت و توقف آزار و اذیت شیطانی است. و زمانی که به خوبی در حال اداره چیزها نباشید، چیزها را با تفکر بشری می‌سنجید. ولی امور در این دنیا وهمی و گمراه‌کننده هستند، و روشی که فرد تزکیه می‌کند می‌گذارد که دقیقاً در میان ایمان و تردید تزکیه کنید. اگر بتوانید از عهده این برآید که خود را تزکیه‌کننده در نظر بگیرید و واقعاً، محکم، با افکار صالح قوی امور خود را اداره کنید، آنگاه آن به خودی خود واقعاً خارق‌العاده است. این چیزی است که توسط روش دنیا معین شده است، و بنابراین اگر می‌توانستید امور را دقیقاً به روشی مشابه یک موجود خدایی انجام دهید، به حساب نمی‌آمد. اگر این مجاز بود، می‌توانستیم صرفاً آن جاودان‌های زمینی را از کوه‌ها بیرون بیاوریم و امور را به

انجام برسانیم. یا صرفاً می‌توانستیم از همان ابتدا گونگ مریدان دافا را باز کنیم و امور در یک لحظه انجام می‌شدند. اما به این شکل عملی نیست، و به حساب هم نمی‌آید. ما مردم را در میان توهم نجات می‌دهیم. اجتماع بشری صرفاً مکانی متوهم است، بنابراین باید مردم را به روشی مناسب اجتماع بشری نجات دهیم. زمانی که خلق شد، تعمداً به این صورت درآورده شد.

با همه آنچه که استاد گفته است، مطمئن نیستیم: آیا همه را فهمیدید؟ (تشویق به نشانه تأیید) برخی چیزها واقعاً آنطور که افراد تصور کرده‌اند نیستند. ذره‌ای افترا از سوی شیطان این بوده است که، "اگر استاد شما آن قدر قدرتمند است، چرا چیزها را به این یا آن صورت انجام نمی‌دهد؟" می‌توانم. اما این کار را نمی‌کنم. آمده‌ام که موجودات ذی‌شعور را نجات دهم، و مهم نیست که یک موجود چقدر بد باشد، به او فرصتی خواهم داد. ممکن است بد شده باشید و جرئت گفتن چنان چیزهایی را به خود بدهید، اما این به خاطر اخلاقیات رو به انحطاط دنیا و همین‌طور عوامل شیطانی دست‌اندرکار در پشت صحنه است. نسبت به شما که یک موجود هستید احساس ترحم دارم، و نیک‌خواهی حس می‌کنم. می‌خواهم فرصتی به شما بدهم. نمی‌خواهم از شما دست بکشم. اما، اگر این لازم شود، قطعاً کاری است که انجام خواهم داد. در واقع موجودات خدایی خواهند بود که چنین می‌کنند. وقتی آنها چنان شرارت‌هایی را می‌بینند آن را بر نمی‌تابند، و نیازی نخواهد بود که من آن کار را انجام دهم.

استاد از مسیری که مریدان دافا در این سال‌ها پیموده‌اند واقعاً خشنود است. البته، آنهایی که آن را خوب نپیموده‌اند یا قدم پیش نگذاشته‌اند هنوز در این مرحله نمی‌توانند مرید دافا نامیده شوند. آنهایی که با موفقیت آن را گذرانده‌اند، و توانسته‌اند دست به عمل بزنند، واقعاً خارق‌العاده هستند. با این کار، مداخله نیروهای کهن را نفی کرده‌اند. آنها تسلیم شیطان نشده‌اند، و شکنجه بی‌سابقه و شدید مریدان دافا که فرضاً در حال "آزمودن" آنهاست آنها را پایین نکشاند است، بلکه در عوض به آبدیده شدن چنین مریدان دافایی انجامیده است. خواه سختی‌ها بود یا شکنجه شیطان، هر چه که بود، شما آن را با موفقیت گذرانده‌اید—واقعاً آن را با موفقیت گذرانده‌اید. آنچه که [از شیطان] باقی است دیگر کافی نیست تا چیزی محسوب شود که بتواند به مریدان دافا به صورت کل لطمه‌ای وارد کند. صرفاً می‌تواند به عنوان به‌اصطلاح "آزمودن" آنهایی که مسیر را به خوبی نپیموده‌اند یا "آزمودن" مناطقی خاص عمل کند. وقتی شیطان تفکر بشری را [در مریدان دافا] می‌بیند، از آن استفاده می‌برد تا کارهای بد انجام دهد، زیرا نیروهای کهن فکر می‌کنند که این طوری است که امور باید انجام شوند. به هنگام نجات موجودات ذی‌شعور، هنوز نیاز داریم که تمام آن مداخله از سوی نیروهای کهن را نفی کنیم. در تمام مدت، این آن طوری بوده که توانسته‌ایم از آن موفق بیرون بیاوریم. مریدان دافا هم‌زمان با نفی شکنجه و آزار و نجات موجودات ذی‌شعور در حال دستیابی به موفقیت برای خود، و به‌خوبی پیمودن گام پایانی سفر خود هستند.

به شما می‌گویم: مسیری که پیموده‌اید و آنچه که انجام داده‌اید را گرامی بدارید، تمام زمانی را که برای اعتباربخشی به فا صرف کرده‌اید گرامی بدارید. آنچه سپری شده هیچ‌گاه باز نخواهد گشت. اگر کسی می‌خواست سعی کند که دوباره شرایطی از وحشت به وجود آورد تا مریدان دافا را در آن آبدیده کند، دیگر ممکن نمی‌بود، زیرا شیطان چندان باقی نمانده است. همان‌طور که اصلاح فا به پیش می‌رود، سطحی پس از سطح دیگر، بی‌وقفه در مقیاسی وسیع در حال از بین بردن عناصر شیطانی است و کیهان جدید پیوسته در حال پیشروی در شکل‌گیری خود است. مریدان دافایی که خوب عمل کرده‌اند در حال از بین بردن شیطان در مقیاسی وسیع، در سراسر گستره [کیهانی] و منطقه‌ای که مسئول آن هستند بوده‌اند. بنابراین، اگر فردی می‌خواست که آن عناصر شیطانی نقش بزرگی را ایفا کنند، دیگر امکان‌پذیر نمی‌بود.

همان‌طور که می‌دانید، این روزها همه در اجتماع چین به حزب شیطانی دشنام می‌دهند. شما می‌دانید که چرا این‌طور است. آنهایی از ما که مسن‌تر هستیم به یاد داریم که چگونه در گذشته هیچ‌کسی جرئت نمی‌کرد از حزب شیطانی انتقاد کند. اما حالا همه این کار را انجام می‌دهند، زیرا اکنون تقریباً هیچ عامل شیطانی از حزب پلید باقی نیست. زمانی که در ابتدا آزار و شکنجه آغاز شد، تراکمی که همه چیز را با آن پوشاندند عظیم بود. آنها در حال تماشای مردم و حتی اعمال کنترل بر آنها بودند، پس چه کسی جرئت داشت بگوید که حزب شیطانی بد است؟ شاید در دستشویی بودید و درها بسته بودند و هنوز جرئت نمی‌کردید که زیر لب از حزب شیطانی شکایتی کنید، و حتی در همان حال هم می‌ترسیدید. آن عناصر شیطانی دست‌اندرکار بودند. اما حالا که آن عناصر شیطانی در چنین مقیاس وسیعی نابود شده‌اند که تقریباً از میان رفته‌اند، مردمی که هنوز حسی از

عدالت دارند در حال برخاستن و رساندن صدای خود هستند. و حتی هنگامی که افراد می‌بینند که حزب شیطانی مردم را شکنجه می‌کند، جرئت می‌کنند که آن را محکوم کنند، چراکه عوامل شیطانی زیادی باقی نیستند. به بیان دیگر، شرایط وحشت، دیگر وجود ندارد، و به طور روزافزونی محیطی که نیروهای کهن برای آزار تزکیه‌کنندگان، یا آبدیده کردن مریدان دافا، خلق کردند، در حال ناپدید شدن است. زمانی که دیگر برای آزمودن مریدان دافا یا به عنوان فشار در هنگامی که مریدان دافا به نجات موجودات ذی‌شعور می‌پردازند کافی نباشد، آن زمانی است که امور در شرف پایان‌اند. نیازی ندارید که آن را به شما بگویم. خودتان می‌توانید آن را ببینید. وضعیت به سرعت در حال تغییر است. اما به هر جهت، تزکیه‌کنندگان تزکیه‌کننده هستند و ما در امور سیاسی افراد عادی درگیر نمی‌شویم. هر کسی که کارهای خوبی برای دافا انجام داده باشد تأیید خدایان را به‌دست خواهد آورد. و البته، مریدان دافا شاهدهی بر این خواهند بود. برای آن افراد، این به منزله خلق آینده‌ای برای خودشان است.

این بود صحبت امروز. از همه متشکرم. (تشویق طولانی پرشور)

چند کلمه‌ای اضافه می‌کنم. شکلی که شما استاد را می‌بینید شکل یک موجود بشری است. یک شکل کامل بشری است، با تمام اجزای بشری - دقیقاً مثل یک موجود بشری. اما، در هر یک از سطوح کیهان، بدن استاد دقیقاً از لحاظ شکل با موجودات آن سطح از کیهان تطابق دارد. این مطلب اینجا نیز صادق است. همان‌طور که به شما گفته‌ام، اگرچه این مکانی برای موجودات بشری است، از آنجا که بخش اصلی استاد در اینجا است، این نقطه قلب اصلاح فای تمام کیهان شده است. خواه نیروهای کهن باشند یا موجوداتی که می‌خواهیم نجات دهیم، تمام بدن‌های کیهانی عظیم در کیهان که آرزو دارند نجات یابند می‌خواهند که وارد اینجا شوند. برای مقاصد ایمنی، حیات‌های حقیقی تمام موجوداتی که هنوز باید توسط فای اصلاح شوند همگی اینجا پیش من نگه داشته می‌شود؛ حیات‌های آنها همگی پیش من مهر و موم شده است، تمام راه از لایه لایه ذرات من تا سطحی‌ترین سلول‌ها. اما با این وجود هم، به شما می‌گویم، استاد به هیچ شکلی متفاوت با یک موجود بشری به نظر نخواهد آمد. برای هیچ کسی شبیه یک خدا به نظر نخواهد آمد، مگر آنکه دقیقاً پیش از کامل شدن اصلاح فای باشد. اگر هم‌اکنون می‌خواستیم که درست مثل یک خدا نمایان شویم، شرایط تزکیه شما را تباه می‌کرد؛ توهمی را که قرار است تحت آن به چیزها روشن بین شوید از بین می‌برد. تمام اعمال‌تان و تزکیه‌تان از آن مرحله به بعد بیهوده می‌بود، همه چیز تباه می‌شد، و موجودات ذی‌شعور نمی‌توانستند نجات یابند. پس، با تفکر بشری به فای نگاه نکنید، و با ذهنیتی بشری درباره استاد فکر نکنید. فایی که استاد به شما آموزش داده است می‌تواند شما را قادر به تزکیه کند، و بر اساس این فای است که قرار است تزکیه کرده و چیزها را بسنجید. خطایی در خصوص فای وجود ندارد. فای با سطحی‌ترین زبان، زبان بشری نوشته شده است، با استفاده از ساختارهای زبان بشری، اما به هیچ وجه محدود به این سطح ظاهری نیست: در سطحی پس از سطح سطح سطوح کیهان، معانی فای در آن شامل شده است.

از همه متشکرم! (تشویق طولانی پرشور در سرتاسر سالن)

[1] 义 / یی: پایبندی و مسئول بودن نسبت به دیگران بر اساس روابط و پیوندهای انسانی (همچون دوستان، بستگان و غیره)، حس عدالت، درست‌کاری، و مسئولیت.

[2] 忠 / جونگ: وفاداری (به کشور، پدیدآورنده، پادشاه، یا قدرت بالاتر) با وقف کردن کامل و تلاش خستگی‌ناپذیر.

[3] ترجمه مشابه: "راه خروجی داده شده است".